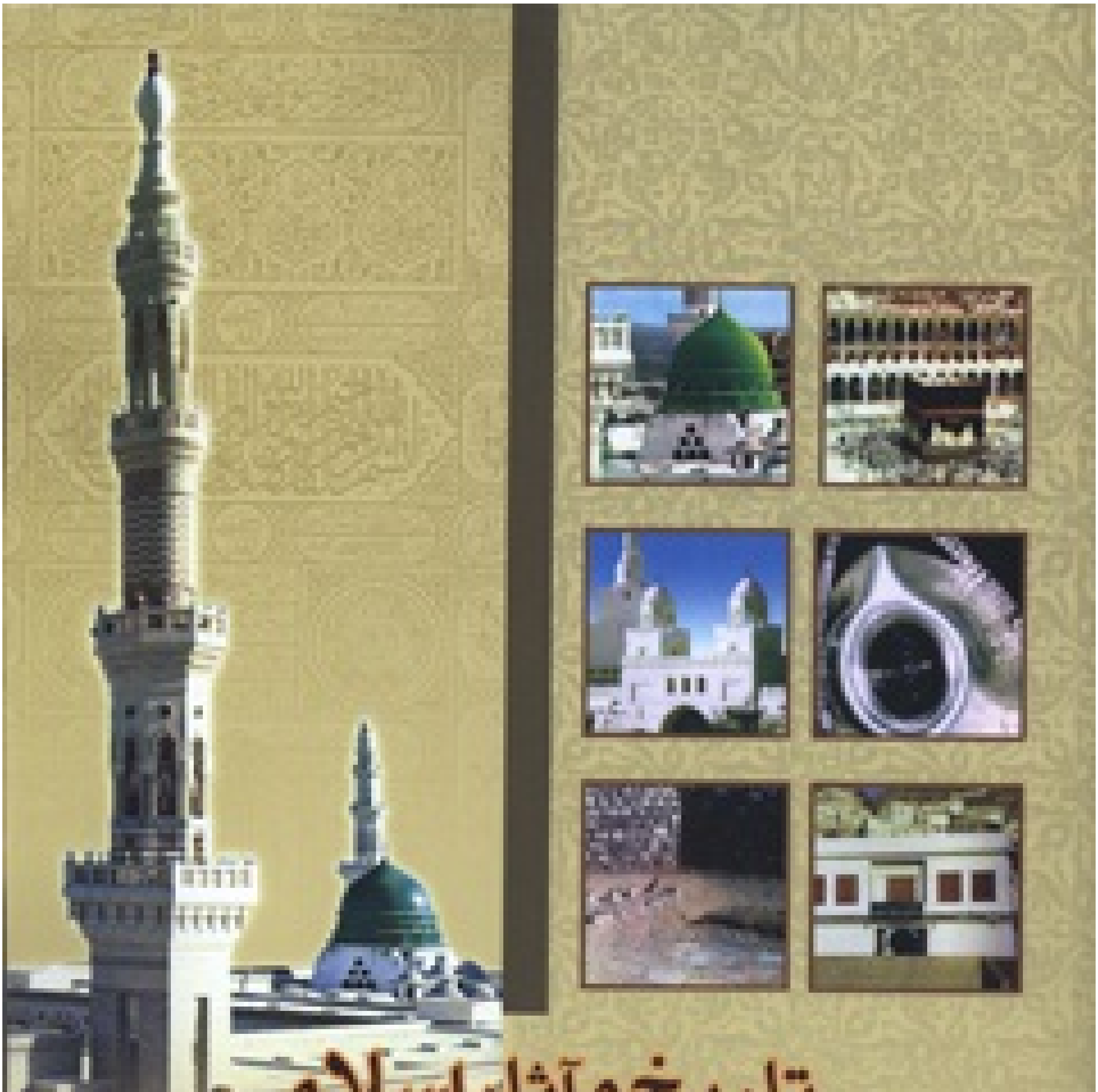


تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره

دکتر اصغر قائدان

بسم الله الرحمن الرحیم

درسنامه آشنایی با تاریخ و اماکن مقدس مکه مکرمه و مدینه منوره

نویسنده:

اصغر قائدان

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

درسنامه آشنایی با تاریخ و اماکن مقدس مکه مکرمه و مدینه منوره

مشخصات کتاب

سرشناسه : قائدان، اصغر، ۱۳۴۳-

عنوان و نام پدیدآور : درسنامه آشنایی با تاریخ و اماکن مقدس مکه مکرمه و مدینه منوره/اصغر قائدان.

مشخصات نشر : تهران: مشعر، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری : ۳۰۸ ص.

شابک : ۳۰۰۰۰ ریال:۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۲۵۷-۸

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : مکه (عربستان سعودی)

موضوع : مدینه (عربستان سعودی)

رده بندی کنگره : DS۲۴۸ /م۷ق۲ ۱۳۸۹

رده بندی دیویی : ۹۵۳/۸

شماره کتابشناسی ملی : ۲۱۰۱۹۵۲

ص: ۱

اشاره

مراتب معنوی حج، که سرمایه جاودانه است و انسان را به افق توحید و تنزیه نزدیک می‌نماید، حاصل نخواهد شد مگر آنکه دستورات عبادی حج به طور صحیح و شایسته و مو به مو عمل شود. (۱) حج نمایشی باشکوه از اوج رهایی انسان موحد از همه چیز جز او و عرصه پیکاری فرا راه توسن نفس و جلوه بی‌مانندی از عشق، ایثار، آگاهی و مسئولیت در گستره حیات فردی و اجتماعی است. پس حج تبلور تمام عیار حقایق و ارزش‌های مکتب اسلام است.

مؤمنان زنگار دل را با زمزم زلال توحید می‌زدایند و با حضرت دوست تجدید میثاق می‌کنند و گرچه میراث ادب و فرهنگ ما، مشحون از آموزه‌های حیات‌بخش حج است، اما هنوز ابعاد بی‌شماری از این فریضه مهم، ناشناخته و مهجور مانده است.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در پرتو اندیشه‌های تابناک امام خمینی حج را نیز همچون دیگر معارف و احکام اسلامی، در جایگاه واقعی خویش نشاند و سیمای راستین و محتوای غنی آن را نمایاند. اما

۱- امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۲۵.

ص: ۲

دیباچه

هنوز راهی دراز در پیش است تا فلسفه، ابعاد، آثار و برکات آن شناخته و شناسانده شود.

در راستای تحقق این هدف بزرگ، با الهام از اندیشه‌های والا و ماندگار امام راحل(ع) احیاگر حج ابراهیمی(ع) و با بهره گیری از رهنمودهای ارزشمند رهبر عزیز انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله خامنه‌ای(ع) مدظله- معاونت آموزش و پژوهش بعثه مقام معظم رهبری، تلاش می کند با کاربردی کردن متون آموزشی، فصل جدیدی فرا راه کارگزاران حج و زائران حرمین شریفین بگشاید.

از این رو، پس از کارشناسی‌های متعدد و بهره گیری از اساتید و متخصصان فن، تلاش گردیده تا برای تهیه درسنامه‌ها و محتوای مورد نیاز در سفر حج و عمره، عناوین، موضوعات، سرفصل‌ها و منابع هر درس را مشخص و جلسات آموزشی آنها زمان‌بندی گردد تا به نحو بهینه مورد استفاده قرار گیرد.

عناوین این درسنامه‌ها عبارتند از:

۱. مناسک حج

۲. آداب سفر حج

۳. اسرار و معارف حج

۴. آشنایی با تاریخ اسلام(۱ و ۲)

۵. آشنایی با تاریخ و اماکن مقدس مکه و مدینه

۶. اخلاق معاشرت

۷. احکام مبتلابه حج

۸. آشنایی با کشورهای اسلامی

ص: ۳

۹. گزیده سیمای عقاید شیعه

۱۰. شناخت عربستان

۱۱. محاوره عربی

بی‌تردید آغاز هر کاری با کاستی‌ها و نواقص احتمالی همراه است. لذا انتظار می‌رود با بهره‌گیری از نظرات خوانندگان ارجمند، نقاط قوت و ضعف این مجموعه شناسایی و به تقویت داشته‌ها و زدودن کاستی‌های آن اقدام شود.

در پایان ضمن تشکر از همه کسانی که ما را در تهیه و تنظیم این مجموعه یاری کرده‌اند، توفیق همگان را از خداوند منان خواهانیم.

معاونت امور فرهنگی

مدیریت آموزش

ص: ۴

ص: ۵

مقدمه مؤلف

مکه سرزمین وحی سرمدی و مدینه سرچشمه زلال محمدی، دو نگین درخشان و برجسته بر روی کره خاکی، همه ساله و همه ماهه و بل همه روزه صدها هزار شیفته و واله خود را بر اساس فرمان حضرت ابراهیم ۷ که فرمود هلمّوا الی الحج [به سوی حج بشتابید] به خویش فرا می‌خوانـد و زائر این کوی دوست، بایـد که با معرفت و آگاهی به سرزمین معرفت قـدم نهد و با احرام در حریم یار و در مقام مُحرم پا بر جای پای ابراهیم خلیل در حرم گذارد. این حریم و حرم و سرزمین وحی را باید شناخت، جایی که روزی مهبط جبرئیل امین و جایگاه حضور انبیاء الهی و سرور همه آنان، ختم رسولان و نیز یاران و صحابه جلیل القـدر و امامان همام و زادگان شریف آنـان و همه بنـدگان صالـح ربوبی بوده است. هرگوشه از حرم و بلـدالامین خاطره و آثاری گویا و شواهـدی زنـده از عصر نبوت و رسالت دارد و نیز حریم رسول خـدا ۹ و هجرتگاه او مـدینه النبی(ص)، که یادآور جانفشانی‌ها و تلاش‌های طاقت‌فرسا برای حفظ و گسترش اسلام است.

پژوهش حاضر می‌تواند چراغ راهی برای کسانی باشد که نمی‌خواهند در تاریکی به این سرزمین پای نهند و در پی آنند که چراغ

ص: ۶

روشن دلشان را با شناخت و آگاهی پر نور سازند. این اثر که در قالب کتاب درسی یا آموزشی به محضر زائران بیت الله و علاقمندان تقدیم می گردد، به پیشنهاد و مساعدت مدیریت محترم آموزش بعثه مقام معظم رهبری به نگارش در آمده و امید است به رغم موجز و مختصر بودن، به کار آید و نگارنده را نیز دعای خیری همراه.

از جناب حجت الاسلام و المسلمین سید علی قاضی عسکر و جناب آقای دکتر محمد آرمند که مقدمات نشر این اثر را فراهم ساختند و نیز آقای علوی که تنظیم عکس‌ها را بر عهده داشتند و حروف‌چینیان مرکز تحقیقات حج و سایر دست‌اندرکاران چاپ در نشر مشعر سپاسگزارم و از حضرت ربوبی موفقیت و سلامتی آنان را خواهان.

وما توفیقی الا بالله

اصغر قائدان

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

اردیبهشت ۱۳۸۹

ص: ۷

ص: ۸

ص: ۹

بخش اول مکه مکرمه‌سرزمین و حرم ابراهیم خلیل (ع) در بستر تاریخ

درس اول تاریخچه مکه مکرمه (ویژگی‌ها و اماکن)

اشاره

اهداف آموزشی

انتظار می‌رود با مطالعه این درس:

- موقعیت جغرافیایی مکه را بدانیم.
- با اسامی متعددی که برای شهر مکه عنوان شده است، آشنا شویم.
- کوه‌های مکه و دلایل نامگذاری آن‌ها را بدانیم.
- شعب‌های مکه را بشناسیم.
- از سیر تاریخی مساجد مکه و دلیل احداث آن آگاه شویم.
- دلیل شکل‌گیری مزار شهدای گمنام فخ را بدانیم.

مدخل

اشاره

در این فصل ابتدا موقعیت کلی شهر مکه در عربستان به لحاظ وضعیت جغرافیایی و نام‌هایی که در متون بر این شهر اطلاق شده است، آن‌گاه مکان‌ها و نقاطی که در فراز و درون خود تاریخچه‌ای از حوادث

ص: ۱۰

از جمله مولـد، بعثت و هجرت رسول خدا(ص) را جای داده‌اند مورد بررسـی و توصـیف قرار می گیرند. در ادامه مساجد مکه که از فضائل زیادی برخوردار و شاهد حوادث مهمی در عصر رسول الله(ص) بوده‌اند و شناخت آن‌ها می‌تواند یاد و خاطره آن حوادث را زنـده نگه دارد، و نیز زیارتگاه‌هایی چون قبرسـتان ابوطالب و مزار شـهدای فـخ که محل دفن بسـیاری از بزرگان در قبل از اسـلام و صحابه و تابعین در بعد از اسلام است و زیارت آنان ثواب بی شماری دارد، معرفی می‌شوند.

الف) موقعیّت جغرافیایی مکّه مکرمه

شهر مقـدس مکّه، در غرب نجـد واقع است و آن را جزو تهـامه دانسـته‌اند. این شـهر مرکز اسـتانی به همین نام است که از شـمال به مدینه، از مشـرق به ریاض، از جنوب به یمن و از مغرب به جدّه محدود می‌شود. (۱) ارتفاع تقریبی آن از سطح دریا ۲۷۰ متر است. شهر مکه میان دو رشته کوه محصور شده و ازاین‌رو، بنای آن از دور دیده نمی‌شود. این دو رشته کوه عبارت‌اند از:

۱. فلق یا فلح؛ در شمال مکه واقع است که به سمت غرب ادامه می‌یابد.

۲. قُعَیْقُعان؛ رشته کوهی است که کوه‌های هندی، لُعْلُع، کَدّی (۲) از جمله ارتفاعاتی هستند که در آن قرار دارند.

۱- یاقوت حموی، معجم‌البلدان، ج ۵، ص ۱۸۱

۲- پیامبرخدا(ص) و سپاه اسلام در سال هشتم هجری، هنگام فتح مکه از میان این کوه‌ها به داخل شهر وارد شدند.

ص: ۱۱

شهر، از سمت شمال به جنوب حالت سراشیبی دارد. سمت شمال را مَعْلاه(بالا) و سمت جنوب را مَسْفَله(پایین) گویند.

آب و هوای مکه خشک و سوزان و گرمایش آزار دهنده‌است؛ زیرا کوه‌هایی که اطراف آن واقع شده، جلوی بادهای شمالی‌را سد کرده و صخره‌ها نور خورشید را منعکس می‌سازد و حرارت و دمای هوا را دو چندان می‌کند. در ماه‌های تیر، مرداد و شهریور حرارت آن فوق‌العاده زیاد است. بارندگی در آن غالباً مقطعی و در دی ماه است؛ زیرا در منطقه مداری واقع (۱) و به گاه بارش باران، چنان سیلی در چند ثانیه شهر را فرا می‌گیرد که تا ساعت‌ها و شاید روزها آثار آن باقی می‌ماند. این سیل از سمت شمال به جنوب سرازیر می‌شود و گاهی نیز اندرون مسجدالحرام را تا یک متر واندی فرا می‌گیرد. برای جلوگیری از ویرانی‌های حاصل از سیل، سدی را در منطقه معلاه ساخته‌اند.

شهر مکه ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح(ع) محل توقف و اقامت کاروانیانی بوده که در راه یمن و شام رفت و آمد داشتند و از این رو، موقعیت بسیار ممتاز و سوق‌الجیشی به آن بخشیده است. از این شهر، سه راهِ اصلی به سوی سه نقطه مهم منشعب می‌شده که بر اهمیت آن می‌افزوده است. این سه نقطه، یمن، فلسطین و دریای سرخ هستند. امروزه جمعیت ساکن آن بیش از ۶۰۰ /۰۰۰ نفر است.

۱- بورکهارت. رحلات فی شبه جزیره‌العرب، تعریب عبدالعزیز بن صالح الهلابی، ص ۲۱۸

ب) نام‌های مکّه مکرّمه

اشاره

اسامی فراوانی برای مکّه گفته‌اند. قاضی مجدالدّین شیرازی، تنها کسی است که بیشترین اسامی را در تألیف خود به‌نام «تَجبیر المُوشین فی‌التَّعبیر بالسِیّن‌والشّین» آورده است. ما به وجه تسمیّه سه نام از این شهر، که در قرآن کریم آمده، اشاره می کنیم:

۱. بَکَّه

(إِنَّ أَوَّلَ بَیْت وُضِعَ لِلنّاسِ لَلَّذِی بِبَکَّهَ مُبارَکاً وَ هُدی لِلْعالَمِینَ). (۱)
گروهی بکّه را همان مکّه دانسته‌اند که میم آن تبدیل به با شده و از لحاظ مفهوم، به یک معنا هستند، گروهی دیگر، تفاوت اندکی برای آن دو قائل شده‌اند؛ به این صورت که مسجدالحرام یا کعبه را «بکّه» و نام شهر را «مکّه» دانسته‌اند. (۲) به نظر می‌رسد با توجه به آیه بالا، بکّه باید یکی از نام‌های شهر باشد.
برای بکّه چندین معنا آورده‌اند؛ از جمله: بکّه، از «بکّ» مشتق شده؛ یعنی غرور گردن‌کشان و متکبّران را در هم می کوبد و یا گردن آنان را

۱- آل عمران: ۹۶، «همانا نخستین خانه‌ای که برای مردم ساخته شد، خانه‌ای است که در بکه قرار داشته و مبارک و هدایتی برای جهانیان است.»

۲- زبیدی، تاج العروس، ج ۷، ص ۱۱۱؛ فاسی المکّی، شفاء الغرام بأخبار البلد الحرام، ص ۷۷؛ ابن ابی‌شیبه، المصنف فی الاحادیث والآثار، ج ۴، ص ۳۵۷

ص: ۱۳

می‌شکند. بکّه در جایی نیز به معنای ازدحام آمده است. (۱)

۲. مکّه

(وَ هُوَ الَّذِی کَفَّ أَیْدِیَهُمْ عَنْکُمْ وَ أَیْدِیَکُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَکَّهَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَکُمْ عَلَیْهِمْ ...). (۲)

برای مکّه نیز چند معنا گفته‌اند از جمله: مکّه، از «مَکّ» به معنای کمی آب مشتق شده است. بعضی نیز آن را از «تمکَّکْتُ العِظم» دانسته‌اند که به مغز استخوان گفته می‌شود، گویی مکه وسط زمین است؛ همان‌گونه که مغز استخوان، در میان آن است. (۳) برای مکّه معنای دیگری گفته‌اند و آن این که: از «مکَّ یُمَکُّ» گرفته شده و به معنای هلاک شدن و کاستن است و گویند هرکس نسبت به آن قصد و نیت سوء داشته باشد، جز نابودی سرنوشتی نخواهد داشت یا اگر کسی به زیارت این خانه رود، از گناهانش کاسته می‌شود. (۴) برای مکّه، معانی دیگری چون بسط، گسترش و ازدحام نیز آورده‌اند. یونانیان نام مکه را «مَکْرُبا» ثبت کرده‌اند. شاید این واژه از لهجه ساکنان

۱- ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۴۰۲؛ فاسی المکّی، همان، ص ۷۷؛ فاکهی، اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، ج ۲، ص ۲۸۲؛ ابن ابی شیبه، همان، ج ۴، ص ۳۵۷؛ شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۹

۲- فتح: ۲۴. و اوست که دست‌های آنان را از شما و دوست‌های شما را از آنان در وادی مکه(حدیبیه) بازداشت پس از آن‌که شما را برایشان پیروز گردانید معذورند آنچه‌می‌کشید بینا است.

۳- ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۴۹۱ ماده «مکک»؛ فاسی المکی، همان، ص ۷۷

۴- زبیدی، تاج العروس، ج ۷، ص ۱۷۹؛ مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۴۹؛ کلینی، فروع کافی، ج ۴، ص ۲۱۱

ص: ۱۴

جنوبی شبه جزیره، به معنای مقدّس و محترم باشد؛ زیرا پادشاهان حکومت سبا را، که دارای تقدّس بوده‌اند، مُکَرَّبْ یا مُقَرَّب می‌خواندند. (۱)

۳. امُّ القُری

(... وَلِتُنْذِرَ أُمَّ الْقُری وَ مَنْ حَوْلَها ...). (۲)

مکّه را از این رو «امّ القُری» خوانده‌اند که گفته شده هنگام آفرینش زمین، آب تمام سطح آن را فرا گرفت و تنها مکان کعبه، خشك بود و این خشکی اندك اندك از پیرامون کعبه بر آمد تا به مقدار کنونی گسترش یافت. در اصطلاح لغوی و قرآنی، به این مسأله «دَحو الْارض» گویند که در قرآن کریم آمده است:(والْارْضَ بَعْدَ ذلك دَحیها). (۳) مکه را مادر زمین‌ها خوانده‌اند و قرآن نیز به این نام اشاره دارد.

۴. بلد الأمین

(وَ التِّینِ وَ الزَّیْتُونِ* وَ طُورِ سِینِینَ* وَ هذَا الْبَلَدِ الْأَمِینِ). (۴)

بلد امین، به معنای سرزمین و حرم امن الهی و یکی دیگر از نام‌های مکه است که خداوند در قرآن از آن یاد نموده و امنیّت و حرمتش را بیان کرده است.

۱- نک-: جواد علی، مکه مکرمه، ترجمه نگارنده این سطور، فصلنامه «میقات حج» شماره ۸

۲- انعام: ۹۲، «تا انذار و بیم دهی امّ القری و کسانی را که پیرامون آن هستند.»

۳- نازعات: ۳۰، «آن‌گاه زمین را از زیر گسترانید». فاسی المکّی، همان، ج ۱، ص ۷۸؛ نهروانی، الاعلام باعلام بیت‌الله الحرام، ص ۱۸

۴- تین: ۳- ۱

ص: ۱۵

ج) فضایل مکّه مکرّمه و مسجدالحرام

پیامبر خدا(ص) فرمودند:
«وَاللهُ إِنَّکَ لَخَیْرُ أَرْضِ اللهِ وَ أَحَبُّ أرض الله إِلیّ، وَ لَو لا إِنِّی أُخرِجتُ مِنکَ ما خرجتُ». (۱)
به خدا سوگند که تو [مکّه] بهترین و محبوب‌ترین زمین خدا نزد من هستی؛ اگر ناچار نبودم که از مکه خارج شوم هرگز خارج نمی‌شدم.
از امام صادق(ع) نقل شده که بهترین زمین مکه است و هیچ خاکی نزد خدا محبوبتر از خاك مکه نیست و هیچ سنگی و درختی و کوهی و آبی از آن نیز نزدخدا محبوب‌تر نیست. (۲) از پیامبر(ص) نقل شده، کسی که در مکّه بمیرد، خداوند در روز قیامت وی را امان دهد. (۳)

۱- فاسی المکی، همان، ج ۱، ص ۱۱۹

۲- حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۲۵؛ این حدیث از امام علی ۷ نیز نقل شده است(ابن حجر عسقلانی، المطالب العالیه بزوائد المسانید الثمانیه، ج ۱، ص ۳۶۳).

۳- نهروانی المکی، همان، ص ۱۹

ص: ۱۸

د) کوه‌های مکه

۱. جبل‌النُّور / غار حِرا (مهبط وحی)

(اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّکَ الَّذِی خَلَقَ، خَلَقَ الْإِنْسانَ مِنْ عَلَق، اقْرَأْ وَ رَبُّکَ الْأَکْرَمُ، الَّذِی عَلَّمَ بِالْقَلَمِ، عَلَّمَ الْإِنْسانَ ما لَمْ یَعْلَمْ). (۱)

بخوان به نام پروردگاری که انسان را از نطفه بسته آفرید، بخوان و پروردگار تو کریم‌تر است که به قلم آموخت و به انسان آن‌چه نمی‌دانست آموخت.

کوه نور، مَهبط جبرئیل امین(ع) و محل نزول وحی است. در شب بیست و هفتم ماه رجب، سال ۴۰ عام‌الفیل(/ ۶۱۰ میلادی) جبرئیل(ع) بر قلّه این کوه بر پیامبر(ص) ظاهر شد و با ابلاغ سوره علق، آغاز رسالت آن پیامبر عظیم‌الشأن و بهترین خلق خداوند تبارک و تعالی را اعلان کرد.

کوه نور، که در چهار کیلومتری شمال شرقی شهر مکّه و کنار راه منا به عرفات بوده، اکنون به علّت گسترش مکه، در داخل شهر قرار گرفته است. ارتفاع آن از سطح دریا ۶۲۱ متر و از سطح دامنه ۲۸۱ متر است. این کوه در تورات، «جبل فاران» نامیده شده و نزد مردم محلّی به «جبل النور» معروف است. شکل آن مخروطی و مستقل از دیگر کوه‌ها است. غار حِرا، مهبط جبرئیل امین در ۱۶۰ متری قله آن در قسمت جنوبی واقع شده است، از این رو آن را به عنوان یکی از کوه‌های بسیار مهم و با فضیلت مکّه ساخته است.

ارتفاع دهانه غار که به سمت شمال قرار دارد ۲ متر، عرض آن حدود

۱- علق: ۵- ۱

ص: ۱۷

ص: ۱۸

ص: ۱۹

۱/۲۰ متر و طولش نیز حدود ۲ متر است. از عجایب این غار آن‌که انتهای آن کاملًا به سوی مسجدالحرام است و در مدخل آن می‌توان به سمت بیت‌المقدس نماز خواند. داخل آن از هنگام طلوع تا غروب آفتاب روشن و علاوه بر این، گرمای سوزان را به درون آن راهی نیست؛ لذا معتکف در این غار، احساس گرما و ناراحتی نمی‌کند. در هر حال چنان‌که بعضی گفته‌اند، غار حِرا از چند سال قبل از بعثت پیامبر(ص) محل اعتکاف و عبادت آن حضرت بوده است.

حضرت خدیجه و امام علی(ع) از کسانی هستند که شاهد اعتکاف پیامبر(ص) در این غار بوده‌اند.(تصویرهای شماره ۱ و ۲)

۲. ابوقُبَیسْ/ جبل امین

یکی دیگر از کوه‌های مهم مکه ابوقبیس است که به سبب سکونت فردی به نام ابوقبیس، به این نام معروف شده است. بنا بر روایات زیادی، ابوقبیس برترین کوه‌های مکه است. (۱) این کوه در شمال شرقی مسجدالحرام و مشرف بر صفا است. یعنی در کنار منطقه توسعه یافته پشت مسعی، جایی که دارالضیافه سعودی را پس از تخریب بخشی از آن ساخته‌اند و بدین رو باقی مانده کوه چندان قابل رؤیت نیست.

خداوند، حجرالأسود را از بهشت به ابراهیم(ع) رسانید و این سنگ از زمان طوفان نوح(ع) در امانت ابوقبیس بود، لذا این کوه را به همین

۱- فاسی المکی، شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، ج ۱، ص ۴۴۶، علت آن را نزدیکی به مسجدالحرام و عبادت خلایق در نزدیکی آن ذکر کرده‌اند.

ص: ۲۰

مناسبت «امین» خوانده‌اند. (۱) فاکهی گوید: ابراهیم(ع) بالای این کوه مردم را برای انجام حج دعوت می‌کرد. (۲) پس از اسلام، مردم شاهد معجزه شق القمر بودند که نیمی از آن‌بر بالای ابوقبیس دیده شد. بعدها مسجدی به همین نام در این مکان ساختند. (۳) هم‌چنین مسجدی دیگر به نام «مسجدابراهیم»، در کنار آن، که هر دو هنگام ساخت دارالضیافه در دوران سعودی تخریب شد.

۳. کوه ثَوْر (مخفی‌گاه هجرت)

در سه کیلومتری جنوب شرقی مکّه و در جنوب منطقه «مسفله» کوهی قرار دارد که مساحت آن دوازده کیلومتر مربع است. این کوه و غاری که بر فراز آن است، به مناسبت تولّد «ثور بن عبد مناه» در آن، به این نام معروف شده است. (۴) پیامبر(ص) هنگام هجرت به مدینه، همراه ابوبکر سه شبانه روز در آن غار پنهان شدند. در آیه ۴۰ سوره توبه از این واقعه یاد شده است. (۵) پایین‌تر از غار، صخره‌ای به قدرت خداوند به صورت گنبدی بزرگ در آمده که سی نفر زیر سایه آن می‌توانند استراحت کنند. ابن‌جبیر آن

۱- ازرقی، اخبار مکه، ج ۲، صص ۵۱۵ و ۵۱۶

۲- فاکهی، همان، ج ۴، صص ۴۶ و ۴۷

۳- فاسی‌المکی، همان، ج ۱، صص ۴۴۶- ۴۴۴

۴- یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۸۶

۵- فاکهی، همان، ج ۴، صص ۸۳- ۸۰؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۲۸- ۲۳۲.

ص: ۲۱

را قبّه جبرائیل(ع) خوانده است. (۱)(تصاویرهای ۳ و ۴)

۴. حَجون

حَجون (۲)

نام کوهی است که در دامنه آن قبرستان حجون یا ابوطالب قرار دارد. این گورستان از عصر جاهلیت تا عصر حاضر محل دفن مردگان است.

در دوران اخیر در کنار آن پلی به نام حجون ساخته‌اند که شاهراه بزرگی برای اتصال المعابده به منا است.

۵. ثَبیر

کوه ثبیر که از بزرگ‌ترین کوه‌های مکه است، در مِنا قرار دارد. از این رو به آن «ثبیر» گفته‌اند که شخصی به همین نام، از قبیله هذیل در آن فوت شده است. (۳) گویند این همان کوهی است که قوچ یا گوسفندی از سوی خداوند فرستاده شد تا در عوض اسماعیل(ع) ذبح شود. (۴)

۶. قُعَیقُعان

این کوه در مقابل کوه ابوقبیس و سمت مروه؛ یعنی در شمال و شمال‌غربی مسجدالحرام قرار دارد که به آن کوه «جَزّل» نیز

۱- ابن جبیر، الرحله، صص ۸۴ و ۸۵. سبب تسمیه این مکان به قبه جبرائیل در این کتاب بیان نشده است.

۲- حَجُون از حجن به معنای کجی و خمیدگی است(یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۲۲۵).

۳- یاقوت حموی، همان، ج ۲، ص ۷۳

۴- فاسی المکی، همان، ج ۱، ص ۴۵۱؛ نهروانی المکی، الاعلام باعلام بیت الله الحرام، ص ۴۵۲

ص: ۲۲

گفته‌اند. (۱) گوینـد در حادثه انشـقاق القمر، نیمی از ماه بر کوه قُعَیقعان دیـده شـد. گفتنی است مسـجدالحرام در میان این دو کوه قرار دارد.

ه) شعب‌ها (درّه‌ها)

شهر مکه به سـبب وجود کوه‌های فراوان، دارای درّه‌ها یا شـعب‌هایی است که هر قبیله در آن، به‌طور مستقل زندگی می‌کردند و هر شعبی به نام آن قبیله معروف بود. تعداد شعب‌ها را ۲۵ عدد دانسته‌اند: (۲) دو شعب معروف آن عبارتند از:

۱. شـعب ابی دُبّ: این شـعب در کنار حجون قرار دارد. ابودُبّ نام مردی از خانـدان سواد بن عامر است. بعدها در این درّه سـلاخ‌ها سـاکن شدنـد. قبرسـتان ابوطالب در این شـعب قرار دارد که در دامنه کوه حَجون واقع شـده است. برخی به اشـتباه آن را شـعب ابی طالب گفته‌اند که پیامبر(ص) و یارانش در آن محاصره شدند.

۲. شـعب ابوطالب(محل محاصره بنی‌هاشم و پیامبرخدا(ص)): این شعب در تاریخ به نام‌های ابی‌طالب، مولد(محل تولد پیامبر(ص)) و شـعب علی(ع) معروف بوده است. در این مکان پیامبر(ص)، بنی‌هاشم و بنی‌عبـدالمطّلب سه سال از سوی کفار محاصـره اقتصادی شدند. مکان محاصره، به خاندان ابوطالب، بنی‌هاشم و بنی‌عبدالمطّلب متعلق بود و میان دو کوه «ابوقبیس و خندمه» قرار داشت.

۱- نهروانی المکی، همان، ص ۱۱

۲- یعقوبی، البلدان، ص ۷۸

ص: ۲۳

گفتنی است سه شعب ابوطالب، بنی‌هاشم و بنوعامر در نزدیکی مسجدالحرام واقع شده‌اند.

نقشه کوه‌های مکّه

و) مساجد تاریخی مکه

۱ مسجد یا مولد النبی (ص)

عقیل بن ابی‌طالب، محل تولّد حضرت محمد(ص)؛ یعنی خانه آمنه بنت وَهْب در شعب ابوطالب را هنگام هجرت پیامبر(ص) خرید. پس از چندی،

ص: ۲۴

خیزران مادر هارون‌الرشید، آن را به مسجد تبدیل کرد که دری از آن به کوچه مولد(زقاق المولد) باز می‌شد. (۱) جایی که پیامبر(ص) در آن به دنیا آمد، مربع شکل و دارای یک ستون و چند در ورودی بود. هنگامی که آن جا را ساختند، در نزدیکی محراب آن، به نشانه محل تولّد پیامبرخدا(ص) حفره‌ای کنده و با نقره تزیین کردند. (۲) این خانه در دوره‌های مختلف تاریخی بازسازی شد. (۳) به گفته محسن الأمین، در حکومت آل سعود به سبب تبرّک جستن مردم به آن، تخریب و به محلی برای نگهداری چارپایان تبدیل شد! (۴) بعدها شیخ عباس نظامی کتابخانه‌ای در ۱۳۷۰ ق. ساخت که اکنون در سمت میدان پشت صفا و مروه، در کنار خیابان و در دو طبقه با تابلوی «مکتبه المکه‌المکرّمه» دیده می‌شود.(تصویر شماره ۵)

۲. مسجدالرّایه

پیامبر(ص) در سال هشتم هجرت عازم فتح مکّه شدند و در نزدیکی مسجدالحرام رایت(پرچم سپاه اسلام) را نصب کردند. (۵) و فرمودند هریک از مردم مکه کنار آن آید جانش در امان است. گویند پیامبر(ص) در

۱- مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۸۲؛ ازرقی، همان جا؛ لبیب البتنونی، الرحله، ص ۹۶

۲- ابن جبیر، الرحله، ص ۸۲؛ لبیب البتنونی، همان، ص ۹۶

۳- رفعت پاشا، مرأه الحرمین، ج ۱، صص ۱۸۸ و ۱۸۹

۴- محسن الامین، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۲۱۹

۵- بخاری، صحیح [کتاب المغازی]، حدیث ۴۲۸۰ برای اطلاع از چگونگی فتح مکه و ورود نیروهای اسلام ر. ك. به: البکری الشافعی، الدّره المکلله فی فتح مکه المشرفه المبجله.

ص: ۲۵

آن مکان نماز گزاردند. (۱) این مسجد درگذشته به جودریه معروف بود؛ زیرا در دهانه بازار جودریه که ایرانیان به اشتباه ابوسفیان می دانند قرار داشت. مسجد که در ابتدای شارع مسجدالحرام در سمت مسعی و داخل بازار قرارداشت در سال ۱۳۸۰ ش. به‌گونه زیبایی بازسازی و دیوارها و مناره آن از سنگ ساخته شد و مساحت آن نیز به چهارصد متر افزایش یافت. اما نام آن را پس از بازسازی تغییر داده، مسجد فهدبن عبدالعزیز گذاشتند. به سبب اجرای پروژه توسعه اطراف مسجدالحرام که اکنون در حال اجراست این مسجد به همراه بازار و ساختمان‌های اطراف تخریب شد.(تصویر شماره ۶)

۳. مسجد البَیْعَه/ مسجد الغنم

هنگامی که پیامبر(ص) به عزم فتح مکه، عازم این شهر شدند، در میان شعب بنی‌عامر و سوق‌الغنم، با مردم مکه دیدار کردند. در این دیدار کسانی که پس از هشت سال از هجرت، دل‌هایشان به اسلام گرایش یافته بود، با آن حضرت بیعت کرده و به اسلام گرویدند.

این مسجد که به یاد آن واقعه ساخته شد، در خیابان مسجدالحرام، ۵۰۰ متر بالاتر از بازار جودریه، روبه‌روی اداره پست و تلگراف و سمت راست کسی است که به سوی قبرستان ابوطالب یا پل حجون می‌رود. این مسجد در سال ۱۳۸۰ ش. بازسازی شد و همانند سایر مساجد معروف در این خیابان، نمایی سنگی و مناره‌ای زیبادارد.(تصویر شماره ۷)

۱- احمد بن حنبل، المسند، حدیث ۱۵۴۴۶؛ نهروانی المکی، الاعلام باعلام بیت‌الله الحرام، ص ۴۵۳

ص: ۲۶

۴. مسجد الجِنّ

(قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِنَ الْجِنِّ فَقالُوا إِنّا سَمِعْنا قُرْآناً عَجَباً* يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنّا بِهِ وَ لَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنا أَحَداً). (۱)

مسجد جن از مساجد مهم و تاریخی مکه است که خوشبختانه برخلاف بسیاری از آثار تاریخی، هم‌چنان پا برجا مانده است. پیامبر اکرم(ص) در حال بازگشت از طائف در این مکان به تلاوت قرآن پرداختند و تعدادی از جنیان با شنیدن تلاوت قرآن مسلمان شدند. برخی گویند سوره جن در این مکان بر رسول خدا(ص) نازل شد. بعدها به یاد آن واقعه در آن مکان مسجدی ساختند. مسجد جن کمی بالاتر از مسجدالبیعه در سمت چپ خیابان مسجدالحرام، و در دویست متری قبرستان ابوطالب قرار دارد.

بنای جدید آن بسیار زیبا با گنبد طلایی و یک مناره بزرگ است که دیوارهای سنگی سفید و سیاه در داخل و خارج مسجد زیبایی آن را دوچندان کرده است. بر نمای گنبد داخلی نیز آیات سوره جن به طرز زیبایی، با خط ثلث نگاشته شده است. این مسجد امروزه یکی از مساجد پررونق مکه است.(تصویر شماره ۸)

۵. مسجد شجره

کمی بالاتر از مسجد الجن، در تقاطع شارع مسجدالحرام و شارع‌نونه، کنار پل الحجون مسجدی است که به یاد معجزه‌ای

۱- جن: ۱ و ۲ «بگو به من وحی شده است که گروهی از جنیان گوش فرا داشتند و گفتند که ما قرآنی شگفت شنیدیم که به راه راست راه می‌نماید پس به آن ایمان آوردیم و هرگز کسی را برای خداوند خود شریک قرار ندهیم.

ص: ۲۷

از پیامبر(ص) در صدر اسلام ساخته شد و نام مسجد شجره بر خود گرفت. (۱) مسجد یاد شده که بسیار کوچک و ساده بود، در سال ۱۳۸۰ با نمایی از سنگ‌های سفید و تیره وزیبا، با مساحتی حدود ۲ برابر قبل بازسازی شد. گفتنی است این مسجد با مسجد شجره یا احرام در نزدیکی مدینه هم نام است.(تصویر شماره(ص))

۶. مسجد الاجابه

حدود یک کیلومتر بالاتر از پل حجون و کنار میدان معابده، که از آن‌جا به عزیزیه می‌روند مسجدی ساخته‌اند که به سبب اجابت دعای رسول خدا به هنگام سفر به طائف آن را مسجدالاجابه نامیده‌اند. آن حضرت در این مکان نماز گزارده‌اند. این مسجد در سال ۱۳۸۰ ش. همراه با سایر مساجد یاد شده، با مساحتی دو برابر و بسیار زیبا با سنگ‌های سفید و تیره بازسازی شد. گفتنی است در مدینه نیز مسجدی به همین نام وجود دارد. (۲)(تصویر شماره ۱۰)

ز) قبرستان ابوطالب و مزار شهدای فخ

۱. قبرستان ابوطالب (جنّهُ المُعلّی)

گورستان تاریخی مکه، به نام‌های مختلف؛ چون ابوطالب، قریش، حَجون، بنی‌هاشم و جَنه‌المُعَلّی یا جنّه المَعْلاه مشهور است. (۳)

۱- فاکهی، همان، ج ۴، صص ۳۰- ۲۷

۲- ر. ک. به: بخش مدینه از همین کتاب.

۳- فاسی المکی، شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، ج ۱، ص ۸۱

ص: ۲۸

این قبرستان در شمال شرقی مکه و در دو راهی خیابان مسجدالحرام- الحَجُون. بر دامنه کوه حجون و در شعب ابی‌دُب قرار دارد. (۱) مردم مکه در دوران جاهلی مردگان خود را در «درّه ابی دُبّ» که بخشی از حَجون است، دفن می‌کردند، (۲) بعد از آن، منطقه گورستان وسیع‌تر شد و مسلمانان نیز در آن دفن شدند که تا عصر حاضر این روند ادامه دارد.

از عبدالله بن مسعود نقل شده که گفت: پیامبر(ص) زمانی وارد این مقبره شد که قبری از مسلمانان در آن نبود و در این‌جا بود که فرمود: از این مکان و از حرم خداوندی هفتاد هزار نفر بدون حساب به بهشت می‌روند و هر یک هفتاد نفر را شفاعت می‌کنند. این در حالی است که صورت‌های آنان؛ چه از اولین و چه از آخرین، همانند ماه شب بدر می‌درخشد. کسانی که در مکه و حرم وفات یابند، روز قیامت ایمن برانگیخته خواهند شد. عبداللهبن مسعود افزود:

«همراه پیامبر(ص) به این قبرستان آمدیم. آن حضرت فرمودند: به زیارت قبور بروید و برای اموات خود استغفار کرده، نماز بخوانید که دیدار قبور، شما را به فکر مرگ خواهد انداخت.» (۳) برای زیارت قبور این قبرستان و هر یک از آبا و اجداد پیامبر(ص) دعاهای خاصی ذکر شده است. (۴)

۱- فاکهی، اخبار مکه، ج ۴، ص ۵۰

۲- فاکهی، همان، ج ۴، ص ۵۴؛ ازرقی، اخبار مکه، ج ۲، ص ۴۷۰؛ فاسی المکی، همان، ج ۱، ص ۸۱

۳- فاکهی، همان، ج ۴، صص ۵۶- ۵۱

۴- ر. ک. به: محسن الامین. مفتاح الجنات فی الادعیه و الاعمال و الصلوات و الزیارات، ج ۲، صص ۶- ۸

ص: ۲۹

گرداگرد این قبرستان دیواری کشیده‌اند که تا دامنه کوه امتداد می‌یابد. قبرستان از دو ناحیه مجزا تشکیل شده است. قبور آبا و اجداد پیامبر(ص) و بنی‌هاشم در شمال قبرستان واقع است که آن را به وسیله دیوار و نرده‌های آهنی از بقیه قبرستان جدا کرده‌اند. این قبور تا قبل از حکومت آل سعود، دارای گنبد و بارگاه بوده که سفرنامه‌نویسان و سیّاحان به آن اشاره کرده‌اند. قبرستان امروزه تا آن سوی خیابان حجون نیز امتداد یافته است.

در این قبرستان، بسیاری از بزرگان در خاک آرمیده‌اند که مهم‌ترین آنان عبارت‌اند از:

الف. قُصَی بن کِلاب(جدّ چهارم پیامبرخدا(ص)): او نخستین کسی بود که در این قبرستان مدفون شد. (۱) قصی همان کسی است که قبیله قریش را به وجود آورد و برای بهتر برگزار شدن حج، مناصبی برای کعبه ایجاد کرد.

ب. عبدالمطّلب بن هاشم: جدّ اعلای رسول خدا(ص) که در زمان او ابرهه، به مکه حمله کرد. او سنت‌های نیکی به عنوان آیین حنیف در مکه به اجرا درآورد و چاه زمزم را نیز احیا کرد. مدفن وی کنار ابوطالب و شمال قبر منسوب به آمنه بنت وهب است. قبر عبدالله بن زبیر نیز در کنار او، در زیر یک گنبد قرار داشته است. (۲) ج. ابوطالب بن عبدالمطّلب: پدر گرامی امام علی(ع) و بزرگ‌ترین

۱- ابن قتیبه، المعارف، ص ۴۲

۲- لبیب البتنونی، الرحله الحجازیه، ص ۹۶

ص: ۳۰

حامی رسول خدا که پس از اسلام از دنیا رفت. او را کنار قبر پدر گرامی‌اش به خاک سپردند. بر مقبره آن دو، گنبد و بارگاهی ساختند که در ۱۳۲۵ ق. تعمیر و بازسازی شد. (۱) د. خدیجه ۳: همسر گرامی رسول خدا(ص) و افضل زنان بهشت و نخستین زن مسلمانی است که در هنگام محاصره شعب ابی طالب از دنیا رفت. قبر او دارای گنبد و بارگاهی بود. (۲) ه. قاسم بن محمد(ص): فرزند رسول الله(ص) که آن حضرت به سبب نام این فرزند، کنیه‌اش «ابوالقاسم» شد. وی نخستین مولودی است که خداوند از خدیجه ۳ به پیامبر(ص) ارزانی کرد. قاسم زودتر از فرزندان دیگرِ پیامبر(ص) دار فانی را وداع کرد و آن حضرت او را در جایی که اکنون نزدیک قبر خدیجه ۳ است دفن کرد. (۳) هم‌چنین در این قبرستان تعدادی از صحابه، تابعان، فرزندان ائمه:، نوادگان، سادات و علمای جلیل‌القدر نیز دفن شده‌اند.(تصویرهای شماره ۱۱ و ۱۲)

۲. مزار گمنام شهدای فخّ

فخ یکی از میقات‌های حج، البته از نظر شیعه است که آن را میقات کودکان نابالغ دانسته‌اند. امام صادق(ع) قبل از ورود به حرم در مکان مذکور غسل فرموده و به آن امر می‌کرده‌اند. (۴) هنگام خلافت هادی عباسی، حسین بن علی بن حسن بن حسن بن

۱- همان، ص ۹۵

۲- همان

۳- شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۹۹

۴- شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۹۹

ص: ۳۱

علی بن ابی‌طالب(ع) که پس از شـهادت به «شـهید فخّ» مشهور شد، همراه چند تن از نوادگان امام حسن(ع) و نزدیک به چهار هزار نفر از علویان، که از حکومت عباسـیان به سـتوه آمده بودند، در مدینه دست به قیام زدند. آنان پس از تصـرف مدینه به سـمت مکّه حرکت کردنـد. در مدخل ورودی مکه، در نزدیکی مسـجد تنعیم، که به «وادی فَخّ» معروف است، با سـپاهیان خلیفه روبه‌رو شدند. در این نبرد که در سال ۱۶(ص) ق. رخ داد، سپاهیان عباسی فرزندان پیامبر(ص) را قتل عام و سرهای بیش از یکصد نفر از شهدا را از تن جدا کردند و همراه اسـرا نزد خلیفه فرستادند. بدن‌های بی‌سرِ شهدای فخ را پس از سه روز، در همان محل دفن کردند. (۱) از امـام‌جواد(ع) نقـل شـده که برای مـا اهل بیت بعـد از کربلا قتلگاهی بزرگ‌تر از فـخ نبوده است. هم‌چنین امام باقر(ع) از پیامبر(ص) نقـل کرده‌انـد که آن حضـرت فرمود: در این مکان(فـخّ) مردی از فرزنـدان من، با جماعتی دیگر کشـته می‌شونـد که ارواح آنان بر بـدن‌هایشان به سـوی بهشت سـبقت خواهـد گرفت و جبرئیـل(ع) نیز به من خـبر داده است که یکی از فرزنـدان تو در این‌جـا شـهید می‌شود که اجر دو شهید خواهد داشت. (۲) مزار آنان، همانند سایر قبور، مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. این محل امروزه به «حی الشهدا» معروف و در شارع الشهدا،(روبه‌روی پمپ بنزین) کنار جاده مدینه، مکه، شش کیلومتری حرم و حدود ۵۰۰ متر

۱- مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۳۰۹، طبری، تاریخ الطبری، ج ۱۰، صص ۳۴- ۲۴؛ ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیّین، صص ۳۶۴- ۳۸۶.

۲- ابوالفرج اصفهانی، همان ۳۶۶- ۳۶۷

ص: ۳۲

بالاتر از مسجد تنعیم- که برای عمره در آن مُحْرم می‌شوند- قرار دارد. در سال ۱۳۸۱ ش. دیوار قبور شهدای فخ را بازسازی و دری برای آن قرار دادند و روی آن تابلویی با نام عبدالله بن عمر بن خطاب گذاشتند که حکایت از تلاش برای محو اثر و نام شهدای فخ دارد. (۱)(تصویر شماره ۱۳)

خلاصه درس

شهر مقدس مکّه، در غرب نجد واقع است و آن را جزو تهامه دانسته‌اند. این شهر از شمال به مدینه، از مشرق به ریاض، از جنوب به یمن و از مغرب به جدّه محدود می‌شود. شهر مکه میان دو رشته کوه فلق یا فلح و قُعَیْقُعان محصور شده است.

آب و هوای مکه خشک وسوزان وگرمایش آزار دهنده‌است. اسامی فراوانی برای مکّه گفته‌اند، از جمله:

۱. بَکَّه: برای بکّه چندین معنا آورده‌اند؛ از جمله: بکّه، از «بکّ» مشتق شده؛ یعنی غرور گردن‌کشان و متکبّران را در هم می‌کوبد و یا گردن آنان را می‌شکند. بکّه در جایی نیز به معنای ازدحام آمده است.

۲. مکّه: برای مکّه، معانی چون بسط، گسترش و ازدحام، مغز استخوان وهلاك شدن و کاستن نیز آورده‌اند.

۳. امُّ القُری: مکّه را از این رو «امُّ القُری» خوانده‌اند که گفته شده هنگام آفرینش زمین، آب تمام سطح آن را فرا گرفت و تنها مکان کعبه،

۱- این‌جا، به یقین مقبره عبدالله بن عمر بن خطاب نیست زیرا وی در میان مسیر راه حجون و قبرستان ابوطالب ۷ تا مسجدالحرام دفن شده است.

ص: ۳۳

خشك بود و این خشكی اندك اندك از پیرامون كعبه بر آمد تا به مقدار كنونی گسترش یافت.

۴. بلـد الأمین: به معنای سرزمین و حرم امن الهی و یكی دیگر از نام‌های مكه است كه خداوند در قرآن از آن یاد نموده و امنیّت و حرمتش را بیان كرده است.

كوه‌های مكه عبارتند از: ۱. جبل‌النُّور/ غار حِرا(مهبط وحی)؛ ۲. ابوقُبَیسْ یا امین كه برترین كوه‌های مكه است و حجرالاسود در آن به امانت بود؛ ۳. كوه ثَوْر كه پیامبر(ص) هنگام هجرت به مدینه، همراه ابوبكر سه شبانه‌روز در آن پنهان شدند؛ ۴. الحَجون: كه در دامنه آن قبرستان حجون یا ابوطالب قرار دارد؛ ۵. ثَبیر: كه از بزرگ‌ترین كوه‌های مكه است، در نزدیكی مِنا؛ ۶. قُعَیقُعان: در مقابل كوه ابوقبیس و سمت مروه.

شهر مكه به سبب وجود كوه‌های فراوان، دارای درّه‌ها یا شعب‌هایی است كه در عصر جاهلیت و اسلام هر قبیله به‌طور مستقل در آن زندگی می‌كردند و هر شعبی به نام آن قبیله معروف بود. تعداد شعب‌ها را ۲۵ عدد دانسته‌اند: مهم‌ترین آن‌ها شعب ابی‌دُبّ است كه قبرستان ابوطالب در آن قرار داردو دیگری شعب ابوطالب كه مشركان به مدت سه سال پیامبر و مسلمانان را درآن محاصره اقتصادی كردند.

مساجد تاریخی مكه عبارتند از:

۱. مسجد یا زادگاه ختم رسولان محمد بن عبدالله(ص)؛ ۲. مسجد الجِنّ؛ ۳. مسجدالرّایه؛ ۴. مسجد البَیْعَه/ مسجد الغنم؛ ۵. مسجد شجره؛ ۶. مسجد الاجابه.

گورستان تاریخی مكه، به نام‌های مختلف؛ چون ابوطالب، قریش،

ص: ۳۴

حَجون، بنی‌هاشم و جَنه‌المُعَلّی مشهور است. این قبرستان در شمال شرقی مکه و در دو راهی خیابان مسجدالحرام- الحَجُون. قراردارد. در این قبرستان، آبا و اجداد پیامبر خدا(ص) و بسیاری از صحابه آن حضرت در خاک آرمیده‌اند که مهم‌ترین آنان عبارت‌اند از: قُصَی بن کِلاب، عبدالمطّلب بن هاشم، ابوطالب بن عبدالمطّلب، خدیجه ۳، قاسم بن محمد(ص)، فرزند رسول الله.

از دیگر زیارتگاه‌های مکه مزار شهدای فخّ است در نزدیکی مسجد تنعیم در محلی به همین نام که تا مسجدالحرام ۶ کیلومتر فاصله دارد.

خودآزمایی

۱. اسامی شهر مکه را نام ببرید و هر یک را توضیح دهید.

۲. کوه‌های مکه را نام برده و دلایل این نامگذاری را بیان کنید.

۳. شعب‌های مکه را نام ببرید.

۴. مساجد تاریخی مکه را نام برده و علت بنای هر یک را شرح دهید.

۵. مزار شهدای فخ در کجا واقع شده و چه حادثه مهمی در آن‌جا روی داده است؟

ص: ۳۵

درس دوم تاریخچه کعبه و مسجدالحرام

اشاره

اهداف آموزشی

انتظار می‌رود با از مطالعه این درس:

- سیر تاریخی احداث کعبه را بدانیم.
- با سیر بازسازی کعبه آشنا شویم.
- از تاریخچه مناصب کعبه آگاهی یابیم.
- با بخش‌های مختلف کعبه و مسجدالحرام آشنا شویم.

مدخل

اشاره

در این فصل از سیر احداث و بازسازی کعبه که از تاریخچه و اهمیت دیرینه‌ای برخورداراست به ویژه محیط پیرامون آن یعنی مسجدالحرام و نشانه‌های روشن آن از جمله مقام ابراهیم، حجرالاسود، چاه زمزم و سایر آثار مقدس آن به تفصیل سخن خواهد رفت.

ص: ۳۶

الف) کعبه نخستین خانه عبادت بر روی زمین

الف) کعبه (۱) نخستین خانه عبادت بر روی زمین

(إِنَّ أَوَّلَ بَیْت وُضِعَ لِلنّاسِ لَلَّذِی بِبَکَّهَ مُبارَکاً وَ هُدی لِلْعالَمِینَ). (۲)

همانا نخستین خانه‌ای که برای مردم قرار داده شد، خانه‌ای در بکّه است که مبارک گردانیده و آن هدایتی برای جهانیان است.

روایات مذکور در کهن‌ترین منبعِ تاریخی؛ حاکی از آن است که کعبه پیش از آفرینش آسمان‌ها و زمین، چون حُبابی روی آب بود و اندک اندک قسمت‌های دیگر زمین از زیر آن گسترده شد و وسعت یافت. (۳) به گفته برخی از روایات، کعبه را حضرت آدم(ع) بنا کرد.

هنگام طوفان نوح(ع) کعبه از دیده‌ها پنهان شد و از آن دوران تا زمان حضرت ابراهیم(ع) پنهان بود تا آن‌که خداوند مکان آن را به ابراهیم(ع) نشان داد.(وَ إِذْ بَوَّأْنا لِإِبْراهِیمَ مَکانَ الْبَیْتِ ...)، (۴) ایشان از شام به مکّه حرکت کرد و پسرش، اسماعیل(ع) و همسرش، هاجر ۳ را نیز همراه خود برد. اسماعیل(ع) در آن دوران، کودکی شیرخواره بود. ابراهیم(ع) با راهنمایی جبرئیل(ع)، آن دو را کنار حِجر اسماعیل کنونی جای داد و

۱- از این رو، بیت‌الله را «کعبه» نامیده‌اند که دارای ارتفاع بوده و هر بنای مرتفع را کعبه گویند و یا به روایتی چون به شکل مربع و مکعب بوده، آن را کعبه خوانده‌اند(یاقوت حموی، معجم‌البلدان، ج ۴، ص ۴۶۳).

۲- آل عمران: ۹۶

۳- ابوالولید ازرقی، اخبار مکّه و ماجاء فیها من الآثار، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ص ۲۲(والْأَرْضَ بَعْدَ ذلک دَحیها).(نازعات: ۳۰).

۴- حج: ۲۶

ص: ۳۷

سایه‌بانی برای آنان فراهم کرد و گفت:

(رَبَّنا إِنِّی أَسْکَنْتُ مِنْ ذُرِّیَّتِی بِواد غَیْرِ ذِی زَرْع عِنْدَ بَیْتِکَ الْمُحَرَّم). (۱)

خدایا! من ذُرّیّه خود را در این سرزمینِ بی‌کشت و زرع، در کنار خانه‌ات جای دادم.

آن‌گاه خود به سوی شام برگشت. پس از چندی ابراهیم(ع) نزد فرزند خود بازگشت و همراه او، پایه‌های کعبه را در همان جای اصلی آن، برافراشتند. (۲) حجرالأسود از کوه «ابوقُبیس» که به امانت از بهشت در آن قرار داشت در گوشه‌ای از کعبه نصب شد. ابراهیم(ع) در کنار کعبه برای اسماعیل سایه‌بانی از چوب‌های درخت فراهم کرد که خوابگاه گوسفندان او و گردید و نیز داخل کعبه، که به صورت مکعّب ساخت، گودالی حفر کرد و آن را خزانه و محلّ نگهداری هدایای کعبه قرار داد. چون دیوارها بالا آمد، اسماعیل(ع) از کوه ابوقبیس سنگی را که اکنون مقام ابراهیم(ع) شناخته می‌شود، برای پدر آورد و ابراهیم(ع) روی آن ایستاد و کعبه را ساخت. (۳) از امام صادق(ع) نقل شده است که: «خداوند- عزّوجلّ- زمین را از زیر کعبه گسترد تا منا، سپس آن را از منا به سوی عرفات گسترانید. پس

۱- ابراهیم: ۳۷

۲- شیخ صدوق، همان، ج ۲، صص ۱۶۲- ۱۶۱

۳- ازرقی، همان، صص ۴۷- ۴۲

ص: ۳۸

زمین از عرفات است و عرفات از منا است و منا از کعبه است.» (۱) نام دیگر کعبه، بیت‌الله و بیت عتیق است که در قرآن آمده است. از امام باقر(ع) پرسیدند: چرا کعبه را عتیق نامیدند؟ پاسخ داد: برای این‌که خانه‌ای آزاد و رها شده از مالکیّت مردم است که هیچ کس مالک آن نیست. (۲)

ب) سیر بنا و بازسازی کعبه

دردوران ابراهیم ارتفاع کعبه ۹ ذراع؛ یعنی حدود ۴۳/ ۴ متر و طول آن ۳۰ ذراع- ۷۹/ ۱۴ متر- و عرض آن ۲۲ ذراع- ۸۵/ ۱۰ متر- بوده است. در آن زمان کعبه سقف و دری نداشت. قریش در دوره جاهلیّت، ۵ سال پیش از بعثت، هنگامی که کعبه بر اثر سیل خراب شد، ۹ ذراع دیگر بر ارتفاع آن افزودند و آن را به ۱۸ ذراع- ۸۷/ ۸ متر- رسانیدند و آن را مسقف کردند. (۳) و دری هم برای آن که همسطح زمین بود قرار دادند. از طول آن نیز حدود ۶ ذراع و یک وجب- حدود سه متر- کاستند که حِجر اسماعیل(ع) امروزی بخشی از آن است. (۴) این کار بدان سبب صورت گرفت که اموال حلال آنان برای بازسازی کعبه به اتمام رسید و قریش مال دیگری برای این کار نداشتند. بنابراین، طول کعبه از بنایی که ابراهیم(ع) ساخته بود، کمتر شد که البته بعضی معتقدند از طول کعبه هیچ‌گاه کم نشده است. اطراف حِجر را هم

۱- کلینی، همان، ج ۴، ص ۱۸۹

۲- همان.

۳- حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۹، ص ۳۲۸؛ در این‌جا بر اساس ذرع هاشمی یعنی ۳۳/ ۴۹ سانتی‌متر محاسبه کرده‌ایم.

۴- کلینی، همان، ج ۴، ص ۲۰۷؛ مسلم، صحیح، بشرح النووی، ج ۹، صص ۹۵- ۹۳

ص: ۳۹

سنگ‌چین کردند که عده‌ای معتقدند این همان‌جایی بوده که اسماعیل پیرامون قبر مادرش را سنگ‌چین کرده بود. از آن پس، طواف‌کنندگان از پشت آن طواف می‌کردند. بنای کعبه همین‌گونه بود تا آن‌که «عبداللهبن زبیر» در زمان یزید به کعبه پناهنده شد. سپاهیان یزید برای بیرون آوردن وی، کعبه را به منجنیق بستند و بخشی از آن را تخریب کردند. ابن زبیر پس از مرگ یزید، آن را در سال ۶۵ ق. بازسازی و به همان اساس ابراهیم(ع) برگرداند؛ یعنی ۳ مترِ کاسته شده از سمت حجر اسماعیل را بار دیگر به کعبه ملحق ساخت. بر ارتفاع آن ۹ ذراع دیگر افزود و ارتفاع کعبه را به ۲۷ ذراع(۳۱/ ۱۳ متر) رسانید. و پشت کعبه،(درِ غرب) باب دیگری به کعبه افزود. (۱)

پس از آن‌که حجاج، عامل عبدالملک بن مروان، کعبه را با منجنیق به آتش کشید و ابن زبیر را به قتل رسانید، کعبه را در ۷۴ ق. از اساس خراب کرد. بخشی(حِجر اسماعیل) را، که ابن زبیر به بنای قریش افزوده بود، ویران و آن را به همان‌گونه که قریش ساخته بودند برگرداند؛ یعنی از طول آن کم کرد و دری را که پشت کعبه گشوده بود بست و درِ اصلی را نیزبلندتر از زمین قرار داد. این بنا هنوز به همین وضع است اگرچه در زمان سلطان مراد عثمانی ۱۰۴۰ ق. سیل کعبه را خراب کرد و ناچار شدند آن را از اساس خراب کنند و دوباره بسازند، اما بر همان اساس قبلی دوباره بنا کردند و هیچ تغییری در آن ندادند. در مورد آخرین بازسازی که در سال ۱۴۱۷ ق. به دستور فهد بن عبدالعزیز انجام شد، زیربنا و اساس کعبه تقویت و تحکیم و شاذروان مرمّت گشت و شکاف‌ها و روزنه‌های بین سنگ‌ها

۱- ابن رشید فهری، مل العیبه بما جمع بطول الغیبه، صص ۱۱۸ و ۱۱۹

ص: ۴۰

گرفته شد. سقف کعبه نیز برداشته و بازسازی گردید.

گفتنی است کعبه در طول تاریخ پس از بنای ابراهیم(ع)، ۸ مرتبه به طور کلی یا جزیی توسط قبایل و افرادی بازسازی شده که عبارت‌اند از:

۱. عمالقه؛ ۲. جُرهم؛ ۳. قُصی بن کلاب؛ ۴. قریش؛ ۵. عبدالله بن زبیر؛ ۶. حجاج بن یوسف؛ ۷. سلطان مراد عثمانی؛ ۸. سعودی.

بنابراین، پس از آن بازسازی‌ها، ابعاد و اندازه‌های کعبه در حال حاضر عبارت‌اند از:

ارتفاع کعبه ۱۳ متر، طول آن از سمت ملتزم رکن حجرالأسود تا رکن عراق(حجر اسماعیل) ۷۱/ ۱۱ متر، طول از رکن عراقی تا شامی ۹۰/ ۹ متر، از رکن غربی تا رکن یمانی ۰۴/ ۱۲ و از آن‌جا تا رکن اسود ۱۸/ ۱۰ است.

هم‌چنین ارتفاع کف تا باب کعبه ۹۲/ ۱ متر، ارتفاع دیوار حجر اسماعیل ۱۲/ ۱ متر، قطر دیوار حج اسماعیل ۵۶/ ۱، فاصله میان انتهای قوس دیوار حجر تا دیوار کعبه(زیر ناودان) ۴۷/ ۸ متر، فاصله میان دو طواف نیم دایره حجر اسماعیل ۷۳/ ۷ متر، ارتفاع حجرالاسود از سطح زمین ۵۰/ ۱ متر، طول ملتزم این رکن اسود و باب کعبه ۲ متر است. (۱)

ج) مناصب کعبه هنگام ظهور اسلام

جدّ چهارم رسول خدا(ص) قصی بن کلاب، برای هرچه بهتر برگزار کردن مراسم حج و پذیرایی زائران، مناصبی ایجاد کرد که بعد از وی میان فرزندانش تقسیم شد. این مناصب که در طول تاریخِ خود، باعث

۱- محمدطاهر کردی مکی، کعبه و مسجدالحرام در گذر تاریخ، ترجمه هادی انصاری، ص ۴۸

ص: ۴۱

تنش‌ها و برخوردهایی میان متصدّیان آن‌ها می‌شد، عبارت بودند از:

۱. سِقایت؛ آب دادنِ حاجیان و زائران کعبه.

۲. رِفادت؛ میهمانداری و پذیرایی زائران.

۳. عُقاب؛ پرچمداری.

۴. حجابت؛ دربانی، کلیدداری.

۵. سِدانت؛ پرده‌داری.

۷. لواء؛ پرچم.

۸. دارالنَّدوه؛ مجلس مشورتی.

۹. قُبّه؛ انبار سلاح.

۱۰. سفارت.

۱۱. ایسار وازلام؛ بخت‌آزمایی و شرطبندی.

۱۲. قضا و داوری.

۱۳. حفاظت اموالِ متعلق به کعبه و بت‌ها.

۱۴. قیادت؛ سرداری و سرپرستی کاروان‌های بازرگانی.

۱۵. پرداخت دیه و غرامت.

۱۶. اعِنّه؛ سرپرستی چارپایان و ستوران قریش به هنگام جنگ.

۱۷. عماره؛ نگهبانی و بازسازی مسجدالحرام. (۱)

د) آثار مقدس کعبه و مسجدالحرام

اشاره

۱- ابن ظهیره القرشی المخزومی، الجامع اللطیف فی فضل مکه و اهلها و بناء البیت الشریف، ص ۷۳

ص: ۴۲

۱. حَجَرالأسود و تاریخچه آن

حجرالأسود به سنگ سیاهی گویند که در رکن «اسود» یا شرقی نصب شده است. این سنگ، تاریخی پرفراز و فرود دارد. روایاتی که ابن عباس و دیگران از پیامبر(ص) نقل کرده‌اند، دلیل بر این است که حجرالأسود و مقام ابراهیم، هر دو از بهشت و از گوهرهای آن هستند و در زمین غیر از آن دو، چیزی از بهشت نیست؛ همچنین از پیامبر(ص) نقل شده که حجرالأسود یاقوتی سفید از یاقوت‌های بهشت بوده و خداوند آن را به سبب گناه گناهکاران دگرگون [سیاه] کرده است. «ابوالولید ازرقی» از پدربزرگش ... از ابن‌عباس نقل می‌کند که پیامبر خدا(ص) فرمود:

«در روز قیامت، حجرالأسود به سود کسانی که با حق و راستی، آن را مسح کرده‌اند گواهی می‌دهد.» (۱) در روایات آمده است: این سنگ همانند دست راست خدا در زمین است که با بندگان خود به وسیله آن مصافحه می‌کند، همان‌طور که شما با برادران خود دست می‌دهید و هرکس که محضر پیامبر(ص) را درک نکرده باشد و به این سنگ دست بکشد، مثل آن است که با خدا و پیامبرش بیعت کرده است. (۲) همچنین از ابن عباس نقل شده که حجرالأسود و مقام ابراهیم(ع) همراه حضرت آدم(ع) فرود آمده‌اند؛ شبی که آدم(ع) هُبوط کرد، هنگام صبح،

۱- ازرقی، همان، ص ۲۴۲؛ ابن ظهیره القرشی المخزومی، همان، ص ۲۲

۲- فاسی المکی، شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، ج ۱، ص ۲۷۷؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۱۰۲

ص: ۴۳

آن دو را شناخت و با آن‌ها انس گرفت. (۱) ابراهیم(ع) هنگام ساختن کعبه، از کوه ابوقبیس ندایی شنید که ای ابراهیم، برای تو نزد من امانتی است. ابراهیم رفت و حجرالأسود را گرفت و در رکن کعبه نصب کرد. (۲) این سنگ تا قبل از اسلام چندین بار از جای خود برداشته شده و دوباره نصب گردیده است. هنگام تجدید بنای کعبه به دست قریش- در دوران جوانی پیامبر(ص)- بر سر نصب آن مشاجره‌ای جدّی میان قبایل قریش پدید آمد؛ آن حضرت با تدبیری حساب شده حجرالأسود را در جای کنونی نصب کرد؛ به این شکل، از یک سو همه قبایل را در این افتخار شریک ساخت و از سوی دیگر مانع یک خونریزی حتمی شد. (۳) در قرن سوم هجری، قرامطه آن را ربوده و به شام بردند ولی یک‌سال طول نکشید که آن را بازگردانده و در جای خود نصب کردند. (۴) در قرن چهارم نیز دوباره آن را ربودند و ۲۲ سال بعد به وسیله خلیفه فاطمی المطیع از قرامطه خریداری و بازگردانده شد. (۵) این سنگ، که نزدیک به پنجاه تکه‌ریز است، با بست‌های فلزی و

۱- ازرقی، همان، ص ۲۴۳

۲- کلینی، همان، ج ۴، ص ۲۰۵؛ حر عاملی، همان، ج ۹، ص ۳۲۸

۳- ابن هشام، السیره‌النّبویه، ج ۱، ص ۱۹۷؛ مسعودی، همان، ج ۲، ص ۲۸۰؛ ابن حجر عسقلانی، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، ج ۷، ص ۱۱۵ و ج ۳، ص ۳۶۲؛ حرّ عاملی، همان، ص ۳۲۹

۴- فاسی المکی، همان، ج ۱، صص ۳۱۳ و ۳۱۴

۵- ابن وردی، تاریخ‌ابن وردی، ج ۱، ص ۳۹۴؛ ابن‌حجرعسقلانی، همان، ج ۳، ص ۳۶۳

ص: ۴۴

نقره‌ای به یکدیگر متصل و در یک قاب نقره‌ای قرار دارد.

روایات بی‌شماری برای بوسیدن و استلام حجرالأسود، نقل شده‌است؛ به ویژه این‌که پیامبر(ص) آن را بوسیده و یا استلام می‌کردند. (۱) از ایشان نقل شده که دست کشیدن به آن، گناهان را می‌ریزد؛ لذا بسیاری از صحابه برای بوسیدن و استلام آن، خود را به زحمت می‌انداختند. روایاتی نیز از ابن عباس نقل شده، از جمله این‌که:

«برای استلام حجر مسلمانی را آزار مده و مورد آزار هم قرار مگیر، اگر خلوت بود، آن را ببوس یا بر آن دست بکش وگرنه برو.» (۲) پیامبر(ص) در فتح مکّه و نیز حَجّه الوداع با چوب‌دستی خود، آن را از دور استلام کردند و دوست نداشتند مردم را از آن کنار بزنند. بسیاری از صحابه نیز پس از استلام حجر دست‌های خود را می‌بوسیدند. (۳)(تصویر شماره ۱۴)

۲. ارکان کعبه و اندازه‌های بیرونی

گوشه‌های خانه کعبه را «ارکان کعبه» گویند که هریک به نام خاصی مشهور است.

۲/ ۱. رکن شرقی(اسود): این رکن در زاویه شرقی و همان‌جایی است که حجرالأسود در آن نصب شده است. این رکن تقریباً در جانب

۱- حر عاملی، همان، ج ۹، ص ۴۰۲، شیخ طوسی، همان، ج ۵، ص ۱۰۳

۲- ابن حجر عسقلانی، همان جا.

۳- ازرقی، همان، صص ۲۶۰- ۲۵۱؛ فاکهی، همان، ج ۱، ص ۹۷؛ زیعلی الحنفی، نصب الرایه لاحادیث الهدایه، ج ۳، ص ۳۸؛ مسلم، صحیح، ج ۹، ص ۱۶

ص: ۴۵

کشورهایی چون عمان، هند، بنگلادش و ژاپن است. اندازه آن تا رکن شمالی ۸۶/ ۱۱ متر است. (۱) پیامبر(ص) هرگاه رکن اسود را می‌دید، آن را استلام می‌کرد و هرگز از آن کار غافل نمی‌شد. (۲) بدان جهت که حجرالأسود در آن واقع شده و بر اساس قواعد حضرت ابراهیم بوده است.

۲/ ۲. رکن شمالی(عراقی): در زاویه شمال شرقی، رکن شمالی است که حِجر اسماعیل از آن‌جا آغاز می‌شود؛ این رکن تقریباً در برابر عراق واقع شده است. بعضی از قدما این رکن را شامی می‌دانسته‌اند. این دومین رکن کعبه پس از رکن حجرالأسود بوده و فاصله آن تا رکن غربی ۹۰/ ۹ متر است. (۳) این رکن بر پایه ابراهیم(ع) نیست و قریش آن را تغییر دادند؛ لذا پیامبر(ص) آن را استلام نمی‌کردند. (۴) ۳/ ۲. رکن غربی(شامی): این رکن در زاویه غربی و در سمت دیگرِ حِجر اسماعیل(ع) است که سومین رکن پس از رکن حجرالأسود به شمار می‌آید. رکن غربی به سوی شام، مصر و آفریقا است. لذا آن را رکن مصری هم می‌توان گفت. فاصله آن تا رکن یمانی ۰۴/ ۱۲ متر است. رکن

۱- عبید الله امین الکردی، الکعبه المعظمه والحرمان الشریفان. عماره و تاریخها، صص ۱۵۶- ۱۳۶

۲- محب‌الدین طبری، القری لقاصد امالقری، ص ۲۰۹؛ فاکهی، همان، ج ۱، ص ۸۱؛ کلینی، همان، ج ۴، ص ۴۰۱؛ مسلم، همان، ج ۹، ص ۱۲

۳- عبیدالله الکردی، همان‌جا.

۴- همان‌جا.

ص: ۴۶

غربی نیز بر اساس بنای ابراهیم(ع) نیست و پیامبر(ص) آن را استلام نمی‌کردند. (۱) ۴/ ۲. رکن جنوبی(یمانی): این رکن در زاویه جنوبی، تقریباً مقابل کشور «یمن» در جنوب شبه جزیره قرار دارد و فاصله آن تا رکن اسود ۱۸/ ۱۰ متر است. پیامبر(ص) همواره رکن یمانی را استلام می‌کردند؛ چون بر پایه بنای ابراهیم(ع) قرار دارد. (۲) مستجار در گوشه این رکن است. از امام صادق(ع) نقل شده است رکن یمانی دری از درهای بهشت است و از روزی که گشوده شد بسته نشده است. (۳)

۱- رفعت پاشا، مرآه الحرمین، ج ۱، ص ۳۶۳

۲- فاسی المکی، همان، ج ۱، ص ۲۷۹؛ فاکهی، همان، ج ۱، ص ۱۳۶؛ رفعت‌پاشا ضلع جنوبی را ۲۵/ ۱۰ متر ذکرکرده‌است(همان جا).

۳- کلینی، کافی، ج ۴، ص ۴۰۹

ص: ۴۷

۳. شاذَرْوان

شاذروان برآمدگی کوتاهی است که دیوار کعبه را از بیرون احاطه کرده است. این برآمدگی که امروزه از سنگ سفید است، باقی‌مانده یا نشانه محل دیوار قبلی خانه خداست که به هنگام بازسازی کعبه در زمان ابن زبیر بیرون از خانه واقع و به عنوان پایه برای محکم کردن دیوار کعبه استفاده گردید، لذا از محیط داخلی کعبه کاسته شد. ارتفاع آن در سمت شمال، ۵۰ و عرض ۳۹ سانتی‌متر، در غرب، ارتفاع ۲۸ و عرض ۸۰ سانتی‌متر، در جنوب، ارتفاع ۲۴ و عرض ۸۷ سانتی‌متر، و در شرق، ارتفاع ۲۲ و عرض ۶۶ سانتی‌متر است. (۱)

شایان ذکر است شاذروان همه اطراف کعبه، جز حجر اسماعیل را در برگرفته است. در طول این دوران حلقه‌هایی نیزدر آن تعبیه شده تا پرده کعبه به آن وصل گردد. طواف بر شاذروان از آن رو صحیح نیست که جزو کعبه است. خداوند امر کرده است که به خانه طواف کنید نه «در خانه» طاف بالبیت و لا فی‌البیت (۲) از روی شاذروان و از درونِ حِجر اسماعیل طواف کردن، مانند آن است که طواف فی‌البیت باشد، نه بالبیت.) تصویر شماره ۵۱(

۴. ناودان طلا (میزاب)

۱- رفعت پاشا، همان، ج ۱، ص ۲۶۳

۲- ولیطوفوا بالبیت العتیق(حج/ ۲۹).

ص: ۴۸

برای خارج ساختن آب باران از بام کعبه، میان شمال و غرب بام، ناودانی نصب شد که آب را به داخل حِجر اسماعیل(ع) هدایت کند. کعبه تا ۳۵ سال بعد از ولادت حضرت رسول(ص) ناودان نداشت و نخستین ناودان را قریش در آن سال از چوب تراشیدند و بر بام آن نصب کردند. در طول سال‌ها، حکام و امرا ناودان‌هایی از نقره و در سال ۱۰۲۱ ق. نیز از طلا ساختند. ناودان طلای کنونی را «سلطان عبدالحمید عثمانی» به طول ۲ /۵۳ متر و عرض ۲۶ سانتی‌متر در سال ۱۲۷۳ ق. به خانه کعبه هدیه کرد. (۱) در روایات آمده است: دعای کسی در زیر این ناودان رد نمی‌شود؛ از این‌رو، نسبت به آن سفارش زیاد شده است.(تصویر شماره ۱۶)

۵. باب کعبه

نخستین کسی که برای خانه‌خدا دربی تعبیه کرد تبع سوم یکی از پادشاهان یمن بود. وقتی قریش کعبه را بازسازی کردند دو لنگه در نصب کردند. ابن زبیر نیز از همان استفاده کرد. حجاج در دیگری بر باب کعبه نصب کرد. آخرین دری که قبل از دوران سعودی نصب شد را سلطان مراد عثمانی ساخت.

در سال ۱۳۶۳ ق. ملك عبدالعزیز دری ساخت و پس از وی ملك خالد در ۱۳۹۸ ق. آن را تعویض کرد که اکنون نیز بر کعبه قرار دارد. این در دارای دو جدار یا دو قسمت خارجی و داخلی است. باب داخلی آن،

۱- رفعت پاشا، همان، ج ۱، صص ۲۶۷ و ۲۷۵

ص: ۴۹

به «باب التوبه» معروف است و از لحاظ شکل و نوع تزیین، با باب خارجی یکسان و مشابه است. وزن باب کعبه ۲۸۰ کیلوگرم می‌باشد که از طلای عیار ۱۰۰٪ تهیه شده و مبلغ ۰۰۰/ ۴۲۰/ ۱۳ ریال سعودی برای آن هزینه شده است. طول باب کعبه ۱۰/ ۳ متر، عرض آن ۹۰/ ۱ متر، پهنای آن ۵۰ سانتی‌متر، است. روی در کعبه به طرز بسیار زیبایی آیات قرآن در چهار دایره و شش مربع مستطیل به خط ثلث منقوش شده است. این در به وسیله قفلی که آیات قرآن بر آن نقش بسته، قفل می‌گردد. قفل قبلی که هفتاد سال قدمت داشته، اکنون در موزه مکه نگهداری می‌شود. گفتنی است در عصر جاهلی، کلیدداری کعبه، از منصب‌های مهم بود. هنگام فتح مکه، کلید کعبه در اختیار «عثمان بن ابی طلحه عبدی» بود و پیامبر(ص) آن را از وی گرفتند و با ورود به کعبه، تمامی بت‌ها را شکستند.(تصویر شماره ۱۷)

۶. درون کعبه

از آغاز ساخت کعبه به دست حضرت ابراهیم(ع)، قبایل، طوایف و پادشاهان، هدایایی را برای نصب در داخل کعبه ارسال می‌کردند. نخستین هدایا که درون آن آویزان گردید، دو «شاخ گوسفند» یا قوچ بود که گفته می‌شد همان شاخ‌های ذبیح ابراهیم(ع) است. این دو شاخ در دوران عبدالله بن زبیر به سبب پوسیدگی از میان رفت. (۱) در دوران

۱- ازرقی، همان، ص ۱۷۶. پیامبر ۹ هنگامی که وارد کعبه شدند به بانویی از بنی‌سلیم فرمودند این دو شاخ را بپوشان زیرا شایسته نیست در کعبه چیزی باشد که حواس نمازگزار را به خود جلب کند. محمد بن یحیی گوید: در دوران ابن زبیر که وی کعبه را خراب کرد آن دو شاخ را دیده‌اند در حالی که بر آن دو گِل سرخ مالیده بودند، ابن زبیر آن را به دست گرفت، همین که به آن دو شاخ دست خورد از یکدیگر پاشیده شد.(ازرقی، همان جا)

ص: ۵۰

اسلامی، تقدیم هدایا افزایش یافت و عمر بن خطاب، خلیفه وقت پس از فتح مداین، دو نیم ماه زرین را که برای او فرستاده بودند، در کعبه آویخت. پس از وی، خلفای اموی و عباسی نیز هدایایی تقدیم داشتند (۱) که طی سالیان دراز، همواره زینت‌بخش کعبه بوده است.

هم‌اکنون در درون کعبه جز سه ستون چوبی منبّت کاری شده از چوب عود که به موازات هم قرار گرفته و قُطر هر یک ۲۵ سانتی‌متر است، و نیز چندین قندیل فلزی که آویزان شده است، چیز دیگری وجود ندارد. این سه ستون، سقف کعبه را نگه داشته است.

در داخل کعبه پلکانی وجود دارد که به بام می‌رسد. این پلکان در داخل اتاقکی بدون پنجره قرار گرفته است. هنگامی که از پله‌ها بالا بروید تقریباً به اندازه یک قد مانده به سقف دری کوچک در سمت روبرو و دری دیگر همانند آن در سمت چپ دیده می شود. این دو در، به فضای میان سقف تحتانی و سقف فوقانی کعبه که با همدیگر ۲ متر فاصله دارند راه می گشاید. (۲) کف کعبه با سنگ‌های مرمر که بخش عمده آن سفید و باقی‌مانده‌اش رنگی است فرش شده است. دیوار داخل نیز تا نیمه آن با

۱- ازرقی، همان ص ۱۹۱؛ رفعت پاشا، همان، ج ۱، صص ۲۸۰- ۲۷۸

۲- عبیدالله محمد امین کردی، همان، ص ۱۲۱.

ص: ۵۱

سنگ مرمر روکش شده و این سنگ‌ها دارای نقش و نگارهای ظریفی است. در داخل کعبه نُه لوح مرمر وجود دارد که بر هشت تای آن‌ها با خط ثلث و بر یکی دیگر با خط کوفی برجسته، متنی کنده‌کاری شده است. این لوح‌ها جز یکی که یادمان توسعه دوران ملک فهد است، در سده ششم هجری نوشته شده است. شایان ذکر است در سال ۱۳۱۵ ق. داخل کعبه به طور کلی مرمت گردید. (۱) نیمی از دیوارهای داخل با حریر سبز و سقف آن با پرده‌های زیبا پوشیده شده و روی آن‌ها اسامی پروردگار و عباراتی چون: «لا إِلَهَ إِلَّا اللهُ»، «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ» نوشته شده است. گفتنی است همه ساله در روز هشتم ذی‌حجه درون کعبه را با آب زمزم و گلاب قمصر کاشان می‌شویند و پرده خانه را نیز تعویض می‌کنند. پیامبر(ص) برای نخستین بار به هنگام فتح مکه، پس از

۱- همان، ص ۱۲۱.

ص: ۵۲

شکستن بت‌ها و از میان بردن تصاویر نقش شده بر دیوار، داخل خانه را با آب زمزم شستند (۱) که این رسم تاکنون پابرجاست. کعبه دو سقف دارد؛ یکی در زیر، که از زمین مطاف تا آن ۳۰/ ۱۱ متر و از کف کعبه ۵۰/ ۹ متر ارتفاع دارد. سقف دوم حدود ۲۰/ ۲ متر بر روی سقف اول است که روزنه‌هایی برای روشن ساختن آن وجود دارد. بر پشت‌بام کعبه یک نیم دیواره به ارتفاع ۸۰ سانتی متر ساخته‌اند تا آب‌باران در آن جمع شود و به وسیله ناودان به داخل حِجر اسماعیل بریزد. برای روشنایی کعبه در زمان ابن زبیر چهار روزنه تعبیه و با سنگ‌هایی که از یمن برای وی آورده بودند، تزیین شده بود، اما این روزنه‌ها در عصر عثمانی به سبب ورود آب از طریق آن به داخل کعبه بسته شد.

ورود به کعبه و خواندن نماز در آن، فضیلت فراوان دارد و در این مورد، پیامبر(ص) و ائمه اطهار: سفارش‌های فراوان کرده‌اند. (۲)(تصویر شماره ۱۸)

۷. مُسْتَجار

مستجار به بخشی از دیوار پشت کعبه و کنار رکن یمانی گفته می‌شود. در شفاءالغرام آمده است: از این رو به این مکان مستجار گفته‌اند که پناه گیرنده به آن، «مستجارٌ مِن ذُنوب» است و گناهانش ریخته می‌شود. چون بعضی از صحابه به این مکان التزام می‌جستند به «مُلْتَزَمْ» و «مُتَعَوَّذْ» نیز معروف

۱- متقی الهندی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ج ۵، ص ۲۹۹

۲- زیعلی الحنفی، نصب الرایه لاحادیث الهدایه، ج ۲، ص ۳۱۹

ص: ۵۳

است. (۱) این مکـان بر اساس اتفاق منابع شیعی و برخی از منابع اهل سـنت، شاهـد حادثه‌ای عظیم بوده و به عظمت و قـدرت الهی برای ورود فاطمه بنت اسد، مادر مولود کعبه(علی(ع)) شکافته شد. (۲) خداوند متعال این افتخار بزرگ را تنها نصیب او ساخت که در بهترین مکان در عالم، متولـد شـد. شایان یادآوری است در این قسـمت، آثار ترمیم و بندکشـی دیده می‌شود که البته ارتباطی به شکاف یادشـده نـدارد؛ زیرا کعبه در عصـر حَجّاج، از پایه خراب و دوباره ساخته شـد و آثاری از مکان ورود فاطمه بنت اسد بر آن وجود ندارد.

۸. مُلْتَزَم

بر اساس نظر شـیعه ملتزم پشت کعبه یعنی همان جایی است که مسـتجار و رکن یمانی واقع شـده است. اما اهل سـنت به فاصـله میان حجرالأسود و دَرِ کعبه را ملتزم می‌داننـد. (۳) گوینـد هیـچ بنده‌ای در این مکان التجا و پناه نمی‌گیرد جز آن که خداوند حاجتش را برآورده می‌کنـد. چـون پیـامبر(ص)، ائمه اطهـار و اصـحاب، سـر و صـورت، دسـت‌هـا و سـینه خـود را به این مکـان چسـبانده و دعا می‌کردند؛ (۴) لذا به آن «ملتزم» گفته‌اند. (۵)

۱- فاسی المکی، همان، ج ۱، صص ۳۱۷ و ۳۱۸؛ ابن ابی شیبه، المصنف فی الأحادیث و الآثار، ج ۴، ص ۳۱۸

۲- ابن صباغ مالکی، الفصول المهمه فی مناقب الائمه، ص ۱۲؛ سبط بن جوزی، تذکره خواص الامه فی معرفه الائمه، ص ۱۰

۳- فاکهی، همان، ج ۱، ص ۱۶۰؛ فاسی المکّی، همان، ج ۱، ص ۳۱۷

۴- فـاکهی، همان، ج ۱، صص ۱۶۸- ۱۶۳؛ فـاکهی احـادیث زیادی در التزام پیامبر ۹ به این مکـان و دعای آن حضـرت ذکر کرده است.(ج ۱، ص ۱۶۲)

۵- ر. ک: محمّد رضا نعمتی: «پژوهشی درباره ملتزم»، میقات حج، شماره ۴۳.

ص: ۵۴

۹. مِعْجَنِه

گودالی است بر روی زمین به عمق ۳۰ سانتی‌متر و عرض ۵ /۱ متر، نزدیک «شاذروان» مقابل درِ کعبه و حجرالأسود. گویند که ابراهیم(ع) «یَعْجِنُ فیه المَلاط» یعنی در این گودال، آب و خاک را با هم مخلوط می‌کرد تا برای ساخت کعبه به کار گیرد. گفته‌اند: جبرئیل(ع) با پیامبر(ص) در این مکان نماز گزارده‌اند. بعدها این گودال را پوشانیدند.

۱۰. حَطیم

در محدوده حطیم اختلاف است؛ اهل سنت حِجر اسماعیل و شیعه میان حِجر اسماعیل، مقام ابراهیم و چاه زمزم را حطیم می‌داند. حطیم به معنای شکسته شده است؛ چون در زمان قریش که کعبه را می‌ساختند به علت آن‌که مال حلالشان به اندازه کافی برای بازسازی کعبه نبود لذا به اندازه شش و نیم ذراع از طول کعبه کاستند و آن را شکستند. البته برخی از بزرگان شیعه و نیز اهل سنت معتقدند از کعبه هیچ مقداری، حتی یک وجب کاسته نشده است و آن‌جا قبر هاجر، مادر اسماعیل بوده که وی دور آن‌را سنگ‌چین کرده بود تا مبادا کسی هنگام طواف بر روی قبر مادرش پا گذارد. در دوران جاهلیت، در این مکان مظلومان در حق ظالمان نفرین می‌کردند، لذا این امر موجب می‌شد مردم نسبت به یکدیگر ستم نکنند. (۱)

۱- ازرقی، همان، صص ۳۲۱- ۳۲۰؛ فاسی المکی، همان، ج ۱، ص ۳۱۹

ص: ۵۵

از پیامبر(ص) نقل شده است: بهترین و پاک‌ترین مکان‌های روی زمین نزد خداوند، فاصله میان رکن اسود و مقام ابراهیم(ع) است که این مکان باغی است از باغ‌های بهشت، پس کسی که چهار رکعت در آن نماز گزارد، از عرش ندا می‌رسد «ای بنده من، گناهان گذشته‌ات بخشیده شد». هم‌چنین گویند در محدوده حطیم؛ یعنی میان رکن، مقام تا زمزم وحِجر اسماعیل(ع)، ۹۹ تن از پیامبران الهی؛ از جمله حضرت آدم، نوح، (۱) صالح، شعیب، اسحاق، یوسف، اسماعیل: و نیز دختران وی مدفونند. (۲)

۱۱. پوشش کعبه (الْکَسْوَه)

پوشانیدن کعبه از سنت‌هایی است که پیشینه‌ای طولانی در تاریخ بیت‌الله دارد. اهمیت آن به اندازه‌ای است که یکی از مناصب مهم در دوره جاهلی، «پرده‌داری کعبه» بوده است. بیشتر منابع، ابراهیم یا اسماعیل ۸ را نخستین کسی می‌دانند که خانه کعبه را پوشانید (۳) و روایتی نیز از امام صادق(ع) در این باره آن را تأیید می‌کند. (۴)

۱- بر اساس روایاتی، قبر حضرت آدم ۷ و نوح ۷ در نجف اشرف در محل قبر حضرت علی ۷ قراردارد.

۲- کلینی، انووع، ج ۴، ص ۲۱۴؛ فاسی المکی، همان، ج ۱، ص ۳۲۰؛ رفعت پاشا، همان، ج ۱، ص ۳۰۵

۳- ابن حجر عسقلانی، المطالب العالیه، ج ۳، ص ۳۵۷؛ کلینی، همان، ج ۴، ص ۲۰۴؛ حرّ عاملی، همان، ج ۹، ص ۳۲۴

۴- شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۴۹

ص: ۵۶

بعضی، «تُبّع» پادشاه حِمْیَر (۱) را، که همان «اسعد بن معدی‌کَرِبْ» باشد، نخستین کس دانسته‌اند که بر کعبه پرده پوشانید. گفته‌اند که وی در خواب دید کعبه را جامه می‌پوشاند؛ پس ابتدا بر آن پوششی چرمی انداخت و بعد با پارچه‌های حِبری بافت یمن پوشانید و برای کعبه نیز دری قرار داد. (۲) در روزگار جاهلی، پرده کعبه، که از جنس‌های گوناگون؛ مانند پشم، مو، کرک، خز، چرم و بردهای یمانی و جامه‌های پشمین بافته می‌شد، به وسیله شترانی که برای قربانی می‌آوردند، حمل و قسمتی یا تمام خانه را با آن می‌پوشاندند و مقداری را نیز ذخیره می‌کردند تا پس از کهنه شدنِ پوشش‌ها، آن را تعویض کنند. (۳) ابن اسحاق گوید: در عصر پیامبر(ص)، کعبه را با پارچه سفید رنگِ بافتِ مصر، مشهور به «قُباطی» می‌پوشاندند و سپس از بردهای یمانی برای آن استفاده می‌کردند. نخستین کسی که آن را با دیباج پوشانید ابن زبیر بود. (۴) پیامبر خدا(ص) در هشتم ذی‌حجه برای مردم خطبه‌ای ایراد کرد و فرمود: امروز، روزی است که جامه بیت‌الله تعویض می‌شود. از ابن

۱- حمیریان در سده‌های قبل از اسلام در جنوب عربستان پس از انقراض سبائیان حکومت می‌کردند. پادشاهان آنان را «تُبّع» یا «تبابعه» خوانده‌اند.

۲- ازرقی، همان، ص ۱۹۳؛ ابن حجر عسقلانی، همان، ج ۱، ص ۳۶۳؛ دینوری، الاخبار الطوال، ص ۴۵

۳- ازرقی، همان، ص ۱۹۴

۴- ابن هشام، همان، ج ۱، ص ۱۹۸ کلام آخر به نقل از روض الانف سهیلی، در پاورقی همان صفحه است.

ص: ۵۷

جریح روایت کرده‌اند که در عصر جاهلیت معمول بوده که پس از رفتن حجاج از مکه در ابتدای محرم بر کعبه پرده نو می‌آویختند، اما به روزگار اسلام، معمولًا روز هشتم ذی‌حجه پوشش‌های دیبا بر آن می‌انداختند که مردم شکوه و زیبایی آن را ببینند و سپس در محرم با پرده اصلی پوشش می‌دادند.

هم‌چنین پیامبر(ص) بر خانه خدا پرده و جامه یمانی می‌پوشاند و حال آن‌که در دوره جاهلی بر آن چرم می‌آویختند.

ص: ۵۸

امام علی(ع) در دوران خلافت خود هر سال برای کعبه پوششی از عراق می‌فرستادند. (۱) در دوران بنی‌امیه و بنی‌عباس همه ساله برای کعبه پوشش‌های متنوّعی ارسال می‌شد؛ از جمله سلاطین مصر نیز همه ساله دو پرده؛ یکی برای کعبه به رنگ قرمز و دیگری برای مرقد پیامبر(ص) به رنگ سبز ارسال می‌کردند که بر حاشیه آن‌ها شعار «لا إِلَهَ إِلَّا اللهُ»، «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ» و آیات دیگر بافته شده بود.

سلاطین عثمانی نیز برای کعبه پرده‌هایی می‌فرستادند. (۲) در دوران حاضر پرده‌هایی از نقاط مختلف برای کعبه ارسال می‌شود که در روز نهم ذی‌حجه هر سال تعویض می‌شود. تزیین آن به دست هنرمندان شهر مکّه صورت می‌گیرد و آیات قرآن و اسامی جلاله به صورتی بسیار زیبا و زرّین بر روی آن بافته می‌شود. کارگاه پرده‌بافی کعبه در منطقه حدیبیه و آغاز حرم قرار دارد که کارگران به صورتی سنتی پرده کعبه را در آن‌جا خطاطی، بافندگی و زردوزی می‌کنند، این کارگاه در سال ۱۳۹۷ ق. افتتاح شد. پرده داخلی کعبه نیز در همین کارگاه بافته می‌شود.

ارتفاع پرده چهارده متر و نواری که پیرامون پرده و بالای آن را فرا گرفته و بر آن آیات قرآنی نوشته شده ۹۵ سانتی‌متر و طول آن ۴۷ متر است که از شانزده قطعه تشکیل شده و هزینه بافت و تزیین آن با طلا و زخارف دیگر به ۱۷ میلیون ریال سعودی می‌رسد.

۱- حرّ عاملی، همان، ج ۹، ص ۳۲۴

۲- نهروانی المکی، همان، صص ۷۰- ۶۹؛ ابراهیم رفعت پاشا، مرآه الحرمین، ج ۱، صص ۱۸۳ و ۱۸۴

ص: ۵۹

در هر جامه حدود ۶۷۰ کیلوگرم ابریشم خالص مصرف می‌شود که از آن ۴۷ طاقه پارچه، برای دوخت پرده تهیه می‌شود. پرده داخلی نیز به رنگ قرمز و سبز تهیه می‌شود این پرده هر سه تا پنج سال یکبار تعویض می گردد. برای نخستین بار در سال ۸۱۰ ق. پرده‌ای نقش‌دار بر در کعبه آویخته شد و از آن زمان تاکنون جز در فاصله سال‌های ۸۱۶ تا ۸۱۸ ق. همواره پرده آویخته بر در کعبه نقش دار بوده است. (۱)(تصویر شماره ۱۹)

۱۲. مقام ابراهیم (ع)

(... فِیهِ آیاتٌ بَیِّناتٌ مَقامُ إِبْراهِیمَ وَ مَنْ دَخَلَهُ کانَ آمِناً ...) (۲).

مقام ابراهیم(ع) که در قرآن کریم از آن به عنوان یکی از نشانه‌های روشن یاد شده، از کهن‌ترین آثار موجود در مسجدالحرام است. رنگ این سنگ میان زردی و سرخی و با ابعاد ۳۸* ۳۶ سانتی‌متر، به صورت مکعب است. همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، از ابن عباس نقل شده که چیزی از بهشت در زمین، جز حجرالأسود و مقام ابراهیم(ع) نیست و آن دو، از گوهرهای بهشت‌اند و اگر مشرکان آن دو را لمس نکرده بودند، هیچ دردمندی به آن‌ها دست نمی‌کشید مگر آن که خداوند وی را شفا می‌داد. (۳) بعضی از مفسّران در تفسیر آیه(... فِیهِ آیاتٌ بَیِّناتٌ ...) گفته‌اند: مقصود از نشانه‌های

۱- عبیدالله محمد امین کردی، مکه و مدینه، تصویری از توسعه و نوسازی. ترجمه حسین صابری، ص ۱۱۲)

۲- آل عمران: ۹۷. «در آن نشانه‌های روشن از جمله مقام ابراهیم است و هر کس داخل مکه شود در امان است ...»

۳- ازرقی، همان، ص ۳۲۴؛ فاکهی، همان، ج ۱، ص ۴۴۳؛ فاسی المکی، همان، ج ۱، ص ۳۳۸. برای اطلاع از احادیث وارده در خصوص فضیلت مقام ابراهیم، ر. ک. به: سائد بکلاش، فضل الحجرالأسود و مقام ابراهیم.

ص: ۶۰

روشن، جای پای ابراهیم(ع) بر مقام است. (۱) در حقیقت این مقام سنگی از بهشت بوده که ایشان بر آن ایستاده و مردم را برای حج فرا می‌خواندند: «هَلُمّوا الی الْحَجِ» (۲) و نیز گفته‌اند: کسانی که در این روزگار عازم حج می‌شوند، ندای ابراهیم(ع) را در آن روز لبیک گفته‌اند.(وَ أَذِّنْ فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجالًا وَ عَلی کُلِّ ضامِرٍ یَأْتِینَ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمِیقٍ). (۳)

هم‌چنین خداوند می‌فرماید:

(وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَقامِ إِبْراهِیمَ مُصَلًّی ...). (۴)

و مقام ابراهیم(ع) را نمازگاه قرار دهید.

مفسران با استناد به روایاتی، می‌گویند: مردم فرمان یافته‌اند که در کنار

۱- شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۵۳۶؛ فاکهی، همان، ج ۱، صص ۴۵۰ و ۴۵۱. اکنون بر قالب مسی که بر روی مقام گذاشته شده به اندازه دو جای پای انسان فرورفتگی قرار داده‌اند که به عنوان نشانه‌ای از جای پای ابراهیم ۷ باشد. بر اساس روایتی از امام صادق ۷ منظور از آیات بینات، مقام ابراهیم ۷، حجرالأسود و حِجر اسماعیل ۷ است.(کلینی، همان، ج ۴، ص ۲۲۳).

۲- فاکهی، همان، ج ۱، ص ۴۴۶؛ کلینی، همان، ج ۴، ص ۲۰۶؛ شیخ صدوق، همان، ج ۲، ص ۱۵۰

۳- حج: ۲۷. «و در میان مردمان آنان را به حج فراخوان تا به صورت پیاده یا سواره بر شتران لاغر از راه‌های دور به سوی تو آیند.»

۴- بقره: ۱۲۵

ص: ۶۱

این مقام نماز گزارند؛ (۱) ازاین‌رو، نباید نماز طواف را جلوتر از مقام خواند.
ابراهیم(ع) فرمان یافت که آن سنگ را جایگاه عبادت خود قرار دهد. لذا آن را کنار باب کعبه گذاشت. پس از او، اسماعیل(ع) هم به جانب آن یعنی رو به روی درب کعبه عبادت می‌کرد. پیامبر(ص) مأمور شدند تا به سمت بیت‌المقدس نماز بگزارند؛ دیری نپایید که خداوند متعال آن‌چه را برای خود و پیامبرش برگزیده بود، قبله قرار داد. آن حضرت وقتی در مدینه نماز می‌گزاردند، روبروی شمال کعبه، سمت حجر اسماعیل(ع) قرار می‌گرفتند و چون در مکّه حضور می‌یافتند رو به روی مقام می‌ایستادند. (۲) از بررسی منابع تاریخی چنین برداشت می‌شود که مقام ابراهیم(ع) پس از آن حضرت تاکنون به جز یک مورد جابه‌جا نشده و آن نیز دوران خلیفه دوم بوده است که سیل عظیمی وارد مسجدالحرام شد. این سیل به نام «امّ نهشل» مشهور شد، چرا که وی در این سیل غرق گردید. در این زمان مقام ابراهیم(ع) از جای خود کنده و به محلات پایین کعبه برده شد. این رخداد را برای خلیفه دوم نوشتند، وی دستور داد تا پایه‌ای ساخته و مقام را در آن قرار دادند و آن را در فاصله ای از کعبه نصب کنند که تا امروز هم‌چنان در همان‌جا باقی است. (۳) در دوران «مهدی عباسی» برای محافظت بیشتر، پایین و بخش بالای

۱- شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۱۴۰؛ ابن حجر عسقلانی، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، ج ۳، ص ۳۴۴

۲- ازرقی، همان، ص ۳۲۵

۳- پیشین، صص ۳۲۷ و ۳۲۸؛ فاکهی، همان، ج ۱، ص ۴۵۵؛ کلینی، همان، ج ۴، ص ۲۲۳

ص: ۶۲

مقام را زراندود و در سال ۲۰۶ هجری نیز مجدداً آن را مطلّا کردند. (۱) بعدها مقصوره و بنایی بر فراز آن قرار دادند که البته مسیر مطوّفین را تنگ می‌کرد. لذا در ۱۳۸۷ ق. آن را در میان طوقی زرین قرار دادند و محفظه‌ای از جنس کریستال بر روی آن قرار دادند. این محفظه ۱۸* ۱۳۰ سانتی‌متر(به جز پایه) ارتفاع دارد و قطر آن ۸۰ سانتی‌متر است. بر روی آن، قالب دو جای پا، به عنوان جای پای ابراهیم(ع) تعبیه شده است. فاصله آن تا حجرالأسود ۵/ ۱۴ متر، تا رکن شامی ۱۴ متر، تا شاذروان و دیوار کعبه ۲۵/ ۱۳ متر است.(تصاویر شماره ۲۰ و ۲۱)

۱۳. حِجْر اسماعیل

(ع)

حِجر اسماعیل(ع) میان رکن شمالی و رکن غربی کعبه قرار دارد. «حِجْر» به معنای پناه و دامن است و از این رو به اسماعیل(ع) منسوب کرده‌اند که وقتی دیوارهای کعبه برافراشته شد، او برای پناه بردن از گرمای خورشید، در سایه و کنار این دیوار می‌نشست و یا این‌که کنار آن سایبانی برای خود ساخت و در آن پناه گرفت؛ چون اسماعیل(ع) درگذشت، او را در همان مکان دفن کردند. قریش در بازسازی کعبه، به خاطر نداشتن مال حلال به اندازه لازم در بازسازی کامل، بخشی از طول کعبه کاستند؛ یعنی حدود سه مترو نیم. بنابراین، از دیوار کعبه تا این مقدار، جزو کعبه است. طول حِجر ۸۰/ ۶ متر است. عبدالله بن زبیر، هنگام تجدید بنای کعبه، حِجر را حفر کرد و در آن سنگی به رنگ سبز یافت؛

۱- فاسی المکی، همان، ج ۱، ص ۳۲۸

ص: ۶۳

از قریش در این باره پرسید، عبدالله بن صفوان گفت: گور اسماعیل(ع) است؛ لذا ابن زبیر آن را به حال خود رها کرد. او در این حفریات پایه‌های کعبه در زمان ابراهیم(ع) را کشف کرد و آن را بر همان اساس بازسازی کرد. بنابراین، حِجر اسماعیل کنونی، در دوران وی داخل بیت شد که بعد از کشته شدن وی، حجاج خانه را تخریب و دیوار سمت حجر را به اندازه زمان قریش عقب برد و حجر را از کعبه بیرون گذاشت.

پیامبر(ص) به عایشه فرمودند: هرگاه خواستی درکعبه نماز بگزاری، درحجرنمازگزار که بخشی از کعبه است، لیکن قوم تو آن‌گاه که کعبه را می‌ساختند، از طول آن کاستند و آن را بیرون کعبه قرار دادند. این گفته پیامبر(ص) نیز سندی است برای این که طواف در داخل حجر جایز نیست. البته برخی معتقدند از طول کعبه حتی یک وجب هم کاسته نشده و حجر جزو کعبه نبوده است بلکه این‌جا محل دفن مادر اسماعیل بوده که وی آن را سنگ‌چین کرده بود تا کسی روی آن راه نرود.

حِجر که اکنون با نیم دایره‌ای کوتاه محصور شده، دارای دیواری به ارتفاع ۱/ ۳۲ و عرض ۱/ ۵ متر با دو ورودی شرقی و غربی است. طول آن از دیوار کعبه(زیر ناودان طلا) تا دیوار حِجر، حدود ۶/ ۸۰ متر و عرض آن میان دو در شرقی و غربی ۸/ ۷۷ متر است. از این مقدار سه متر آن، که از دیوار کعبه آغاز می‌شود، در طول، جزو کعبه و بنای اصلی است. در دوره منصور عباسی(۱۴۰ ق.)، زمین آن برای نخستین بار با سنگ مرمر پوشیده شد و در دوره‌های بعد نیز همواره سنگ‌های حِجْر را تعویض و ترمیم می‌کرده‌اند و اکنون نیز با سنگ مرمر سفید مفروش است. اما آن‌چه مشهور است این‌که در حجر، دختر، همسر و مادر اسماعیل(هاجر) و نیز

ص: ۶۴

چند تن از انبیای الهی مدفون‌اند، (۱) که البته باید در انتهای حجر اسماعیل کنونی به سمت دیوار حجر دفن شده باشند؛ زیرا تا سه متر از کعبه در صورت پذیرش آن روایات که قبلًا از آن در موضوع حطیم سخن گفتیم در زمان قریش جزو کعبه بود و کسی را داخل کعبه دفن نمی‌کردند.

۱۳. چاه زمزم، تاریخچه و فضیلت آن

هنگامی که ابراهیم(ع)، هاجر و تنها فرزندش اسماعیل را به وادی خشک و سوزان مکه آورد، همراه مادر اسماعیل مشک آبی بود و هیچ‌گونه زاد و توشه‌ای غیر از آن نداشت. حضرت ابراهیم آن دو را کنار درختچه‌ای نشاند و سپس از مکه خارج شد و آنان را به خدا سپرد(رَبَّنا إِنِّی أَسْکَنْتُ مِنْ ذُرِّیَّتِی بِواد غَیْرِ ذی زَرْع عِنْدَ بَیْتِکَ الْمُحَرَّمِ). (۲) پس از اندک زمانی آبِ همراه هاجر تمام و شیرش نیز خشک شد. هاجر در پی آب، فاصله میان کوه صفا و مروه را دوان دوان، هفت بار پیمود. جبرئیل(ع) بر زمین کوبید و به قدرت الهی آب از همان‌جا به روی زمین فوران زد. مادر اسماعیل(ع) با مشاهده آن آب روان گفت: «زَمْزَمْ»؛ یعنی بایست. خود نیز مقداری خاک و شن اطراف آن ریخت تا مبادا پیش از آن که آب را در مشک بریزد، به زمین فرو رود. گویند اگر هاجر چنین نمی‌کرد، شاید زمزم رود روانی می‌شد. هاجر مشک را پر کرد و به

۱- کلینی، همان، ج ۴، ص ۲۱۰

۲- ابراهیم: ۳۷

ص: ۶۵

فرزندش نوشانید. (۱) خبر پیدایش آب در این منطقه سوزان و لم یزرع، قبایل جُرهم را به آن‌جا کشانید که در کنار چاه زمزم سکونت گزیدند.

چون جُرهمیان حرمت کعبه و حرم را شکستند و به فسق و فجور پرداختند، خداوند پس از چندی آب زمزم را از جوشش انداخت و خشک کرد؛ به‌طوری که حتی مکان آن نیز محو شد. عمرو بن حارث مضاض جرهمی، دو مجسّمه زرین آهو و شمشیرهای مرصّع را، که در کعبه بود، از بیم آن‌که سرقت نکنند، شبانه برداشت و در محل چاه زمزم زیر خاک پنهان‌کرد. (۲) چاه زمزم هم‌چنان تا دوران عبدالمطّلب بن هاشم، پدر بزرگ پیامبر(ص)، مخفی بود. او شبی در خواب دید که نوری از کنار کعبه به آسمان برخاست. وی به رغم سرزنش و آزار رقبا، با کمک فرزندش حارث همان نقطه را حفر کرد و بر مجسمه‌ها و شمشیرها دست یافت و هم‌چنان کند تا آب فوران زد. (۳) هنگام ظهور اسلام، سقایت حاجیان از آب زمزم که یکی ا زمناصب مهم کعبه بود، در دست عباس بن عبدالمطّلب قرار داشت. برای زمزم

۱- فاکهی، همان، ج ۲، صص ۹- ۶؛ فاسی المکی، همان، ج ۱، ص ۳۹۷؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۵۱۲ ابن علان الشافعی، دلیل الفالحین لطرق ریاض الصالحین، ج ۴، صص ۷۱۶ و ۷۱۷

۲- مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، صص ۶۱- ۶۳؛ کلینی، همان، ج ۴، ص ۲۱۹

۳- ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، صص ۱۱۰- ۱۱۵؛ ازرقی، همان، صص ۲۳۱- ۲۴۰؛ نهروانی المکی، الاعلام بأعلام بیت الله الحرام، صص ۳۷- ۳۰؛ محمود یاسین، رحله الحج والعمره، ص ۱۱۵

ص: ۶۶

اسامی زیادی است؛ از جمله: برکه، سَیّده، نافِعَه، مَضْمونَه، عَونَه، بُشْری، صافیه، بَرَّه، عَصِمَه، سالِمَه، مِیْمُونه، مُبارکه، کافیه، عافیه، طاهِره، طَعام طُعْم، شَفاء سُقم و ... (۱) درباره اهمیت آب زمزم و فضیلت نوشیدن آن، روایات بسیاری نقل شده است. پیامبر(ص) فرموده‌اند: «زمزم بهترین چاه‌های دنیا است». گفته‌اند هرگز از آب چاه زمزم کاسته و خشک نخواهد د. بهترین خوراک (۲) و مایه سلامت از هر درد است. مستحب است پس از نوشیدن آن بگویی: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْماً نَافِعاً وَ رِزْقاً وَاسِعاً وَ شِفَاءً مِنْ کُلِ‌دَاء». (۳) این آب همواره نزد مردم مکه قِداسَت و اهمیت فراوانی داشته است. آنان مردگان خود را با آب زمزم غسل می‌دادند و خود مقید به استفاده و نوشیدن از آن بودند. پیامبر(ص) بیشتر از آب زمزم می‌نوشیدند و در هر جا که بودند، از اصحاب می‌خواستند آن را برای آشامیدن و وضو ساختن ایشان فراهم آورند. (۴) آن حضرت زمزم را از چشمه‌های بهشت و از آیات

۱- فاکهی، همان، ج ۲، ص ۶۸؛ حرّ عاملی، همان، ج ۹، ص ۳۵۱؛ سائد بکداش، فضل ماء زمزم، ص ۶۰ به‌بعد.

۲- در جاهلیت به آب زمزم «الشبعه» یعنی سیر کننده نیز گفته می‌شد.(فاکهی، همان، ج ۲، ص ۳۲)؛ گویند ابوذر غفاری به‌مدت سه روز گرسنگی خود را تنها با آب زمزم برطرف می‌کرده‌است.(بکداش، همان ص ۶۹).

۳- ازرقی، همان، صص ۳۴۴- ۳۴۰؛ کلینی، همان، ج ۴، ص ۴۳۰؛ نهروانی المکی، همان، ص ۳۴؛ فاکهی، همان، ج ۲، ص ۴۳؛ ابن ابی شیبه، المصنف فی الاحادیث والآثار، ج ۴، ص ۳۵۸

۴- فاکهی، همان، ج ۲، صص ۵۸- ۵۱

ص: ۶۷

خداوندی در حرم الله و بهترین آب روی زمین دانسته‌اند. (۱) عرض چاه ۴ متر، عمق آن سی متر و فاصله‌اش تا کعبه ۲۱ متر است. در ۱۵ متری این عمق دو دهانه تونل وجود دارد که یکی از سمت کعبه و دیگری از سمت اجیاد می‌آید و پایین‌تر از آن تا عمق ۱۷/۲۰ سانتی متر در داخل سنگ حفر شده است. امروزه متوسط مصرف آب زمزم به وسیله زائران بیت الله، حدود ده هزار متر مکعب در روز و به عبارتی حدود ۴۰ هزار لیتر است. در دوران سعودی به سال ۱۳۸۸ ق. قبّه‌ای که بر فراز چاه زمزم بود، خراب و بنای جدیدی در زیر زمین ساختند که در آن‌جا از آب چاه استفاده می‌کردند. اکنون برای استفاده بیشتر از مطاف، آن مدخل را نیز پوشانیده ودر اطراف صحن مسجدالحرام به وسیله لوله‌کشی، آب را به شیرها هدایت کرده‌اند تا زائران از آن‌ها بنوشند.(تصاویر شماره ۲۲ و ۲۳)

۱۴. صفا و مروه (مَسْعی) و حوادث تاریخی آن

(إِنَّ الصَّفا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعائِرِ اللهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَیْتَ أَوِ اعْتَمَرَ فَلا جُناحَ عَلَیْهِ أَنْ یَطَّوَّفَ بِهِما وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَیْراً فَإِنَّ اللهَ شاکِرٌ عَلِیمٌ). (۲) گفته‌اند هنگامی که حضرت آدم صفی‌الله(ع) از بهشت رانده شد، نخست بر کوهی کنار بیت‌الله الحرام فرود آمد، لذا آن کوه را «صفا»

۱- ر. ک. به: سائد بکداش، همان، صص ۵۶- ۶۴

۲- بقره: ۱۵۸، «همانا صفا و مروه از شعائر خداست. پس کسی که حج خانه(خدا) یا عمره به‌جا می‌آورد مانعی نیست که بر آن دو طواف کنند و کسی که فرمان خدا را در انجام کارهای نیک اطاعت کند، خداوند شکرگزار و(از افعال او) آگاه است.

ص: ۶۸

نامیدند؛ که بنا به گفته خداوند،(إِنَ‌اللَّه اصْطَفی آدَمَ وَ نُوحاً) (۱) از نام «آدم المصطفی» گرفته شده است. حوّا ۳ نیز برکوهی مقابل صفا فرود آمد و لذا آن را «مروه»؛(زن) نامیدند. جبرئیل(ع) بر آنان نازل شد و اعمال حج را آموخت و آن دو به طواف بیت‌الله پرداختند. (۲) هاجر فاصله میان کوه صفا و مروه را، که حدود ۵/ ۷۶۶ ذراع برابر با ۵/ ۳۷۷ متر بود، هفت بار در جستجوی آب طی کرد؛ قسمتی از این مسیر(۵۵ متر) را که در دوران عثمانی با کاشی‌های سبزمشخص و امروزه با چراغ سبز روشن است، با اضطراب شدیدی، که ناشی از نگرانی نسبت به وضع فرزند خود بود، سریع‌تر پیمود و در اصطلاح «هَرْوَله» کرد. در علت نامگذاری هروله، سخنان دیگری نیز هست؛ از جمله این‌که در این مکان شیطان بر ابراهیم(ع) ظاهر شد و ایشان این قسمت را تندتر پیمود. در هر حال حاجیان به یاد شداید و سختی‌های هاجر ۳، آن بانوی فداکار، در این مکان هروله می‌کنند؛ یعنی به گونه‌ای گام برمی‌دارند که شانه‌ها و تمامی بدن به حرکت درآید. گفتنی است هروله برای زنان لازم نیست.

از امام صادق(ع) روایت شده که فلسفه سعی میان صفا و مروه، جز برای شکستن غرور و نخوت متکبران نیست. این عده، باید دوش به دوش نژادهای مختلف؛ اعم از سیاه و سفید، توانا و ناتوان، بی‌نیاز و نیازمند و ... تکبّر و فخرفروشی را پایمال گام‌هایشان کنند.

کوه صفا، هم‌چنین مکانی است که پیامبر(ص) نخستین بار، رسالت الهی

۱- آل عمران: ۳۳

۲- شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۳۲؛ کلینی، همان، ج ۴، صص ۱۹۰ و ۱۹۱

ص: ۶۹

خود را از فراز آن، بـا این عبـارت اعلاـن کرد: «قُولُوا لاـ إلهَ إلّا اللهُ تُفْلِحُوا»، هنگامی که آیه:(وَأَنْـذِرْ عَشِـیرَتَکَ الْأَقْرَبِینَ) نازل شـد و خداونـد فرمود نزدیکان خود را بیم و انذار ده، پیامبر(ص) اقوام و نزدیکان خود را در منزلی کنار این کوه انذار داد. (۱) خانه «ارقم بن ابی ارقم»؛ یعنی نخستین پایگـاه مخفی توحیـدی در دامنه آن قرار داشت. در روز فتـح مکّه نیز بر فراز این کوه رفت و پایـان کار مشـرکان را اعلام کرد و مهاجران و انصار را به اتحاد و یکپارچگی و صـفا و صـمیمیت در سایه توحیـد فراخواند. (۲) کوه صفا که سعی از آن آغاز می‌شود، در سمت جنوب شرقی کعبه قرار دارد و در فاصله ۱۳۰ متری آن واقع شده است.

کوه مروه، که در برابر رکن شـامی و در ۲۰۰ متری شـمال شـرقی کعبه واقع است نیز همانند کوه صفا نکته‌هایی دارد؛ بر فراز همین کوه بود که خداوند به حضـرت ابراهیم(ع) فرمان داد تا بهترین ثمره جانش؛ یعنی اسـماعیل را در راه او قربانی کند. هم‌چنین گوینـد هنگام فتـح مکّه، ۳۶ بت بر روی این دو کـوه قرار داشت و بت‌هـای زیـادی نیز در میـان آن‌دو بود که همه را پیـامبر(ص) شکسـتند. پیامبرخدا(ص) هنگام سـعی، ابتدا مقداری از کوه صـفا بالا می‌رفت و سپس به حرکتش ادامه می‌داد و در پایین درّه، که آغاز محل هروله بود، راه را مقداری سریع‌تر می‌پیمود. در دوره منصور، خلیفه عباسی، برای کوه صفا پانزده پله و بر کوه مروه ۹ پله

۱- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۶۲؛ طبری، تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۶۳؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۲۱۵

۲- البکری الشافعی المصری، الدرهُ المُکَلَّله فی فتح مکه المشرفه المُبَجَّله، ص ۱۴۹

ص: ۷۰

ساخته شد. (۱) مَسْعی؛ فاصله میان صفا و مروه، در توسعه دوم سعودی، در دو طبقه ساخته شد که تا سال ۱۳۴۱ ق. بدون سقف بود. حاجیانِ اهل سنت از طبقه بالا نیز سعی می‌کنند که البته امکان انجام سعی و طواف بر روی پشت بام هم برای آنان فراهم است. در پروژه جدید مسعی به ۳ طبقه افزایش یافته است که یک طبقه هم در زیر زمین برای حرکت و سعی افراد ناتوان و از پا افتاده احداث گردیده که آنان به وسیله نوار و نقاله‌ای با برق حرکت داده شوند. این طبقات در مراسم حج تمتع امسال بهره‌داری خواهد شد. مَسْعی در شرق مسجدالحرام و دارای شانزده درِ ورودی است. معروف‌ترین و قدیمی‌ترین آن‌ها، باب بنی‌شیبه، باب علی، باب عباس و باب السلام است. طول مسعی در توسعه سعودی به ۵/ ۳۹۴ و عرض آن به بیست متر رسید. ارتفاع طبقه اول دوازده متر و طبقه دوم ۵/ ۸ متر است. بنابراین بخش اعظمی از کوه صفا و مروه تراشیده شد. که در پروژه توسعه جدید قرار است بقایای کوه صفا نیز به کلی تخریب شود.

در توسعه‌های سعودی، پشت و اطراف مسعی تا شعاع پانصد متری تخریب و فضای سطح پیرامون گسترش زیادی یافته است. در دوران‌های گذشته مسعی در وسط بازاری قرار داشت که پیرامون آن را دکان‌ها احاطه کرده بودند. اکنون مسعی به مسجدالحرام متصل شده است. در تغییراتی که مقدمات آن آغاز شده است بخش‌های بزرگی از اطراف مسعی اعم از هتل‌ها، بازارها و خانه‌ها تخریب شده و دامنه آن تا بعد از

۱- ازرقی، همان، ص ۳۹۴

ص: ۷۱

بازار جودریه و یا ابوسفیان اقتدار یافته است.(تصویر شماره ۲۴)

ه) مسجدالحرام و سیر تاریخی آن

مسجدالحرام بر اساس روایت ابوذر از پیامبر خدا(ص)، نخستین مسجد بر روی زمین است. (۱) فضیلت یک رکعت نماز در آن، برابر با یکصد هزار رکعت در دیگر مساجد جز مسجد النبی است؛

«... وَ صَلَاةٌ فِی الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ تَعْدِلُ مِائَةَ أَلْفِ صَلَاه فِی غَیْرِهِ (۲) ».

بسیاری از محدثان، مسجدالحرام را بر دیگر اماکن و بقاع، جز مکان دفن پیامبر(ص)، که به اجماع، بهترین مکان‌ها است، برتری داده‌اند و در مورد فضائل و ویژگی‌های آن سخن‌ها گفته‌اند. (۳)

۱- مسلم، صحیح، باب المساجد، حدیث ۱۱۶۱

۲- حرّ عاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۵، ص ۲۷۲

۳- ابن قیم جوزی، زادالمعاد فی هدی خیر العباد، ج ۱، ص ۱۲؛ ابن حزم اندلسی، المحلی بالاثار، ج ۵، ص ۳۳۵.

ص: ۷۲

مسجدالحرام در گذشته، به کعبه و مطاف پیرامون آن اطلاق می‌شد لیکن به مرور بر وسعت آن افزوده شد.

طبق روایتی از امام صادق(ع)، ابراهیم و اسماعیل ۸، حدّ مسجدالحرام را تا میان صفا و مروه قرار داده بودند. (۱) در دوران جاهلی؛ یعنی تا قبل از سلطه «قُصی بن کلاب»، جدّ چهارم رسول‌الله(ص)، مردم در پیرامون کعبه، خانه و عمارتی نداشتند و بیشتر قبایل، برای احترام و بزرگداشت کعبه، از سکونت و ساختن خانه در کنار آن پرهیز می‌کردند و بیشتر در درّه‌های مکه سکونت می‌گزیدند. با تسلّط قصی بر مکه، وی از مردم خواست تا پیرامون کعبه ساکن شوند و خانه‌هایی بنا کنند تا به امنیت بهتری دست یابند.

وی نخستین خانه را در سمت شمالی کعبه به نام «دارالندوه» که مجلسی مشورتی بود ساخت. بدین‌گونه، قریش پیرامون کعبه خانه‌هایی ساختند و درهایی به سوی کعبه گشودند و مقداری از اطراف کعبه را برای طواف زائران باز گذاشتند. آنان برای احترام به کعبه، خانه‌ها را کوتاه‌تر از آن، به شکل دایره، و نه مربع، ساختند. (۲) مسلمانانی که از مدینه و سایر سرزمین‌ها برای حج می‌آمدند، راهی جز داخل شدن در این خانه‌ها و ورود به مسجدالحرام نداشتند. (۳)

۱- کلینی، همان، ج ۴، ص ۲۱۰

۲- نهروانی المکی، همان ص ۷۳؛ حسین بن عبدالله باسلامَه. تاریخ عماره المسجد الحرام، صص ۶ و ۷

۳- فاکهی، همان، ج ۲، ص ۱۵۸؛ نهروانی المکی، همان، ص ۷۴

ص: ۷۳

در آن دوران، تنها محدوده طواف مطرح بود و اعراب چیزی به نام مسجدالحرام نمی‌شناختند تا این‌که خداوند آیات سوره اسرا را نازل و در آن از مسجدالحرام یادکرد. (۱) مسجدالحرام در دوره‌های متعدد از زمان خلیفه دوم(۱۷ هجری) تا عصر حاضر ۹ مرتبه توسعه یافته است که بر اساس جدول پیوستی میزان آن توسعه‌ها که با تخریب اماکن و خانه‌های اطراف صورت پذیرفته روشن است. بیشترین توسعه در دو مرحله توسط آل سعود انجام پذیرفته است که مجموع مساحت مسجدالحرام را به ۰۰۰/ ۳۶۶ متر مربع رسانیده است. اکنون همزمان بیش از یک میلیون نفر می‌توانند در آن اقامه نماز کنند.

در پروژه عظیمی که مرحله اولیه آن در حال اجرا است قرار است تا شعاع ۱۵۰ متری اطراف مسجد از دو جهت توسعه یابد لذا بسیاری از هتل‌ها و ساختمان‌های اطراف که حتی تازه احداث شده‌اند تخریب خواهند شده. قرار است گنجایش حجم نمازگزاران در مسجدالحرام از ۶۰۰ هزار نفر به ۱ میلیون نفر افزایش یابد.(تصاویر شماره ۲۵ تا ۳۱)

و) درهای مسجدالحرام از ابتدا تا کنون

مسجدالحرام در عصر خلیفه مهدی عباسی(۱۶۰ هجری) دارای

۱- (سُبْحَانَ الَّذِی أَسْرَی بِعَبْدِهِ لَیْلا مِنْ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَی الْمَسْجِدِ الْأَقْصَی ...)(اسراء: ۱).

ص: ۷۴

۱۹ در بود که از معروف‌ترین آن‌ها می‌توان به «باب بنی‌شیبه» اشاره کرد. در دوران ملک عبدالعزیز سعودی(۱۳۴۴ ق.) این تعداد به ۲۶ در افزایش یافت. در دوران فهدبن عبدالعزیز، در توسعه اول ۵۱ درِ اصلی و فرعی گشوده شد و در توسعه دوم به ۶۲ در رسید، که اکنون نیز همه آن‌ها وجود دارد و به همراه راه‌پله‌های ورودی به ۹۲ در می‌رسد. در میان آن‌ها چهار درِ اصلی و بزرگ وجود دارد که در چهار جهت اصلی قرار یافته و بر فراز هریک دو مناره، به ارتفاع ۲۹ و مساحت ۷۷/ ۷ متر ساخته شده است. این درها عبارت‌اند از:

۱. باب ملک عبدالعزیز؛ ۲. باب فهد بن عبدالعزیز؛ ۳. باب العمره؛ ۴. باب فتح.

ص: ۷۵

ص: ۷۶

ص: ۷۷

خلاصه درس

بر اساس برخی از روایات، کعبه را حضرت آدم(ع) بنا کرد. هنگام طوفان نوح(ع) کعبه از دیده‌ها پنهان شد و از آن دوران تا زمان حضرت ابراهیم(ع) پنهان بود تا آن‌که خداوند مکان آن را به ابراهیم(ع) نشان داد.

کعبه در دوران حضرت ابراهیم سقف نداشت. قریش در دوره جاهلیّت آن را مسقف کردند. کعبه در طول تاریخ پس از بنای ابراهیم(ع)، ۸ مرتبه به طور کامل یا بخشی از آن توسط قبایل و افراد بازسازی شده است.

آثار مقدس کعبه و مسجدالحرام عبارتند از حَجَرالأسود یا سنگ سیاهی که در رکن «اسود» یا «شرقی» نصب شده است.

و نیز «ارکان کعبه» که چهارگوشه بیت الله و هر یک به نام خاصی مشهور است. از جمله رکن شرقی(اسود)، رکن شمالی(عراقی)، رکن غربی(شامی)، رکن جنوبی(یمانی). در دوران ابن زبیر برای محکم ساختن پایه‌های کعبه، برآمدگی کوچکی دیوار کعبه را احاطه کرد که جزو کعبه بود و آن را شاذروان گویند.

برای خارج ساختن آب باران از بام کعبه، میان شمال و غرب بام، ناودانی از نصب شد که آب را به داخل حِجر اسماعیل(ع) هدایت کند.

کعبه در زمان ابن زبیر دارای دو باب بود که یکی از آن‌ها را حجاج بست. ابن زبیر دری چوبین بر روی آن قرار داده بود که در طول تاریخ با درهای جدیدتر تعویض شده و هم اکنون از طلای خالص

ص: ۷۸

است.

باب الکعبه به وسیله قفلی که آیات قرآن بر آن نقش بسته، قفل می گردد.

از آغاز ساخت کعبه به دست حضرت ابراهیم(ع)، قبایل، طوایف و پادشاهان، هدایایی را برای نصب در داخل کعبه ارسال می کردند. امروزه دیوارهای داخلی کعبه با حریر سبز و سقف آن با پرده‌های زیبا پوشیده شده و روی آن‌ها اسامی پروردگار و عباراتی چون: «لا إِلَهَ إِلَّا اللهُ»، «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ» نوشته شده است.

به بخشی از دیوار پشت کعبه و کنار رکن یمانی مستجار گفته می‌شود.

بر اساس نظر شیعه ملتزم پشت کعبه یعنی همان جایی است که مستجار و رکن یمانی واقع شده است.

در دوران جاهلیت، بین حجرالاسود، باب کعبه و مقام و حجر اسماعیل، نفرین مظلومان در حق ظالمان مستجاب می‌شده و ظالمان به هلاکت می‌رسیدند آن‌جا را حطیم گویند.

به روایتی دیگر حطیم سمت حجر اسماعیل است که جزو کعبه بوده و قریش آن را از طول کعبه کاسته‌اند.

یکی از مناصب مهم در دوره جاهلی، «پرده‌داری کعبه» بوده است. که هر سال با پرده‌های جدید بر کعبه پوشانیده می‌شود.

مقام ابراهیم(ع) که در قرآن کریم از آن به عنوان یکی از نشانه‌های روشن یاد شده، از کهن‌ترین آثار موجود در مسجدالحرام است.

ص: ۷۹

حِجْر اسـماعیل(ع) را از این رو به اسـماعیل(ع) منسوب کرده‌اند که وقتی دیوارهای کعبه برافراشـته شد، او برای پناه بردن از گرمای خورشید، در سایه و پناه(حجر) این دیوار می‌نشست.

چـاه زمزم، همواره نزد مردم مکه قِـداسَت و اهمیت فراوانی داشـته است. پیـامبر(ص) بیشتر از آب زمزم می‌نوشـیدند و در هر جا که بودند، از اصـحاب می‌خواسـتند آن را برای آشامیدن و وضو ساختن ایشان فراهم آورند. آن حضرت زمزم را از چشمه‌های بهشت و از آیات خداوندی در حرم الله و بهترین آب روی زمین دانسته‌اند.

گفته‌انـد هنگامی که حضـرت آدم صـفی‌الله(ع) از بهشت رانـده شـد، نخست بر کوهی کنار بیت‌الله الحرام فرود آمد، لذا آن کوه را «صفا» نامیدند. حوّا ۳ نیز بر کوهی مقابل صـفا فرود آمد و لذا آن را «مروه»؛(زن) نامیدند. جبرئیل(ع) بر آنان نازل شد و اعمال حج را آموخت و آن دو به طواف بیت‌الله پرداختنـد. حاجیـان فاصـله این دو کوه را که نزدیک ۳۷۷ متر است بایـد هفت مرتبه طی کنند که به محل آن مسعی گفته می‌شود.

مسـجدالحرام بر اساس روایت ابوذر از پیامبر خدا(ص)، نخستین مسجد بر روی زمین است. بر اساس روایات ثواب یک رکعت نماز در مسجدالحرام، به اندازه یکصد هزار رکعت در مساجد دیگر است.

مسـجدالحرام در عصر خلیفه مهدی عباسی دارای ۱۹ در بود. در دوران ملک عبدالعزیز سـعودی به ۲۶ در افزایش یـافت. در دوران فهدبن عبدالعزیز، در توسعه اول ۵۱ درِ اصلی و فرعی گشوده شد و در توسعه

ص: ۸۰

دوم به ۶۲ در رسید، که اکنون نیز همه آن‌ها وجود دارد. در میان آن‌ها چهار درِ اصلی و بزرگ وجود دارد که در چهار جهت اصلی قرار یافته که این درها عبارت‌اند از:

۱. باب ملک عبدالعزیز؛ ۲. باب فهد بن عبدالعزیز؛ ۳. باب العمره؛ ۴. باب فتح.

خودآزمایی

۱. سیر تاریخی احداث کعبه را شرح دهید.

۲. سیر بازسازی کعبه را بیان کنید.

۳. مناصب کعبه را نام برده و توضیح دهید.

۴. بخش‌های مختلف کعبه و مسجدالحرام را نام برده و شرح دهید.

۵. روایاتی را که در مورد حجر الاسود وجود دارد بیان کنید.

۶. ارکان مختلف کعبه را نام برده و شرح دهید.

۷. مستجار چیست و چه حادثه‌ای در آن رخ داده است؟

۸. کوه صفا و مروه شاهد چه حوادثی بوده است؟

۹. سیر تاریخی مسجد الحرام را شرح دهید.

۱۰. درهای اصلی مسجد الحرام را نام ببرید.

ص: ۸۱

درس سوم‌میقات‌های حج و حدود حرم و مشاعر مقدسه (عرفات، مشعرالحرام و مِنی)

اشاره

اهداف آموزشی

انتظار می‌رود با مطالعه این درس:

- با میقات‌های حج آشنا شویم.
- محدوده حرم را با توجه به جهات مختلف آن بشناسیم.
- علت تحریم در محدوده حرم را بدانیم.
- با اقوالی که در نامگذاری سرزمین عرفات بیان شده آشنا شویم.
- با مکان‌هایی که حاجیان بعد از محرم شدن به ترتیب در آن وارد می‌شوند آشنا شویم.
- با تاریخچه وادی محسر آشنا شویم.
- وقایع سرزمین منا را بدانیم.
- با فلسفه پیدایش جمرات سه گانه آشنا شویم.
- مساجد موجود در منا را بشناسیم.

دکتر اصغر قائدان، درسنامه آشنایی با تاریخ و اماکن مقدس مکه مکرمه و مدینه منوره، ۱جلد، نشر مشعر - تهران، چاپ: ۱، تابستان ۱۳۸۹.درسنامه آشنایی با تاریخ مکه مکرمه و مدینه منوره ؛ ؛ ص۸۱

مدخل

اشاره

ص: ۸۲

حاجیان برای ورود به سرزمین حرم باید در نقاطی محرم شوند تا بتوانند وارد حرم گردند. شناخت این مکان‌ها که به میقات معروف هستند به زائران کمک خواهد کرد تا در آن نقاط احرام ببندند و وارد حرم امن الهی شوند. زائران به هنگام انجام حج باید سه روز پی در پی در اماکن و مشاعر متبرکه عرفات، منی و مشعر وقوف و حضور یابند و اعمال مخصوص آن را انجام دهند تا حج خود را به پایان رسانند. لذا در این درس به توضیح و تشریح میقات‌های حج، حدود حرم و علت تحریم آن، مساجد منطقه آغازین حرم و مناطق عرفات، مشعر و منا و ویژگی‌های هریک پرداخته می‌شود.

الف) میقات‌های حج

اشاره

میقات‌ها به تناسب مسیر ورود حجّاج متفاوت‌اند. پیامبر(ص) برای مردم و ساکنان شهر مدینه، ذوالحلیفه(مسجد شجره)، برای مردم شام، جحفه، برای اهل نجد و یمن، قرن المنازل و برای اهل یمن، یلملم را میقات قرار داد، (۱) که به شرح زیر در مسیرهای ورودی مکه قرار

۱- بخاری، صحیح، [الحج]، حدیث ۱۵۲۴. مردم برای انجام حج و عمره به سه دسته تقسیم می‌شوند: ۱. اهل حرم، که در مکه و داخل حدود حرم ساکن هستند و باید برای حج در مکان خود و برای عمره در یکی از مکان‌های حدّ حرم محرم شوند؛. اهل حِلّ، به کسانی گفته می‌شود که محل سکونتشان در داخل محدوده میقات‌ها یا بین میقات‌ها و حدّ حرم است که باید برای حج و عمره از سکونت‌گاه‌های خود محرم شوند؛ ۳. آفاقیون، به کسانی گفته می‌شود که خارج میقات‌ها زندگی می‌کنند که باید برای حج و عمره بر حسب مسیر خود در یکی از میقات‌ها محرم شوند.

ص: ۸۳

دارند:

۱. ذوالحُلیفه (مسجد شجره/ آبار علی (ع))

این مسجد که در بخش مدینه از آن سخن خواهیم گفت، در هشت کیلومتری جنوب غربی شهر مدینه قرار دارد و میقات کسانی است که از مدینه به مکّه می‌روند. پیامبر(ص) در سه سفر عمره و یک سفر حج تمتّع، در این میقات محرم شدند.

۲. جُحفه

«جُحفه» در ۱۸۹ کیلومتری شمال غربی مکه و ۱۷ کیلومتری جنوب شرق شهرک رابغ واقع است و میقات اهل شام، مصر و سرزمین‌های دیگری است که از این مسیر وارد مکه می‌شوند. امروزه کسانی که ابتدا از جدّه به مکّه می‌آیند، در مسجد جدیدالاحداثی که بهجُحفه معروف است، محرم می‌شوند. این مسجد ۹۰۰ متر مساحت دارد. منطقه «غدیر خم» در نزدیکی جحفه(حدود چهار کیلومتری آن) قراردارد. چون این منطقه به وسیله سیل تخریب شد، آن را جُحفه نامیده‌اند. (۱) امروزه از مسجد غدیر خم اثری باقی نمانده است.

۱- بنگرید: زبیدی، تاج العروس، ماده جحف.

ص: ۸۴

۳. وادی عقیق

وادی (۱) عقیق

این وادی در ۹۴ کیلومتری شمال شرقی مکّه بوده و میقات کسانی است که از راه عراق و نجد به مکّه می‌روند.

۴. قَرْن المَنازل

در ۹۴ کیلومتری جنوب شرقی مکه واقع شده و میقات کسانی‌است‌که از نجد و طائف(جنوب مکه)، از جاده ریاض- طائف به حرم وارد می‌شوند. «قَرْن» به کوه کوچکی گفته می‌شود که از کوهی بزرگ جدا افتاده باشد. در این منطقه دومسجد در سال ۱۴۰۲ ق. ساخته شده است. یکی «السیل الکبیر» و دیگری «مسجد وادی محرم».

۵. یَلَمْلَمْ

کوهی است از کوه‌های «تهامه» که در ۱۰۰ کیلومتری جنوب غربی مکّه واقع شده و میقات کسانی است که از یمن(جنوب شبه جزیره) وارد این شهر می‌شوند. (۲) امروزه این مکان به سعدیه معروف است. مسجد یلملم با مساحت ۶۳۵ متر مربع، محل محرم شدن حاجیان یمنی است.

۶. وادی فَخّ

سرزمین شهدای واقعه خونین فخّ، که پیشتر به آن اشاره شد، از میقات‌های مورد نظر شیعه است که در ۶ کیلومتری مکّه بوده و میقات

۱- وادی به معنای درّه یا میان دو کوه است که آب در آن جاری می‌شود.

۲- یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۵، ص ۴۴۱

ص: ۸۵

کودکان و افراد نابالغ است. (۱) این مکان حدود ۵۰۰ متری مسجد تنعیم در سمت راست شارع‌الشهدا قرار دارد. (۲)

۱- در ارتباط با مواقیت شش گانه و آداب و اعمال آن ر. ک حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، صص ۲۲۱ و ۲۲۲؛ طباطبایی حکیم، مستمسک العروه الوثقی، ج ۱۱، ص ۲۵۰ به‌بعد، شیخ‌طوسی، تهذیب‌الاحکام، ج ۵، ص ۵۱

۲- در این مورد بنگرید به مبحث مزار شهدای فخّ در همین کتاب.

ص: ۸۶

ص: ۸۷

ب) حدود حرم و علت تحریم

اشاره

پیامبر(ص) فرمودند:

«إِنَّ اللهَ سُبْحانَهُ حَرَّمَ مَکَهَ وَ لَمْ یُحَرِّمها النّاسُ وَ لا یَحِلُّ لِمَنْ کانَ یُؤْمِنُ بِاللهِ وَالْیومِ الآخِرِ أَنْ یَسْفِکَ بِها دَمًا وَ لا یُعْضدُ بِها شَجراً». (۱) [خداونـد سبحان، مکه را حرم قرار داد و مردم آن را حرم قرار ندادنـد. برای کسـی که به خـدا و روز جزا ایمـان دارد، حلاـل و روا نیست که خونی در آن سرزمین بریزد و یا درختی را در آن قطع کند.]

در قرآن کریم آمده است:

(... وَ مَنْ دَخَلَهُ کانَ آمِناً ...). (۲)

هر کس در آن داخل شود، ایمن گردد.

این به دعای حضرت ابراهیم بود که از خداوند خواست(رَبِّ اجْعَلْ هذا بَلَداً آمِناً) و حضرت حق به وسیله جبرئیل محدوده حرم را به ابراهیم(ع) نشـان داد. او نیز علاـیمی را در حـد و مرز حرم نصب کرد. در دوران پس از پیـامبر(ص) و خلفـا، این علامت‌هـا به ۹۴۳ عدد رسید که بر فراز تپه‌ها و ارتفاعات و سطوح قرار داشت. امروزه جز اندکی از آن‌ها باقی نیست. این محدوده، ذوزنقه‌ای شکل و به طول ۱۲۷ کیلومتر است که مساحتی حدود ۵۵۰ کیلومتر مربع را در

۱- مسلم، صحیح، بشرح النووی، ج ۹، صص ۱۲۳ و ۱۲۴؛ احمد بن حنبل، المسند، ج ۱، ص ۲۵۹؛ بخاری، صحیح، ج ۲، ص ۲۱۳

۲- آل عمران: ۹۰

ص: ۸۸

برمی گیرد.(تصویر شماره ۳۲)

محدوده حرم را در شش جهت، این‌چنین معین کرده‌اند:

۱. سمت طائف‌وادی عُرَنَه (عرفات)

از راه عرفات و در میان «نَمِره» در عرفات است که آن را از ۲۲ تا ۳۲ کیلومتر گفته‌اند. (۱) بنابراین، بخشی از سرزمین عرفات از حد حرم خارج است که با علایمی؛ به ویژه در داخل مسجد نَمِره(محل وقوف پیامبر(ص)) مشخص شده است.

۲. وادی نخله

مکانی است میان مکه و طائف در سمت شمال‌شرقی حرم و در ۴۵ کیلومتری مکه.

۳. جِعْرانه

منطقه جعرانه میان ۱۸ یا ۲۴ کیلومتری شمال شرقی مکه است. در این مکان مسجدی به نام جعرانه وجود دارد. رسول الله(ص) هنگام بر گشت از غزوه حُنَین، در این مکان مُحرم شدند.

۴. تَنْعیم

تنعیم در شمال مکه و در ۵/ ۷ کیلومتری مسجدالحرام است. این مکان، میان دو کوه «ناعم و منعم» و در راه مدینه به مکه واقع است و نام این منطقه نیز نعمان یا تنعیم است. (۲)

۱- فاسی المکّی، همان، ج ۱، ص ۸۷؛ ابن خردادبه، المسالک والممالک، ص ۱۱۶

۲- فاکهی، همان، ج ۵، صص ۶۰- ۵۹

ص: ۸۹

پیامبر(ص) در حَجّه‌الوداع در این مکان مُحرم شدند. گفتنی است دو علامت، در دو طرف جاده اصلی، مرز حرم را نشان می‌دهند. کسانی که از مکه می‌خواهند برای عمره محرم شوند چه؛ ساکن باشند یا مسافر، می‌توانند در این‌جا که نزدیک‌ترین محدوده حرم است مُحرم شوند.

۵. حُدَیبیّه

منطقه حدیبیه آغاز حرم در سمت جدّه است که در ۲۰ کیلومتری مکه قرار دارد. در سال ششم هجری، پیمان صلح معروف حدیبیه و بیعت رضوان در این مکان بسته شد؛ به همین مناسبت بعدها در آن‌جا مسجدی به نام «رضوان» ساختند.

۶. اضاءَهُ لَبَن

«اضاءَهُ لَبَن» محدوده حرم در سمت یمن(جنوب شبه جزیره) است، که در ۱۶ کیلومتری مکّه قرار دارد. (۱) اضاءه به معنای «مَسیل» یا درّه و «لبن» نیز به سبب رنگ مایل به سفیدی کوه مجاور آن است.

ج) مساجد منطقه آغازین حرم

۱. مسجد تَنْعیم

همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، تنعیم یکی از نقاط آغازین حرم و در

۱- یاقوت حموی، همان، ج ۱، ص ۲۸۰؛ ابن خرداد به، المسالك والممالك، ص ۱۱۶

ص: ۹۰

۷/۵ کیلومتری شمال مسجدالحرام است. در مکان احرام پیامبر(ص) در حَجّه‌الوداع، مسجدی ساختند که نام آن را «تنعیم» گذاشتند. نـام دیگر آن عـایشه است؛ زیرا وی همراه آن حضـرت در این مکـان برای انجام عمره مفرده محرم شـد. امروزه این مسـجد بیشتر به «العمره» مشهور است.

والی مکه در سال ۲۴۰ ق. مسـجد تنعیم را ترمیم و بر چاهی که داخل آن بود گنبـدی بنا کرد. پس از آن نیز بارها مسـجد بازسازی شد. (۱) در دوران فهدبن عبدالعزیز این مسجد را از نو ساختند و مساحت آن را به ۶۰۰۰ مترمربع رسانیدند که پانزده هزار نمازگزار را در خود جای می‌دهد. (۲) در پانصد متری این مسجد، یعنی در شارع شهدا، قبرستان شهدای فخ قرار دارد.(تصویر شماره ۳۳)

۲. مسجد حُدَیبیه/ آل شُمَیْسی

پیـامبر خـدا(ص) در ذی‌قعـده سال شـشم هجرت، همراه گروهی از مسـلمانان، برای انجام فریضه حـج، از مـدینه خارج و راهی مکه شدنـد. در نزدیکی مکه، کفار قریش به هراس افتاده و با اعزام سـپاهیانی مسلّح، تصـمیم گرفتنـد تا از ورود آن حضـرت جلوگیری کننـد. با این‌که پیامبر(ص) به نماینـدگان مشـرکان اطمینان دادنـد که قصد جنگ ندارند و تنها برای انجام حج آمده‌اند، لیکن آنان نپذیرفتند و مانع ورود مسلمانان به مکه

۱- رفعت پاشا، مرآه‌الحرمین، ج ۱، صص ۳۴۲ و ۳۴۳

۲- حامد عباس، قصه التوسعه الکبری، ص ۵۶

ص: ۹۱

شدنـد. پیـامبر(ص) عثمـان بن عفـان را به عنوان نماینـده خود برای گفتگو با سـران مکه فرسـتاد، اما تا سه روز از وی خبری نشـد و مسـلمانان گمان کردنـدکه کفار قریش او را کشـته‌اند. چون صـحابه به نیّات مشـرکان واقف نبودنـد، در کنار درختی با پیامبر(ص) پیمان بسـتند که تا پای جان ایسـتادگی کنند. پیامبر(ص) فرمودند: «هیچ یک از کسانی که در کنار این درخت با من پیمان بستند به آتش جهنم نخواهنـد سوخت». در این هنگـام خداونـد نیز بـا نزول آیاتی بر پیمان مسـلمانان صـحّه گـذاشت و از کسانی که در آن حضور داشتند، اظهار رضایت کرد:

(لَقَدْ رَضِی اللهُ عَنْ الْمُؤْمِنِینَ إِذْ یُبَایِعُونَکَ تَحْتَ الشَّجَرَهِ ...). (۱)

بدین سـبب بود که این پیمان «بیعت رضوان» نام گرفت. سـرانجام قریش با آن حضـرت پیمان صـلحی بسـتند؛ بدان شرط که امسال بازگردنـد و در سال دیگر برای انجام حـج به مکّه بیاینـد؛ لذا پیامبر(ص) و همراهان ایشان نیز، به مدینه بازگشـتند. (۲) از آن‌جا که این صـلح در منطقه حدیبیه به وقوع پیوست، به همان نام مشـهور شد. یکی از نتایج پرثمر آن، فتح مکّه بود که خداوند آن را وعده داد. بعـدها در مکـان درخت مـذکور مسـجدی ساختنـد که به نـام رضـوان معروف شـد. هم‌اکنـون بقایـای آن بـاقی است. در دوره سعودی، مسجد دیگری کنار آن ساختند که حدود ۲۰۰ متر مربع مساحت دارد و دارای

۱- فتح: ۱۸

۲- فاکهی، همان، ج ۴، صص ۷۴ و ۷۵

ص: ۹۲

دیوارهای سفید و یک مناره است. امروزه تابلویی بر بالای آن، با عنوان مسجد آل شمیسی دیده می‌شود که نام خاندان یا چاهی در منطقه است. کمی پایین‌تر از حدیبیه، حدود دو کیلومتری آن، موزه حرم مطهر و نیز کارگاه‌های بافت پرده کعبه قرار دارد.(تصویر شماره ۳۴)

۳. مسجد جِعْرانَه

یکی دیگر از مساجدی است که در آغاز حدّ حرم و در ۲۴ کیلومتری شمال شرقی مکه واقع شده است. (۱) کسانی که می‌خواهند عمره مفرده انجام دهند، از این‌جا نیز می‌توانند محرم شوند و به این فضیلت نایل آیند.

در جعرانه آیه(وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلهِ ...) (۲) نازل شده است.

روایات زیادی در فضیلت این مکان نقل شده است. گویند سی پیامبر از جمله رسول خدا(ص) در این مکان مُحرم شده‌اند. رسول خدا(ص) پس از غزوه حُنین. در این‌جا غنیمت‌های جنگ را تقسیم کردند.

در هر حال، مسجدی که در مکان احرام پیامبر(ص) ساختند، بسیار ساده بود و ابن زبیر در تکمیل بنای آن کوشید. (۳) در دوران‌های بعد نیز ترمیم و توسعه یافت. در زمان فهدبن عبدالعزیز مساحت مسجد به

۱- این نام را جِعِرّانه نیز خوانده‌اند. که نام زنی ساکن در این مکان بوده است.

۲- بقره: ۱۱۶

۳- فاکهی، ج ۵، ص ۶۶

ص: ۹۳

۴۳۰ متر مربع رسید که اکنون گنجایش هزار نمازگزار را دارد. (۱)

۱- حامد عباس، همان، ۵۶

ص: ۹۴

د) سرزمین عرفات

اشاره

(... فَإِذا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفات فَاذْكُرُوا اللّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرامِ وَ اذْكُرُوهُ كَما هَداكُمْ وَ إِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الضّالِّينَ). (۱)

عرفات، نام صحرایی است وسیع و هموار، که در ۲۲ کیلومتری جنوب شرقی مکّه قرار دارد. (۲) طول تقریبی این صحرا، ۱۲ و عرض آن ۶/ ۵ کیلومتر است. شایان گفتن است که بخش بسیاری از عرفات از حرم خارج است. در نامگذاری آن به «عرفات» اقوال مختلفی است. بعضی آن را جمع عَرَفه و به معنای کوه و بلندی ذکر کرده‌اند؛ بعضی نیز از عرفان، معرفت و شناخت دانسته‌اند و برای چنین نامگذاری نیز ریشه‌های تاریخی قائل شده‌اند؛ از جمله آن‌که حضرت آدم و حوا(ع) پس از هبوط به زمین و بعد از جدایی طولانی، در این صحرا به یکدیگر رسیده و با هم آشنا شده‌اند.

گروهی نیز گفته‌اند عرفات(به معنای آشنایی) به آن علت است که حضرت ابراهیم(ع) در این‌جا برای قربانی کردن اسماعیل(ع) خواب دید و لذا نسبت به وظیفه خود آشنا و عارف شد. یا این‌که جبرئیل(ع) در روز عرفه بر ابراهیم(ع) وارد شد و مناسک حج را به او آموخت و با اعمال این

۱- بقره: ۱۹۸

۲- شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۱۷۹؛ ابن ابی شیبه، المصنف فی الاحادیث والآثار، ج ۴، صص ۳۷۵ و ۳۵۸

ص: ۹۵

روز آشنا کرد. (۱) چنان‌که از روایات بر می‌آید، وقوف در عرفات نه تنها از ارکان اصلی حج است و حج بدون عرفه حج نیست، بلکه این وقوف دارای فضایل بسیار ارزشمندی است. خداوند سرزمین مقدس عرفات را، که حوادث مهمی در طول تاریخ به خود دیده، برای ضیافت و پذیرایی از میهمانان خود مقرر و سفره خاص انعام و اکرامش را در دامنه «جبل‌الرّحمه» گسترانیده و از عموم میهمانان و زائران بیت‌الله دعوت کرده تا در ساعت و روز معین، همه با هم، گرد خوان نعمت بی‌دریغش بنشینند و از لطف و رحمت بی‌کرانش برخوردار شوند. این وقوف از ظهر شرعی تا غروب آفتاب روز نهم ذی‌حجه است و پس از آن می‌توان از عرفات به سوی مزدلفه خارج شد.

امروزه برای راحتی و آسایش حجاج و تسهیل امور مربوط به وقوف در عرفات، کارهای چشم‌گیری انجام گرفته است. خیابان‌های وسیع، جاده‌های پهن با چندین باند، پل‌های هوایی روگذر و زیرگذر در مسیر عرفات، مشعر، کاشت یکصد هزار درخت برای تلطیف هوا و ایجاد سایه و نیز استفاده از پمپ‌های قوی برای پخش قطرات آب در فضا و خنک کردن هوا، ایجاد مراکز بزرگ درمانی، خدماتی و همه این‌ها، بیابان خشک و سوزان عرفات را که فلسفه اصلی وقوف در آن، یادآوری گرما

۱- فاکهی، اخبار مکه، ج ۵، ص ۹؛ یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۱۰۴، در علل الشرایع آمده است که امام صادق ۷ در وجه تسمیه عرفات چنین فرموده‌اند که جبرائیل ۷ روز عرفه بر ابراهیم فرود آمد و به او گفت به گناهانت اعتراف کن و مناسک را بشناس و لذا آن‌جا را عرفات نامیدند.(صدوق، همان، ج ۲، ص ۴۳۶).

ص: ۹۶

و سرگردانی در روز قیامت است، به سرزمینی نسبتاً مطلوب مبدل ساخته است و کسی از وقوف در آن چندان احساس سختی و ناراحتی نمی‌کند.

پیامبر خدا(ص) روز عرفه را در «نَمِرَه»، نزدیکی عرفات، کنار سنگ بزرگی فرود می‌آمدند. این سنگ، صخره‌ای در سمت راست عرفات بود. بعدها «مسجد نَمِرَه» را در مکان مورد نظر ساختند. محل وقوف رسول خدا(ص)، همان محل وقوف حضرت ابراهیم(ع) بوده است. قبیله قریش در دوران جاهلی و آغاز اسلام در عرفات وقوف نمی‌کردند؛ زیرا معتقد بودند اهل حرم هستند و باید بر خلاف سایر مردم در داخل حرم وقوف کنند. خداوند در قرآن کریم این امتیازات جاهلی را مطرود دانسته و آنان را مأمور ساخت تا هرجا که همه مسلمانان وقوف می‌کنند، وقوف داشته باشند.(ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفاضَ النّاسُ ...). (۱) صحرای با عظمت و مقدس عرفات در سال دهم هجری شاهد آخرین حج پیامبر(ص)(حَجّه‌الوداع) بود که یکی از حوادث مهم در تاریخ اسلام است. رسول خدا(ص) خطبه مهم و تعیین‌کننده حَجّه‌الوداع را که به حق «منشور حقوق بین‌المللی اسلام» نام نهاده‌اند، در این مکان ایراد کردند.(تصویر شماره ۳۵)

۱. مسجد نَمِره/ جامع ابراهیم (ع)

نَمِره نام کوهی در عرفات است که در نزدیکی آن؛ یعنی محلّی که پیامبر(ص) وقوف کرده و نماز خوانده‌اند، مسجدی به نام نَمِرَه یا «عَرَفه» بنا

۱- بقره: ۱۹۹

ص: ۹۷

شده است. بعضی نیز آن را مسجد ابراهیم(ع) خوانده‌اند. به روایتی، حضرت ابراهیم(ع) در این مکان وقوف کرده و به نماز و عبادت ایستاده‌اند. از عبدالله بن عمر نقل شده است که پیامبر(ص) روز عرفه را در وادی نمره نزول می‌کردند. در این مکان غاری(شکافی) بوده و ایشان کنار آن می‌نشستند. (۱) مسجد در ابتدای عرفات و در غرب آن قرار دارد که البته سمت جنوبی آن، خارج از عرفات واقع شده است. آن را در سال ۱۵۰ ق. به روزگار خلافت عباسیان ساخته‌اند.

مساحت کنونی مسجد که در دوران سعودی افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته، به ۱۲۴۰۰۰ متر مربع می‌رسد و حدود ۱۳۰ هزار نمازگزار را در خود جا می‌دهد. یک گنبد و چهارمناره و ده در اصلی نیز برای آن ساخته‌اند. خواندن نماز در این مسجد استحباب زیادی دارد.(تصویر شماره ۳۶)

۲. جبل الرَّحْمَه

این کوه کوچک تقریباً در انتها و شرق عرفات است و از کوه‌های اطراف مستقل و مجزا است. بر بالای آن، نمازگاه ابراهیم(ع) و پیامبر مکرم اسلام(ص) بوده است. برخی گفته‌اند رسول خدا(ص) بر تخته سنگی از آن

۱- فاکهی، همان، ج ۴، ص ۳۲۷؛ ازرقی، همان، ج ۲، ص ۴۵۷

ص: ۹۸

ایستاده و خطبه معروف عرفات را ایراد کردند. (۱) از آن‌جا که جبل الرحمه شاهد دعای امام حسین(ع) در روز عرفه بود، مستحب است این دعا کنار آن کوه خوانده شود. بعضی نیز نماز خواندن در نمازگاه ابراهیم(ع) بر جبل الرّحمه را مستحب دانسته‌اند. اکنون بالای کوه، استوانه‌ای به ارتفاع ۴ متر و عرض ۸۰/ ۱ متر قرار دارد که از دور دیده می‌شود. در مراسم عرفات چراغ و قندیل بر آن آویزان می‌کردند تا راهنمای زائران و کاروان‌ها باشد. (۲) وقوف و حضور بر بالای کوه کراهت دارد و بهتر است در دامنه و سمت‌چپ کوه به‌دعا و تضرّع‌پرداخته‌شود.(تصویر شماره ۳۷)

ه) مَشْعرالحرام/ مُزْدلِفَه

اشاره

(... فَإِذا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفات فَاذْكُرُوا اللهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرام ...). (۳)

مشعرالحرام یا مزدلفه، محلی است میان عرفات و منا که پس از وادی یا درّه «مئذمین» قرار دارد. حجاج باید بعد از غروب شرعی روز عرفه؛ یعنی پس از پایان وقوف در عرفات، به این سمت حرکت کنند تا از آن هنگام تا طلوع آفتاب روز دهم ذی‌حجه- همان روز-، اعمال مخصوص

۱- صاحب مرآه الحرمین، مسأله نماز خواندن پیامبر ۹ بر جبل الرحمه را صحیح نمی‌داند. او می‌افزاید در مکان نماز ابراهیم مسجدی به نام او در قرن ششم ساخته شد.(همان، ج ۱، ص ۴۴)

۲- رفعت پاشا، همان، ج ۱، ص ۴۴؛ ابن جبیر، الرحله، صص ۱۳۵ و ۱۳۶

۳- بقره: ۱۹۸

ص: ۹۹

این مکان را انجام دهند. وقوف در این مدت از ارکان حج است.

قریش قبل از اسلام در مشعر بیتوته نمی‌کردند. خداوند بر اساس آیه یاد شده فرمان داد تا آنان نیز همانند سایر حجاج در مشعر حاضر شوند. (۱) در وجه تسمیه آن، مطالب فراوانی گفته شده؛ از جمله‌این که: مَشْعَر اسم مکان شعور است و در این سرزمین باید پس از شناخت در عرفات به شعور و آگاهی رسید. مزدلفه که نام دیگر آن است، اسم فاعل از ازدلاف، به معنای تقدم یا نزدیکی و برگرفته از «زُلَف» است؛ زیرا مردم در این مکان به خدا تقرّب پیدا می‌کنند یا حجاج در این مکان اجتماع کرده و به هم نزدیک می‌شوند. (۲)

از امام صادق(ع) نقل شده است: جبرئیل پس از پایان وقوف در عرفات، به ابراهیم گفت: «

يَا إِبْرَاهِيمُ ازْدَلِفْ إِلَى الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ

...» و به همین علت این مکان را مزدلفه نامیدند. (۳) مشعر در محدوده حرم واقع شده و به همین علت آن را مشعرالحرام گویند. طول آن حدود ۴۰۰۰ متر مربع و مساحت آن ۵/ ۱۲ کیلومتر مربع است. این محدوده از وادی مئذمین آغاز و به وادی مُحَسِّر منتهی می‌شود. (۴) در این مکان ضمن بیتوته و عبادت در شب، می‌توان سنگ‌ریزه‌هایی را که به لحاظ شکل و نوع، تنها در این منطقه یافت می‌شود برای رمی

۱- بخاری، صحیح، [باب الوقوف بعرفه]، ج ۲، ص ۱۷۰

۲- طریحی، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۶۸

۳- صدوق، علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۳۶

۴- ابن رشید الفهری، ملء العیبه ص ۱۰۳

ص: ۱۰۰

جمرات در منا جمع‌آوری کرد. اخیراً امکانات بهداشتی و مراکز درمانی و ... برای راحتی حجاج در آن‌جا فراهم آمده‌است.(تصویر شماره ۳۸)

۱. مسجد مُزْدَلِفَه/ مشعرالحرام

مسجد مزدلفه مربع شکل است که اکنون ۵۵۰۰ متر مربع مساحت دارد و حدود پنج هزار نمازگزار در آن جای می‌گیرند. قبله آن، همان جایی است که پیامبرخدا(ص) بیتوته می‌کرد.

گفته شده است: در این مکان جبرئیل(ع) بر پیامبر(ص) نازل شد و در مورد مشعرالحرام و اهمیت و اعمال آن دستورات و آیاتی به ایشان ابلاغ کرد.

و) وادی مُحَسِّر

جایی است میان مزدلفه و منا که طبق روایات تاریخی، اصحاب فیل و سپاهیان ابرهه در همین نقطه به هلاکت رسیدند و چون یاران ابرهه به سبب این شکست حسرت خوردند، این وادی به «مُحَسِّر» مشهور گشت. (۱) مُحَسِّر اسم فاعل از حَسِّرَ به معنای از پا افتادن است. وادی نیز به معنای دره یا مکان جاری شدن رود است. (۲) این وادی، نه جزو منا است و نه جزو مزدلفه. حاجیان پس از گذشتن از مزدلفه، به محسر رسیده و سپس

۱- یاقوت حموی، معجم‌البلدان، ج ۵، ص ۳۹۴؛ ابن‌هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۴۴؛ فاسی‌المکی، شفاءالغرام باخبار البلد الحرام، ج ۱، ص ۴۹۹؛ ابن رشیدالفهری، همان ص ۱۰۱

۲- عاتق بن غیث بلادی، معجم معالم حجاز، ص ۲۴۸

ص: ۱۰۱

وارد منا می‌شوند. مستحب است این مکان را سریع پشت سر بگذارند یا در آن بدوند و جایز نیست که در آن بمانند و توقف کنند. طول محسّر ۳۸۱۲ متر و نقطه پایانی آن، ابتدای منا است. شایان گفتن است که چون وقوف در مشعرالحرام بین فجر و طلوع آفتاب است، لذا نباید تا قبل از طلوع آفتاب از این وادی گذشت و به منا وارد شد.

ز) سرزمین منا

اشاره

(وَ أَتِمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَهَ لِلّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَ لا تَحْلِقُوا رُؤُسَكُمْ حَتّى يَبْلُغَ الْهَدْىُ مَحِلَّهُ). (۱)

منا در لغت از ریشه امنیه و به معنای آرزوست. محدوده سرزمین منا از آخر وادی مُحَسِّر تا جمره عقبه است. گوینـد وقتی حضرت آدم(ع) به زمین هبوط کرد، در این مکان فرود آمد؛ از او در این‌جا پرسیدند: آیا منیه یا آرزویی داری؟ از این‌رو، این سرزمین به منا معروف شد. (۲) از محتوای دعایی که امام صادق(ع) در منا خوانده‌اند برمی‌آید که ریشه منا از مِنّت است؛ زیرا خداوند بر مردم منّت گذاشت و در این مکان اعمال حج را به آنان یاد داد. (۳) حاجیان بایـد پس از طلوع آفتاب صبح روز دهم ذی‌حجه، از مشعرالحرام به سمت منا حرکت کنند و شب‌های یازدهم و دوازدهم را نیز در منا وقوف داشته باشند و اعمال مخصوص آن را انجام

۱- بقره: ۱۹۶

۲- ازرقی، همان، ج ۲، ص ۴۴۶؛ صدوق، همان، ج ۲، ص ۴۳۵

۳- کلینی، فروع کافی، ج ۴، ص ۴۶۱ «اللَّهُمَّ هَذِهِ مِنًى وَ هِىَ مِمَّا مَنَنْتَ بِهَا عَلَيْنَا مِنَ الْمَنَاسِكِ ...».

ص: ۱۰۲

دهند.

منـا میـان مکه و مزدلفه و در ۷ کیلومتری شـمال شـرق مسـجدالحرام است که البته از طریق تونل منا، فقط ۴ کیلومتر با مسجدالحرام فاصله دارد و در این طرف تونل نیز منطقه عزیزیه است که پیاده می‌توان از عزیزیه به منا رفت. بر این اساس منا داخل مکه واقع شده است.

طول این سرزمین را بیش از ۳۵۰۰ متر ذکر کرده‌اند. سرزمین منا شاهد وقایع مهمی بوده و پیش از اسلام یکی از مراکز مهم تجاری و بازرگـانی محسوب می‌شـده است. پیمان‌هـای عقبه اول و عقبه دوم برای دعوت پیـامبر(ص) به مـدینه در این‌جا بسته شـد. (۱) از وقایع مهم دیگر این سـرزمین بسـیج و سازماندهی و اسـتقرار سپاه اسلام برای فتح مکّه در سال هشتم هجری بود. پیامبر(ص) پس از فتح مکّه در مکان مسجد خَیْف علل پیروزی و فتح مکه را تشریح ساختند.(تصویرهای شماره ۳۹، ۴۰، ۴۱)

۱. جَمَرات سه‌گانه

از مهم‌ترین اعمال «ایام تشریق»، (۲) رمی جمرات است. گویند ابلیس نخستین بار برای فریب و سـست کردن اراده ابراهیم خلیل(ع) جهت قربانی

۱- ر. ک. به: مبحث مساجد موجود در منا از همین کتاب.

۲- روزهای یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ذی‌حجه که حاجیان در منا باید حضور داشته باشند را ایام تشریق گفته‌اند.

ص: ۱۰۳

کردن فرزنـدش در محلّ جمره عُقبی خود را بر او ۷ نمایانـد و آن حضـرت بـا سـنگریزه‌هایی او را رانـد. بار دیگر در محل جمره وسطی و بـار سوم در جـای جمره اولی ظاهر شـد و او در هر مرتبه، شیطان را با پرتاب سـنگریزه دور کرد. ابلیس هنگام پرتاب این سنگریزه‌هـا به سرعت می‌گریخت؛ جمره و اجمار نیز به معنای شـتاب کردن و رانـدن است. فاصـله جمره عقبه و وسطی ۲۵۰ متر و میان وسطی و اولی ۲۰۰ متر است. حاجیان باید در روز دهم ذی‌حجه، جمره عقبی را رمی کنند و سپس دو روز بعد؛ یعنی یازدهم و دوازدهم نیز بر هر سه جمره سنگ بزنند. جمرات سه‌گانه در گذشته به علت ازدحام و شلوغی، تلفاتی را شاهد بوده است؛ در ۱۳۴۱ ش. پلی بر روی آن‌هـا سـاخته شـد تا حاجیان بتواننـد از بالای پل نیز رمی کننـد. لـذا بر ارتفاع جمرات افزودنـد. در سال ۱۳۸۳ ش. جمرات سه‌گـانه که به صورت اسـتوانه کوچک چهار ضـلعی بود، به شـکل دیوار بزرگی به طول ۱۰ متر و ارتفـاع ۴ متر در آمـد تا حاجیان راحت‌تر بتواننـد بر آن سـنگ بزننـد و مجبور نباشـند برای سـنگ زدن به یک اسـتوانه کوچک، گرفتار مشـکل شونـد. این افزودگی‌هـا بر جمرات، عمـدتاً در کناره‌ها صورت گرفت و جای اصـلی جمرات، تقریباً در وسط این دیوار جدیـد بوده است. اخیراً منطقه جمرات را توسـعه داده‌اند و در حال اجرای طرحی بزرگ برای هفت طبقه کردن آن هسـتند که اکنون بخشـی از آن در حال بهره‌برداری است.(تصویرهای شماره ۴۲ و ۱/ ۴۲)

ص: ۱۰۴

۲. مساجد موجود در منا

۱– ۲. مسجد خَیْف

از مساجد بزرگ و با اهمیّت در منا، است. خیف به زمینی گویند که میان دو کوه واقع شده و یا از زمین مرتفع باشد. (۱) به روایتی، هفتاد پیامبر؛ از جمله حضرت آدم(ع) در آن‌جا مدفون هستند. (۲) پیامبر(ص) به هنگام حج در این مکان حضور می‌یافتند و نماز می‌گزاردند. نماز گزاردن در این مسجد فضیلت فراوان دارد و در آن خصوص سفارش‌های زیادی شده است. بر اساس روایات وارده بسیاری از پیامبران الهی نیز در آن‌جا نماز گزارده‌اند.

در دوران‌های مختلف بر طول و عرض این مسجد افزوده شد که اکنون مساحت آن به ۲۵ هزار متر مربع می‌رسد و حدود سی هزار نمازگزار را در خود جای می‌دهد. چهار مناره آن، که از یکدیگر فاصله زیادی دارند، در کنار کوه، در مسیر جمرات سه‌گانه جلوه زیبایی به مسجد بخشیده‌اند.(تصویر شماره ۴۳)

۲– ۲. مسجد البیعَه

این مسجد در مکان بیعت عقبه دوم ساخته شد، تا یادآور آن خاطره

۱– صدوق، همان، ج ۲، ص ۴۳۶؛ یاقوت حموی، همان، ج ۲، ص ۴۱۲

۲– فاکهی، همان، ج ۴، صص ۲۶۶ و ۲۶۷؛ کلینی، همان، ج ۴، ص ۲۱۴؛ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۳۶؛ ابن حجر عسقلانی، المطالب العالیه بزوائد المسانید الثمانیه، ج ۱، ص ۳۷۴

ص: ۱۰۵

عظیم باشد؛ (۱) به همین مناسبت، آن را مسجد البیعه نام نهادند. (۲) مسجد یاد شده حدود ۵۰۰ متر پایین‌تر از جمره عقبه، در سمت راست کسی است که در جهت جنوب جمرات به سوی مکه می‌رود. این مسجد که داخل دره کوچکی در معرض دید قرار نداشت و متأسفانه سال‌ها به زباله‌دانی تبدیل شده بود، اکنون در طرح توسعه جمرات در معرض دید قرار گرفته و محتملًا در این توسعه تخریب خواهد شد. شایان ذکر است که سه مسجد دیگر به نام‌های مسجد الکبش(جایگاه قوچ و قربانی ابراهیم) مسجد الصفائح و مسجد الکوثر در توسعه‌های مختلف دوران سعودی تخریب شده‌اند.(تصویر شماره ۴۴)

۱- ر. ک. به: بخش مدینه از همین کتاب و هم‌چنین فاکهی، همان، ج ۴، صص ۲۳۸- ۲۳۲

۲- ابن جبیر، همان، ص ۱۲۱

ص: ۱۰۶

ح) اماکن تاریخی بین مکه و مدینه

در بین راه مکه و مدینه چند مکان تاریخی وجود دارد که البته امکان دسترسی بر آن برای همه مقدور نیست.

۱. مزار شهدای بدر: در ۱۵۰ کیلومتری جنوب غربی مدینه و در نزدیکی شهرک رابغ که امروز یک شهرک صنعتی است. در بدر، مسجدی به نام عریش ساخته‌اند که جایگاه حضور پیامبر(ص) در نبرد بدر را نشان می‌دهد. این هم‌چنان پای برجاست.

۲. ربذه: زادگاه و موطن ابوذر غفاری، در شرق مدینه در نزدیکی ذلت عرق یکی از میقات‌های حرام است.

۳. غدیر خم: در ۱۵۶ کیلومتری شمال غربی مکه در نزدیکی میقات جُحفه که در آن‌جا به یاد حادثه معروف غدیر خم مسجدی ساختند، به همین نام که البته چندی پیش تخریب شد.

۴. ابواء: مقبره آمنه مادر گرامی رسول خدا، در ۴۵ کیلومتری راه جحفه از سمت مدینه.(تصاویر شماره ۴۵، ۴۶ و ۴۷)

خلاصه درس

ص: ۱۰۷

برای ورود به حرم امن الهی و انجام حج مکان‌هایی برای احرام حاجیان با عنوان میقات وجود دارد. این میقات‌ها به تناسب مسیر ورود آنان متفاوت‌اند که به شرح زیر در مسیرهای ورودی مکه قرار دارند:

۱. ذوالحُلیفه(مسجد شجره/ آبار علی(ع))؛ ۲. جُحفه؛ ۳. وادی عقیق؛ ۴. قَرْن المَنازل؛ ۵. یَلَمْلَمْ؛ ۶. فَخّ.

حضرت ابراهیم(ع) از خداوند خواست تا مکه را برای او حرم امن قرار دهد، لذا جبرئیل محدوده حرم را در شش جهت، این‌چنین معین کرد: ۱. وادی عُرَنَه(عرفات)؛ ۲. وادی نخله؛ ۳. جِعْرانه؛ ۴. تَنْعیم؛ ۵. حُدَیبیّه؛ ۶. اضاءَهُ لِبْن.

مساجد منطقه آغازین حرم عبارتند از: ۱. مسجد تَنْعیم یا عایشه در مکان احرام پیامبر(ص) در حَجّه‌الوداع؛ ۲. مسجد حُدَیبیَه/ رِضْوان/ آل شُمَیْسی؛ ۳. مسجد جِعْرانَه.

عرفات، نام صحرایی است وسیع و هموار. در نامگذاری آن به «عرفات» اقوال مختلفی است. بعضی آن را جمع عَرَفه و به معنای کوه و بلندی ذکر کرده‌اند؛ بعضی نیز از عرفان، معرفت و شناخت دانسته‌اند. بدان معنا که ابراهیم(ع) در این محل نسبت به قربانی کردن فرزندش و نیز انجام مناسک حج آشنا و عارف شد.

در عرفات کوهی است به نام نمره که در نزدیکی آن؛ یعنی محلّی که پیامبر(ص) وقوف کرده و نماز خوانده‌اند، مسجدی به آن نام بنا شده است.

در انتها و شرق عرفات نیز کوه کوچک و مستقلی است که بر بالای

ص: ۱۰۸

آن، نمازگاه ابراهیم(ع) و پیامبر(ص) بوده است. آن را جبل الرحمه نامیده‌اند زیرا در روز عرفه در دامنه آن حاجیان از رحمت الهی برخوردار می‌شوند.

مشعرالحرام یا مزدلفه، محلی است میان عرفات و منا که پس از وادی یا درّه «مئذمین» قرار دارد. حجاج باید بعد از غروب شرعی روز عرفه؛ یعنی پس از پایان وقوف در عرفات، به این سمت حرکت کنند تا از آن هنگام تا طلوع آفتاب روز دهم ذی‌حجه- همان روز-، اعمال مخصوص این مکان را انجام دهند. وقوف در این مدت از ارکان حج است.

حاجیان پس از گذشتن از مزدلفه، به محسر رسیده و سپس وارد منا می‌شوند. مستحب است آنان این مکان را سریع پشت سر بگذارند و جایز نیست که در آن بمانند و توقف کنند. سرزمین مقدس منا که محل قربانی کردن آرزوهاست پس از وادی محسر آغاز و به جمره عقبی منتهی می‌شود.

منا در لغت از ریشه امنیه و به معنای آرزوست و یا از مِنّت است؛ زیرا خداوند بر مردم منّت گذاشت و در این مکان اعمال حج را به آنان یاد داد. حاجیان باید پس از طلوع آفتاب صبح روز دهم ذی‌حجه، از مشعرالحرام به سمت منا حرکت کنند و شب‌های یازدهم و دوازدهم را نیز در منا وقوف داشته باشند و اعمال مخصوص آن را انجام دهند.

از مهم‌ترین اعمال «ایام تشریق»، رمی جمرات است. حاجیان باید در روز دهم ذی‌حجه، جمره عقبی را رمی کنند و سپس در دو روز بعد؛ یعنی یازدهم و دوازدهم نیز بر هر سه جمره سنگ بزنند.

ص: ۱۰۹

مساجد موجود در منا عبارتند از: ۱. مسجد خَیْف؛ ۲. مسجد البیعَه. در فاصله بین مکه و مدینه چند منطقه مهم و تاریخی وجود دارد که اگرچه در مسیر حرکت کاروان‌ها نیست اما یاد آن‌ها می‌توانـد در حفظ و پاسـداشت جایگاه آن در تاریـخ اسـلام موثر باشـد. این‌اماکن عبارتند از:

۱. مزار شهدای بدر؛ ۲. ربذه(تبعیدگاه ابوذر)؛ ۳. غدیر خم؛ ۴. ابواء(محل دفن آمنه مادر گرامی پیامبر(ص)).

خودآزمایی

۱. میقات‌های مسیر ورودی مکه را نام برده و توضیح دهید.

۲. محدوده حرم را با توجه به جهات مختلف شرح دهید.

۳. علت تحریم در محدوده حرم را بیان کنید.

۴. مساجد منطقه آغازین حرم کدام‌اند؟

۵. اقوالی که در نامگذاری سرزمین عرفات بیان شده را شرح دهید.

۶. زمان وقوف در عرفات چه زمانی است؟

۷. کوه‌های منطقه عرفات را نام برده و وجه تسمیه هر یک را بیان کنید.

۸. مکان‌هایی که حاجیان بعد از محرم شدن به ترتیب در آن وارد می‌شوند را نام ببرید.

۹. زمان وقوف در مشعرالحرام چه زمانی است؟

۱۰. دلیل نامگذاری منطقه مشعر الحرام به مزدلفه را بیان نمایید.

۱۱. وادی محسر شاهد چه حادثه تاریخی بوده است؟

۱۲. اعمال سرزمین منا و زمان وقوف در آن را بیان کنید.

ص: ۱۱۰

۱۳. جمرات سه گانه را توضیح دهید.

۱۴. مساجد موجود در منا را نام ببرید.

۱۵. ایام تشریق چه ایامی است، آن را تشریح کنید.

ص: ۱۱۱

بخش دوم‌مدینه منوره‌سرزمین و حرم خاتم النبیین (ص)

اشاره

ص: ۱۱۲

مدینه منوره سرزمین و حرم خاتم النبیین(ص)

ص: ۱۱۳

درس چهارم‌موقعیت جغرافیایی مدینه منوره (ویژگی‌ها و اماکن)

اشاره

اهداف آموزشی

انتظار می‌رود با مطالعه این درس:

- با موقعیت جغرافیایی مدینه آشنا شویم.
- اهمیت و فضایل هر یک از کوه‌های مدینه را بدانیم.
- با وادی‌های مدینه و احادیث و روایات وارد شده در فصل آن‌ها آشنا شویم.
- با مقابر و زیارتگاه‌های مدینه آشنا شویم.
- تاریخچه و فضائل قبرستان بقیع را بدانیم.
- دفن‌شدگان قبرستان بقیع را بشناسیم.
- از سیر شکل‌گیری زیارتگاه شهدای احد آگاه شویم.

مدخل

شناخت وضعیت جغرافیایی مدینه به سبب وجود کوهها و موانع

ص: ۱۱۴

طبیعی، دره‌ها و دروازه‌های تاریخی به منظور آگاهی از موقعیت ژئوپولیتیک مدینه و نیز آشنایی با زیارتگاه‌ها و اماکن مقدسی که صحابه، ائمه شیعه و بزرگان اسلام در آن‌ها دفن شده‌اند دارای اهمیت است، لذا در این فصل به توضیح موقعیت جغرافیایی، کوه‌ها، وادی‌ها، ثنایا و مقابر و زیارتگاه‌های مدینه پرداخته می‌شود.

موقعیت جغرافیایی مدینه منوّره (یثرب)

اشاره

شهر مدینه در شمال غربی شبه جزیره العرب و شمال مکه مکرمه واقع شده و فاصله آن، از طریق بزرگراه هجرت، تا جده ۳۹۵ کیلومتر و تا مکه ۴۲۵ کیلومتر است. این شهر از دو سو؛ یعنی غرب و شرق، به وسیله «حرّه‌ها» (۱) محصور شده است. این حرّه‌ها از مسجد ذوقبلتین به سوی جنوب و سپس به سوی شرق و شمال امتداد می‌یابد و مردم مدینه معمولاً آن‌ها را حرّه شرقی و حرّه غربی می‌خوانند؛ با این که آن دو حرّه یکی هستند. (۲) مدینه به وسیله چندین کوه محاصره شده است؛ کوه احد در شمال، کوه عیر در جنوب و کوه جماوات در غرب. (۳) در مدینه سه وادی یا درّه وجود دارد: عقیق، بطحان وقناه. (۴)

۱- «حرّه» به معنای «سنگلاخ» است که این زمین‌ها به علت وجود سنگ‌ها و صخره‌های آتشفشانی بزرگ غیر قابل نفوذ بوده و هم‌چون دژی طبیعی مدینه را در محاصره خود گرفته است.(ابن منظور، لسان العرب، ماده حرّه).

۲- سعید بن سلام. المدینه المنوره فی القرن الرابع عشر الهجری، ص ۱۳

۳- ر. ك. به: بخش کوه‌های مدینه، در همین کتاب.

۴- ر. ك. به: بخش وادی‌های مدینه، در همین کتاب.

ص: ۱۱۵

مدینه در تقسیمات جغرافیایی در منطقه حجاز واقع شده است. آب و هوای آن در تابستان گرم و خشک و در زمستان سرد و بارانی است و درجه حرارت آن در زمستان نسبت به مکّه و جدّه پایین‌تر است؛ در دی‌ماه پایین‌ترین دما ۲ درجه و بالا-ترین آن ۶/ ۲۴ درجه سانتی‌گراد است و در تیرماه پایین‌ترین دما ۲/ ۱۷ درجه و بالا-ترین دمای آن ۴۴ درجه سانتی‌گراد است. بالا-ترین میزان بارندگی در دی ماه به ۳/ ۸ میلی‌متر می‌رسد و پایین‌ترین میزان آن، در آذرماه ۲ میلی‌متر است.

مدینه برخلاف مکه به لحاظ این بارندگی نسبتاً منظم، از کم آبی رنج نمی‌برد و در منطقه حجاز، پس از طائف، مطلوب‌ترین آب و هوا و مناسب‌ترین زمین را برای کشاورزی دارد.

اراضی زراعی آن در جنوب شهر واقع شده که محصول آن عمدتاً خرما و بعضی میوه‌ها است و در شمال آن نیز البته اندکی خرما، حبوبات، میوه‌و سایر نباتات به عمل می‌آید. زمین‌های زراعی در مدینه از آب چاه‌مشروب می‌شود.

۱. کوه‌ها، وادی‌ها و ثنایای مدینه

۱- ۱. کوه‌ها

۱. احد: از کوه‌های مشهور و مهمّ مدینه است که در شمال شرقی شهر و چهار کیلومتری مسجدالنّبی(ص) قرار دارد. چون این کوه تنها کوهِ

ص: ۱۱۶

جدا و مستقل است، آن را «احُد» نامیده‌اند. (۱) طول آن هفت کیلومتر(از شرق به غرب) و عرض آن بین یک تا سه کیلومتر است و ۱۹ کیلومتر مساحت دارد. از این رو طولانی‌ترین کوه در شبه جزیره به حساب می‌آید. ارتفاع آن از سطح زمین ۳۰۰ متر و از سطح دریا ۱۰۰۰ متر فاصله دارد. رنگ کوه متمایل به قرمز است.

احادیث فراوانی از پیامبر(ص) در مورد فضل و اهمیت این کوه نقل شده است. از جمله: «کوه احد ما را دوست دارد و ما نیز آن را دوست داریم.» (۲) در روایتی دیگر، از پیامبر(ص) نقل شده است: «کوه احد از کوه‌های بهشت است.»

در برابر کوه عیر که پیامبر(ص) آن را شوم می‌داشتند و می‌فرمودند: «کوه احد دری است از درهای بهشت و کوه عیر دری است از درهای جهنم. او ما را دوست نمی‌دارد ما نیز آن را دوست نمی‌داریم.» (۳) گویند هارون، برادر موسی(ع)، هنگام عزیمت به حج، در این کوه وفات یافته و قبرش آن‌جا است. (۴)

۱- فیروز آبادی، المغانم المطابه فی معالم طابه، ص ۱۰

۲- ابن شبه، تاریخ المدینه المنوره، ج ۱، ص ۸۰؛ ابن حجر عسقلانی، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، ج ۷، ص ۳۰۲

۳- سمهودی، وفاء الوفا باخبار دارالمصطفی، ج ۲، ص ۱۰۸؛ فیروز آبادی، همان‌جا.

۴- فیروز آبادی، همان، ص ۱۱؛ ابن شبه، همان، ج ۱، ص ۸۵. در یکی از کوه‌های شهر پترا در اردن نیز قبری از هارون وجود دارد که از سوی یهودیان اسرائیل زیارت می‌شود.

ص: ۱۱۷

یکی از غزوات مهم پیامبر(ص) به نام این کوه مشهور است که در سال سوم هجری رخ داد و کوه احد پناهگاه مهمّی برای لشکریان اسلام و به ویژه پیامبر خدا(ص) گردید.

امروزه از طریق بزرگراه فهد بن عبدالعزیز می‌توان به کوه و مزار شهدای احد رفت، که البته از شارع سیدالشهدا نیز می‌توان به آن‌جا راه یافت.

۲. جبل عَیَنَین/ الرُّماه: کوه کوچکی است در جنوب قبور شهدای جنگ احد که در کنار وادی قنات، به صورت مستقل و در فاصله تقریباً یک کیلومتری جنوب کوه احد قرار دارد. طول آن ۱۷۵ و عرض آن ۵۵ متر است و ۲۰ متر ارتفاع و ۳۸۰ مترمربع مساحت دارد. در نبرد مهم احد، این تپه نقش مهم و مؤثری به عنوان یک گذرگاه استراتژیک ایفا کرده است؛ پیامبر(ص) برای این که نیروهای دشمن از پشت سر به سپاه اسلام هجوم نیاورند، تعداد پنجاه تیرانداز را به فرماندهی عبدالله بن جبیر بر این کوه گمارد تا از تنگه محافظت کنند، لذا به سبب استقرار این نیروها، تپه یاد شده به «جبل‌الرّماه» معروف شد. نام قبلی آن جبل عینین بود که گویی چون دو چشم بر منطقه اشراف دارد.

در طول قرون متمادی، بر روی این تپه خانه‌هایی ساخته شده که به مرور زمان رو به خرابی رفته‌اند. بر اساس تصاویر موجود، طول و ارتفاع این تپه از اندازه کنونی آن بسیار بزرگ‌تر و بیشتر بوده است.(تصویر شماره ۴۸)

ص: ۱۱۸

۳. کوه سَلْع: این کوه نیز یکی از کوه‌های مهم و استراتژیک شمال‌غرب مدینه است که شاهد یکی از جنگ‌های پیروزی آفرین سپاه اسلام؛ یعنی نبرد بزرگ «احزاب» یا «خندق» بوده است. کوه سلع به عنوان یک استحکام طبیعی پشت سر سپاه اسلام قرار گرفت و خندق نیز در مقابل دشمن حفر گردید. در دامنه آن، قبیله بنی‌حرام می‌زیستند. در صخره‌های غربی آن، غار و کهف بنی‌حرام بوده که از میان رفته است. مساجد هفتگانه که محل فرماندهی یا عبادت چند تن از صحابه سپاه اسلام در غزوه خندق بوده بر دامنه این کوه ساخته شده است.

۴. سُلَیع: کوه کوچکی در جنوب کوه سلع است که به آن «عثعث» نیز گفته‌اند. در دوران عثمانی قلعه فرمانروای مدینه بر آن ساخته شده بود. (۱) بر فراز آن، یکی از برج‌های قلعه باب شامی مدینه بوده که آثار این قلعه و برج هم‌چنان بر جای مانده است. موقعیّت این کوه در نزدیکی کتابخانه «ملک عبدالعزیز»(سمت باب‌السّلام) است و به سبب احداث بناها و برج‌های بزرگ، تنها بخشی از آن دیده می‌شود.

۵. عَیْر: کوه بزرگی است در جنوب مدینه و شرق وادی عقیق، نزدیک مسجد شجره. از پیامبر(ص) نقل شده که «کوه عیر» یکی از درهای جهنّم است؛ این کوه بر ما خشمگین است و ما نیز بر آن. (۲) «عَیْر» در لغت به معنای خَرِ چموش و وحشی است. (۳) این خر از آنِ «مویلع» کافر بوده

۱- فیروز آبادی، همان، ص ۱۸۵

۲- ابن شبه، تاریخ المدینه المنوره، ج ۱، ص ۸۳

۳- یاقوت حموی، معجم‌البلدان، ج ۴، ص ۱۷۳.

ص: ۱۱۹

که خداونـد بر قنات یا ملك او آتشـی زده و آن را سوزانده است. در حقیقت وی مورد غضب خداوند قرار گرفته است. (۱) بر این اساس رسول خدا(ص) از این کوه تنفر داشته‌اند.

۶. ثَوْر: کوه کوچـك و سـرخی است در پشت کوه احـد، در شـمال مـدینه. پیامبر اکرم(ص) میان «عیر» تا «ثور» را حرم(مـدینه) قرار داد. (۲) ۷. ذِباب (۳): این کوه در مشرق کوه سلع(مساجد سبعه) است «ذباب» نام پرنده و یا سمت برنده شمشیر است و در بعضی از جاهـا به معنـای زنبور عسل نیز آمـده است. برخی گوینـد نام کسـی است که در دوران اموی بر این کوه گردن زده‌شـد. پیامبر(ص) هنگام غزوه خندق، پرچم فرماندهی‌را برآن اسـتوار ساخت. در محل اسـتقرار پرچم سـپاه، بعدها مسـجدی ساختند که «مسجد الرایه» نام گرفت، ولی بعدها آن را ذباب نامیدند.

۱– ۲. وادی‌ها «۴»

۱. عَقیق: این وادی به سه بخش صغیر، کبیر و اکبر تقسیم شده است. (۴) قسمت اکبر آن در اختیار حضرت علی(ع) بوده که ۲۳ چاه در آن

۱– فیروز آبادی، همان، ص ۲۸۸

۲– پیشین، ص ۸۲؛ سمهودی، وفاء الوفا باخبار دار المصطفی، ج ۱، ص ۹۲

۳– این کوه را «ذُباب» نیز خوانده‌اند.

۴– یعقوبی، البلدان، ص ۷۶

ص: ۱۲۰

کنده بودند. این چاه‌ها در منطقه مسجد شجره کنونی بوده و به همین جهت هنوز مسجد شجره به «مسجد ابیار» یا «آبار علی» معروف است. از پیامبر(ص) احادیث زیادی در فضل این وادی نقل شده و آن حضرت آن را مبارک خوانده‌اند. (۱) از ایشان نقل شده است که جبرئیل(ع) در شبی نازل شد و از جانب خداوند فرمود: در این وادی مبارک نمازبگزار. (۲) گفتنی است وادی عقیق طولانی‌ترین وادی‌های حجاز است. (۳) به سبب آب این وادی، مناطق پیرامونی آن حاصل‌خیز و دارای آب وهوایی خوب هستند. قصر عروه‌بن زبیر، سعیدبن عاص و مروان بن حکم در کنار این وادی ساخته شده بود.

۲. بُطْحان (۴): این وادی به «ابی جَیده» نیز مشهور است. آغاز آن، از نزدیکی شرق قبا و پایان آن، نزدیک مساجد سبعه بوده که به وادی عقیق می‌پیوسته است. پیامبر(ص) فرموده‌اند: «بطحان برکه‌ای از برکه‌های بهشت است». (۵) ۳. رانُوناء: مسجد جمعه در نزدیکی قبا که پیامبر(ص) نخستین نماز جمعه را در آن برگزار کرده‌اند، در میان این وادی قرار داشته است.

وادی‌های دیگر مدینه عبارت‌اند از:

۱- ابن شبه، همان، ج ۱، ص ۱۴۸؛ فیروزآبادی، همان، ص ۲۷۰

۲- محمد بن سلیمان، جمع الفوائد من جامع الاصول و مجمع الزوائد، ج ۱، ص ۵۶۶

۳- الیاس عبدالغنی، تاریخ المدینه المنوره، ص ۱۲۰

۴- آن را «بَطْحان» و بَطِحان نیز ثبت کرده‌اند.(یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۴۴۶) به معنای انبساط و سرور.

۵- پیشین، همان‌جا.

ص: ۱۲۱

۴. وادی مُذَیْنب: در جنوب شرق مدینه و محل سکونت بنی‌نضیر.

۵. وادی مَهْزور: در شرق مدینه و محل سکونت بنی‌قریظه.

۶. وادی قناه: در منطقه احد و کنار تپه جبل الرماه و قبور شهدای احد.

برای استفاده از آب این وادی‌ها چندین سد ساخته شده است.

۱- ۳. ثنیه‌ها «۱»

۱. ثنیّه الوداع: این ثنیه در خارج باب شامی؛ میان «مسجدالرّایه» (۱) و محل دفن «محمد نفس زکیه» است و امروزه در تقاطع شارع سیدالشهدا و شارع ابوبکر واقع شده و سمت راست کسی است که از تونل زیرگذر مناخه خارج می‌شود. از مسجدالنبی(ص) تا آن‌جا، ۷۰۰ متر فاصله است. قبل از اسلام، این محل به «ثنیّه‌الرکاب» شهرت داشت. (۲) پیامبر(ص) هنگام عزیمت برای غزوه تبوک در آن‌جا اردو زدند و به سازماندهی سپاه پرداختند. ثنیّه‌الوداع مکان وداع و خروج لشکریان و خارج‌شوندگان از مدینه بوده است. هنگام غزوه خیبر، زنان پیامبر(ص) در این ثنیه با ایشان وداع کردند. مسجدی نیز در این مکان به نام ثنیه‌الوداع ساختند که در سال ۱۳۶۵ در توسعه خیابان تخریب شد.

۲. العَثْعَث: این ثنیه بر کوهی به نام عثعث میان کوه سُلیع و کوه سلع

۱- چنان که پیشتر گفته شد «مسجدالرایه» بر فراز کوه ذباب، در نزدیکی مساجد سبعه است.

۲- یاسین الخیاری، معالم المدینه المنوره، ص ۲۱۷

ص: ۱۲۲

در مدینه قرار داشته و به سُلیع نزدیک‌تر بوده است. (۱)

۲. حصار و دروازه‌های مدینه

در دوران گذشته، برای حفاظت از هجوم دشمنان و تأمین امنیت، دیوارهایی پیرامون شهرها می‌ساختند و در پشت این دیوارها گاهی خندقی می‌کندند تا دشمن نتواند به راحتی وارد شهر شود. پیرامون مدینه یا یثرب نیز دیواری مرتفع ساخته بودند که در طول تاریخ از سوی حکمرانان و امرای شهر بازسازی و مرمت شده است. سلطان محمود عثمانی، در سال ۱۱۶۲ ق. این دیوار را تعمیر و ارتفاع آن را به ۲۵ متر رسانید؛ برای آن، چهل برج ساخت که بر شهر مشرف بود. در سال ۱۳۰۵ ق. سلطان عبدالحمید عثمانی از ناحیه باب العنبریه بر این دیوار افزود و پس از آن که دروازه یاد شده را تجدید بنا کرد، آن را «باب الحمیدی» نامید.

حصار شهر از دو بخش داخلی و خارجی تشکیل شده بود که دیوار داخلی از چهار سمت مدینه را در محاصره داشت و شش دروازه برای آن تعبیه کرده بودند؛ از جمله:

۱. باب الشامی(در شرق قلعه شامی)؛ ۲. باب المجیدی(کنار حرم مطهر)؛ ۳. باب الجمعه یا باب البقیع(پشت بقیع)؛ ۴. باب المصری؛ ۵. باب الحمام؛ ۶. باب صبری پاشا.

دروازه‌های حصار خارجی شهر نیز عبارت بود از: ۱. باب العوالی

۱- یاقوت حموی آن را همان سلیع دانسته است.(معجم البلدان، ج ۴، ص ۸۵).

ص: ۱۲۳

(متصل به دیوار جنوبی بقیع)؛ ۲. باب قبا(نزدیک مسجد عمربن خطاب)؛ ۳. باب العنبریّه(وردی غرب شهر)؛ ۴. باب الکومه یا باب الجبل(غرب قلعه شامی)؛ ۵. باب الصّیدقات(در شرق شهر). (۱) پس از توسعه مدینه، این حصار و دروازه‌ها برداشته شده است.(تصویر شماره ۴۹)

۳. مقابر و زیارتگاه‌های مدینه

الف) قبرستان بقیع

اشاره

قبرستان عمومی مدینه را، که زمینی مملو از درختان غرقد بوده «بقیع الغرقد» نامیده‌اند. برخی نیز بقیع را از بقعه گرفته‌اند؛ (۲) زیرا قبور آن دارای بقعه بوده است.

شمال غربی این قبرستان، که عمّه‌های پیامبر(ص) در آن مدفون‌انـد «بقیع‌العمّات» نامیده می‌شود. جنوب شرقی بقیع، که محل دفن مردگان یهود و غیر مسلمان بوده «حش کوکب» خوانده‌اند. بعدها در دوران اموی، دیوار آن را خراب و به بقیع ملحق کردند.

بقیع‌الغرقد تاریخچه‌ای دیرینه در دل شبه جزیره دارد؛ زیرا تاریخ‌نگاران، پیشینه آن را به دوران جاهلّیت بازگردانده‌اند. در ابتدا این مکان قبرستان مردم یثرب بوده که قبل از اسلام اموات خود را در آن به

۱- احمد سعید بن سلم، همان، ص ۱۷۱- ۱۷۳

۲- ابن منظور، لسان‌العرب، ج ۱، ص ۴۶۳؛ دائره المعارف الاسلامیه، ج ۷، ص ۴۶۲؛ فیروزآبادی، المغانم المطابه فی معالم طابه، صص ۶۱ و ۶۲

ص: ۱۲۴

خاک می‌سپردند. پس از اسلام، تنها به دفن مسلمانان اختصاص یافت و یهودیان و غیر مسلمانان را در حش کوکب به خاک می‌سپردند. برخی نیز خانه‌هایی در آن ساخته بودند مثل عقیل که تعدادی از مردگان را در خانه او یا کنار آن دفن می‌کردند. قبرستان بقیع، که به صورت مستطیل شکل و بسیار کوچک بوده، بیرون از دیوار شهر قرار داشته (۱) و در گذشته مساحت آن ۳۴۹۳ متر مربع بوده است.(تصویر شماره ۵۰)

فضایل بقیع

قبرستان تاریک و خاموش بقیع، آرامگاه چهار امام معصوم شیعه، فرزندان و همسران رسول خدا(ص) و بسیاری از صحابه بزرگوار، یاران ائمه اطهار: و شهدای گرانقدر صدر اسلام است. در این قبرستان، بیش از ۱۰۰۰ و به روایتی ۱۰۰۰۰ نفر از صحابه گرامی پیامبر(ص)، تابعان، قاریان، سادات بنی‌هاشم و ... مدفون‌اند. بیشتر قبور آنان جز چند تن، گمنام و ناشناخته‌است.
از امّ‌قیس نقل شده که همراه پیامبر(ص) به بقیع آمدم، فرمود: «ام قیس، از این قبرستان در آخرت ۷۰۰۰۰ نفر برانگیخته شده و بدون حساب به بهشت می‌روند، در حالی که صورت‌های آنان مانند ماه شب بدر می‌درخشد.» (۲)

۱- دائره‌المعارف الاسلامیه، ج ۷، ص ۴۶۳

۲- مسلم، صحیح، ج ۴، ص ۴۰، نسائی، سنن، ج ۴، ص ۹۱؛ ابن ماجه، سنن، ج ۱، ص ۴۹۳(با اندکی اختلاف در عبارت)؛ ابن شبه، تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۹۲؛ سمهودی، وفاء الوفا باخبار دار المصطفی، ج ۳، ص ۸۸۸ و ج ۳، ص ۹۱۶

ص: ۱۲۵

همچنین از رسول گرامی اسلام روایت شده که از این مکان در روز قیامت نوری بلند می‌شود که میان آسمان‌ها و زمین را روشن می‌کند. روایت دیگری است که آن حضرت در بقیع ایستاد و فرمود:

«السَّلامُ عَلَیْکُمْ یَا أَهْلَ الْقُبُورِ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُسْلِمِینَ». (۱)

مُوَیهبه، غلام حضرت رسول(ص) گوید:

پیامبر خدا(ص) مرا در دل شب از خواب بیدار کرد و فرمود: مأمورم تا برای اهل بقیع استغفار کنم، پس همراه من بیا. همراه ایشان رفتم، وقتی رو به روی قبور بقیع ایستاد، فرمود:

«السَّلامُ عَلَیکُمْ یا أَهْلَ المَقابِر، لِیَهن لَکُم ما أَصْبَحتُم فِیهِ مِمّا أَصْبَحَ النّاسُ فِیهِ أَقْبَلَتِ الفِتَنُ کَقِطَعِ اللَّیْلِ المُظْلِمِ یَتَّبِعُ آخِرُها أَوَّلها الآخِرَةُ شَرٌّ مِنَ الأُولی».

پس مدّتی طولانی برای آنان به استغفار پرداخت.

یکی از همسران پیامبر(ص) نیز نقل کرده است که آن حضرت هر شب به زیارت قبور بقیع می‌رفتند. (۲) در کتب زیارات و ادعیه آمده است هنگام زیارت بقیع، به سبب قداست آن مکان، که روزی قدم‌های مبارک پیامبر(ص) بر آن نهاده شده و بهترین اولیای خدا در آن مدفون شده‌اند، با پاهای برهنه وارد شوید. پیامبرخدا(ص) فرمودند: کسی که در مقبره ما(بقیع) مدفون شود، از شفاعت

۱- محمد بن سلیمان، جمع الفوائد من جامع الاصول و مجمع الزوائد، ج ۱، ص ۵۶۶؛ متن کامل زیارت بقیع در فروع کافی آمده است(ج ۴، ص ۵۵۹).

۲- ابن شبه، همان، ج ۱، ص ۹۰؛ ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۲، ص ۲۰۳

ص: ۱۲۶

من برخوردار گردد؛ (۱) لذا شایسته است بر کسانی که مورد شفاعت پیامبر(ص) قرار خواهند گرفت، کمال احترام و خضوع را رعایت کرد.

گنبد و بارگاه‌های بقیع

طبق تصاویری که جهانگردان، سفرنامه‌نویسان و ... ارائه کرده‌اند، بیشتر قبور بقیع تا دوران سعودی دارای گنبد و ضریح آهنین، مسی یا نقره‌ای بوده و کتیبه‌ها و سنگ نبشته‌هایی نیز داشته‌اند که نام و نشان صاحب قبر بر آن ثبت شده بود.

متأسفانه با تسلّط تفکّر وهابیت در سرزمین حجاز، بسیاری از آثار تاریخی، که در اعتقادات آنان جایگاهی نداشت. از جمله بقعه‌های بقیع، شهدای احد، محمد نفس زکیّه، عبدالله، پدر گرامی پیامبر(ص) و ... نیز بقاع مکه و سایر نقاط را تحت عنوان شرک و بدعت تخریب کردند.(تصویر شماره ۵۱)

پیش از آن که بر فراز قبور امامان شیعه؛ یعنی امام حسن(ع)، امام سجاد(ع)، امام باقر(ع) و امام صادق(ع) گنبد و بارگاهی ساخته شود، سنگ نبشته‌ای بر آن قبور بوده که بعضی از جهانگردان و مورّخان آن را دیده‌اند. قدیمی‌ترین مورّخی که از این سنگ نبشته گزارش می‌دهد، مسعودی است. او که در قرن چهارم فوت کرده است، می‌گوید:

بر قبور ایشان سنگ نبشته‌ای دیدم که بر آن نوشته بود:

۱- سمهودی، همان، ج ۳، ص ۸۸۹

ص: ۱۲۷

«بسم الله الرَّحمن الرَّحیم، الحمـد لِلهِ مُبیـد الأُمَمْ و مُحیِی الرُّمَمْ، هَـذا قَبر فاطمه بنت رَسُول الله و قبر الحسن بن علیّ بن أبی‌طالب(ع) و علیّ بن الحسین(ع) و محمد بن علی(ع) و جعفر بن محمد(ع)». (۱)

ابن نجّار(متوفّای ۶۴۳ ق.) از بنای گنبـد و بقعه‌ای در ابتـدای بقیع یاد می‌کند که هر روز صبح، درهای آن برای زیارت باز می‌شده است. مطری گویـد: گنبـد آن را خلیفه النّاصـر عباسـی سـاخته است. (۲) ابـن جـبیر و ابن بطـوطه، دو جهـانگرد مسـلمان نیز از گنبد مرتفعی که بر قبر عبـاس و امـام حسن(ع) بوده، گزارش کرده‌انـد. (۳) میرزا حسـین فراهانی، از سیّاحان عصـر قاجار نیز در سفرنامه خود می‌نویسد:

«چهار ائمه اثنی عشـر، در بقعه بزرگی که به‌طور هشت ضـلعی ساخته شـده واقع‌انـد و گنبـد اندرون آن سـفیدکاری است. بنای این بقعه معلـوم نیست که از چه وقت بـوده است.» (۴) علی بن موسـی، از دیگر سـفرنامه‌نویسان عصـر عثمانی، قبه و بارگاه اهل بیت را بزرگ‌ترین قبّه‌هـای بقیع ذکر کرده است که بعضـی از سـادات علوی و بزرگـان و امرای مـدینه کنـار آن به خـاک سـپرده شده‌انـد. (۵)(تصویر شماره ۵۲)

۱- مسعودی، مروج‌الذهب و معادن الجوهر، ج ۲، ص ۲۸۸

۲- ابن نجار، اخبار مدینه الرسول، ص ۴۵

۳- الرحله، ص ۱۵۵؛ سفرنامه ابن بطوطه، ص ۱۱۳

۴- فراهانی، میرزا حسین، سفرنامه، ص ۲۸۱

۵- علی بن موسی، رساله فی وصف المدینه المنوره، ص ۷

ص: ۱۲۸

قبور دیگری که منابع از گنبد و بارگاه آن‌ها گزارش کرده‌اند، عبارت‌اند از:

۱. دختران و همسران پیامبر(ص)؛ ۲. عقیل و مالك بن انس؛ ۳. ابراهیم فرزند پیامبر(ص)؛ ۴. فاطمه بنت اسد؛ ۵. عثمان بن عفان؛ ۶. عثمان بن مظعون و ...

به خاک آرمیدگان بقیع

۱. عثمان بن مظعون

نخستین کسی که به دستور پیامبر(ص) در قبرستان بقیع دفن شد، عثمان بن مظعون، صحابه بزرگوار ایشان بود. پیامبر(ص) سنگی بالاـ و پایین قبر وی قرار داده، فرمودند: «اهل‌بیت مرا در این‌جا دفن کنید.» (۱) هنگامی که مروان، والی مدینه شد، آن سنگ‌ها را برداشت و سوگند یاد کرد که نمی‌گذارد بر قبر عثمان بن مظعون سنگی باشد و به این وسیله شناخته شود. (۲) برخی از شیعیان، قبری را که در انتهای محدوده نخستین بقیع واقع شده‌و اهل‌سنت آن را از آنِ خلیفه سوم، عثمان بن عفّان می‌دانند– به اشتباه گفته‌اند که آن قبر عثمان‌بن مظعون است، در حالی که وی در وسط محدوده نخستین بقیع دفن شده است.

۱– ابی محمد عبدالرحمان رازی، علل الحدیث، ج ۱، ص ۳۴۸؛ بیهقی، السنن الکبری، ج ۳، ص ۴۱۲

۲– ابن شبه، همان، ج ۱، صص ۱۰۰ و ۱۰۱، سمهودی گوید: مروان، خود بر قبر عثمان بن عفّان سنگی گذاشت(ج ۳، ص ۸۹۴).

ص: ۱۲۹

۲. ابراهیم فرزند پیامبر

(ص)

ابراهیم، که مادرش «ماریه قبطیه» بود، در ذی‌حجه سال هفتم هجری به دنیا آمد. اما بسیار زود؛ یعنی در هیجده ماهگی از دنیا رفت. پیـامبر(ص) فرمود: او را در بقیع، کنار عثمان‌بن مظعون دفن کننـد. پیامبر(ص) چهار تکبیر بر او گفت و بر روی قبر وی آب پاشـید. ابراهیم نخستین کسی بود که بر قبرش آب پاشیدند. (۱)

۳. رقیّه

رقیّه، دختر پیامبر(ص) ابتدا همسر عتبه بن ابی‌لهب بود، که بعد از اسلام، از همسرش جدا شد و به عقد عثمان بن عفّان درآمد. (۲) روایت شده که فاطمه ۳ کنار قبر رقیّه می‌گریست و پیامبر(ص) با جامه خود اشک چشـمان او را پاک می‌کردنـد. (۳) گفتنی است رقیّه هنگـام جنـگ بـدر از دنیا رفت و عثمان بن عفّان، همسر وی، که به سـبب مریضـی رقیّه از جنگ بازمانـده بود، او را به خاک سپرد. (۴) پیامبر(ص) فرمود: او را کنار عثمان بن مظعون به خاک بسپارید.

۱- ابن شـبه، همـان، ج ۱، ص ۹۸، مرگ ابراهیم فرزنـد پیـامبر ۹ بر آن حضـرت بسـیار سـنگین و گران بـود. در هنگـام مرگ وی خسوفی رخ داد و بـاعث شـد تـا مردم تصور کننـد خورشـید در مرگ او گرفته شـده است! لـذا پیـامبر ۹ به شـدت این اعتقـادات را نکوهش کرد و فرمود: خورشید و ماه در مرگ کسی کسوف یا خسوف نمی‌کنند.

۲- مصعب زبیری، کتاب نسب قریش، ص ۲۲

۳- سمهودی، همان، ج ۳، ص ۸۹۷

۴- ابن هشام، همان، ج ۲، ص ۳۳۴

ص: ۱۳۰

۴. امّ کلثوم

هنگـامی که امّ کلثوم دختر پیـامبر(ص) وفات یافت، در کنار خواهرش رقیّه مـدفون شـد. امّ‌کلثوم نیز همسـر عتبه بن ابی‌لهب بود که بعد از اسلام از همسرش جدا شد و پس از فوت رقیه به عقد عثمان بن عفّان درآمد. (۱)

۵. زینب

زینب، بزرگ‌ترین فرزنـد رسول‌الله(ص) بود که پیش از اسـلام به ازدواج ابوالعاص‌بن ربیع درآمد. همسـر وی که در مکه مانده بود در جنگ بـدر به اسارت مسـلمانان درآمـد و پس از چندی مسـلمان شد و به زینب پیوست. دختر گرامی پیامبر(ص) در سال هشـتم هجرت از دنیـا رفت و پیـامبر(ص) نیز بر او نمـازگزارد و کنـار دو خواهر دیگرش؛ یعنی در جوار عثمـان‌بن مظعون به خاکش سپرد. (۲)

۶. فاطمه بنت اسد

مـادر بزرگوار علی بن ابی‌طـالب(ع) و همسـر فـداکار ابوطالب، به منزله مادر پیامبر(ص) بود. به روایت طبرانی در معجم و ابن حبان در الثقات، وقتی او وفات یافت، پیامبر(ص) بر جنازه‌اش حاضـر شدنـد و داخل قبر او خوابیدند و قرآن خواندند؛ آن‌گاه پیراهن خود که از بُرد یمانی بافته شده بود را کف قبر پهن کرده و فاطمه بنت اسد را بر

۱- مصعب زبیری، همان، ص ۲۲

۲- ابن هشام، همان، ج ۲، ص ۳۱۳؛ ابن عبد البرّ، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، ج ۴، ص ۳۱۱

ص: ۱۳۱

آن خوابانیدنـد، سپس بر او نماز گزارده، فرمودنـد: هیـچ‌کس جز فاطمه بنت اسد از فشار قبر در امان نمی‌ماند. آن‌گاه دست به دعا برداشته و فرمودند:

«الله الذی یحیی و یمیت و هو حی لا یموت، اغفر لامی فاطمه بنت اسد ووسع علیها مدخلها بحق نبیّک والانبیاء من قبلی فإنّک ارحم الراحمین» (۱).

رسول خـدا(ص) برای گشـایش قبر فاطمه و آمرزش او، خود و پیامبران قبل از خود را وسـیله و واسـطه نزد خداونـد قرار دادنـد. این روایت که مورد نقل بسیاری از محدثان اهل سنت است نخستین دلیل برای ردّ ادعای وهابیت در خصوص وسیله قرار دادن اشخاص برای آمرزش و مغفرت است.

پیامبر(ص) در وفات مادر گرامی حضـرت علی(ع) بی‌تابی فراوان می‌کردنـد. وقتی دلیل آن را پرسـیدند، فرمود: «او به راستی مادرم بود؛ چرا که کودکان خود را گرسـنه می‌داشت و مرا سیر می‌کرد، آنان را خاک‌آلود می‌گذاشت و مرا شسته و آراسته می‌داشت، به راستی که او مـادرم بود.» (۲) شایـان یـادآوری است که فـاطمه بنت اسـد در سال سوم هجرت از دنیا رفت. قبر مادر گرامی علی بن ابی‌طالب(ع)، در کنار قبر عباس بن عبدالمطّلب و ائمه بزرگوار شیعه است. بعضی از تاریخ نگاران و

۱- سمهودی، همان، ج ۳، ص ۸۹۸؛ ابن عبد البرّ، همان، ج ۴، ص ۳۸۲

۲- یعقوبی، تاریخ الیعقوبی، ج ۱، ص ۳۶۸

ص: ۱۳۲

پژوهشگران، قبّه و بارگاه فاطمه بنت اسد را در شمال شرقی؛ آخرین حدّ کنونی بقیع دانسته‌اند و بیشتر اهل سنت نیز بر همین نظریه‌اند. (۱) کسانی که براین باورند، این قبر را از آن فاطمه ۳ دختر پیامبر(ص) می‌دانند. (۲) اما با توجه به شدت علاقه رسول خدا(ص) به فاطمه بنت اسد بعید می‌نماید او را در آخرین نقطه بقیع به خاک سپرده باشند، ضمناً آن‌جا در آن عصر خارج از محدوده بقیع بوده است.

۷. امام حسن مجتبی

(ع)

از قبرهای بسیار محترم و عزیز بقیع، قبر نواده رسول خدا(ص) حسن بن علی بن ابی‌طالب(ع) دوّمین امام شیعه است. آن امام همام در سال سوم هجرت متولد و در سال ۵۰ هجرت مسموم شد. از نوفل‌بن فرات نقل شده‌که حسن‌بن علی(ع) به برادر خود حسین(ع) وصیت کرد که درکنار قبر جدش پیامبر(ص) دفن شود؛ اگر بنی‌امیه مانع شدند، او را در بقیع به‌خاک بسپارد.

هنگامی که امام حسن(ع) وفات یافتند، مروان گفت نمی‌گذارم فرزند علی را در جایی دفن کنند که فرزند عفان را نگذاشتند. امام حسین(ع) نیز ایشان را در بقیع و در مقابر بنی‌هاشم دفن کردند. (۳)

۱- ابن عماد حنبلی، شذرات الذهب، ج ۱، ص ۱۵

۲- ر. ک. به: بحث بیت و مرقد فاطمه ۳ در قسمت مسجد النبی.

۳- ابن شبه، همان، ج ۱، صص ۱۱۰ و ۱۱۱؛ ابوالفرج‌اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۷۴؛ مسعودی گوید: او را در بقیع، کنار قبر مادرش فاطمه ۳ مدفون ساختند.(مروج الذهب، ج ۳، ص ۱۰).

ص: ۱۳۳

قبر شریف آن حضرت(ع) در ابتدای بقیع و بالای قبر عباس بن عبدالمطّلب است که سه امام دیگر نیز بعدها کنار ایشان به خاک سپرده شدند.

۸. امام زین‌العابدین

(ع)

علی بن الحسین(ع)، چهارمین امام بزرگوار شیعه است. او در سال ۳۸ هجری در مدینه متولد و در سال ۹۵ ق. مسموم و کنار عمویش حسن(ع) به خاک سپرده شد.

۹. امام باقر

(ع)

پیشوای پنجم شیعیان، در سال ۵۷ ق. به دنیا آمد و سال ۱۱۴ ق. از دنیا رفت. آن حضرت را کنار پدر گرامی‌اش به خاک سپردند.

۱۰. امام صادق(ع)

ششمین پیشوای بزرگ شیعیان، در سال ۸۳ ق. به دنیا آمد و در سال ۱۴۸ ق. از دنیا رفت. او را کنار پدرش دفن کردند. قبور ائمه: به این ترتیب است که: اول قبر امام حسن(ع)، دوم قبر امام سجّاد(ع)، سوم قبر امام باقر(ع) و چهارم قبر امام صادق(ع) است.

۱۱. عباس بن عبدالمطّلب

اشاره

عباس، عموی پیامبر(ص) سه سال پیش از عام‌الفیل به‌دنیا آمد (۱) و در

۱- سن او سه سال از پیامبر ۹ بیشتر بود.

ص: ۱۳۴

سال ۳۲ ق. درگذشت. قبر او کمی جلوتر از قبور چهار امام شیعه واقع شده است. (۱)(تصویر شماره ۵۳)

۲۰- ۱۲. قبور همسران رسول الله

(ص)

این قبرها در «خانه عقیل» بوده و بعدها در این مکان سنگ قبرهای آن یافت شده است. غیر از میمونه و خدیجه(ع)، دیگر همسران پیامبر(ص) در این محل مدفون‌اند که عبارت‌اند از: امّ سلمه، امّ حبیبه، عایشه، سوده، جویریه، حفصه، صفیّه، زینب و ماریّه قبطیّه. این قبرها، همگی در کنار هم و کمی بالاتر از قبور دختران پیامبر(ص) قرار دارند.

۲۳- ۲۱. عمه‌های رسول خدا

(ص)

عمه‌های گرامی حضرت رسول(ص) در کنار دیوار شرقی بقیع دفن شدند. این قسمت درگذشته از بقیع جدا بوده وبه سبب وجود قبر صفیه و عاتکه و جمانه دختران عبدالمطّلب، عمّه‌های پیامبر(ص) به «بقیع‌العمّات» مشهور شده است. در کنار قبور عمات الرسول، قبر ام‌البنین ۳ مادر گرامی ابوالفضل العباس(ع) نیز قرار دارد.

۳۰- ۲۴. قبور صحابه و تابعین

خانه عقیل در وسط بقیع، علاوه بر آن‌که محل دفن او گردید، برخی

۱- ابن شبه، همان، ج ۱، ص ۱۲۷، بسیاری از سیاحان و مورخان، از بنای قبه بزرگ و باشکوهی بر قبر وی و چهار امام شیعه که هم‌اکنون آثار پایه‌های دیواره آن نیز دیده می‌شود، خبر داده‌اند.

ص: ۱۳۵

از صحابه و تابعین نیز در داخل یا اطراف آن مدفون شدند که قبرشان کمی بالاتر از قبور همسران پیامبر(ص) زیارت می‌شود. آنان عبارتند از عبدالله بن جعفر(همسر زینب ۳ ف ۸۰)، محمد بن زید(نواده امام سجاد(ع))، سفیان بن حارث(ف ۲۰)، عبدالله بن مسعود(ف ۳۲)، عثمان بن عفان، مالك بن انس، ابوعبدالله نافع الفقیه. هم‌چنین در انتهای قبرستان بقیع در کنار دیوار کنونی جنوب غربی، قبر ابوسعید خدری صحابی و سعد بن معاذ و نیز حلیمه سعیده مادر رضاعی رسول خدا(ص) قرار دارد که بقعه و بارگاهی بر فراز قبر آنان بوده است.

برخی از شهیدان احد

پس از نبرد احد، برخی از مجروحان پس از چندی در مدینه به شهادت رسیدند و در قبرستان بقیع دفن شدند. این شهدا، که تعداد دقیق آنان مشخص نیست، در شمال شرقی بقیع، حدود بیست متر بالاتر از قبر ابراهیم فرزند پیامبر(ص) و سمت چپ آن، به خاك سپرده شده‌اند.

شهدای واقعه حرّه

در سال ۶۳ هجری به دستور یزید، مسلم بن عقبه مُرّی برای سرکوبی مردم مدینه، که بر ضدّ حکومت یزید قیام کرده بودند، عازم این شهر شد و در «حرّه واقم» (۱) به قتل عام مردم مدینه پرداخت. در این قتل عام، حدود

۱- مدینه میان دو حرّه واقع شده که یکی از آن‌ها حره واقم است و پیامبر ۹ میان این دو حرّه را حرم قرار دادند.(ر. ك. به: الجندی المکی، فضائل المدینه، ترجمه نگارنده این سطور، فصلنامه میقات حج، شماره ۵).

ص: ۱۳۶

هفت هزار نفر از ساکنان شهر مدینه، که بیشترشان از انصار، مهاجر، سادات و شیعیان بودند، کشته شدند و نوامیس مردم مورد تجاوز سپاه بنی‌امیه قرار گرفت. (۱) قبور شهدای حرّه کمی بالاتر از قبور مجروحان احد است. در کنار قبور این شهدا، اسماعیل بن جعفر بن محمد صادق(ع) مدفون است.

سایر قبور بقیع

همان‌گونه که پیشتر گفتیم، بیش از ده هزار نفر از صحابه، تابعان، قاریان، سادات، بنی‌هاشم، نوادگان ائمه و ... در بقیع مدفون‌اند. (۲) که مکان دفن آن‌ها روشن نیست. معروف‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۳۳. ابی بن کعب؛ احتمالًا ایشان در منزل خود، که بعدها به مسجد تبدیل شد، دفن شده‌اند. موقعیت مسجد ابی بن کعب روبه‌روی قبور ائمه و سمت راست درِ ورودی بقیع بوده است.

۳۴. مقداد بن اسود؛ ۳۵. خالد بن سعید؛ ۳۶. مالک بن حارث؛ ۳۷. ابوالهیثم التیهان؛ ۳۸. جابر بن عبدالله انصاری؛ ۳۹. خزیمه ذوالشهادتین؛ ۴۰. ابودجانه انصاری؛ ۴۱. سعد بن عباده خزرجی؛ ۴۲. زید بن ارقم؛ ۴۳. حسان بن ثابت؛ ۴۴ و ۴۵. حمیده و رقیه همسران مسلم و عبدالرحمان بن عقیل؛ ۴۶. حسن مثنی؛ ۴۷. جعفر بن حسن(ع)؛ ۴۸. خنیس بن حذافه؛ ۴۹. صهیب بن سنان؛ ۵۰. ابوطلحه انصاری؛ ۵۱. اسید بن حُضیر؛ ۵۲. معاذ بن جبل؛ ۵۳. قتاده بن نعمان؛ ۵۴. ارقم بن

۱- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۱۱۴؛ ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۱۲۳

۲- سمهودی، همان، ج ۳، ص ۹۱۶

ص: ۱۳۷

ابی ارقم؛ ۵۵. مسطح بن اثاثه؛ ۵۶. زید بن ثابت؛ ۵۷. محمد بن مسلمه؛ ۵۸. سالم، غلام ابوحذیفه؛ ۵۹. عبدالرحمن بن عوف؛ ۶۰. اسعد بن زراره.

ضمناً تعدادی از نوادگان امام کاظم(ع)، امام سجاد(ع)، امام صادق(ع) و عباس بن علی(ع) نیز در بقیع مدفون هستند.

«رَحِمَ اللهُ عَلی کُلّ مُسْلِم وَ مُسْلِمَه دُفِنَ فِی الْبَقِیعِ. اللّهُمَّ احْشُرْنا مَعَهُمْ».

بیت الاحزان

فاطمه زهرا، دختر گرامی و معصوم پیامبر خدا(ص)، در فراق پدر بزرگوار خود و شِکوه از اوضاع زمانه، به گفته برخی روایات، در گوشه‌ای از بقیع به گریه و زاری می‌پرداخت. این محل، که چونان خانه‌ای بدون سقف بود، بعدها مقبره او نام گرفت و سپس به «مسجد فاطمه» مشهور شد. مکان آن، کنار قبر عباس و ائمه شیعه بوده است.

آن‌جا که بعدها «بیت‌الأحزان» نامیده شد، در دوران عثمانی ضریحی کوچک از آهن داشت که زائران آن را زیارت می‌کردند. در دوران سعودی، همراه با تخریب گنبد و بارگاه‌های بقیع، آن ضریح را نیز برداشتند.

ص: ۱۳۸

ب) زیارتگاه شهدای احد

در سال سوم هجری، مشرکان برای انتقام از شکست بدر به بسیج نیرو پرداختند و با سپاهی متشکل از پنج هزار نیروی جنگ‌جو، به فرماندهی ابوسفیان، به سوی مدینه روان گشتند و در شمال شهر، کنار کوه احد استقرار یافتند.

ص: ۱۳۹

نیروهای سپاه اسلام، که تعداد آنان هفتصد نفر بود، پیشقدم شده و در دامنه احد مستقر شدند و آن را چون یک دژ مستحکم طبیعی، پشت سر سپاه خود قرار دادند.

در سمت چپ استقرار نیروهای اسلام، تپه یاکوه کوچکی‌است به‌نام «جبل‌العَینیْن». از این تپه تا نخلستان‌های درهم تنیده و غیر قابل عبور، مَعْبر یا تنگه کوچکی بود که پیامبر(ص) برای تأمین عقبه سپاه، پنجاه تیرانداز را به فرماندهی «عبدالله بن جبیر» بر این تپه گمارد تا به حفاظت از آن گذرگاه بپردازند؛ لذا این تپه به «جبل‌الرمّاه» معروف شد.

تپه یاد شده، که هم‌چنان موجود است، روبه‌رو و سمت جنوب مقبره شهدای احد و کوه احد واقع شده و امروزه زائران بالای آن رفته و خاطره آن نبرد بزرگ را در ذهن خود مجسم می‌سازند.

در این جنگ، به سبب رها کردن تنگه، ضایعات جبران‌ناپذیری به سپاه اسلام وارد شد؛ از جمله: شهادت یکی از بهترین حامیان پیامبر خدا(ص)؛ یعنی حضرت حمزه سیدالشهدا به همراه پرچمدار اسلام، مُصْعَب بن عُمَیْر، عبدالله بن جحش و فرمانده تیراندازان و نگهبانان تنگه؛ یعنی عبدالله بن جبیر و بیش از هفتاد تن از بهترین صحابه پیامبر خدا(ص).

پیامبر(ص) میان انبوه دشمن تنها ماند و جز علی(ع) و معدود یاران پایدارو مقاوم وی، که همواره کنار آن حضرت حضور داشتند و شجاعانه از جان ایشان حفاظت می‌کردند، بقیه صحابه گریختند و به دامنه احد

ص: ۱۴۰

عقب‌نشینی کردند. در این درگیری، پیشانی و دندان آن حضرت شکست. علی(ع) ناگزیر ایشان را به سمت احد برد و در شکافی جراحات ایشان را مداوا کردند. این غار یا شکاف، امروزه در شمال مقابر شهدا و در دامنه احد است.(تصویر شماره ۵۴)

به دستور پیامبر(ص) حمزه(ع) و دیگر شهدا را، که همه مُثله شده بودند، پس از اقامه نماز، در همان معرکه جنگ و با لباس‌های خود به‌خاک سپردند. (۱) عموی گرانقدر رسول‌الله(ص) ابتدا به وسیله زوبین وحشی، غلام جبیر بن مطعم، کنار جبل‌الرمّاه مجروح شد و خود را تا دامنه این تپه کشانید و سپس به دیدار خدا شتافت. پیامبر(ص) بر جنازه او، که گوش و بینی‌اش بریده و سینه‌اش دریده شده بود، با تأثر و خشم ایستادند (۲) و فرمودند: هرگز چنین مصیبتی به من نرسیده است و تاکنون جایی نایستاده‌ام که از جایگاه کنونی خشمگین‌تر باشم. (۳) آن‌گاه فرمان دادند جسدش را با پارچه‌ای کفن کرده و آن‌گاه هفتاد تکبیر بر وی گفتند. سید و سالار شهدای احد را همراه مصعب بن عمیر در یک قبر دفن کردند. بعضی گفته‌اند

۱- برای آگاهی بیشتر از واقعه جنگ احد، ر. ک. به: ابن هشام، السیره‌النبویه، ج ۳، ص ۱۲۰- ۶۰؛ واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۱۹۹ به بعد؛ زهری، المغازی، ص ۶۰ به بعد و هم‌چنین مقاله نگارنده این سطور، با عنوان «احد در بستر تاریخ»(مجله میقات حج، شماره ۸).

۲- ابن ابی حاتم رازی، علل الحدیث، ج ۱، ص ۳۵۲

۳- ابن هشام، همان، ج ۲، ص ۹۸؛ عساف احمد بن محمد، خلاصه الأثر فی سیره سید البشر، ص ۱۷۴

ص: ۱۴۱

عبدالله بن جحش نیز که خواهرزاده حمزه(ع) بود، همراه آنان به خاک سپرده شد. کسانی نیز گفته‌اند: هیچ‌کس همراه ایشان در قبر دفن نشد. (۱) قبور این سه بزرگوار روبه‌رو و شمال تپه جبل‌الرماه، کمی جلوتر(حدود پنجاه‌متر) از دیگر شهدا قرار دارد. در دوران عثمانی، بر مقبره عموی پیامبر(ص)، گنبد و بارگاه زیبایی وجود داشت.

در دوران سعودی، به اعتراف نویسنده‌ای سعودی؛ یعنی یاسین الخیاری، مردم، کنار این مقبره که به «مسجد حمزه(ع)» معروف بود، نذر می‌پختند و قبور را لمس و مسح می‌کردند، لذا مسؤولان برای جلوگیری از این اعمال خلاف شرع گنبد و بارگاه وی را تخریب کردند. سرانجام در سال ۱۳۸۳ ق. برای عدم دسترسی زائران، در اطراف قبور شهدای احد دیواری کشیدند و آن را محصور کردند. (۲) اکنون این دیوار با دری آهنین مانع تماس و نزدیکی زائران با قبور محترم شهدای احد است.(تصویر شماره ۵۵)

۱- ابن هشام، همان، ج ۲، ص ۹۸؛ به دستور پیامبر ۹ بعضاً هر سه نفر را داخل یک قبر دفن کردند.(محمدبن جریر طبری، تهذیب الآثار، السفر الثانی، صص ۵۲۴ و ۵۲۵).

۲- یاسین الخیاری، تاریخ المعالم المدینه، ص ۱۳۷

ص: ۱۴۲

ص: ۱۴۳

ج. سایر آرامگاه‌ها و مقابر تخریب شده (دوران سعودی)

زیارتگاه‌های دیگری هم در مدینه وجود داشت که در سال‌های اخیر توسط سعودی‌ها تخریب شده‌اند، مانند قبر عبدالله پدر گرامی رسول خدا(ص) در ۲۰۰ متری جنوب غربی مسجدالنبی(ص) در شارع مناخه، قبر محمد نفس زکیه نواده امام حسن(ع)، که در سال ۱۴۵ ق شهید شد در پشت کوه سلع(پشت مساجد سبعه)، زیارتگاه علی عُرَیضی برادر امام کاظم(ع) در شش کیلومتری مدینه در سمت فرودگاه، در قریه عُرَیض.

ص: ۱۴۴

۱. مسجد شریف نبوی؛

۲. مسجد قبا در شارع قبا؛

۳. مسجد ذو قبلتین در شارع سلطانیه؛

۴. مسجد فتح: احزاب؛

۵. مسجد سلمان فارسی؛

۶. مسجد ابی بکر؛

۷. مسجد عمر بن خطاب؛

۸. مسجد فاطمه ۳؛

۹. مسجد علی بن ابی‌طالب(ع)؛

۱۰. مسجد جمعه: بنی‌سالم در شارع قبا؛

۱۱. مسجد شجره در شارع عروه به سوی جده؛

۱۲. مسجد سقیا میدان عنبریه؛

۱۳. مسجد غمامه: مصلی اعیاد؛

۱۴. مسجد ابی‌بکر: مصلی اعیاد؛

۱۵. مسجد علی(ع): مصلی اعیاد؛

۱۶. مسجد عمر بن خطاب: مصلی اعیاد؛

۱۷. مسجد فضیخ: شمس در شارع عوالی؛

۱۸. مسجد ابوذر غفاری در شارع ابوذر؛

۱۹. مسجد بنی‌ساعده و سقیفه بنی‌ساعده؛

۲۰. بقیع الغرقد؛

۲۱. مکان قبلی قبر اسماعیل بن جعفر الصادق(ع)؛

۲۲. قبر ابی سعید خدری در پایان بقیع؛

۲۳. مقبره محمد نفس زکیه نوه امام حسن؛

۲۴. مقبره حمزه و شهدای احد؛

۲۵. چاه قضاعه، تخریب شده است؛

۲۶. چاه حاء، تخریب شده است؛

۲۷. چاه بصه، تخریب شده است؛

۲۸. چاه اریس، تخریب شده است؛

۲۹. چاه سقیا، تخریب شده است؛

۳۰. هیأت امر به معروف؛

۳۱. محکمه شرعی؛

۳۲. کتابخانه عمومی مدینه؛

۳۳. جبل الرایه، مسجد ذباب؛

۳۴. میدان عنبریه.

ص: ۱۴۵

ص: ۱۴۶

ص: ۱۴۷

خلاصه درس

شهر مدینه در شمال غربی شبه جزیره العرب و شمال مکه مکرمه واقع شده است. مدینه در احاطه چندین کوه قرار دارد؛ کوه احد در شمال، کوه عیر در جنوب و کوه جماوات در غرب.

در مدینه سه وادی یا درّه وجود دارد: عقیق، بطحان وقناه. مدینه برخلاف مکه به لحاظ بارندگی نسبتاً منظم، از کم آبی رنج نمی‌برد.

کوه‌های مدینه عبارتند از: احد؛ در روایتی، از پیامبر(ص) آمده است: «کوه احد از کوه‌های بهشت است.»

کوه عَینَین یا الرُّماه که در نبرد مهم احد، این تپه نقش مهم و مؤثری به عنوان یک گذرگاه استراتژیک ایفا کرده است.

کوه سلع در شمال‌غرب مدینه که شاهد یکی از جنگ‌های پیروزی آفرین سپاه اسلام؛ یعنی نبرد بزرگ «احزاب» یا «خندق» بوده است. از دیگر کوه‌های مدینه می‌توان به سُلَیع، ثَوْر و ذِباب اشاره کرد.

در مدینه برای استقبال یا بدرقه سپاهیان ثنیه‌هایی وجود داشته از جمله ثنیّه‌الوداع، ثنیّه الشرید، ثنیّه‌الرکاب و ثینه العَثْعَث.

مدینه تا عصر سعودی دارای حصار و دروازه‌هایی بود. حصار شهر از دو بخش داخلی و خارجی تشکیل شده بود که دیوار داخلی از چهار سمت مدینه را در محاصره داشت و شش دروازه برای آن تعبیه کرده بودند.

مقابر و زیارتگاه‌های مدینه عبارتند از: قبرستان بقیع که از رسول

ص: ۱۴۸

گرامی اسلام(ص) روایت شده از این مکان در روز قیامت نوری بلند می‌شود که میان آسمان‌ها و زمین را روشن می‌کند. هم‌چنین هفتاد هزار نفر از آن قبرستان بدون حساب و کتاب به بهشت می‌روند و مورد شفاعت پیامبر(ص) قرار می‌گیرند. در این قبرستان علاوه بر چهار امام بزرگوار شیعه، همسران رسول خدا(ص)، دختران آن حضرت و بسیاری از صحابه و تابعین و نوادگان ائمه نیز دفن هستند. تا دوران آل سعود بسیاری از این قبور دارای بقعه بوده که همه در این عصر توسط وهابی‌ها تخریب گردیده است. در کنار قبور امامان شیعه، محل بیت الاحزان فاطمه دختر رسول خدا(ص) قرار داشته است.

از دیگر زیارتگاه‌های مدینه می‌توان به زیارتگاه‌شهدای احد اشاره کرد که در دامنه کوه احد و محل این نبرد قرار دارد.

خودآزمایی

۱. کوه‌های مدینه را نام برده و اهمیت هر یک را بیان کنید.

۲. وادی‌های مدینه کدام‌اند و چه احادیث و روایاتی در مورد آن‌ها نقل شده است؟

۳. ثنایای مدینه را نام ببرید.

۴. حصارها و دروازه‌های مدینه و علت شکل‌گیری آن‌ها را بیان کنید.

۵. مقابر و زیارتگاه‌های مدینه و فضائل آن را تشریح کنید.

۶. تاریخچه قبرستان بقیع و فضائل آن را شرح دهید.

۷. زیارتگاه احد در کدام نقطه مدینه قرار دارد و چه کسانی در آن‌جا

ص: ۱۴۹

مدفون هستند؟

ص: ۱۵۰

ص: ۱۵۱

درس پنجم‌موقعیت تاریخی مدینه و مساجد آن

اشاره

اهداف آموزشی

انتظار می‌رود با مطالعه این درس:

- با سیر شکل‌گیری شهر یثرب آشنا شویم.
- فضایل شهر مدینه را بدانیم.
- از نحوه هجرت پیامبر به مدینه آگاه شویم.
- با مساجد منطقه قبا و نحوه شکل‌گیری هر یک آشنا شویم.
- مساجد اطراف مسجد النبی را بشناسیم.
- تاریخچه مساجد هفتگانه منطقه غزوه احزاب و سیر تاریخی هر یک را بدانیم.
- مساجد پیرامون منطقه احد ونحوه شکل گیری این مساجد را بدانیم.

مدخل

در این فصل پیدایش شهر یثرب و تاریخچه و جایگاه آن در شبه جزیره و نخستین کسانی که در آن‌جا ساکن شدند و نیز علت انتخاب این

ص: ۱۵۲

شهر به عنوان پایتخت حکومت اسلامی در عصر پیامبر(ص)، مورد بحث قرار می‌گیرد و همچنین ازمساجدی که در مدینه در عصر رسول خدا(ص) ساخته شده و نشان از حضور آن حضرت در جای جای مدینه است، سخن گفته و مناطق مختلف مدینه که هر یک یادآور یک واقعه تاریخی و سرنوشت‌ساز در عصر پیامبر است، تشریح وآثار آن معرفی می‌گردد.

تاریخچه یثرب (مدینه النبی (ص))

اشاره

مورخان در مورد نخستین ساکنان یثرب پس از طوفان نوح(ع)، اختلاف‌نظر دارند:

۱. بعضی گفته‌اند: هنگامی که مردم، از کشتی نوح(ع) که بر کوه جودی نشسته بود، خارج شدند، به سوی مدینه رهسپار گشتند؛ محل فرود این عدّه بعدها به سبب تعداد آنان «بازار هشتاد» نامیده شد. آنان تنها ماندگان و زندگانِ پس از طوفان نوح(ع) بودند. (۱) فرزندان «عَبیل» در یثرب فرود آمدند و این شهر به نام نخستین ساکن آن یعنی «یَثرب بن عَبیل بن عَوصِ ابن ارْمِ بن سام بن نوح(ع)»، (۲) یثرب نامیده شد.

۲. بعضی اولین ساکن مدینه پس از طوفان را «یثرب بن قانیه بن مَهْلابیل بن ارْم بن عَبیل بن عَوص بن ارْم بن سام بن نوح(ع)» دانسته‌اند. (۳)

۱- سمهودی، وفاء الوفا بأخبار دار المصطفی، ج ۱، ص ۱۵۶

۲- مسعودی، یثرب را فرزند «قانیه بن مهلیل بن ارم بن عبیل» ذکر کرده است که در مدینه فرود آمده و این شهر به نام وی مشهور شده است.(مروج الذهب، ج ۲، ص ۱۵۵).

۳- پیشین، همان جا.

ص: ۱۵۳

۳. برخی نیز گوینـد: هنگامی که عمالقه در سـرزمین‌ها پراکنـده شدنـد، بعضـی از آنان در یثرب فرود آمـده و ساکن شدند. آنان از فرزندان عملیق بن لود بن سام بن نوح بودند.

ورود یهود به یثرب

یهودیان بارها در طول تاریخ به این سـرزمین مهاجرت کرده‌انـد. مورخان، تاریـخِ مهاجرت‌های اوّلیه یهود را از هزار تا هفتصد سال پیش از میلاد مسیح ثبت کرده‌اند. در زمان سلطنت داوود نبی(ع)، درگیری‌ها و اختلافاتی میان فرزندان وی به وقوع پیوست. در این زمـان، یکی از فرزنـدان او به نـام «اشالوم» همراه گروهی از بنی‌اسـرائیل به خیبر و دیگر سـرزمین‌های شـبه جزیره‌العرب از جمله شام رفتند. (۱) نبونیـد، حـاکم بابـل، شـماری از عراقی‌هـا را همراه خود آورده و در این منـاطق(حجاز) ساکن ساخته بود. در میان ایشان یهودیانی از بابل و فلسـطین بودنـد. پیش از این نیز یهودیانی همزمان با مهاجرت به فلسـطین به این‌جا کوچ کرده و تا روزگار ظهور اسـلام در آن ساکن بوده‌اند. (۲) علمای‌یهود توصـیف پیامبر خـدا(ص) در تورات را دیـده بودند که در آن آمده بود: این پیامبر در مکّه مکرّمه ظهور کرده و سپس به سوی سرزمینی که میان دو حرّه واقع و دارای نخل است مهاجرت می‌کند. پس

۱- ابن خلدون، العبر، ج ۱، صص ۹۲ و ۹۳

۲- جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ص ۴۵۲

ص: ۱۵۴

آنان در جستجوی این نشانی‌ها با اشتیاق تمام از شام به این‌سرزمین رو آوردند. هنگامی که این‌نشانی‌ها را در یثرب یافتند، در آن‌جا ساکن‌شدند. (۱) کسانی چون استرابون و پلینیوس، در میان دولت‌های جزیره‌العرب از دولت یهود نام برده‌اند. (۲) در هر حال، قبایل یهود که به یثرب آمدند، ۲۵ قبیله بودند. آنان شهر را به این صورت میان خود تقسیم کردند:

۱. قبایل بنی‌قریظه (۳) و بنی‌نضیر؛ آنان در «عالیه» فرود آمدند که امروز آن را «العوالی» (۴) می‌نامند. ایشان در این منطقه به حفر چاه‌ها و کاشت درختان پرداختند. بعضی از قبایل عرب نیز در کنار آنان فرود آمده و ساکن شدند.

۲. قبایل بنی‌قینقاع؛ (۵) در منطقه «الصاغه» فرود آمدند که خیابان قربان امروزی است. منازل عالی و زیبای آنان در شمال‌غربی «مدشونیه» (۶)

۱- ابن نجار، اخبار المدینه، ص ۱۳

۲- جواد علی، همان جا.

۳- بنی قریظه یکی از قبایل ساکن مدینه است که با خزرج هم‌پیمان بودند و پیامبر ۹ پس از عهدشکنی همه آنان را از بین برد.

۴- «عوالی» منطقه‌ای است در جنوب مسجدالنبی ۹ و امروزه خیابان آن‌به نام‌شارع علی‌بن‌ابی‌طالب ۷ معروف‌است. بیشتر شیعیان مدینه‌در این‌منطقه ساکن هستند و بر مدارس‌آنان نام‌های‌ائمه‌دیده می‌شود.

۵- پیامبر ۹ علیه پیمان شکنان یهود از بنی‌قینقاع وارد جنگ شد. غزوه بنی‌قینقاع در تاریخ مشهور است.

۶- «مدشونیه» تا امروز به همین نام معروف و نام باغ‌هایی در شارع قربان کنونی است.

ص: ۱۵۵

ساخته شد. این خانه‌ها بسیار مستحکم و همانند حصن یا قلعه بود که به آن اطم می‌گفتند.

ورود اوس و خزرج یا یمانی‌ها به یثرب

به جز قبایل یهود و اعرابی که در یثرب ساکن بودند، تعدادی از اعراب نیز از یمن و جنوب شبه جزیره کوچ کرده و در سرزمین‌های شمالی؛ از جمله یثرب و غسان ساکن شدند. (۱) این مهاجران به علّت انتساب به «یَعْرَب ابن قحطان»، «اعراب قحطانی» نامیده شدند؛ در مقابل ایشان، اعرابی که در حجاز و به ویژه مکّه ساکن و از فرزندان عدنان از نسل اسماعیل(ع) بودند، «اعراب عدنانی» نامیده‌شدند.

اعراب جنوبی یا قحطانی، که همان یمنی‌های مهاجر باشند، برخلاف اعراب عدنانی یا ساکنان مکّه، از تمدّن و شهرنشینی برخوردار بودند و کار و پیشه اصلی آنان کشاورزی، زراعت، تولیدات و مصنوعات دستی بود؛ چون یثرب در سراسر شبه جزیره امتیازات و ویژگی‌های مورد نظر آنان را داشت، آن‌جا را برای سکونت مناسب‌دیدند.

از میان اعراب یمانی که در یثرب ساکن شدند، دو طایفه نیرومند اوس و خزرج، که بعدها پیامبر(ص) آنان را «انصار» نامید، با یهود بنی‌قریظه و بنی‌نضیر پیمان‌هایی بستند. (۲) اوس و خزرج، همواره برای تسلط بر شهر یثرب با یکدیگر رقابت می‌کردند. منابع تاریخی مملو از شرح وقایع،

۱- ابراهیم بیضون، سهیل زکار، تاریخ العرب السیاسی من فجر الاسلام حتی سقوط البغداد، ص ۲۸

۲- ابراهیم بیضون، سهیل زکار، همان، ص ۲۸.

ص: ۱۵۶

جنگ‌ها و ستیزهای این دو طایفه با یکدیگر است که به آن‌ها «ایام العرب» گفته می‌شد. (۱) درگیری و کشتار میان اوس و خزرج، امری عادی و کاری روز مرّه بود، در حالی که هیچ‌کس در این منطقه نبود تا بتواند این دو رقیب را با هم تفاهم دهد و به زیر سلطه و نفوذ خود درآورد و به عبارتی، کسی نبود که حرف آخر را بزند. به گفته «ولهاوزن»:

«نزاع و تخاصمی که وجود داشت زندگی را برای توده مردم سخت می‌نمود، تنها یک مرد می‌خواست که بتواند این جامعه متفرق را انتظام بخشد.» (۲) خداوند در این زمان، با ظهور اسلام و بعثت پیامبر(ص)، آنان را به هدایت و صلح و دوستی رهنمون ساخت و رسول الله(ص) به عنوان فرمانروای مطلق، جهت التیام بیماری عداوت و دشمنی و اعاده امنیت به این شهر رهسپار شد. (۳) از آن پس به سبب حضور رسول خدا(ص) در یثرب آن را مدینه‌النبی(ص) نامیدند.

نام‌های مدینه منوره

مدینه در قبل و پس از اسلام، نام‌های فراوانی داشت. برخی از نام‌هایی که برای آن آورده‌اند، عبارت‌اند از:

ارْضُ اللهِ، ارْضُ الْهِجرَهِ، الْایمانْ،دکتر اصغر قائدان، درسنامه آشنایی با تاریخ و اماکن مقدس مکه مکرمه و مدینه منوره، ۱جلد، نشر مشعر - تهران، چاپ: ۱، تابستان ۱۳۸۹.

درسنامه آشنایی با تاریخ مکه مکرمه و مدینه منوره ؛ ؛ ص۱۵۶

۱-

۲-

۳- Encyclopedia ,Britanika V .۵۱ ,p .۴۶ .

ص: ۱۵۷

الْبارَّه، الْبرَّه، البَلَد، بَیتُ الرّسولِ، الحرم، الدّار، دارالابرار، طابه، طَیّبه، یثرب و ... (۱)

هم‌چنین نام‌هایی چون المدینه، مدخل صدق، دارالایمان، ارض‌الله (۲) نیز در قرآن برای این شهر ذکر شده است.

فضایل مدینه منوّره

از پیامبرخدا(ص) روایات بسیاری در فضیلت مدینه نقل شده است. آن حضرت این شهر را، همچون مکّه، حرم قرار داد و صید و شکار حیوانات، کندن درختان، ریختن خون و ... را در آن حرام کرد. پیامبر(ص) به درگاه الهی تضرع کردند که: «بار خدایا! ابراهیم بنده و رسول تو، مکّه را حرم قرار داد، من نیز مدینه را حرم قرار می‌دهم در آن‌چه میان دو حرّه است، همان‌گونه که ابراهیم مکّه را، حرم قرار داد». (۳) آن حضرت در فضلیت مدینه فرموده‌اند: «ایمان در مدینه انباشته و جمع شده است؛

۱- ابن شبه، همان جا؛ سمهودی، وفاء الوفا باخبار دار المصطفی، ج ۱، ص ۸- ۲۸

۲- ابن شبه، همان جا؛ سمهودی، همان جا؛ پیامبر ۹ خود نیز مدینه را طابه می‌نامیدند و می‌فرمودند خداوند این شهر را طابه نامیده است و در جایی دیگر آن را قبه‌الاسلام، دارالایمان، ارض الهجره و مثوی الحلال و الحرام نامیده‌اند(محمد بن محمد بن سلیمان، جمع الفوائد من جامع الاصول و مجمع الزوائد، ج ۱، صص ۵۶۰ و ۵۶۱).

۳- جندی المکی، فضائل المدینه، ص ۴۳؛ ابن حجر هیثمی، تحفه الزُوّار الی قبر النّبی المختار، ص ۱۴۴؛ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۳۶؛ ملاخاطر، فضائل المدینه المنوره، ج ۱، ص ۶۰ به بعد.

ص: ۱۵۸

همان‌گونه که ماری در لانه‌اش جمع می‌شود.» (۱) پیامبر خدا(ص) می‌فرمود:

«الْمَدینَهُ أَفْضَلُ مِنْ مَکّهَ». (۲)

مدینه از مکّه برتر است.

پیامبر(ص) در حق مدینه بسیار دعا می‌کردند و می‌فرمودند: «خدایا! مدینه را بر ما دوست بدار همان‌گونه که مکّه را بر ما دوست داشته‌ای و حتی بیش از آن و آن را بر ما صحت و سلامت دار و در مُدّ و صاع(اوزان طعام) آن بر ما برکت ده و تب و درد را از آن دور کن.» (۳) در روایات دیگری، آن حضرت کسانی را که مردم مدینه را بترسانند، به آتش الهی وعده داده است؛ از جمله فرموده‌اند: «کسی بر اهل مدینه اراده سوء نمی‌کند جز آن‌که خداوند وی را در آتش جهنم، با سرب گداخته ذوب می‌کند، همان‌گونه که نمک در آب حل می‌شود» و کسی که در یکی از دو حرم(مکه و مدینه) بمیرد، روز قیامت ایمن مبعوث می‌شود. (۴)

مقدمات هجرت پیامبر (ص) به مدینه

در ذی‌حجه سال یازدهم بعثت، پیامبر(ص) با شش نفر از خزرجیان در

۱- جندی المکی، همان ص ۲۵؛ المقدسی، فضائل الاعمال، ص ۸۹

۲- جندی المکی، همان ص ۲۲

۳- جندی المکی، همان ص ۲۰؛ بیهقی، سنن الکبری، ج ۳، ص ۳۸۲؛ بخاری، صحیح، حدیث ۲۸۸۹

۴- ابن حجر هیثمی، همان، ص ۳۰

ص: ۱۵۹

منا گفتگو و اسلام را بر آنان عرضه کرد. این شش تن، پس از آن‌که اسلام را پذیرفتند، به مدینه رفته و خبر ملاقات خود را با بزرگان قوم در میان گذاشتند. لذا در سال بعد؛ یعنی سال دوازدهم بعثت، یازده نفر از انصار با رسول الله(ص) در عقبه منا، پیمانی بستند که بر اساس آن، برای خدا شریک قرار ندهند، دزدی و زنا نکنند، فرزندان خود را نکشند و پیامبر را فرمانبردار باشند. این پیمان را پیمان «عقبه اول» خواندند. پیامبر(ص) مصعب بن عمیر را برای تبلیغ اسلام و آموزش قرآن به یثرب فرستاد و دیری نپایید که بیشتر مردم یثرب مسلمان شدند.

در سال بعد؛ یعنی در ذی‌حجه سال سیزدهم، ۷۳ نفر از بزرگان اوس و خزرج، که ۲ تن از آن‌ها زن بودند، در عقبه منا به حضور پیامبر(ص) رسیده و ضمن پذیرش اسلام از ایشان دعوت کردند تا به یثرب بیاید و آنان را به راه هدایت و صلاح رهنمون سازد. این پیمان به «عقبه دوم» یا بیعه النساء شهرت یافت. پس از بازگشت این عده به یثرب، خانه‌ای در شهر نماند که اهل آن به اسلام نگراید و از آن صدای اذان و تکبیر به گوش نرسد. (۱) پیامبر(ص) در نخستین شب از ماه ربیع‌الأوّل سال چهاردهم بعثت، از سوی خداوند برای ادامه مأموریت الهی خود عازم یثرب شدند؛ در این شب مشرکان با فراهم ساختن طرح قتل پیامبرخدا(ص) در «دارالنّدوه» منزل آن حضرت را محاصره کردند و تصمیم به قتل ایشان گرفتند. آن شب،

۱- ابن هشام، السیره النبویه، همان، ج ۱، صص ۴۴۵- ۴۳۱؛ ابن نجار، اخبار المدینه ۱۹- ۲۰

ص: ۱۶۰

از شب‌های بزرگ و سرنوشت‌ساز در تاریخ اسلام و زندگی پیامبر(ص) و علی بن ابی‌طالب(ع) بود. هجرت، مسیر تاریخ را دگرگون ساخت و عزّت، قدرت، ثبات، استواری و تأییدِ اسلام را رقم زد.

پیامبر(ص) تنها علی(ع) را لایق جانشینی خود در مکّه و خوابیدن در بستر خود دانست و از ایشان خواست تا ردای مخصوص پیامبر(ص) را بپوشد و به جای او در بستر بخوابد. هم‌چنین اماناتی که از پیامبر(ص) در مکّه مانده است را به صاحبان آن‌ها بازگرداند و اهل‌بیت او را همراه خود به مدینه منتقل سازد. (۱) به خاطر این فداکاری و خوابیدن حضرت علی(ع) در بستر پیامبر(ص)، این شب به «لیله المبیت» معروف شد.

مشرکان چون به خانه پیامبر(ص) هجوم آوردند و علی(ع) را در جای او دیدند، از فرط ناراحتی وی را مجروح و ساعتی نیز حبس کردند. (۲) علی(ع) با شجاعت و ایثار تمام، نه تنها این مسؤولیت خطیر را با جان و دل پذیرفت و خود را در معرض امتحان وفاداری به اسلام و پیامبر(ص) قرار داد، بلکه با این اقدام شجاعانه، نقش مؤثری در پیشبرد اهداف عا لی اسلام و حفظ رهبری و تغییر و دگرگونی تاریخ اسلام ایفا کرد. به این مناسبت بود که این آیه در حق او نازل شد:

۱-

۲- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۱۰۳

ص: ۱۶۱

(وَ مِنَ النّاسِ مَنْ یَشْرِی نَفْسَهُ ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللهِ وَ اللهُ رَؤُفٌ بِالْعِبادِ). (۱)

ایشـان برای رد امانـاتی که پیامبر(ص) به او سپرده بود، سه روز در مکّه مانـد و پس از انجام کارها همراه مادرش فاطمه بنت اسـد و نیز دختر رسول الله(ص)، حضرت فاطمه ۳ به سوی مدینه حرکت کرد. (۲)

مسیر هجرت پیامبر (ص) به مدینه

حضـرت رسول(ص) ابتدا به خانه ابوبکر که حدود ۲۰۰ متری مسـجدالحرام، در سـمت مسفله و پایین مکه بود، رفت و سپس همراه وی شـهر را ترک و به طرف جنوب مکّه یعنی مخالف مسیر مـدینه(که در شـمال‌است) به غار «ثور» (۳) رفتند تا دشـمن را گمراه و منحرف کنند.

در حـالی که دشـمن کینه‌توز بـا سـماجت در تعقیب پیـامبر بود، ایشان ۴۰۰ کیلومـتر راه را طی کردنـد و در روز دوشـنبه دوازدهم ربیع‌الأول وارد قریه «قبا» شدند.

بریده بن اسلمی، همراه هفتاد تن از افراد قبیله خود و سایر قبایل، به

۱- [و از مردم کسانی هسـتند که جان خود را به خاطر خشـنودی خدا می‌فروشـند(از جان خود در راه رضای خدا درگذرند) و خدا دوستدار چنین بندگان است.]) بقره: ۲۰۷)؛ ابن جوزی، التـذکره خواص الامه فی معرفه الائمه ص ۲۱؛ گنجی شافعی، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی‌طالب ۷ ص ۱۱۴؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۹، صص ۳۹- ۶۴

۲- بلاذری، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۹۱ ابن نجار، همان، ص ۲۷

۳- ر. ک. به: بخش کوه‌های مکه، از همین کتاب.

ص: ۱۶۲

پیشواز میهمانان آمده بودند. (۱) این در حالی بود که هر روز مردم شهر، از صبح تا غروب به انتظار پیامبر(ص) می‌ایستادند و سپس ناامید باز می‌گشتند. (۲) هنگامی که حضرت رسول(ص) در دید مردم قرار گرفتند، زنان و کودکان فریاد زدند: «هذا رسول الله، قد جاء، قد جاء!».

پیامبر(ص) در میان استقبال پرشکوه و گرم مردم یثرب وارد آبادی «قُبا» شدند. دختران بنی‌النجّار در این منطقه با دیدن پیامبر(ص)، اشعار زیر را با صدایی رسا خواندند:

طلَعَ الْبَدْرُ عَلَیْنا مِنْ ثَنِیّاتِ الْوِداع
وَجَبَ الشُّکْرُ عَلَینا ما دَعی لِله داع
أَیُّهَا الْمَبْعُوثُ فِینا جِئْتَ بِالْامْرِ الْمُطاع
جِئْتَ شَرَّفْتَ الْمَدِینَه مَرْحَباً یا خَیْرَ داع (۳)

مساجد تاریخی مدینه منوره

الف. منطقه قُبا و مساجد آن (جنوب مدینه)

اشاره

قُبا، قریه‌ای است در دو کیلومتری جنوب مدینه. کسانی که از مکه به مدینه می‌آیند، ابتدا وارد این قریه شده و سپس به مدینه می‌روند، که البته

۱- سمهودی، همان، ج ۱، ص ۲۴۳

۲- ابن هشام، همان، ج ۱، ص ۴۹۱؛ سمهودی، همان‌جا.

۳- ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۴۹۰

ص: ۱۶۳

امروزه به سبب بزرگراه مدینه‌مکه، از کنار آن می گذرند. قبا، نام چاهی در آن‌جا بوده که بنی‌عمرو بن عوف از انصار در آن‌جا ساکن بوده‌اند. (۱) مزارع، نخلستان‌ها، چاه‌ها و آب‌های شیرین، این منطقه را از دیرباز آبادان ساخته است. این قریه نخستین مکانی قبل از مدینه بود که قدوم پیامبر(ص) را مبارک داشت و ساکنان آن به استقبال پیامبرخدا(ص) رفتند.

نخستین کلامی که مردم آن از رسول خدا(ص) شنیدند این بود:

«آشکارا سلام کنید. از طعام خود به دیگران بخورانید. صله رحم کنید و شب هنگام، وقتی‌مردم درخواب‌اند نماز بگزارید. پس‌به‌سلامت وارد بهشت‌شوید.» (۲) پیامبر(ص) بر «کلثوم بن هِدم» (۳) وارد شدند (۴) و خانه «سعد بن خیثمه» را محل پذیرایی و دیدار مردم قرار دادند. ایشان تصمیم گرفتند برای شناسایی بهترِ منطقه یثرب و موقعیت یهود، و نیز پیوستن امام علی(ع) و فواطم به ایشان چند روزی در این قریه اقامت گزینند و این انگیزه‌ای شد

۱- یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۰۱؛ فیروزآبادی، المغانم المطابه فی معالم طابه، ص ۳۲۳

۲- ابن‌سعد؛ الطبقات‌الکبری، ج ۱، ص ۲۳۵؛ ترمذی، صحیح، [کتاب الاطعمه باب فضل اطعام الطعام]، ص ۴۵

۳- «کلثوم بن هدم بن امریء القیس بن الحارث» یکی از شیوخ بزرگ قبیله اوس بود که در زمان کوتاهی پس از ورود پیامبر ۹ به مدینه وفات یافت. او نخستین مرد از انصار بود که پس از اسلام از دنیا رفت.(ابن اثیر، اسدالغابه فی معرفه الصحابه، ج ۴، ص ۲۵۴).

۴- ابن هشام، السیره‌النبویه، ج ۱، ص ۴۹۳؛ ابن قیم جوزی، زاد المعاد فی هدی خیرالعباد، ج ۲، ص ۱۴۲؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۲۴۰

ص: ۱۶۴

تا نخستین پایگاه عبادی را در آخرین ایستگاه هجرت به دست خود بنا کنند. دیری نپایید که علی(ع) نیز در این روزها وارد قبا شد و به گفته ابن اسحاق کنار پیامبر(ص) در خانه کلثوم بن هدم ساکن گردید. (۱)

۱. مسجد قُبا

پیامبر(ص) در کنار خانه کلثوم بن هدم، زمینی را، که به وی متعلّق بود، خرید و بنای مسجد قبا را آغاز کرد. این امر بنا به تقاضای ساکنان این محل انجام گرفت. ایشان مساحت مسجد را در خط سیر شتر خویش مشخص کردند. (۲) و خود خط قبله را تعیین کردند و دوش به دوش اصحاب، به ساختن آن پرداختند.

دیوارهای آن با سنگ و خشت برافراشته شد و سقفش بر روی سه ردیف ستون استوار گردید. جای محراب پیامبر(ص) را نیز، قبل از تغییر قبله، در دیوار شما لی مسجد قرار دادند. (۳) به گفته ابن شبه، طول و عرض آن حدود ۳۴ متر بود. (۴) رسول الله(ص) در ساخت مسجد به حدّی خود را به زحمت می‌انداختند و خشت‌ها را بر دوش می‌کشیدند که اصحاب متأثر شده و از ایشان

۱- سمهودی، وفاء الوفا باخبار دار المصطفی، ج ۱، ص ۲۴۹؛ ابن هشام، همان‌جا.

۲- محمد بن سلیمان، جمع الفوائد، ج ۱، ص ۵۶۵؛ دیار بکری، تاریخ الخمیس فی احوال انفس النفیس، ج ۱، ص ۳۳۸

۳- تا دهه‌های گذشته مکان نماز پیامبر ۹ در شمال مسجد قبا(به سوی بیت‌المقدس) به وسیله محرابی مشخص شده بود که اکنون برداشته شده است.

۴- ابن شبه، تاریخ المدینه المنوره، ج ۱، ص ۵۷

ص: ۱۶۵

می‌خواستند تا کناری بنشینند و فقط ناظر امور باشند؛ امّا آن حضرت نمی‌پذیرفتند. (۱) صحابه هنگام کار، این اشعار را با هم می‌خواندند و پیامبر(ص) هم قوافی آن را تکرار می‌کردند:

قَد أَفْلَحَ مَنْ یَعْمُرُ المَساجِدا

یَقْرَأُ القُرآنَ قائِماً وَ قاعِدا ...

«رستگار کسی است که مسجد بنا کند و در آن نشسته و ایستاده قرآن بخواند. کسی که برای ساختن آن خود را به تلاش می‌اندازد با کسی که در کنار نشسته و نظاره می‌کند تا مبادا خاک بر دامانش بنشیند مساوی نیستند.» همچنین به نقل بعضی از مورّخان، زنان نیز در ساختن مسجد قبا فعالیت داشتند. سرانجام خداوند با نزول این آیات، اجر و پاداش سازندگان آن را عطا فرمود:

(... لَمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوى مِنْ أَوَّلِ يَوْم كَانَ احَقُّ أَنْ تَقُومُ فِيهِ فِيهِ رِجالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَ اللهُ يُحِبُّ الْمُطَّهِّرِينَ). (۲)

آن مسجدی که در نخستین روز(هجرت) بر اساس تقوی بنا شده، محق‌تر و سزاوارتر است که در آن به نماز بایستی تا مسجدی که بر شالوده نفاق و تفرقه و گمراهی بنا شده باشد ... در آن مسجد مردانی هستند که دوست دارند پاک باشند و خداوند پاکان را دوست دارد.

۱- سمهودی، همان، ج ۱، ص ۲۵۳

۲- توبه: ۱۰۸

ص: ۱۶۶

به نقل بسیاری از مفسّران، این آیه در سال نهم هجرت و در شأن این مسجد نازل شده است (۱) و آن هنگامی بود که گروهی از منافقان در آن سال از غیبت پیامبر(ص)، که برای جنگ تبوک خارج شده بودند، استفاده کرده و در مقابل مسجد قبا مسجدی ساختند تا تحت پوشش آن، به توطئه علیه اسلام و مسلمانان بپردازند. آنان حتی برای کسب مشروعیت اقدام خود، از پیامبر(ص) خواستند تا در آن مسجد نماز بگزارد، امّا در این هنگام خداوند به پیامبرش وحی فرستاد که:

(لا تَقُمْ فِيهِ أَبَداً لَمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوى ...). (۲)

ای پیامبر، هرگز در آن‌جا نماز برپا نکن؛ زیرا آن مسجدی که در نخستین روز بر پایه تقوی بنا شده ...

پیامبر(ص) وقتی از توطئه آنان به وسیله وحی آگاه شد، فرمان داد تا آن مسجد را، که پس از نزول آیه مورد اشاره، «مسجد ضرار» نام گرفت، تخریب کنند. اصحاب نیز هجوم برده و آن را خراب کردند و سپس سوزاندند. (۳) گفتنی است، منظور از «أَوَّلِ يَوْم»، در قرآن کریم اوّلین روزهای

۱- کلینی، فروع کافی، ج ۴، ص ۵۶۰؛ ابن حجر عسقلانی، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، ج ۹، ص ۲۴۵، گفتنی است، بعضی از مفسران شأن نزول این آیه را مسجدالنبی و بعضی، هم مسجد قبا و هم مسجدالنبی، هر دو دانسته‌اند. در حدیثی از پیامبر ۹ نقل شده به دو نفر که در این مورد بحث داشتند، فرمودند: هذا مسجدی،(ابی بکر هیثمی، موارد الضمان فی زوائد ابن حبان، ص ۲۵۶).

۲- سیوطی، لباب النقول فی اسباب النزول، صص ۱۲- ۱۱۱

۳- طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۱۷؛ ابن هشام، همان، ج ۲، ص ۵۲۹

ص: ۱۶۷

هجرت است و قبا نخستین مسجدی است که به دست پیامبر(ص) و مهاجران و انصار در اولین روزهای هجرت ساخته شد.

در فضیلت مسجد قبا روایات زیادی وجود دارد. از جمله این که: دو رکعت نماز در مسجد قبا برابر با یک عمره است. (۱) همچنین روایت شده که پیامبرخدا هر شنبه یا دوشنبه با پای پیاده یا سواره به مسجد قبا می‌آمد و در آن نماز می‌گزارد. (۲) پیامبر(ص) می‌فرمود:

«دو رکعت نماز در مسجد قبا برای من بهتر از آن است که دوبار به بیت‌المقدس بروم. اگر می‌دانستند در قبا چیست جگرهای شتران را می‌زدند و به سوی آن می‌تاختند تا از فضیلتش بهره‌مند شوند.» (۳) مسجد قبا اکنون ۷۴۶۵ متر مربع مساحت دارد که البته در طول تاریخ با توسعه و بازسازی همراه بوده است. این مسجد که حدود ۳/۵ کیلومتر با مسجدالنبی(ص) فاصله دارد حدود هفت هزار نمازگزار را در خود جای می‌دهد.(تصویر شماره ۵۶)

۲. مسجد جمعه / عاتکه

پیامبر(ص) وقتی از قبا به سوی مدینه می‌رفتند، میان قبیله «بنی سالم بن

۱- ابی بکر الهیثمی، همان، ج، ص ۲۵۲؛ متقی الهندی، منتخب کنزل العمال فی سنن والاقوال، ج ۵، ص ۳۵۹؛ سعدی المقدسی، فضائل الاعمال، ص ۹۱؛ محمد بن محمد بن سلیمان، همان، ج ۱، ص ۵۶۳

۲- نسائی، سنن،، ج ۲، ص ۳۷؛ ابن حجر عسقلانی، همان، ج ۳، ص ۵۳، آلبانی، صحیح سنن نسائی، ج ۱، ص ۵۶۳؛ محمد بن محمد بن سلیمان، همان، ج ۱، ص ۵۶۵

۳- ابن شبه، همان، ج ۱، ص ۴۲؛ متقی الهندی، همان، ج ۵، ص ۳۵۹

ص: ۱۶۸

عوف» نماز جمعه خواندند. به گفته ابن اسحاق، این اولین نماز جمعه‌ای بود که در مدینه اقامه کردند. (۱) از نام‌های دیگر آن مسجد بنی‌سالم و یا مسجد وادی و نیز عاتکه بود. موقعیت آن در شمال مسجد قبا و حدود ۵۰۰ متری آن است. این مسجد حدود ۸۰ متر مربع مساحت داشته و تا دوران عثمانی چندین نوبت بازسازی شده است. (۲) در سال ۱۴۱۲ ق. در دوران فهد بن عبدالعزیز بنای قدیمی تخریب و بنای جدید و زیبایی به مساحت ۶۳۰ متر مربع ساخته شد که ۶۰۰ نمازگزار را در خود جای می‌دهد. برای این مسجد گنبدی بزرگ، با مناره‌ای ۲۵ متری ساختند. اکنون(۱۳۸۳ ش.) مجدداً به علّت فرسودگی بنا، کار بازسازی آن به پایان رسید و خیابانی نیز در مجاورت آن ساخته شده است.(تصویر شماره ۵۷)

ب) مساجد پیرامونی مسجدالنبی (ص) (جنوب غربی مدینه)

۱. مساجد مصلّا و نمازگاه‌های پیامبر (ص) در اعیاد اسلامی

آن حضرت پس از ورود به مدینه، نماز اعیاد فطر و قربان را در جنوب غربی مسجدالنّبی(ص)، در منطقه مناخه اقامه می‌کردند. پس از چندی، برای بزرگداشت و حفظ نمازگاه پیامبر(ص)، بر آن مکان‌ها مساجدی ساختند که تعداد آن‌ها به ۸ رسید. امروز تنها ۴ مسجد از آن‌ها باقی است.

۱- ابن نجار، اخبار مدینه الرسول، ص ۲۵؛ طبری، تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۱۲۵۶؛ ابن هشام، همان، ج ۱، ص ۴۹۴

۲- سمهودی، همان، ج ۲، ص ۸۲۱

ص: ۱۶۹

۱ / ۱. قشله عسکریه: در نزدیکی میدان و مسجد عنبریه کنونی، یعنی در یک کیلومتری جنوب غربی مسجدالنّبی، پیامبر(ص) نخستین نماز عید را(در سال اول هجرت) اقامه کردند. بعدها در آن‌جا مسجدی ساخته شد که در دوران عثمانی آن مسجد داخل پادگانی قرار گرفت. تا این که در دوران سعودی مسجد و پادگان تخریب شد.

۱ / ۲. غَمامه: از انس بن مالک خادم پیامبر(ص) روایت شده است که آن حضرت سالی به هنگام خشکسالی، برای استسقا و خواندن نماز باران، خارج شدند، هنوز ایشان از نماز خود فارغ نشده بودند که ابرها سایه افکند و باران بارید. به همین سبب بعدها در آن مکان مسجدی ساختند و آن را «غمامه»، یعنی ابر باران‌زا نامیدند. (۱) پیامبر(ص) هم‌چنین در سال دوم هجرت، نماز عید را در این مکان اقامه کردند.

«عمر بن عبدالعزیز» مأمور شد بر هر مصلّا و نمازگاهی که پیامبر خدا(ص) در آن نماز گزارده، بنایی بسازد. از این رو، مسجد مذکور را بنیاد نهاد و تعمیر کرد. تاکنون این مسجد چندین مرتبه بازسازی شده است. مساحت مسجد اکنون ۷۷۳ مترمربع و دارای شش گنبد کوچک و بزرگ است که آن را از سایر مساجد مصلّی ممتاز می‌سازد. مسجد علی(ع) و مسجد عمربن خطاب در دو طرف آن قرار گرفته‌اند. اکنون اطراف مسجد را میراث فرهنگی با دیوارهایی از آجر و نخل، به صورت نمادین در حفاظی قرار داده است. مکان این مسجد در مقابل باب‌السلام در جنوب غربی مسجدالنبی(ص)(حدود ۳۰۰ متری) آن است.(تصویر

۱- متقی‌الهندی، همان، ج ۸، ص ۲۸۰؛ احمد بن حنبل، المسند، ج ۴، ص ۲۳۵

ص: ۱۷۰

شماره ۵۸)

۳/ ۱. عمربن خطاب: این مسجد در جنوب مسجد غمامه واقع شده است.

پیامبر(ص) در سال سوم هجرت نماز عیـد را در آن‌جا اقامه کردنـد. بعدها خلیفه دوم در آن مکان نماز عید را برپا کرد. مسـجد یاد شده اکنون نزدیک پل المدرّج در جنوب مسجد غمامه پا برجاست. بنای آن از دوران عثمانی است که در عصر حاضر اندکی تعمیر شـده است. مساحت آن به ۳۳۵ متر مربع می‌رسـد. (۱) اکنون میراث فرهنگی مـدینه گرداگرد آن دیواری بـا آجر و نخـل سـاخته و دری نیز بر آن دیوار قرار داده است که هنگام نماز گشوده می‌شود.(تصویر شماره ۵۹)

۴/ ۱. مالـک بن سـنان: رسول گرامی اسـلام(ص)، در سال چهارم هجرت، در کنار خانه مالک‌بن سـنان نماز عیـد خواندنـد، که در نمازگاه ایشان مسجدی ساخته شد. این مسجد، هنگام تعریض خیابان‌های غرب مسجدالنّبی(ص) در دوران سعودی تخریب شد.

۵/ ۱. عثمـان‌بن عفّان: پیامبر(ص) در سال پنجم، در مکانی سـمت باب‌الشامی مسـجدالنبی(ص)، نماز عیـد خوانده‌انـد. بعـدها خلیفه سوم در آن‌جـا به اقامه نماز عیـد پرداخت. مسـجدی که بر آن ساختنـد، در تعریض خیابان مجاور آن، چنـد سال پیش تخریب شـد. مکان دقیق آن، چند سال پیش در نزدیکی کتابخانه کنونی ملک عبدالعزیز؛ یعنی روبه‌روی

۱- احمد یاسین الخیاری، همان، صص ۱۰۰ و ۱۰۱

ص: ۱۷۱

بابالسّلام و در شارع المناخه بود. (۱) ۶/ ۱. علی بن ابی‌طالب(ع): پیامبر(ص) ششمین نماز عید را در دارالشفا(محلّ کنونی مسجد علی(ع)) اقامه کردند و بعدها امام علی(ع) در آن‌جا نماز عید خواندند. این مکان در نزدیکی محل مسجد غمامه بود که عمربن عبدالعزیز بر آن مسجدی ساخت. آن مسجد در قرن نهم رو به تخریب رفت و زائرانی را که در آن نواحی از دنیا می‌رفتند، آن‌جا دفن می‌کردند. در دوران عثمانی آن را تعمیر کردند و در دوران سعودی(۱۴۱۱ ق.) این مسجد به صورتی زیبا و تقریباً سه برابر بنای قبلی ۶۹۰ متر مربع بازسازی شد. تابلوی مسجد «سیّدنا علی»، در دایره‌ای بر بالای مسجد دیده می‌شود. این مسجد در کنار شارع السلام، در سمت چپ کسی است که از جنوب غربی صحن مسجدالنبی(ص) خارج می‌شود.(تصویر شماره ۶۰)

۷/ ۱. بلال بن رباح: پیامبر(ص) در سال هفتم هجرت، در کنار قلعه‌ای در محله خالدیه کنونی نماز عید اقامه کردند. (۲) مسجد یاد شده در توسعه سعودی، میان بنای شهرداری و مسجد غمامه تخریب و به ایستگاه اتوبوس‌ها و ماشین‌های شهرداری تبدیل‌شد.

۸/ ۱. مسجد ابوبکر بن ابی قحافه: پیامبر(ص) در سال هشتم هجرت، نماز عید را در مکان این مسجد اقامه کردند. از ابن‌عطا نقل شده است

۱- امروزه مسجدی به نام مسجد «ذوالنورین» یا «عثمان بن عفان» در شارع ستین و تقاطع شارع السلام، در نزدیکی مسجد بلال کنونی وجود دارد که مسجد مورد نظر نیست.

۲- احمد یاسین الخیاری، همان، ص ۱۰۲

ص: ۱۷۲

که پیامبر(ص) بر نجاشی، پادشاه حبشه، که در کشور خود فوت کرده بود، در این محل نماز گزاردند. گویند ابوبکر نیز در دوران خلافت خود، در این مکان نماز عید اقامه می‌کرد. بنای نخستین آن را عمر بن عبدالعزیز ساخت و در عصر عثمانی بازسازی شد. (۱) این مسجد در ۴۰ متری مسجد غمامه و نزدیک‌ترین مسجد به آن است و ۳۰۰ مترمربع مساحت دارد امروزه در آن نماز اقامه می‌گردد.(نقشه و تصویر شماره ۶۱ و ۶۲)

۲. مساجد جنوب غربی مسجدالنبی

(ص)

۲ /۱. سُقیا: سقیا نام مسجد؛ چاه و روستایی است در حرّه غربی مدینه منوّره. ترمذی از امام علی(ع) نقل کرده که پیامبرخدا(ص) در حرّه سقیا؛ وضو ساختند و رو به قبله ایستاده، گفتند:

«خدایا! ابراهیم بنده و دوست تو بود که برای اهل مکّه طلب برکت و خیر کرد؛ من نیز بنده و رسول تو هستم و برای اهل مدینه دعای خیر می‌کنم که به آنان همانند اهل مکّه، برکت دهی. خدایا! در برابر یک برکت برای آنان دو برکت برای اهل مدینه قرار ده.» (۲) آن‌گاه پیامبر(ص) در کنار آن چاه نماز گزارد. بعدها در مکان نماز آن حضرت مسجدی ساختند. ابن زباله نقل کرده است: پیامبر(ص) قبل از حرکت برای نبرد بدر از سربازان خود در کنار چاه سقیا سان دید و در این مکان‌نماز گزارد.

۱- سمهودی، همان، ج ۲، صص ۷۹۱ و ۷۹۲

۲- جندی المکی، فضائل المدینه، ص ۱۴

ص: ۱۷۳

در سال‌های گذشته، این مسجد به زباله‌دانی تبدیل شده بود که شهرداری مدینه در سال ۱۳۸۲ ضمن بازسازی محوّطه راه‌آهن(سکه القدیم) مسجد سقیا را نیز تعمیر و تنظیف کرد.

موقعیت کنونی آن، داخل محوطه راه‌آهن؛ یعنی مقابل میدان عنبریه، در جنوب‌غربی مدینه و کمی بالا-تر از مسجد غمامه است. ساختمان قدیمی و متروکه راه‌آهن دوره عثمانی، که اکنون بازسازی شده، در کنار میدان دیده می‌شود. نمای مسجد سفید و دارای دو گنبد و دری بسیار کوچک و مساحتی حدود ۹ متر مربع دارد که می‌توان در آن نماز گزارد، این مسجد توجه کسی را به خود جلب نکرده و نام و نشانی هم بر آن دیده نمی‌شود.(تصویرهای شماره ۶۳ و ۶۴)

۲/ ۲. مَغْسَله/ بنی‌دینار: این مسجد از آنِ طایفه بنی‌دینار بن نجّار، از قبیله خزرج بود. روایت شده که پیامبر(ص) در آن مسجد بسیار نماز گزارده‌اند. (۱) چون این مکان در باغی به نام «مغسله» بود؛ مسجد آن را به این نام خواندند.

سمهودی کتیبه‌ای به خط کوفی در آن‌جا دیده که بر آن نوشته شده بود: «هذا مسجد رسول الله صلی‌الله علیه و سلّم». مسجد، داخل باغ مذکور، پشت مقرّ دارالرعایه، کمی بالاتر از میدان عنبریه، در شارع عنبریه(عمر بن خطاب) قرار دارد. در سال‌های اخیر بازسازی شده و در آن نماز اقامه می‌گردد.(تصویر شماره ۶۵)

۱- ابن شبه، همان، ج ۱، ص ۶۵

ص: ۱۷۴

۳. مساجد شرق و شمال شرق مسجدالنبی

۹

۱ / ۳. الاجابَه/ مباهله: پیامبر(ص) روزی در مکانی پس از اقامه نماز به مدت طولانی دعاکرده و گفتند: از خداوند چیزهایی برای امتم خواستم که خواسته‌ام را اجابت کرد. بعدها در مکان دعای رسول خدا(ص) مسجدی ساختند که به سبب اجابت دعای پیامبر(ص) به «الاجابَه» معروف شد. (۱) نام دیگرش مباهله است.

پیامبر(ص) در همین مکان برای مباهله با مسیحیان نجران و به منظور آشکار ساختن حقّانیت خود و دین اسلام، همراه اهل بیت؛ یعنی علی، فاطمه، حسن و حسین: حضور یافتند. در این حادثه مهم و تاریخی، مسیحیان نجران با دیدن آثار روحانی و معنوی و چهره مصمّم و صادقانه اهل بیت پیامبر: حاضر به مباهله نشده و به پرداخت جزیه تن دادند. (۲) موقعیّت کنونی این مسجد در سمت راست شارع ستّین(ملک فیصل کنونی) و کمی بالاتر(۵۰۰ متری) از ضلع شمال شرقی بقیع است. فندق‌الدّخیل در سمت راست و مستشفی الولاده والأطفال نیز در سمت چپ آن خیابان واقع است. در سال ۱۳۷۶ ش. مساحت آن به ۱۰۰۰ متر مربع رسید و گنبد و مناره‌ای هم بر آن ساخته شد. تابلو و نام مسجد به فهدبن عبدالعزیز تغییر یافت که البته در سال ۱۳۸۲ ش. بار دیگر نام آن

۱- (احمد بن حنبل، المسند، ج ۵، ص ۲۴۳؛ رفعت پاشا، مرآه الحرمین، ج ۱، ص ۴۱۷).

۲- آیات مباهله در قرآن کریم آمده است:(فَمَنْ حَاجَّکَ ... فَقُلْ تَعالَوْا نَدْعُ أَبْناءَنا وَ أَبْناءَکُمْ وَ نِساءَنا وَ نِساءَکُمْ ...)(آل‌عمران: ۶۱).

ص: ۱۷۵

به الاجابه برگشت.(تصویر شماره ۶۶)

۲/ ۳- ابوذر غفاری/ سجده: پیامبر(ص) در مکانی به نام صدقه وضو ساخت و پس از نماز، به سجده‌ای طولانی پرداخت. آن‌گاه فرمود:

«جبرئیل به من بشارت داد که هرکس بر من درود و صلوات فرستد، خداوند بر او درود می‌فرستد و کسی که بر من سلام کند، خداوند بر او درود و سلام فرستد و من به خاطر این مسأله سجده شکر کردم.»

مسجدی که بعدها به یاد این واقعه ساختند، به سجده معروف شد و به سبب سکونت ابوذر در آن‌جا، به مسجد ابوذر نیز شهرت یافت. این مسجد داخل خیابان ابوذر، در نزدیکی کمربندی ملك فیصل(سمت شمال شرقی مسجدالنبی(ص)) و حدود ۸۰۰ متری آن است. مسجد ابوذر با ۳۵۰ متر مربع مساحت و با یک مناره و بنای جدید در کنار خیابان دیده می‌شود.(تصویر شماره ۶۷)

ج) منطقه غزوه احزاب و مساجد آن (شمال غربی مدینه)

اشاره

در شوال سال پنجم هجری، مشرکان با همکاری یهود و با تلاش گسترده خود، تمامی طوایف و قبایل موجود در شبه جزیره را بر ضدّ اسلام و مسلمانان بسیج کردند. چون در این جنگ، تمامی احزاب و قبایل حضور داشتند، آن را «غزوه احزاب» نامیدند. پیشنهاد سلمان فارسی و کندن خندق در اطراف مدینه، سپاه شرك را زمین‌گیر کرد و محاصره مدینه برای کفار، جز از دست دادن بزرگان و پهلوانان آنان نتیجه‌ای در

ص: ۱۷۶

پی نداشت و ناگزیر به مکّه بازگشتند. (۱) منطقه این نبرد، مقابل کوه «سلع» در شمال غرب مدینه بود. مسیر خندق نیز از نزدیکی مسجد المستراح(در شارع سیدالشهدا) به سوی احد آغاز و به صورت نیم‌دایره‌ای، با عبور از بخشی از کوه سلع، در برابر مساجد سبعه(شارع السیح) پایان می‌یافت. در این مسیر اکنون حی الخندق(محلّه خندق) واقع و دارای خانه‌هایی بسیار قدیمی است و تابلوی حی الخندق نیز بر آن دیده می‌شود. این محله در کنار کوه سلع است.(تصویر شماره ۶۸)

طول خندق ۵/ ۲ کیلومتر و عمق آن ۳ متر و عرض آن ۴ متر بوده است. به این صورت نیمی از مدینه در محاصره خندق درآمد و کوه سلع نیز محل استقرار و جان پناه سپاهیان اسلام و در پشت آنان واقع گردید. (۲) در چند نقطه و دامنه این کوه بعدها به یادبود حضور چند تن از صحابه و نیز دختر رسول الله مساجدی ساختند که به نام هریک از آن صحابه معروف شد. امروزه جز مسجد ابوبکر مساجد مورد نظر، صرف نظر از تغییرات مختصری در فضاهای مجاور، همچنان محفوظ مانده است.

گفتنی است، در سال‌های اخیر کمی پایین‌تر از این شش مسجد،

۱- ابن هشام، همان، ج ۳، صص ۲۳۳- ۲۱۴؛ ابن حجر عسقلانی، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، ج ۷، صص ۳۲۰- ۲۱۴

۲- ابن هشام، همان، ج ۳، ص ۲۲۰؛ در حفر خندق سه هزار مرد شرکت داشتند. هر ده نفر نقطه‌ای را می‌کندند و در نقاط مختلف به طور همزمان، کار خود را آغاز کردند؛ این خندق که در ظرف بیست روز آماده شد، پیامبر ۹ خود بر آن اشراف کامل و همکاری داشته‌اند.

ص: ۱۷۷

مسجدی بسیار بزرگ، با دو مناره و گنبد ساخته‌اند که محتمل است پنج مسجد باقی‌مانده تخریب شوند.(تصویرهای شماره ۶۹، ۷۰، ۷۱)

۱. مسجدهای هفتگانه (مساجد سبعه)

۱ / ۱. فتح: این مسجد بر دامنه شمال غربی کوه سلع و در جنوب غربی خندق واقع شده و بر وادی بطحان مشرف است. خداوند- تبارک و تعالی- دعای رسول گرامی را برای پیروزی در جنگ بر فراز این تپه مستجاب ساخت و خبر فتح و پیروزی سپاه اسلام در این محل به آن حضرت رسید. پیامبر(ص) سه روز در این مکان دعا کردند و دعای ایشان مستجاب شد. (۱) دعای پیامبر(ص) چنین بود:

«اللّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ هَدَیْتَنِی مِنَ الضَّلالَهِ فَلا ...».

خدایا! تو را سپاس که ما را ره نمودی و هدایت کردی. کسی که تو را کوچک شمارد بزرگ و گرامی نمی‌شود و کسی که گرامی‌ات شمارد خوار نمی‌شود. کسی که تو را خوار کند عزیز نمی‌شود و کسی که عزیزت کند خوار نمی‌گردد. کسی که تو را کوچک شمارد یاری نمی‌شودو ...

از دعاهای دیگر آن حضرت است: «اللّهُمَّ مُنْزِلَ الْکِتابِ وَ مُنْش یءَ السَّحابِ ...». (۲) این دعاها هنگامی زمزمه شد که کار بر مسلمانان سخت و مقاومت

۱- رفعت پاشا، مرآه الحرمین، ج ۱، ص ۴۱۶؛ ابن شبه، همان، ج ۱، ص ۵۸

۲- ای خداوند فرستنده کتاب و پدید آورنده ابرها، آنان را هزیمت ده و ما را بر ایشان پیروز کن!

ص: ۱۷۸

در خندق طولانی گردید. سرانجام مشرکان ناامید بازگشتند و این امر با امدادهای غیبی و تلاش مجاهدان تحقق یافت. پیامبر(ص) در جایی که اکنون صحن است، کنار ستونی نماز خوانده، دعا می‌فرمودند. (۱) بعضی نیزگفته‌اند: سوره فتح در این مکان بر پیامبر(ص) نازل شد و در روایت دیگری است که آیه(إِنْ تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جاءَكُمْ الْفَتْحُ ...) در این جا نازل شده است و آن را به این سبب «مسجدالفتح» نامیده‌اند.

این مسجد را عمربن عبدالعزیز(۸۸ ق.) تعمیر کرد و رواقی با سه ستون بر آن نهاد، حکومت عثمانی نیز به عمران و آبادانی آن همّت گمارد. (۲) در داخل محراب مسجد فتح، بوی بسیار خوشی به مشام می‌رسد که همانند این بو در دو نقطه دیگر، یکی در شکاف کوه احد که پیامبر(ص) را برای مداوا در آن‌جا پنهان ساختند و دیگری در غار حِرا استشمام می‌شود.

۲ / ۱. سلمان فارسی: مسجد سلمان پس از مسجد فتح و در جنوب آن است. (۳) این مسجد که حدود ۴۰ متر مربع مساحت دارد محل عبادت این صحابه پارسای اسلام بوده است. مسجد سلمان دومین مسجد پس از مسجد فتح است.

۳ / ۱. علی بن ابی‌طالب(ع): به روایت سمهودی این مسجد در جنوب مسجد سلمان فارسی بوده و بنای آن، به مرور رو به

۱- سمهودی، همان، ج ۲، ص ۸۳۲

۲- احمد یاسین الخیاری، تاریخ المعالم المدینه المنوره قدیماً و حدیثاً، ص ۱۴۵

۳- پیشین، همان‌جا.

ص: ۱۷۹

تخریب رفت تا این که در قرن دهم تجدیـد بنا شد. مساحت این مسـجد ۳۵ متر بوده است. (۱) موقعیت مشـهور امروزی آن با گفته سمهودی مطابقت ندارد؛ زیرا مسـجد علی(ع) امروزه آن مسجدی است که کمی بالاتر از مسجد فاطمه ۳ بر روی بلندی قرار دارد و بـا پله‌هایی به آن راه می‌یابنـد که البته به سـبب ساخت مسـجد جدیـد امکان حضور در آن مسـجد نیست و جلو آن را نرده زده‌انـد. سمهودی این مسـجد را مسـجد ابوبکر و مسـجد معروف ابوبکر را مسـجد علی(ع) می‌داند. اگر گفته سمهودی صحیح باشد، مسجد علی(ع) در سال ۱۳۸۰ ش تخریب شده است و اگر اشـتهار امروزین صحیح باشد، مسجد ابوبکر را خراب کرده‌اند. (۲) ۴/ ۱. ابوبکر بن ابی‌قحافه: این مسجد، پس از مسجد سلمان و در جنوب آن قرار داشته که سوّمین مسجد از سمت مسجد فتح است. سمهودی آن را مسجد علی(ع) دانسته است ولی امروزه به ابوبکر معروف است. در سال ۱۳۸۰ ش این مسجد تخریب و اکنون اتوبوس‌های زائران در آن‌جا توقف می‌کننـد. اگر گفته سـمهودی صـحیح باشـد، مسـجد ابوبکر آن مسـجدی است که در انتهای مساجد سـبعه بر روی بلندی قرار گرفته است.

۵/ ۱. عمر بن خطّاب: مسجد عمر بن خطاب در مجاورت مسجد

۱- سمهودی، همان، ج ۲، صص ۸۳۶ و ۸۳۷

۲- پیشین، همان‌جا.

ص: ۱۸۰

ابوبکر به سمت جنوب و چهارمین مسجد است.

۶/ ۱. فاطمه ۳: در مغرب مسجد علی(ع)، به یاد دختر گرامی پیامبر(ص) مسجدی کوچک و بدون سقف ساخته‌اند. حضرت فاطمه ۳ هنگام جنگ خندق در این مکان برای پدر و همسرشان علی(ع) غذا و نان تهیه می کردند. این مسجد پایین‌ترین مساجد این منطقه و کنار خیابان اصلی قرار دارد. در سال‌های قبل مؤمنان به اهل‌بیت و دوستداران فاطمه ۳ در آن نماز می گزاردند. اما چند سالی است که درِ آن را با بتون و آجر بسته‌اند.

۷/ ۱. ذوقبلتیین: پیامبر(ص) در شانزدهمین یا هفدهمین ماه از هجرت، در میان قبیله بنی‌سلمه و مسجد آنان به نماز ایستاد. آن حضرت، به ویژه شب‌ها از خداوند می‌خواستند تا مسلمانان را از سرزنش یهودیان برهاند. به روایتی، در روز دوشنبه، نیمه ماه رجب، میان نماز ظهر، آیات تغییر قبله بر پیامبر(ص) نازل شد:

(قَدْ نَری تَقَلُّبَ وَجْهِکَ فِی السَّماءِ فَلَنُوَلِّیَنَّکَ قِبْلَهً تَرْضاها فَوَلِّ وَجْهَکَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ ...). (۱)

پیامبر خدا، هنگام نزول این آیات، در حالی که دو رکعت از نماز

۱- بقره: ۱۴۴. «ما توجه تو را بر آسمان(به انتظار وحی و تغییر قبله) بنگریم و البته روی تو را به قبله‌ای که به آن خشنود شوی بگردانیم. پس شما مسلمانان هر جا که باشید، در نماز رو به طرف مسجدالحرام کنید. گروه اهل کتاب به خوبی می‌دانند که این تغییر قبله به حق و راستی از جانب خداست، نه به دلخواه کسی و خدا غافل از کردار آنان نیست.»

ص: ۱۸۱

ظهر را خوانده بودند، به‌صورت نیم دایره برگشتند و رو به سمت جنوب غربی کردند. لذا مردان در مکان زنان؛ یعنی صفوف عقب و زنان در مکان مردان، یعنی صفوف جلو واقع شدند و همراه پیامبر(ص) دو رکعت نماز باقیمانده ظهر را به سوی مسجدالحرام به صورت فرادی اقامه کردند. به سبب نزول این آیات، آن مسجد به ذوقبلتین مشهور شد؛ (۱) زیرا یک نماز را به دو قبله خواندند.

خبر نزول آیاتِ تغییر قبله، که باعث خشنودی مسلمانان شده بود، به مسجد قبا و مسجدالنّبی(ص) و دیگر مساجد رسید و مسلمانان نماز عصر را رو به سوی مسجدالحرام اقامه کردند.

مسجد ذوقبلتین در شمال غربی مدینه و غرب مساجد سبعه(کوه سلع) قرار دارد. این مسجد در چندین نوبت بازسازی شده است. محراب سمت بیت‌المقدس در سمت راست ورودی مسجد بوده که قبلًا سنگی به عنوان نشانه آن نصب کرده بودند. از آن‌جا که زائران آن را مسح و لمس می‌کردند، در سال ۱۳۹۸ ق. آن سنگ را برداشتند و آیات تغییر قبله را با خطوطی زرّین بر دیوار شمالی نگاشتند که البته در سال‌های اخیر آن را نیز محو کرده‌اند. مساحت مسجد اکنون ۳۹۲۰ متر مربع است که دو گنبد بزرگ نیز بر آن استوار گشته است.(تصویر شماره ۷۲)

۲. مساجد دیگر منطقه احزاب

۱- ابن شبه، همان، ج ۱، ص ۶۸؛ سمهودی، همان، ج ۱، صص ۳۶۰- ۳۵۷

ص: ۱۸۲

دو مسجد دیگر به نام‌های(الرایه) و بنی‌حرام کبیر در شارع سلطانه(ابوبکر) و شارع السیح در منطقه خندق وجود دارد که نمازگاه رسول خدا(ص) بوده است.

د) منطقه احد و مساجد پیرامون آن

۱. المستراح (محلّ استراحت)

پیامبر(ص) هنگام بازگشت از نبرد احد، در میان راه، از سختی و رنجی که جنگ و راه طولانی بر ایشان عارض ساخته بود، در مکانی به استراحت نشستند. (۱) در آن مکان مسجدی ساختند (۲) که می‌توان از شارع سیدالشهدا(راه قدیمی احد)، که اکنون از زیرگذر تقاطع شارع فیصل می‌گذرد، به آن راه یافت. پس از حدود دو کیلومتر از ابتدای تقاطع یاد شده این مسجد در کنار خیابان قرار دارد و بنای آن در دوران اخیر(۱۴۱۱ ق.) بازسازی و توسعه یافته است. امروزه در این مکان نماز جماعت برپا می‌شود و رونق دارد. گفتنی است این‌جا موقعیت خاص استراتژیکی داشته و خندق معروف از این‌جا آغاز شده که منازل بنوحارثه بوده است.(تصویر شماره ۷۳)

۲. الدِّرْع/ الشَّیخان

ابن شبّه روایت کرده است که پیامبر(ص) هنگام عزیمت به سوی احد در

۱- احمد یاسین الخیاری، همان، ص ۱۳۲

۲- ر. ك. به: نقشه غزوه احد در ص ۳۰۱ از همین کتاب.

ص: ۱۸۳

شیخان بیتوته کرده و نماز عصر و عشا و نماز صبحِ قبل از روز جنگ را در این مکان خوانده‌اند. آن را بدین سبب شیخان نامیده‌اند که در کنار منزل دو پیرمرد و پیر زن یهودی بوده است. وجه تسمیه آن به «الدّرع» چنین است که آن حضرت هنگام بیتوته و اقامه نماز زره خود را از تن درآورده و در آن جا نهاده بودند. (۱) مسجدی که در مکان آن ساخته‌اند حدود ۲۰۰ متر پایین‌تر از المستراح؛ یعنی در جانب چپ کسی است که به سوی کوه و مقابر شهدای احد، در شارع الشهدا می‌رود. اطراف آن نیزمطابخ یا آشپزخانه‌های بزرگی قرار دارد. امروزه در این مسجد، اقامه می‌شود.(تصویر شماره ۷۴)

۳. عَیْنَیْن

بر سمت شرقی «جبل‌الرُّماه» یا «جبل عَیْنَیْن» در محل و سنگر تیراندازان سپاه‌اسلام، در جنگ احد، مسجدی ساخته شد که(روی تپه) جز پایه‌های چند سانتی‌متری آن، چیزی باقی نمانده است. (۲)

۴ جبل احد / الفَسْح

پیامبر(ص) نماز ظهر و عصرِ روز نبرد احد را در این مکان، که به کوه چسبیده بود، اقامه کردند. (۳) چون صحابه از فرط خستگی به صورت

۱- سمهودی، همان، ج ۳، ص ۸۶۶

۲- ر. ك. به: مقبره شهدای احد و هم‌چنین فصل «کوه‌های مدینه» از همین کتاب.

۳- سمهودی، همان ۳/ ۸۴۸؛ الصاعدی و مطر المحمدی، احد، الاثار، المعرکه، التحقیقات ص ۲۹.

ص: ۱۸۴

راحت بر روی جایی نشستند و فضا را برای دیگر مسلمانان باز نمی‌کردند، آیه فَسح، در سوره مجادله (۱) نازل گردید.

بعدها به یاد آن واقعه، مسجدی ساختند که به مسجدالفسح یا مسجد جبل احد معروف شد. مکان آن، که اکنون جز چند سانتی‌متر ازدیواره‌ای مخروبه چیزی از آن باقی نمانده، در دامنه کوه احد، کنار منازل مسکونی پایه کوه، و نزدیک غاری است که پیامبر(ص) را برای مداوای جراحت خود در آن پنهان ساختند. (۲)(تصویر شماره ۷۵)

در منطقه احد، کمی بالاتر از مسجد شیخان و المستراح، مسجد بنوحارثه قرار داشته که اکنون در داخل پادگان نظامی است و نیز مسجدی در محل شکسته شدن دندان رسول خدا(ص)(قبه الثنایا) و کمی پایین‌تر از قبور شهدای احد که تخریب شده است.

ه) منطقه غزوه بنی‌قریظه، بنی‌نضیر و مساجد آن

اشاره

یهودیان بنی‌قریظه در جنوب شرقی مدینه، جایی که امروز شارع العوالی است و یهودیان بنی‌نضیر در نزدیکی آن‌ها جایی که امروزه شارع قربان یا امیر محسن است ساکن بودند.

معیشت اصلی بنی‌نضیر کشاورزی و نخل‌کاری بوده که اکنون نیز نخلستان‌های آن منطقه موجود و آبادان است و بنی‌قریظه نیز به کار تجارت اشتغال داشتند. این دو منطقه جزو بهترین و آبادترین مناطق مدینه

۱- (یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِذا قِیلَ لَکُمْ تَفَسَّحُوا فِی الَمجالِسِ ...).

۲- ر. ک. به: نقشه غزوه احد در کتاب حاضر.

ص: ۱۸۵

بود. از قلعه‌های بنی‌نضیر امروزه تنها دیواره‌ها و بقایای برخی که ظاهراً در دوران‌های بعد بازسازی و سپس رو به تخریب رفته‌اند، در کنار شارع قربان بر جای مانده و منطقه وسیعی را در دو سوی خیابان اشغال کرده‌اند. نخلستان‌های زیادی در اطراف شارع قربان و پیرامون قلعه‌های مستحکم بنی‌نضیر وجود دارند که همان نخلستان‌های معروف بنی‌نضیر هستند. پیامبر(ص) پس از محاصره این دو قبیله و انجام غزوه‌هایی که به نام آن دو قبیله معروف است، به علت پیمان‌شکنی، آنان را از مدینه اخراج کرد. امروزه منطقه کوچک بنی‌قریظه و آثار موجود از قلعه‌ها و حصارهای آنان نشان می‌دهد که نباید بنی‌قریظه چندان جمعیت زیادی در آن دوران داشته باشند. در هر حال، به هنگام محاصره آنان، پیامبر(ص) در برخی نقاط نماز گزارده و یا مستقر شده‌اند که در آن مکان‌ها مساجدی ساخته‌اند.(تصویرهای شماره ۷۶ و ۷۷)

۱. مسجد بنی‌قریظه

پیامبر(ص) هنگام محاصره بنی‌قریظه در مکانی نماز خواندند. (۱) در مکان نمازِ ایشان مسجدی ساختند که به سبب این غزوه، به بنو قریظه معروف شد.

این مسجد یک بار در دوره عثمانی و بار دیگر در دوره سعودی بازسازی شد. اما در سال ۱۳۸۰ ش. کاملًا آن را تخریب کردند. مکان آن بالاتر از مشربه امّ ابراهیم در عوالی است. این مسجد اشتباهاً ردالشمس یا

۱- الیاس عبدالغنی، تاریخ المدینه المنوره، ص ۱۰۴

ص: ۱۸۶

فضیخ مشهور شده است.(تصویر شماره ۷۸)

۲. مشربه امّ ابراهیم

روایت کرده‌اند که پیامبر خدا(ص) در مشربه یا باغ امّ ابراهیم نماز گزاردند. در این مکان، ماریه قبطیّه، همسر گرامی آن حضرت، ابراهیم را به دنیا آورد. در کنار مشربه مورد نظر، که در منطقه «العوالی» و میان «نخیلات بنی‌قاسم»(برادران امام حسن عسکری(ع)) قرار داشته، مقبره اهالی منطقه نیز بوده است. (۱) لذا بنا بر قولی نجمه خاتون مادر امام رضا(ع) نیز در این مکان دفن شده است.

مخروبه این مشربه، که تنها دارای یک چهار دیواری و یک درِ قفل شده است، در انتهای خیابان العوالی و سمت چپ کسی قرار دارد که از مستشفی الزهرا به سوی مستشفی الوطنی می‌رود.(تصویر شماره ۷۹)

۳. فضیخ / رد الشمس / بنی‌نضیر

فضیخ، در لغت به معنای «عصیر العنب»؛(شراب انگور) است و بعضی نیز به شیره خرما گفته‌اند. آیات تحریم قطعی شراب در همین مکان نازل شد.

پیامبر(ص) در مدت شش شبانه‌روزی که بنی‌نضیر را در محاصره داشتند، در این مکان به نماز و عبادت ایستادند. (۲) به سبب همین غزوه، این مسجد

۱- سمهودی، همان، ج ۳، صص ۸۲۵ و ۸۲۶

۲- ابن‌شبه، همان، ج ۱، ص ۶۹؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۶، ص ۱۸۷؛ رفعت پاشا، همان، ج ۱، ص ۴۱۸

ص: ۱۸۷

به بنی‌نضیر نیز معروف است. اما نام دیگر آن ردّالشمس، به سبب حادثه‌ای است که راویان و مورّخان شیعه و سنی دربرگشت خورشید برای امام علی(ص) نقل کرده‌اند. (۱) اما برخی از پژوهشگران آثار مدینه، این مسجد را «شمس» ثبت کرده‌اند، نه «ردّالشمس» و گفته‌اند چون نور خورشید در زمان طلوع به این مسجد می‌تابیده، آن را شمس نامیده‌اند و این گفته جز برای محو یا رد کردن واقعه ردالشمس نیست. (۲) این مسجد در جنوب شرقی مسجد قبا، حدود یک کیلومتری آن و در محله معروف قربان، که خیابانی هم به این نام در آن‌جا وجود دارد، در کنار وادی مزینب ساخته شده که اکنون جز یک چهاردیواری از آن نمانده است. (۳) گفتنی است، معمولًا زائران ایرانی، به گمان آن‌که مسجدی که بالاتر از مشربه امّ‌ابراهیم، در عوالی است، همان مسجد فضیخ یا ردّالشمس است، به زیارت آن می‌روند، در حالی که آن مسجد جز مسجد بنی‌قریظه نیست و البته در سال‌های گذشته نیز تخریب شده

۱- سمهودی، همان، ج ۳، ص ۸۲۲؛ این حدیث را بسیاری از منابع اهل سنت نیز نقل کرده‌اند؛ از جمله ماوردی در اعلام النبوه(ص ۷۹)؛ بیهقی در دلائل النبوه و نیز خصائص الکبری(ج ۲، ص ۱۸۳)؛ ابن‌سبع در شفاء الصدور؛ سیوطی در جمع الجوامع(ج ۵، ص ۲۷۷)؛ ابن‌حجر عسقلانی در فتح الباری بشرح صحیح البخاری(ج ۲، ص ۱۶۸)؛ گنجی شافعی در کفایه الطالب فی مناقب آل ابی‌طالب(ص ۲۳۷)؛ ابن حجر در الصواعق المحرقه(ص ۷۶).

۲- احمد یاسین الخیاری، همان، ج ۱۲۵

۳- همان‌جا: الیاس عبدالغنی، تاریخ المدینه المنوره، ص ۷۲

ص: ۱۸۸

است.

مساجد و مناطق تاریخی اطراف مدینه

۱. مسجد شجره/ ذوالحُلَیْفه (آبار علی (ع))

این مسجد، که امروزه به نام‌های «شجره»؛ «ذوالحُلَیفه» و «ابیار علی» مشهور است، یکی از مساجد بسیار مهم خارج از مدینه بوده و به عنوان یکی از میقات‌ها و مساجد احرام از اهمیت به سزایی برخوردار است. وجه تسمیه آن به نام‌های فوق چنین است:

الف. شجره؛ از آن‌رو آن را چنین خوانند که پیامبر(ص) در آن‌جا، کنار درختی فرود آمد و احرام بست. (۱) ب. احرام؛ به سبب آن‌که حاجیان برای تشرف به حج، در این مسجد احرام می‌بندند.

ج. ذوالحُلَیفه؛ «حُلیفه» نام آبی است در این منطقه، که پیامبر خدا(ص) دوست داشتند برای بستن احرام، کنار درختی در این محل فرود آیند. (۲) د. ابیار علی(ع): از آن جهت به این نام شهرت یافت که حضرت علی(ع) برای آبیاری نخلستان‌ها، چاه‌های فراوانی در این منطقه کندند و ابیار نیز جمع «بئر» یعنی چاه است. فیروزآبادی که در قرن هشتم آن را توصیف کرده،

۱- فیروز آبادی، المغانم المطابه فی معالم طابه، ص ۱۹۹؛ بخاری، صحیح، [کتاب الصّلاه]، ص ۳۲۲، حدیث ۴۴۱

۲- فیروز آبادی، همان، ص ۱۱۹

ص: ۱۸۹

گوید: این مسجد جز به نام «ابیارعلی(ع)» شناخته نیست. (۱) پیامبر خدا(ص) سه بار در این مکان مُحرم شده‌اند: ۱. هنگام صلح حدیبیه(سال ششم هجری)؛ ۲. عمره ناشده(سال هفتم هجری)؛ ۳. حَجّه‌الوداع(سال دهم هجری). (۲) زین‌الدین الاستدار، در سال ۹۶۱ ق. بنای مسجد را بازسازی کرد و در پیرامون آن دیواری بزرگ ساخت که تا پایان دوره عثمانی هم‌چنان پا بر جا بود.

طول این مسجد، از جنوب تا شمال،(۶۵/ ۲۵ متر) و از شرق به غرب نیز به همین مقدار بوده است. (۳) در دوران فهدبن عبدالعزیز به گونه بسیار زیبایی بازسازی شد. اکنون مساحت آن به ۲۶۰۰۰ مترمربع رسیده که ۱۰ هزار نمازگزار در آن جای می گیرند.(تصویرهای شماره ۸۰ و ۸۱)

۲. منطقه خیبر

خیبر نام یکی از هفت قلعه‌ای است که به یهودیان تعلق داشته و در غزوه‌ای به همین نام فتح شده است. منطقه خیبردر ۱۴۰ کیلومتری شمال شرقی مدینه واقع است. فدک با آن ده کیلومتر فاصله دارد.(تصویر شماره ۸۲)

۱- پیشین، همان، ج ۸۲؛ علی بن موسی، رساله فی وصف المدینه، صص ۱۶- ۸

۲- ابن هشام، سیره النبویه ۹، ج ۳، صص ۳۵۵ و ۴۲۴؛ ابن قتیبه، المعارف، ص ۷۰؛ ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۱، صص ۸۷ و ۱۲۴ و ج ۲، ص ۱۷۲

۳- سمهودی، همان، ج ۳، ص ۱۰۰۲

ص: ۱۹۰

۳. منطقه فدک

فدک تا مدینه ۱۳۰ کیلومتر و تا خیبر حدود ده کیلومتر فاصله دارد. امروزه این‌سرزمین، آباد نیست اما آب گوارایی‌دارد که بسته‌بندی‌شده و در سرتاسر عربستان‌عرضه می‌شود. بر این بطری‌ها این عبارت دیده می‌شود: «ماء لوادی فاطمه ۳».(تصویر شماره ۸۳)

۴. زیارتگاه یَنبوع

یَنبوع یا یَنْبُع در غرب مدینه(در ساحل دریای سرخ) و ۲۱۳ کیلومتری مکه واقع شده و امروزه به عنوان یک شهر بندری، از رونقی برخوردار است. از آن‌جا که این قریه چشمه‌ها و آب‌های فراوانی داشته، به این نام شهرت یافته است. (۱) هنگامی که پیامبر(ص) غنایم جنگی را میان مجاهدان تقسیم می‌کردند، این مکان سهم امام علی(ع) شد و آن حضرت با کندن چاه‌هایی به ایجاد نخلستان پرداختند و در آمد آن را به یتیمان و مستمندان بنی‌هاشم اختصاص دادند. ایشان تا پیش از خلافت، عمدتاً در این مکان سکونت یافته و به کار مشغول بوده‌اند. در آن مکان مسجدی ساختند که به گفته ابن رشید، پیامبر(ص) در مکان آن نماز گزارده بودند. (۲) امروزه در ینبوع، که یکی از زیارتگاه‌های فراموش شده است، چند تن از فرزندان ائمه و سادات جلیل القدر در آن‌جا به خاک سپرده شده‌اند. معروف‌ترین آنان عبارت‌اند از:

۱- «ینبوع» یا «ینبع» از فعل مضارع گرفته شده تا کثرت چاه‌های آب آن را بیان کند.

۲- ابن رشید فهری، ملءُ العیبه بما جمع بطول الغیبه، صص ۲۷۸ و ۲۷۹

ص: ۱۹۱

۱. عمرالاطرف؛ آخرین فرزند امام علی(ع) و فردی بسیار با تقوا و زاهد بوده است.

۲. علی اصغر؛ کوچک‌ترین فرزند امام سجاد(ع).

۳. احمد بن علی بن علی‌بن محمدبن عون‌بن محمد حنفیّه.

ص: ۱۹۲

خلاصه درس

مورخان در مورد نخستین ساکنان یثرب پس از طوفان نوح(ع)، اختلاف کرده‌اند.

یهودیان بارها در طول تاریخ به این سرزمین مهاجرت کرده‌اند. علمای‌یهود توصیف پیامبر خدا(ص) در تورات رادیده بودند، لذا در جستجوی این نشانی‌ها با اشتیاق تمام به این‌سرزمین رو آوردند. هنگامی که این‌نشانی‌ها را در یثرب یافتند، درآن‌جا ساکن‌شدند.

قبایل یهود که به یثرب آمدند، ۲۵ قبیله بودند. آنان شهر را به این صورت میان خود تقسیم کردند:

۱. قبایل بنی‌قریظه و بنی‌نضیر؛ آنان در «عالیه» فرود آمدند.

۲. قبایل بنی‌قینقاع؛ در منطقه «الصاغه» فرود آمدند.

جز یهودیان اعراب جنوبی یا قحطانی، که همان یمنی‌های مهاجر باشند، نیز در مدینه ساکن شدند آنان برخلاف اعراب عدنانی یا ساکنان مکّه، دارای تمدّن و شهرنشینی بودند. از میان اعراب یمانی که در یثرب ساکن شدند، دو طایفه نیرومند اوس و خزرج، که بعدها پیامبر(ص) آنان را «انصار» نامید، با یهود بنی‌قریظه و بنی‌نضیر پیمان‌هایی بستند. اوس و خزرج، همواره برای تسلط بر شهر یثرب با یکدیگر رقابت می‌کردند.

برای مدینه نام‌هایی نیز در قرآن آمده است؛ از جمله: المدینه، مدخل صدق، دارالایمان، ارض‌الله.

از پیامبرخدا(ص) روایات بسیاری در فضیلت مدینه نقل شده است. آن حضرت این شهر را، هم‌چون مکّه، حرم قرار داد و صید و شکار حیوانات، کندن درختان، ریختن خون و ... را در آن حرام کرد.

ص: ۱۹۳

یکی از مناطق مهم مدینه قبا است. این قریه‌در دو کیلومتری جنوب مدینه قرار دارد.

پیامبر(ص) وقتی به این جا وارد شدند زمینی را خریدند و بنای مسجد قبا را آغاز کردند. در فضیلت مسجد قبا روایات زیادی وجود دارد. از جمله این که: دو رکعت نماز در مسجد قبا برابر با یک عمره است. پیامبر(ص) وقتی از قبا به سوی مدینه می‌رفتند، میان قبیله «بنی سالم بن عوف» در مسجد آنان نماز جمعه خواندند. به گفته ابن اسحاق، این اولین نماز جمعه‌ای بود که در مدینه اقامه شد و بعدها به مسجد جمعه معروف گردید.

مساجد پیرامونی مسجدالنبی(ص)

۱. مساجد مصلّا و نمازگاه‌های پیامبر(ص) در اعیاد اسلامی(جنوب غربی مسجدالنّبی) آن حضرت پس از ورود به مدینه، نماز اعیاد فطر و قربان را در جنوب غربی مسجدالنّبی(ص)، در منطقه مناخه اقامه می‌کردند.

۲. مساجد جنوب غربی مسجدالنبی(ص): سُقیا و مَغْسَله.

۳. مساجد شرق و شمال شرق مسجدالنبی(ص): الاجابَه/ مباهله پیامبر(ص) در همین مکان برای مباهله با مسیحیان نجران و به منظور آشکار ساختن حقّانیت خود و دین اسلام، همراه اهل بیت؛ یعنی علی، فاطمه، حسن و حسین: حضور یافتند.

منطقه غزوه احزاب و مساجد آن(شمال غربی مدینه)

چون در این جنگ، تمامی احزاب و قبایل حضور داشتند، آن را «غزوه احزاب» نامیدند. پیشنهاد سلمان فارسی و کندن خندق در اطراف

ص: ۱۹۴

مدینه، سپاه شرک را زمین گیر کرد و محاصره مدینه برای کفار، جز از دست دادن بزرگان و پهلوانان آنان نتیجه‌ای در پی نداشت و ناگزیر به مکّه بازگشتند. به یاد حضور برخی از صحابه، مساجدی در آن‌جا ساختند که به نام هریک از آنان معروف شد.

مسجدهای هفتگانه(مساجد سبعه): عبارتند از فتح، سلمان فارسی، علی بن ابی‌طالب(ع)، فاطمه ۳، ابوبکر بن ابی‌قحافه، عمر بن خطّاب و مسجدی نیز کمی آن طرف‌تر به سبب نزول آیات تغییر قبله که به ذوقبلتین معروف شد.

منطقه احد و مساجد پیرامون آن عبارتند از: ۱. المستراح(محلّ استراحت)؛ ۲. الدِّرْع/ الشَّیخان؛ ۳. عَیْنَیْن.

منطقه غزوه بنی‌قریظه، بنی‌نضیر و مساجد آن

یهودیان بنی‌قریظه در جنوب شرقی مدینه، جایی که امروز شارع العوالی است و یهودیان بنی‌نضیر در نزدیکی آن‌ها که اکنون خیابان قربان یا امیر محسن است ساکن بودند. به هنگام محاصره آنان، پیامبر(ص) در برخی نقاط نماز گزارده و یا مستقر شده‌اند که در آن مکان‌ها مساجدی ساخته‌اند:

۱. مسجد بنی‌قریظه؛ ۲. مشربه امّ ابراهیم؛ ۳. فضیخ/ ردّ الشمس.

مساجد و مناطق تاریخی اطراف مدینه

۱. مسجد شجره/ ذوالحُلَیْفه(آبار علی(ع)): وجه تسمیه آن به نام‌های فوق چنین است:

الف. شجره؛ از آن‌رو آن را چنین خوانند که پیامبر(ص) در آن‌جا، کنار

ص: ۱۹۵

درختی فرود آمد و احرام بست.

ب. احرام؛ به سبب آن‌که حاجیان برای تشرف به حج، در این مسجد احرام می‌بندند.

ج. ذوالحُلَیفه؛ «حُلیفه» نام آبی است در آن منطقه که پیامبر خدا(ص) دوست داشتند برای بستن احرام، کنار درختی در این محل فرود آیند.

د. ابیار علی(ع): از آن جهت به این نام شهرت یافت که حضرت علی(ع) برای آبیاری نخلستان‌ها، چاه‌های فراوانی در این منطقه کندند.

۲. منطقه فدک؛ ۳. منطقه خیبر؛ ۴. زیارتگاه یَنبوع.

خودآزمایی

۱. سیر شکل‌گیری شهر یثرب را توضیح دهید.

۲. فضایل شهر مدینه را بیان کنید.

۳. مقدمات هجرت پیامبر به مدینه را توضیح دهید.

۴. مساجدی که در منطقه قبا وجود دارد را نام برده و نحوه شکل‌گیری هر یک را شرح دهید.

۵. مساجدی که اطراف مسجد النبی هستند را نام ببرید.

۶. ویژگی‌ها و آثار منطقه غزوه احزاب را برشمرید.

۷. مساجد پیرامون منطقه احد کدام‌اند و علت پیدایش آن‌ها چیست؟

۸. مسجد ذوقبلتین به دنبال چه حادثه‌ای به این نام مشهور شد؟

۹. اسامی که برای مسجد شجره عنوان شده را نام ببرید و وجه تسمیه آن‌ها را بنوبسید.

ص: ۱۹۶

درس ششم‌مسجد النّبی (ص) و آثار آن (از ابتدا تا عصر حاضر)

اشاره

اهداف آموزشی

انتظار می رود با مطالعه این درس:

- با نحوه و چگونگی احداث مسجد النبی(ص) آشنا شویم.

- از سیر تاریخی توسعه مسجدالنبی از ابتدا تا عصر حاضر مطلع شویم.

- ستون‌های اصلی، روضه النبی، منبر و محراب‌ها و ایوان صفه و سایر آثار آن را بشناسیم.

- با حوادث و رویدادهای مهمی که در تاریخ مسجدالنبی وجود دارد آشنا شویم.

- موقعیت خانه و محل دفن رسول خدا(ص) را بدانیم.

- با روایاتی که در ارتباط با محل دفن حضرت فاطمه ۳ وجود دارد آشنا شویم.

مدخل

اشاره

ص: ۱۹۷

آشنایی با نخستین مسجد در اسلام که به دست رسول خدا(ص) در شهر یثرب ساخته شد و پایگاه عبادی و سیاسی مسلمانان گردیده می‌تواند بیانگر اهمیت آن در طول تاریخ و ازمنه باشد. آثار و اماکن متبرک و مقدس این مسجد نشان از سیر حوادث تأثیرگذار در تاریخ اسلام دارد. زائران و نمازگزاران در این مسجد که نمازگزاردن در آن برابر با هزار نماز در مساجد دیگر است با شناخت این مکان مقدس و آثار آن می توانند خود را در دل تاریخ و کنار رسول خدا(ص) حس کنند. لذا در این فصل مسجدالنبی در گذر تاریخ و آثار آن برای تحقق این امر تشریح می‌گردند.

الف) مسجدالنّبی (ص) در گذر تاریخ

پیامبر(ص) از روز دوشنبه، دوازدهم ربیع‌الأول تا روز جمعه شانزدهم همان ماه، در قریه قبا ماندند و پس از پایان بنای مسجد و رسیدن امام علی(ع) و دخترشان فاطمه ۳، رهسپار مدینه شدند. (۱) در این مسافتِ کوتاه تا داخل شهر، با تقاضاهای زیاد قبایل مختلف برای سکونت در منازل آنان روبه‌رو گردید و در پاسخ‌گویی به این همه شور و اشتیاق، انتخاب را ناگزیر به تقدیر الهی سپرد و با اشاره به شتر خویش(القصوه) فرمود:

۱- ابن‌هشام، همان، ج ۱، ص ۴۹۴؛ بعضی گفته‌اند در قبا چهارده شب مانده‌اند.(بحارالانوار، ج ۱۹، ص ۱۰۶).

ص: ۱۹۸

«خَلُّوا سَبیلَها فَإِنَّها مَأْمُورَهٌ». (۱)

راه شتر را باز بگذارید که او مأمور است.

سرانجام شتر پس از عبور از میان قبایل مختلف، کنار خانه «ابوایوب انصاری» زانو زد و این سعادت بزرگ نصیب این مرد الهی شد که پذیرای خاتم پیامبران گردد. زمینی را که شتر در آن زانو زد، متصل به خانه ابو ایوب انصاری بود و از آن به عنوان «مربد»؛ (محل خشکانیدن خرما) استفاده می‌شد و متعلق بِهِ دو یتیم از قبیله بنی‌نجار، به نام‌های سهل و سهیل فرزندان عمرو بود. این دو، در پناه و حمایت معاذ بن عفراء قرار داشتند. (۲) آن حضرت این زمین را به رغم اصرار صاحبان آن، که می‌خواستند از جان و دل بر پیامبر(ص) هبه کنند، به ده دینار خریدند. (۳) این مسجد که ساخت آن تقریباً هفت ماه طول کشید، از نهایت سادگی و پیراستگی برخوردار بود.

مساحت اوّلیه آن را ۷۰* ۶۰ ذراع (۴)/ ۴۲۰۰ ذراع(برابر با ۷۴/ ۱۰۲۱ متر) و ارتفاع دیوارهای آن را پنج ذراع نوشته‌اند که آن حضرت با کمک مهاجران و انصار، در نخستین روزهای هجرت به احداث آن

۱- ابن هشام، همان جا، سمهودی، همان، ج ۱، صص ۲۵۶ و ۲۵۷؛ ابن قیم جوزی، زاد المعاد فی هدی خیر العباد، ج ۲، ص ۱۴۳

۲- ابن هشام، همان، ج ۱، ص ۴۹۵؛ ابن نجار، اخبار مدینه الرسول، ص ۲۵؛ ابن قیم جوزی، همان، ج ۲، ص ۱۴۵؛ بیهقی، دلائل النبوه، ج ۲، ص ۱۸۷

۳- ابن سعد، همان، ج ۱، ص ۲۳۹

۴- هر ذرع را برابر با ۳۳/ ۴۹ سانتی‌متر(ذرع هاشمی) محاسبه کرده‌ایم.

ص: ۱۹۹

پرداختند.

تلاش پیامبر(ص) در این مورد، باعث می‌شد تا همه صحابه، به‌طور فعال در ساخت آن مشارکت کنند. یکی از انصار چنین خواند:

لَئِنْ قَعَدْنا وَ النَّبی یَعْمَلُ لذاک مِنَّا العَمَلُ المُضَلَّلُ (۱) اگر ما بنشینیم و پیامبر(ص) کار کند، برای ما امری خطا و ناصواب است.

هنگامی‌که دیوارها را بالا می‌بردند، پیامبر(ص) در پاداش زحمات اصحاب چنین سرودند:

لا عَیْشَ الّا عَیْشُ الآخِرَهِ اللّهُمَّ ارْحَمِ الْاَنْصارَ وَالْمُهاجِرَه (۲) در این میان، عمار از همه بیشتر کار می‌کرد و برخی اصحاب نیز بار خود را بر دوش او می‌گذاشتند؛ لذا عمار از روی مزاح به پیامبر(ص) گفت: یا رسول الله، اینان مرا کشتند؛ بر گرده من باری می‌نهند که خود آن را حمل نمی‌کنند؛ پیامبر(ص) خطاب به وی فرمود:

«یا عمار! انِّما تَقْتُلُکَ الْفِئَهُ الباغیَهُ». (۳)

ای عمار، همانا تو را گروهی یاغی و ستمکار می‌کشند.

به روایت بخاری، پیامبر(ص) فرمودند:

۱- ابن هشام، همان، ج ۱، ص ۴۹۶؛ ابن قیم جوزی، همان، ج ۲، ص ۱۴۴

۲- ابن هشام، همان‌جا؛ ابن قیم جوزی، همان، ج ۲، ص ۱۴۵؛ ابن سعد، همان، ج ۱، ص ۲۴۰ با عبارت: «فَاغفِرِ الأنصار والمهاجره»؛ بخاری در صحیح خود چنین آورده است. «الّلهمّ لا خیر إلّا خیر الآخره، فَاغْفر الأنصار و المهاجره»(صحیح، جزء اول، کتاب الصلوه، حدیث، ص ۲۹۲- ۲۹۲).

۳- ابن هشام، همان، ج ۱، ص ۴۹۷؛ متقی الهندی، کنزالعمال، ج ۱۶، ص ۱۳۷

ص: ۲۰۰

«عمار آنان را به بهشت فرا می‌خواند و ایشان او را به آتش دعوت می‌کنند.» (۱) اصحاب پس از بالا بردن دیوارها، سقف مسجد را با شاخه‌های نخل پوشانیدند. بعضی از آن حضرت پرسیدند: آن را مسقّف نکنیم؟ پیامبر(ص) فرمود: خیر، سایه‌بانی می‌خواهم چون عریش(سایبان) موسی. پس از آن، مکانی برای نماز پیامبر(ص) به سمت بیت‌المقدس مشخص کردند. آن‌گاه برای مسجد سه در قرار دادند؛ دری در آخر مسجد، در دیگری که به آن «باب الرّحمه» و «باب عاتکه» می‌گفتند و دری که بعدها باب جبرئیل(ع) نام گرفت. کنار مسجد نیز اتاق‌هایی برای پیامبر(ص) ساختند و آن حضرت با عایشه و سوده در آن ساکن شدند. از خانه نیز دری به مسجد گشودند. (۲) آن‌گاه هر یک از اصحاب، خانه‌ای کنار مسجد ساختند و دری به داخل آن باز کردند که راه ورود آنان به مسجد بود. پس از اندک زمانی؛ یعنی قبل از جنگ احد، پیامبر(ص) به بستن درها، به جز درِ خانه علی(ع) امر فرمودند: «أَمَرَ بَسَدِّ الْاَبْوابِ إِلّا بابُ عَلِی» لذا تمام درهایی که به مسجد باز می‌شد، جز آن در، مسدود شد.

مسجد پیامبر(ص)، از آغاز بنا و احداث، شاهد ماجراهای مهمّی در تاریخ صدر اسلام بود. آن حضرت در نخستین روزهای پایانی بنای این مکان مقدّس، خطبه‌های غرّا و کوبنده‌ای علیه کفر و شرک ایراد فرمودند و سپس در طول یازده سال از هجرت پربرکت خود، به منظور

۱- بخاری، صحیح [جزء اول، کتاب الصلوه حدیث ۴۰۸] ص ۳۰۲

۲- ابن قیم جوزی، همان، ج ۲، ص ۱۴۶؛ ابن سعد، همان، ج ۱، ص ۲۴۰

ص: ۲۰۱

رشد و تعالی مسلمانان در سایه مکتب انسان‌ساز اسلام، خطبه‌های دیگری خواندند. در این مسجد اساسی‌ترین موضوعات مربوط به اداره حکومت اسلامی با حضور پیامبر(ص) بحث و بررسی می‌شد.

دوّمین حادثه مهم در تاریخ این مسجد، انعقاد پیمان‌نامه عمومی مدینه و نیز برقراری پیمان مؤاخاه‌یا برادری میان مهاجر و انصار از سوی منادی وحدت بود.

از جمله رویدادهای مهمّ دیگر، که مسجدالنّبی(ص) در آن سال‌ها شاهد بود، اعلان بسیج عمومی برای دفاع از اسلام و پاسخ‌گویی به آزار و ایذا و ظلم و ستم وارده از سوی مشرکان بود.

در همین مسجد «وفود»؛(گروه‌ها) برای پذیرش اسلام به حضور پیامبر(ص) می‌رسیدند و ده‌ها حادثه دیگر که ذکر آن‌ها در گنجایش این مختصر نیست.

ب) آثار تاریخی و مقدس مسجدالنّبی (ص)

۱. ستون‌های مسجدالنّبی

(ص)

به هنگام بنای مسجد، ابتدا ستون‌هایی از نخل خرما برافراشتند و سقف را با شاخه‌های نخل بر روی آن‌ها قرار دادند. ستون‌ها در بنای نخست، هشت عدد بود که هر یک نامی مخصوص داشت و امروزه با همان نام‌ها باقی مانده‌اند. هر یك از آن‌ها سابقه‌ای به بلندای تاریخ ۱۴۰۰ ساله اسلام دارند و یادآور حوادث و رخدادهای مهمّی هستند. این ستون‌ها که در داخل روضه‌النبی(ص) واقع شده‌اند،

ص: ۲۰۲

عبارت‌اند از:

۱ / ۱. ستون مُخَلَّقَه: این ستون یادآور نمازگاه پیامبر(ص) و نزدیک‌ترین ستون‌ها به محل نماز آن حضرت است. اکنون ستون مورد نظر، کمی جلوتر از محلّ اصلی است (۱) و بالای آن نیز بر دایره‌ای سبز و طلایی، این نام دیده می‌شود. نامگذاری آن به سبب عطر و خُلوقی است که بر آن می‌سوزاندند تا فضای مسجد را عطرآگین کند.

۲ / ۱. استوانه عایشه: نام‌های دیگرش «مهاجران» و «القرعه» است. اکنون بالای آن نام اسطوانه العائشه دیده می‌شود. سبب نامگذاری آن به این نام‌ها چنین است:

وجه تسمیه آن به «عایشه» و «مهاجران» این است که عایشه، در فضل این ستون احادیثی روایت کرده و لذا مهاجران گرداگرد آن می‌نشستند و نماز می‌خواندند.

«قرعه» (۲) به آن سبب که پیامبر خدا(ص) فرموده‌اند: «در مسجد من مکانی است نزدیک این ستون که اگر مردم فضیلت آن را می‌دانستند، کنار آن نماز نمی‌خواندند، مگر آن‌که میان خود(برای نماز خواندن) قرعه می‌زدند».

ستون یاد شده وسط ستون‌های اصلی دیگرِ مسجد قرار دارد؛

۱- سمهودی، همان، ج ۲، ص ۴۳۹

۲- سمهودی، همان، ج ۱، ص ۴۴۰، کنایه از این‌که ازدحام برای نماز خواندن در این مکان به قدری زیاد می‌شد که به ناچار باید بین خود قرعه می‌زدند. این حدیث نیز از عایشه نقل شده است.

ص: ۲۰۳

یعنی میان این ستون تا منبر پیامبر(ص) دو ستون، تا قبر ایشان دو ستون، تا قبله و محراب دو ستون و تا صحن اوّلیّه مسجد که تا آن هنگام مسقف نشده بود؛ یعنی به موازات مأذنه بلال نیز دو ستون فاصله دارد.

در حقیقت از همه طرف سومین ستون است و کنار آن نیز ستون «توبه» و سپس «سریر» قرار دارد. در مورد نماز خواندن کنار آن، سفارش فراوانی شده است؛ زیرا از ستون‌های روضه‌النّبی(ص) است.

۳/ ۱. ستون توبه: از ستون‌های بسیار مهم و با فضیلت مسجدالنبی(ص) ستون توبه یا ابولبابه است. ابولبابه بن عبدالمنذر یکی از بزرگان اوس، هنگام غزوه بنی‌قریظه (۱) به درخواست یهودیان و با موافقت پیامبر(ص) به عنوان مشاور نزد آنان رفت. ابولبابه یهودیان را به جنگ و مقاومت تشویق کرد اما بی‌درنگ از این اقدام پشیمان شد و سوگند یاد کرد که هرگز با پیامبر(ص) روبه‌رو نشود، مگر آن‌که توبه کند و خداوند نیز او را پاک گرداند. لذا یکسره به مسجدالنّبی(ص) رفت و خود

۱- پیامبر ۹ پس از جنگ خندق که طی آن یهودیان پیمان خود را با مسلمانان شکسته و به پیامبر ۹ خیانت کردند، از سوی خداوند مأموریت یافت تا به تنبیه و نابودی خیانت‌کاران یهود بنی‌قریظه پرداخته(ابن هشام، همان، ج ۳۲، ص ۲۳) و شرّ آنان را از سر اسلام کوتاه سازد لذا آن حضرت ایشان را محاصره کرد و نماینده‌ای فرستاد که یا اسلام آورید و هم‌چنان در خانه‌های خود بمانید و یا از مدینه همراه زنان و فرزندانتان خارج شوید. یهودیان بنی‌قریظه به علت ارتباط و دوستی که با ابی‌لبابه داشتند از پیامبر ۹ خواستند تا وی را برای مشورت به نزد آنان فرستد و آن حضرت نیز پذیرفتند.

ص: ۲۰۴

را به یکی از ستون‌های مسجد بست و به توبه و انابه پرداخت تا شاید خداوند از کردار زشت او بگذرد و یا مرگ او را برساند. او در مجموع شش شبانه‌روز به آن ستون بسته شده بود. در این مدّت تنها همسر او برای اقامه نماز دستان وی را باز می‌کرد و دوباره او را به ستون می‌بست. سرانجام سحرگاهان آیاتی مبنی بر پذیرش توبه ابولبابه نازل شد. (۱) پیامبر(ص) آن شب خندان و شاداب برخاست؛ به مسجد آمد و دستان او را گشود. (۲) از آن روز این ستون به «توبه» یا «ابولبابه» مشهور شد.

حضرت رسول نوافل خود را کنار این ستون به جا آورده و گاهی نزد آن اعتکاف می‌جستند. (۳) روایات وارده حاکی است اقامه نماز، عبادت و دعا نزد این ستون بسیار مستحب است. (۴) ستون توبه دوّمین ستون از حُجره و مرقد پیامبر(ص) و به موازات ستون سریر در شرق و ستون عایشه در غرب است. به عبارت دیگر چهارمین ستون از منبر پیامبر(ص) و سوّمین ستون از سمت قبله و جزو ستون‌های روضه‌النّبی(ص) است. اکنون نام «اسطوانه التوبه» زینت

۱- (یا ایها الذّین آمنوا لا تخُونُوا الله والرَّسول و لا تخُونُوا اماناتِکم و انْتُمْ تعلمون ...)؛(ای کسانی که ایمان آوردید به خدا و رسول و امانات خویش خیانت نکنید در حالی که می‌دانید جز این نیست که مال‌ها و اولادتان فتنه و بلا است ....)(انفال: ۱۲۸)

۲- سیوطی، لباب النقول فی اسباب النزول ص ۱۱۱؛ ابن هشام، همان ۲/ ۲۳۶- ۲۳۸؛ ابن قیم جوزی، همان ۲/ ۱۹۰.

۳- سمهودی، همان، ج ۱، ص ۴۴۷

۴- صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۴۰

ص: ۲۰۵

بخش آن است. درب غربی خانه رسول‌الله(ص) که به داخل مسجد باز می‌شد در مقابل این ستون قرار داشت که آن را «باب التوبه» نام نهاده‌اند.

۱/ ۴. ستون سریر: در بیان محلّ شب زنده‌داری رسول الله(ص) نقل کرده‌اند که ایشان سریری(تختی) از چوب خرما را کنار ستونی گذاشته و به پهلو روی آن می‌خوابیدند و یا اعتکاف می‌کردند. (۱) امروزه ضریح و دیواره غربی مرقد مطهر پیامبر(ص) در میان این ستون و ستون‌های محرس و وفود قرار دارد و در سمت شرق آن ستون توبه است. نبی گرامی(ص) روزها نیز برای پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و مسائل مسلمانان، به آن تکیه می‌دادند و نیازمندی‌های آنان را برآورده می‌ساختند. (۲) «اسطوانه السّریر» اوّلین ستون از سمت قبله است.

۱/ ۵. ستون مَحْرَسْ/ علی بن ابی‌طالب(ع): این ستون به نام امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب(ع) نیز معروف بوده است. برخی آن را مکان نماز ایشان دانسته و برخی نیز گفته‌اند کنار آن می‌ایستاد و به محافظت از جان پیامبر(ص) می‌پرداخت (۳) و مَحْرَسْ نیز به معنای مکان نگهبانی است. این ستون در میان ستون‌های وفود و سریر و به موازات آن‌ها در دیواره ضریح غربی مرقد پیامبر(ص) واقع شده است. پیامبر(ص) هنگامی که از خانه عایشه برای نماز به مسجد می‌آمدند، از دری که ستون یاد شده کنار آن بود، وارد می‌شدند. امروزه نام «اسطوانه الحرس» بر آن دیده

۱- سمهودی، همان، ج ۱، ص ۴۴۷

۲- این ستون که یکی از ستون‌های مهم و اصلی مسجدالنبی ۹ است، دسترسی به آن به علت اتصال به ضریح و ممانعت مأموران امکان پذیر نیست.

۳- سمهودی، همان، ج ۱، ص ۴۴۸

ص: ۲۰۶

می‌شود.

۶/ ۱. ستون وُفود: این ستون، که پشت ستون مَحْرَس از سمت شمال قرار دارد، سوّمین ستون از سمت قبله است. پیامبر(ص) برای دیدار با وفود؛ یعنی دسته‌ها و قبایل عرب کنار آن نشسته و با آنان ملاقات می‌کردند. (۱) اکنون بالای آن، نام «اسطوانه الوفود» دیده می‌شود. ستون مذکور به موازات ستون‌های محرس و سریر در میان دیواره غربی ضریح پیامبر(ص) قرار دارد.

۷/ ۱. ستون مقام جبرئیل(ع) (۲): کنار این ستون، که به آن «مُرَبَّعه القبر» نیز گفته می‌شود، دَرِ خانه فاطمه ۳ دختر گرامی پیامبر(ص) قرار داشت که به مسجد باز می‌شد. (۳) مقام جبرئیل(ع) به موازات ستون‌های وفود و حرس قرار دارد ولی اکنون داخل ضریح و منتهی‌الیه حجره شریف واقع شده و در دید کسی قرار ندارد.

۸/ ۱. ستون تهجّد: حضرت رسول(ص)، شب‌ها به ویژه در ماه رمضان، پشت خانه فاطمه ۳ کنار ستونی به تهجّد و شب‌زنده‌داری می‌پرداخت. (۴) بعدها در این مکان محرابی به نام «تهجّد» ساختند. (۵) این ستون کنار مکان

۱- سمهودی، همان، ج ۱، ص ۴۴۹

۲- در مورد مقام جبرئیل و موقعیت دقیق آن رجوع کنید به بحث مربوطه در همین فصل.

۳- این در، سمت مغرب محراب التهجد یعنی به موازات ستون‌های وفود و حرس و منتهی الیه دیوار شمالی و غربی حجره شریف و ضریح پیامبر ۹ قرار داشته و به داخل مسجد باز می‌شده است. چنان‌که گفتیم این تنها دری بود که خداوند از میان درهای دیگر آن را از بسته شدن مستثنی ساخت. «امر بسد الابواب الّا باب علی ۷».

۴- سمهودی، همان جا.

۵- ر. ک: بحث محراب‌های مسجدالنبی ۹.

ص: ۲۰۷

اصلی باب جبرئیل(ع) پیش از توسعه مسجدالنّبی(ص) بود که اکنون کمی عقب‌تر از مکان اصلی است. ستون یاد شده و نیز محراب التهجد اکنون داخل ضریح پیامبر(ص) قرار گرفته است. این ستون هشتمین و آخرین ستونی است که از دوران آن حضرت باقی است.

۹ / ۱. ستون حنّانه: پیامبر(ص) هنگام قرائت خطبه، ابتدا به درختی در سمت غرب محراب تکیه می‌دادند و از آن به عنوان منبر استفاده می‌کردند. هنگامی که برای ایشان منبری ساختند، بر منبر نشستند. گویند در این هنگام از آن درخت صدایی شبیه به ناله بلند شد که گویی در فراق آن حضرت سر داده بود. لذا از آن روز این درخت را «حَنّانه» نامیدند. یعنی بانگ بچه شتری که او را از مادرش جدا می‌کنند. آن حضرت دستی بر درخت کشیدند و آرام شد. (۱) بعدها به دستور پیامبر(ص) حفره‌ای کنده و آن درخت را دفن کردند. در مکان این درخت ستونی ساختند و آن را «اسطوانه الحَنّانه» نامیدند. مکان آن نزدیک محراب النبی(ص) بوده که امروزه این ستون وجود ندارد.(تصویر شماره ۸۴ و ۸۵)

۲. ایوان صُفّه یا منزلگاه فقرا

هنگامی که جمعیت مهاجران در مدینه افزایش یافت، پیامبر(ص) فرمودند: برای مهاجران تهی‌دست که در مدینه مکانی ندارند، ایوان

۱- سمهودی، همان، ج ۱، ص ۳۸۸

ص: ۲۰۸

مُسقَّفی، در آخر مسجد ساخته شود تا بتوانند در آن‌جا اقامت گزینند. (۱) این عده شب‌ها را بر همین ایوان به صبح می‌رساندند. کسانی چون سلمان فارسی، عماربن یاسر و مقداد بن اسود و ...، از آن دسته بودند. مورخان تعداد آنان را ۷۰ نفر نوشته‌اند. (۲) این افراد در تاریخ به «اهل صُفّه» معروف شدند.

پیامبر(ص) از مقابل اهل صفه می گذشت و می‌فرمود: اگر می‌دانستید که نزد خدا چه جایگاهی دارید، به یقین می‌خواستید که بر فقر شما افزوده شود. (۳) خداوند تبارك و تعالی آیات شریفه سوره کهف را در مورد این فقرا بر آن حضرت نازل کرد.

(وَ اصْبِرْ نَفْسَکَ مَعَ الَّذِینَ یَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَداهِ وَ الْعَشِیِّ یُرِیدُونَ وَجْهَهُ وَ لا تَعْدُ عَیْناکَ عَنْهُمْ تُرِیدُ زِینَهَ الْحَیاهِ ...). (۴)

۱- ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، ج ۳، ص ۳۷

۲- ابونعیم اصفهانی در حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیاء، اسامی ۳۸ نفر از آنان را ذکر کرده است.(ج ۱، صص ۳۸۵- ۳۴۷).

۳- سمهودی، همان، ج ۱، ص ۴۵۴ ر. ك. به: صالح احمدالشامی اهل‌الصفه بعیداً عن‌الوهم والخیال. در صحیح بخاری روایت شده‌که این عده لباس کاملی نداشتند وبعضاً نیمه عریان بوده و یا لباس آنان تنها نیمی از بدن ایشان‌را می‌پوشانید و در نهایت فقر بوده‌اند.(همان، کتاب‌الصلاه، حدیث ۱۰۳، ج ۱، ص ۲۹۹)

۴- کهف: ۲۸- [ای پیامبر همیشه خویش را با کمال شکیبایی به محبت آنان که صبح و شام خدا را می‌خوانند و رضای او را می‌طلبند وادار کن و یک لحظه از آن فقیران چشم مپوش که به زینت‌های دنیا مایل شوی، هرگز با کسانی که ما دل‌های آنان را از یاد خود غافل کرده‌ایم و تابع هوای نفس خود شدند و به تبهکاری پرداختند همراه مباش.]

ص: ۲۰۹

زمانی که این آیات نازل شد، پیامبرخدا(ص) فرمود:

«الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِی جَعَلَ فِی أُمَّتی مَنْ أُمِرْتُ أَنْ أَصْبِرَ نَفْسِی مَعَهُمْ» (۱).

سپاس خدای را که در امّت من کسانی را قرار داد که مأمور شده‌ام همراه آنان صبر پیشه کنم.

این ایوان، که اکنون در شمال شرقی محدوده اولیه مسجد و میان باب جبرئیل(ع) و باب‌النساء قرار دارد، ارتفاعی حدود نیم متر و مساحتی حدود سی متر مربع داشته و به شکل مربع مستطیل است. یک سوم قسمت جنوبی آن؛ یعنی به سمت قبله، از دوران پیامبر(ص) و بقیه آن از افزوده‌های دوران عمربن عبدالعزیز است. تلاوت قرآن و اقامه نماز بر این ایوان بسیار سفارش شده است. در مقابل این ایوان، ایوان التهجد و نیز دیواره شمالی حجره شریف؛ یعنی بیت فاطمه ۳ قرار دارد.(تصویر شماره ۸۶)

۳. منبر

هنگام بنای مسجدالنّبی، برای پیامبر(ص) منبری نساخته بودند؛ چنان‌که پیشتر گفتیم، آن حضرت خطبه‌های خود را کنار تنه درخت خرمایی که به آن تکیه می‌زدند می‌خواندند. هنگامی که برای ایشان منبری تهیه شد، روز جمعه بر فراز آن رفتند. (۲)

۱- احمد یاسین الخیاری، تاریخ المعالم المدینه المنوره ص ۷۰

۲- متقی‌الهندی، کنزالعمال فی سنن والاقوال، ج ۱۴، ص ۵۸ به‌روایت بخاری، زنی از انصار به‌پیامبر عرض کرد که غلام نجاری دارم، اگر اجازه دهید برای شما منبری بسازد(صحیح، کتاب الصلاه، ج ۱، ص ۳۰۲)

ص: ۲۱۰

در مورد نخستین کسی که برای پیامبر(ص) منبر ساخت اختلاف است؛ برخی نوشته‌اند: نخستین منبر، از گِل ساخته شد و پله نداشت. برخی دیگر گویند از چوب و دارای سه پله بود.

در جریان آتش‌سوزی که به سال ۸۸۶ ق. در مسجدالنّبی(ص) رخ داد، این منبر کاملًا در آتش سوخت. چندی بعد قطعه‌ای از چوب آن را یافتند و در محل خود قرار دادند؛ بر روی آن نیز منبری از چوب صندل و سپس از آجر و سنگ ساختند؛ چنان‌که خواهیم گفت میان منبر و قبر پیامبر را روضه‌النّبی گویند. از آن حضرت نقل شده است که:

«قوائم منبری رواتب فی الجنه». (۱)

پایه‌های منبر من در بهشت استوار است.

۴. محراب‌ها

۱

۱ / ۴. محراب‌النّبی(ص): پیامبر(ص) نمازهای خود را کنار ستونی می‌خواندند که بعدها به «المخلّقه» معروف شد. در دوران آن حضرت محرابی وجود نداشت، عمر بن عبدالعزیز، والی مدینه، در دوران اموی نخستین کسی بود که بر مکان نماز ایشان محراب ساخت؛ این محراب سمت دیوار قبله بود که بعدها در توسعه مسجد تخریب شد. محل محراب یاد شده در طول سالیان دراز و در توسعه‌ها و تعمیرات اندکی تغییر یافته است.

۱- نورالدّین هیثمی، موارد الضمان صص ۳۵، ۲۵۶

ص: ۲۱۱

در دوران سلطان اشرف قایتبای، محرابی نفیس و زیبا از سنگ مرمر، مزیّن به آیات قرآن ساختند و بعدها حفره آن پر گردید و همسطح زمین شد؛ آن‌گاه محراب پیامبر(ص) را با پارچه‌ای نفیس پوشانیدند. این محراب با همان تزییناتِ دوران عثمانی هم‌چنان موجود است. در فضیلت این محراب گفته‌اند که به منزله کعبه است؛ یعنی کسی که به آن می‌نگرد، گویی نگاهش را به کعبه دوخته است. (۱) محراب النبی(ص) اکنون به ستون مُخَلَّقَه متّصل است؛ یعنی این ستون سمت مغرب آن قرار دارد. و به‌گونه‌ای ساخته شده که سجده کننده در آن، صورت خود را بر محل نشستن پیامبر(ص)، نه محل سجده آن حضرت می‌گذارد. (۲)(تصویر شماره ۸۷)

۲ / ۴. محراب التّهجد: در پشت منزل فاطمه ۳؛ یعنی منتهی‌الیه حجره شریف پیامبر(ص) و مقابل ایوان صفه، محل و مکان تهجّد رسول‌الله(ص) و فاطمه ۳، بوده است. محراب در دوران عثمانی تعبیه شده و پس از برداشتن آن در دوران سعودی، بیرون حجره شریفه؛ یعنی مقابل ایوان صفه، ایوانی به ارتفاع سی سانتی‌متر و عرض حدود شش متر ساخته‌اند که زائران برای درک فضیلت نماز در محراب یاد شده، بر این ایوان به اقامه نماز می‌پردازند.(تصویر شماره ۸۸)

۳ / ۴. محراب فاطمه ۳: این محراب، داخل منزل فاطمه ۳؛ یعنی جنوب محراب التهجّد قرار داشته که محلّ اقامه نماز فاطمه ۳ بوده است.

۱- سمهودی، همان، ج ۱، ص ۳۸۴

۲- علی بن موسی، رساله فی الوصف المدینه المنوّره، ص ۶۰

ص: ۲۱۲

محراب مذکور اکنون داخل حجره پیامبر(ص) است.

۴/ ۴. محراب عثمانی: محراب عثمانی، در دیوار کنونی مسجد در سمت قبله و پشت محراب النّبی(ص) از عصر عثمان بن عفّان است. قسمتی که اکنون محراب عثمانی در آن قرار گرفته، از افزوده‌های این خلیفه بوده که از باب السّلام تا باب البقیع امتداد می‌یابد. (۱) اکنون امام جماعت مسجدالنّبی(ص) در این محراب نماز اقامه می‌کند.

۵/ ۴. محراب سلیمانی/ حنفی: این محراب در خارج روضه‌النّبی(ص) و سمت غرب منبر قرار دارد. در ابتدا حنفیان در امامت نماز حرم نبوی شریک نبودند، فقط مالکیان امامت را بر عهده داشتند. در قرن هفتم هجری حنفیان نیز به امامت نماز جماعت مسجد راه یافتند. در دوران عثمانی این محراب برای حنفی‌ها ساخته شد که امام جماعت ایشان در آن نماز اقامه می‌کرد. شمع‌هایی بر آن و سایر محراب‌ها افروخته می‌شد که شمعدان‌های آن از نقره بود. در محراب حنفی یک شمع و در محراب نبوی دو شمع روشن می‌شد. (۲)

۵. روضه النّبی (ص)

رسول الله(ص) فرمودند:

«مَا بَیْنَ بَیْتِی وَ مِنْبَرِی رَوْضَهٌ مِنْ رِیَاضِ الْجَنَّهِ». (۳)

۱- علی بن موسی، همان‌جا. عثمان پس از اتمام توسعه در این مکان به نماز می‌ایستاد.

۲- علی بن موسی، رساله فی وصف المدینه المنوره، ۶۱

۳- کلینی، فروع کافی، ج ۴، ص ۵۵۵؛ نسائی، سنن [جزء الثانی] ص ۳۴

ص: ۲۱۳

روضه النّبی(ص) یکی از بهترین مکان‌های روی زمین است که پیامبر(ص) همه روزه، پنج بار برای اقامه نماز جماعت و خواندن خطبه، در این مسیر تردد می کردند. از آن حضرت احادیث بسیاری در فضیلت این مکان روایت شده که آن را قطعه و یا زمینی از بهشت دانسته‌اند. روایاتی که از پیامبر(ص) نقل شده، مورد استناد و تواتر فریقین است؛ از جمله:

«إِنَّ مِنْبَرِی عَلی تُرْعَه مِنْ تُرَعِ الْجَنَّهِ». (۱)

ترعه را به معنای باب و در دانسته‌اند؛ یعنی منبر من بر دری از درهای بهشت قرار دارد. (۲)

«مَا بَیْنَ قَبْرِی وَ مِنْبَرِی رَوْضَهٌ مِنْ رِیَاضِ الْجَنَّهِ». (۳)

و نیز:

«مَا بَیْنَ حُجْرَتِی وَ مُصَلّائِی رَوْضَهٌ مِنْ رِیَاضِ الْجَنَّهِ». (۴)

به نظر می‌رسد روایت «مَا بَیْنَ بَیْتِی وَ مِنْبَرِی» معقول‌تر باشد؛ زیرا با توجّه به این‌که پیامبر(ص) برای مکان دفن خود وصیتی نکرد و ممکن بود آن حضرت را در مکان‌های دیگری دفن کنند؛ منطقی به نظر می‌رسد که منظور آن حضرت از «

مَا بَیْنَ بَیْتِی وَ مِنْبَرِی

»، مکان دفن او در هر نقطه از زمین تا منبر ایشان در مسجدالنّبی(ص) نباشد که آن را باغی از باغ‌های بهشت بدانند؛ اما مکان بیت ایشان روشن و مشخص است.

۱- نسائی، همان، ص ۳۵؛ ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۴۰

۲- ابن قتیبه دینوری، تأویل مختلف الحدیث، ۹۱

۳- کلینی، همان جا.

۴- همان‌جا.

ص: ۲۱۴

در معنا و تفسیر «رَوْضَهٌ مِنْ رِیَاضِ الْجَنَّهِ» گفته‌انـد، مقصود آن است که این قسـمت در آخرت به بهشت منتقل شـده و همانند دیگر قسـمت‌های زمین از بین نمی‌رود و این مزیّت وفضل عظیمی برای این مکان است. عبادت در این محل که نسبت به‌سایر قسمت‌های مسجد فضیلت و برتری دارد، ان‌شاءالله اجر و پاداش بهشت خواهد داشت. بعضی گفته‌اند: همان‌گونه که حجرالأسود از بهشت برای جدّ پیـامبر(ص) یعنی ابراهیم(ع)، قرار داده شـد تـا آن را در کعبه نصب کنـد، برای رسول الله(ص) نیز مکـان عبادت ایشان باغی از بهشت گردید.

در عرض روضه شـریف انـدکی اختلاف است؛ امّا در مورد طول آن اختلافی نیست. ابن زباله طول روضه شـریف پیامبر(ص) را که از منبر آن حضـرت تا آخر حجره شـریف در شرق است، حدود ۲۲ متر ذکر کرده است. (۱) بر اساس نظر اهل سـنت، عرض روضه تنها دو سـتون از سـمت قبله را در بر می‌گیرد. اما بر اساس نظر شـیعه، عرض روضه از آغاز حد قبلی مسجد در دوران پیامبر(ص) از سمت قبله، که اکنون با نرده‌های نقره‌ای مشـخص است تا منتهی‌الیه دیوار شـمالی و به عبارتی دیگر، تا پایان ضـریح کنونی و دیوار شرقی حجره است. به این ترتیب عرض روضه شـریف شامـل هشت سـتون از جنـوب به شـمال می‌گردد که همـان حـدّ اولیه مسـجد است. با این وصف خانه فاطمه ۳ نیز جزو روضه‌النبی(ص) قرار

۱- امروزه ستون‌های داخل روضه با سنگ مرمر سفید مشخص و داخل آن با رنگ سبز رنگ‌آمیزی شده است.

ص: ۲۱۵

می گیرد.

۶. بیت شریف پیامبر گرامی

(ص)

پیامبر(ص) در کنار مسجد، ابتدا اتاقی برای همسر خود سوده ساختند و در آن ساکن شدند. در سال بعد نیز حجره عایشه را بنا کردند. این اتاق‌ها در شرق مسجد قرار داشت؛ همان جایی که اکنون قبر پیامبر(ص) است. البته پس‌از چندی، برای صفیه و امّ‌سلمه؛ دو همسر دیگر رسول‌الله(ص) نیز اتاق‌هایی بنا گردید. منابع تاریخی، از بی‌نهایت سادگی این خانه‌ها سخن گفته‌اند. (۱) هنگامی که ولید بن عبدالملک برای توسعه مسجد، فرمانی صادر و آن خانه‌ها را خراب کرد، بسیاری از مسلمانان می گریستند و می گفتند کاش اجازه می‌دادند این خانه‌ها به همان شکل برای آیندگان بماند تا ببینند کسی که کلیدهای خزاین دنیا به دست اوست، چگونه به چند اتاق گِلی قناعت کرده است! (۲)

رسول خدا(ص) در نیمی از اتاقی که با عایشه زندگی می‌کردند دفن شدند و عایشه در نیمه دیگر زندگی می کرد. این اتاق‌ها همگی در هنگام توسعه مسجد تخریب شدند که موقعیت آن‌ها اکنون در داخل حجره و ضریح مطهر است.

۱- ابن سعد، همان، ج ۱، ص ۴۹۹

۲- سمهودی، همان، ج ۱، صص ۴۶۲- ۴۶۰، ابن سعد، همان‌جا.

ص: ۲۱۶

۷. خانه فاطمه

۳

خانه فاطمه و امام علی(ع) پشت خانه عایشه بود. دری به سمت شرق؛ یعنی کوچه و دری به سمت غرب؛ یعنی داخل مسجد و به موازات ستون‌های وفود و حرس قرار داشت. در دیوار جنوبی آن، روزنه‌ای به خانه پیامبر(ص) باز شده بود که آن حضرت همواره از آن احوال دخترشان را جویا می‌شدند و می‌فرمودند:

«السَّلامُ عَلَیْکُمْ أَهْلَ الْبیتِ».

و به روایتی دیگر:

«الصَّلاهُ، الصَّلاهُ، الصَّلاهُ،(إِنَّمَا یُرِیدُ اللهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَیُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً) (۱).»

خانه فاطمه ۳ در داخل ضریح کنونی و در انتهای دیواره غربی و شمالی حجره قرار گرفته است.

سمهودی گوید: میان خانه فاطمه ۳ و عایشه دیواری بوده و وسط خانه فاطمه ۳ مکانی است که مردم بسیار محترم می‌دارند و از روی آن عبور نمی‌کنند. برخی گفته‌اند که این مکانِ، قبر فاطمه ۳ است. سمهودی و برخی دیگر از مورّخان سنگ قبری نیز در آن، با عنوان «

هذا قبر فاطمه بنت رسول الله» دیده‌اند.

دری که اکنون در سمت باب جبرئیل، به عنوان درِ خانه حضرت فاطمه ۳ مشهور است، همان دری است که به سوی کوچه باز می‌شده

۱- احزاب: ۳۳

ص: ۲۱۷

است.

خداوند به پیامبرش فرمان داد تا همه درهایی که به مسجد باز می‌شد، جز درِ این خانه را ببندند؛ «

أَمَرَ بِسَدِّ الْاَبْوابِ إلّا باب علیّ

» این حدیث را بسیاری از مورّخان اهل سنت چون احمد بن حنبل، نسائی، طبرانی، حافظ بن حجر، حاکم نیشابوری و دیگران نقل کرده‌اند. (۱)(تصویر شماره ۸۹)

۸. مرقد مطهّر و منوّر پیامبرخدا

(ص)

هنگامی که «رحمه للعالمین» به «ربّ العالمین» پیوست، علی(ع) شیون‌کنان مسلمانان را از رحلت ایشان خبر داد؛ (۲) کسانی چون علی(ع)، عباس و پسران او، فضل و قثم و نیز اسامه بن زید برای انجام مراسم غسل و کفن پیامبر(ص) حضور یافتند. (۳) پس از انجام غسل و کفن پیامبر(ص)، برای دفن آن حضرت اختلاف پیش آمد. علی(ع) گفت: از پیامبر شنیده است که «هیچ پیامبری تاکنون رحلت نیافته جز آن‌که او را در همان جایی که از دنیا رفته

۱- ابن حجر عسقلانی، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۲، ص ۵۰۲؛ سبط بن جوزی، تذکره خواص الامه فی معرفه الائمه ۲۴؛ سمهودی، همان، ج ۱، صص ۴۷۴، ۴۷۵ و ۴۷۶. ابن جوزی، زاد المعاد فی هدی خیر العباد، ص ۲۴؛ سمهودی، همان جا.

۲- ابن سعد، همان، ج ۲، صص ۲۶۲ و ۲۷۸

۳- مقدسی، البدء و التاریخ، ج ۵، ص ۶۸؛ ابن اثیر، اسدالغابه فی معرفه الصحابه، ج ۱، ص ۳۴؛ طبری، تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۴۵۱؛ احمد بن حنبل، المسند، ج ۴، ص ۱۰۴؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۱، ص ۳۲۱

ص: ۲۱۸

دفن کرده‌اند»، لذا آن حضرت‌را با کمک چند تن از یاران خود، از بنی‌هاشم، در همان محلّی که رحلت کرد؛ یعنی در خانه خود، که عـایشه در آن می‌زیست به خـاک سپردنـد. خلیفه اول و پس از آن، خلیفه دوم نیز پس از فوت، کنار قبر پیامبر(ص) به خاک سپرده شدند. وضـعیت دفن آن دو، این گونه بود که ابوبکر را پشت سر پیامبر(ص) و سر او را محاذی شانه‌های آن حضرت و عمر را پشت سر ابـوبکر و سـر وی را محـاذی شانه‌هـای ابوبکر قرار دادنـد. عـایشه دیواری میـان قبور و محـل سـکونت خود کشـید و در نیمه آن زندگی می کرد. (۱)(تصویر شماره ۹۰)

۱- سمهودی، الوفاء بما یجب لحضره المصطفی، ۱۳۸

ص: ۲۱۹

عمربن عبدالعزیز حاکم مدینه، این دیوار و سایر اتاق‌ها را تخریب کرد و دیواری پنج‌ضلعی برگِرد سه قبر کشید و آن را مسقّف و اصلاح و تعمیر کرد. بعضی نیز گفته‌اند: پوشانیدن قبر پیامبر(ص) از چشم مردم، در زمان معاویه بود و آن هنگامی بود که امام حسن(ع) از دنیا رفت؛ بر اساس وصیّت نواده پیامبر خدا(ص) تصمیم به دفن ایشان کنار قبر پیامبر(ص) گرفتند ولی مروان بن حکم و عایشه با این امر مخالفت کردند؛ لذا ناگزیر امام حسین(ع)، جنازه برادر را در بقیع به خاک سپرد؛ پس از این واقعه، قبر پیامبر(ص) و دو خلیفه را با دیوار و سقفی پوشانیدند که حتی در هم نداشت. (۱) اکنون آن پنج ضلعی یاد شده با کاشی‌هایی منقش به آیات قرآن از داخل ضریح، البته به سختی قابل رؤیت است. اطراف اتاق‌های تخریب شده نیز یک دیوار ساخته‌اند که ضریح و حجره رسول خدا(ص) را امروزه تشکیل می‌دهد.

۸/۱. پوشش قبر: چنان‌که ابن نجّار نقل کرده، پس از پایان پوشش سنگ مرمر، دیوارهای مرقد، که به وسیله جواد اصفهانی در قرن ششم هجری انجام شده بود، پوششی از دیبای سفید، با تزیینات و ابریشم زرد و سرخ و حریر با نقش آیات سوره یس بر مقبره شریف قرار دادند که در دوران‌های بعد نیز پرده‌های بسیار زیبا و نفیسی برای پوشش این مقبره به مدینه ارسال می‌شد. (۲) اکنون نیز پرده داخلی کعبه، که به رنگ سبز است،

۱- سمهودی، وفاء الوفا، ج ۱، ص ۵۴۸

۲- سمهودی، همان، ج ۱، صص ۵۸۳- ۵۸۱

ص: ۲۲۰

پس از تعویض، بر روی مرقد پیامبر(ص) پوشانیده می‌شود.

۹. قبر فاطمه

دختر گرامی پیامبر(ص)

در تاریخ وفات و محل دفن حضرت فاطمه ۳ نظرات گوناگون وجود دارد؛ بیشتر منابع تاریخی، وفات آن حضـرت را شش ماه پس از رحلت پیـامبر گرامی اسـلام(ص) نوشـته‌اند، (۱) امـا نظریه مشـهور نزد شـیعه، ۷۵ یـا ۹۵ روز اسـت. (۲) در مـورد محـل دفن آن معصومه نیز سه روایت وجود دارد.

۱. طبق روایتی از ابن شبّه در «تاریخ المدینه»، قبر فاطمه ۳ در قبرسـتان بقیع و در گوشه خانه «عقیل‌بن ابی‌طالب» است. (۳) این خانه در ابتدای قبرستان بقیع و همان‌جایی بوده که امروز قبور ائمه شیعه واقع است.

ابن شبّه هم‌چنین از عبیدالله بن علی روایت کرده که حسن‌بن علی(ع) وصـیت کرد که مرا کنار قبر مادرم در بقیع دفن کنید، پس او را در مقبره‌ای کنـار قبر مـادرش؛ در مقابـل پنجره خانه نَبِیه بن وهب به خاک سپردنـد. در این مقبره دو قبر با سـنگ نبشـته‌ای وجود داشت: قبر حسن بن

۱- ابن قتیبه، الامامه و السیاسه، ج ۱، ص ۱۶؛ مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۰۹ بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۵۸۶؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۳۳۱؛ یعقوبی، همان، ج ۲، ص ۱۰۵؛ مقدسی، البدء و التاریخ، ج ۵، ص ۹؛ بخاری، همان، ج ۲، ص ۱۸۶

۲- ابن قتیبه، همان جا؛ مسعودی، همان، ج ۲، ص ۱۰۵

۳- ابن شبه، تاریخ المدینه المنوره، ج ۱، صص ۱۰۵ و ۱۰۶

ص: ۲۲۱

علی(ع) و قبر عایشه همسر پیامبر. (۱) سمهودی نقل کرده که امام صادق(ع) در بقیع کنار پدر و جده‌اش مدفون شد؛ بر قبور آنان سنگ نبشته مرمری با این عبارت دیده می‌شد:

«هذا قبرُ فاطمه بنت رسول الله سیّده نساء العالمین و قبر الحسن‌بن علی و علیّ بن الحسین و قبر محمّد بن علیّ و جعفربن محمد:». (۲)

علی‌بن موسی از مورّخان عصر عثمانی نیز گوید: فاطمه ۳ در کنار ائمه شیعه: مدفون شده است. (۳) در پایین قبور ائمه بزرگوار شیعه سنگ قبری مستقل قرار دارد که اهل سنت معتقدند قبر حضرت فاطمه ۳ است و بر اساس نظر شیعه این قبر متعلق به فاطمه بنت اسد است.

۲. برخی از مورّخان گفته‌اند قبر حضرت فاطمه ۳ در خانه ایشان قرار دارد. ابن شبّه و سمهودی نیز روایاتی در این مورد ارائه کرده‌اند؛ از جمله سمهودی گوید: فاطمه ۳ از علی(ع) در لحظات احتضار خواستند تا فرش خانه را برداشته و محلّی را برای دفن ایشان آماده سازد. (۴) شیخ صدوق از امام صادق(ع) روایت کرده است که فاطمه ۳ در داخل

۱- پیشین، ج ۱، ص ۱۰۷؛ مسعودی نیز گوید او را در بقیع کنار قبر مادرش فاطمه دفن کردند.(مروج الذهب، ج ۳، ص ۱۰).

۲- سمهودی، همان، ج ۲، ص ۹۰۵

۳- علی بن موسی، همان، ص ۱۱

۴- سمهودی، همان، ج ۲، ص ۹۰۳

ص: ۲۲۲

خانه خود، که در توسعه عمربن عبدالعزیز جزو مسجد شد، دفن گردیده‌اند. (۱) ابن شبّه همچنین از ابوغسّان روایت می‌کند که فاطمه ۳ در خانه خود دفن شده و بر مقبره او مثل همان چیزی که بر مقبره پدر ایشان قرار گرفت، ساختند؛ چون او را در شب به خاک سپردند، بسیاری از مردم خبر نیافتند. (۲) سمهودی گوید: هنگامی که پایه‌های گنبد مقبره پیامبر(ص) ساخته می‌شد، در سمت شرق آن؛ یعنی پشت حجره، مکانی مثلث شکل بود که قبری و لحدی در آن یافتند. خبر آن میان مردم سرو صدایی ایجاد کرد. (۳) علاوه برآن، روایات ابن شهر آشوب در «المناقب» و کلینی در «کافی» حاکی است که فاطمه ۳ در منزل خود، که امروزه داخل مقصوره و ضریح پیامبر اسلام(ص) قرار گرفته، مدفون گردیده است. (۴) ۳. گروهی چون ابوالفتوح رازی و ابن شهرآشوب از محدثان و مفسران شیعه نیز نقل کرده‌اند که قبر فاطمه ۳ در محل روضه‌النّبی(ص)؛ یعنی فاصله میان منبر و مرقد پیامبر قرار دارد (۵) که این نظریه نیز مؤید

۱- صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۴۸ و ج ۲، ص ۳۴۱؛ رحمانی الهمدانی، فاطمه الزهراء بهجه قلب المصطفی من المهد الی اللحد، ج ۲، ص ۲۷۰

۲- ابن شبه، همان، ج ۱، ص ۱۰۸؛ سمهودی، همان، ج ۱، ص ۹۰۳

۳- سمهودی، همان، ج ۲، ص ۹۰۷

۴- ابن شهرآشوب، مناقب الائمّه، ج ۳، ص ۳۶۵؛ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۶۱

۵- ابن شهرآشوب، همان‌جا؛ ابن جبیر، الرحله ص ۱۷۰

ص: ۲۲۳

نظریه دوم است؛ زیرا به اعتقاد شیعه؛ چنان‌که گفتیم، منزل حضرت فاطمه ۳ جزو روضه‌النبی(ص) محسوب می‌گردد. پس می‌توان این نظریه را با نظریه دسته دوم که محل دفن را در خانه ایشان می‌دانند، یکی دانست. در هر حال، بر اساس روایات مورد اعتماد شیعه، که عمدتاً کسانی چون شیخ صدوق، طوسی، مجلسی، ابن شهرآشوب و ... نقل کرده‌اند، احتمال دفن آن مکرّمه در منزل ایشان محتمل‌تر و قطعی‌تر است. این مکان امروزه در داخل دیوار شمالی حجره و مرقد پیامبر(ص) و پشت ایوان التهجد قرار دارد. والله اعلمُ بِالصّواب.

۱۰. مقام و مهبط جبرئیل امین

(ع)

درباره محلّ مقام و مهبط جبرئیل(ع) اختلاف است. ابن شبه از غسان روایت می‌کند؛ آن‌جایی که جبرئیل(ع) بر پیامبر(ص) هبوط کرد، نزدیک «باب آل عثمان»(باب جبرئیل(ع)) است. (۱) در گذشته، در مدخل این باب، سنگی سیاه‌تر از سنگ دیوارهای مسجد به ارتفاع حدود ۴۰ سانتی‌متر به عنوان نشانه مقام و مهبط جبرئیل(ع) قرار داده بودند.

در حقیقت امروز مکانِ مهبط جبرئیل امین(ع) در داخل ضریح و دیواره شمال شرقی حجره مطهّره قرار گرفته است؛ زیرا در قبل از توسعه، باب جبرئیل ۳ متر بالاتر و کمی جلوتر از باب جبرئیل کنونی

۱- ابن شبه، همان، ج ۱، ص ۶- ۵

ص: ۲۲۴

بوده است. (۱) ۱۱. محل اذان بلال

هنگامی که پیامبر(ص) به بلال حبشی فرمود، اذان گوید، وی بر دیوار جنوب غربی مسجد یا بر ستونی در خانه عبدالله‌بن عمر در جنوب مسجد(دارالعشره) اذان گفت. پس از تغییر قبله و زمانی که پیامبر(ص) به توسعه مسجد پرداختند؛ یعنی بعد از غزوه خیبر، این محل داخل مسجد قرار گرفت و در حقیقت محل اذان جدید مقداری پایین‌تر و نزدیک صحن مسجد، در انتهای دیواره شمال غربی گردید.

بعدها به یاد بلال حبشی، یار فداکار رسول الله(ص) مئذنه‌ای زیبا از سنگ مرمر سفید، به ارتفاع دو متر ساختند که بر ستون‌هایی از سنگ استوار و اکنون در اوقات پنج گانه بر آن اذان سر می‌دهند.

۱- ر. ک. بحث باب جبرئیل در صفحات بعد.

ص: ۲۲۵

۱۲. درهای مسجد

اشاره

از هنگـام بنـای مسـجدالنّبی(ص) تـاکنون، تعـداد درهـای آن گـاهی افزایش و یـا کـاهش یـافته اسـت. این مسـجد در زمـان حیـات پیامبر(ص) تنها سه در داشت و در دوران‌های بعـد؛ به ویژه دوران اموی، تعداد آن‌ها به ۲۰ عدد رسید. در دوران عثمانی، همه درها بسته شـد و تنها پنـج در به‌جا مانـد. در ابتـدای دوران حکومت سـعودی، شـش درِ دیگر به مجموع آن افزوده شد و در توسـعه دوم سعودی، تعداد درها به ۴۲ رسید.

۱/ ۱۲ عصر پیامبر (ص)

«باب جبرئیل(ع)» در میانه دیوار شرقی. ۲. «باب الرَّحمه» در شمال دیوار غربی.

۳. «باب عاتکه» در میان دیوار جنوبی. (۱) باب جبرئیل(ع)

این در، از مهم‌ترین درهای مسجدالنّبی(ص) است که به نام‌های «باب

۱- پیامبر ۹ هنگام تغییر قبله به سوی مسـجد الحرام، باب عاتکه را مسـدود و باب دیگری که ظاهراً در شـمال مسـجد قرار داشت به جای آن گشود.

ص: ۲۲۶

الجنائز»، «باب الجبر» و «باب عثمان» نیز معروف بوده است. وجه نامگـذاری آن به «جبرئیل» چنین است که آن مأمور امین و آورنـده وحی، در پایان غزوه خندق، در این مکان به محضـر پیامبر(ص) رسـید و به آن حضـرت گفت: خداوند می‌فرماید: ما هرگز تو را به افکنـدن سـلاح امر نکرده‌ایـم، بایـد بـه سـوی بنی‌قریظه حرکت کنی؛ آن‌گـاه افزود: من به سـوی آنـان رفته و در خانه‌هایشـان زلزله می‌افکنم. پس رسول الله(ص) به بلال فرمان داد که اذان سـر دهـد و آن‌گاه خطاب به مسـلمانان فرمودند: «هر کس که از ما اطاعت می‌کنـد، نبایـد نماز عصـر را جز در سـرزمین بنی‌قریظه بخوانـد». صـحابه بی‌درنگ مسلح و بسیج شده و همراه پیامبر(ص) حرکت کردنـد. این باب را به آن سـبب «باب الجنائز» گفته‌انـد که مکان نماز بر مردگان(مکان جنائز) در مجاورت آن قرار دارد و هم‌چنین پس از اقامه نماز بر میت، تشـییع‌کنندگان مجبور بودنـد وی را از این باب به سوی «قبرسـتان بقیع» ببرنـد و لذا آن را «باب الجبر» هم نامیده‌انـد. این در به «بـاب عثمـان» نیز معروف بود؛ زیرا روبه‌روی خـانه عثمان بن عفّان قرار داشت. باب جبرئیل(ع) اکنون در جای اصلی خود نیست، بلکه در توسعه نخستین مسجد، پس از غزوه خیبر، حدود چهار متر پایین‌تر، به سمت شمال منتقل شد که موقعیت آن اکنون منتهی‌الیه دیوار شـرقی خـانه فاطمه ۳ است. (۱) در توسـعه عثمـان‌بن عفـان از این مکان نیز حـدود سه متر همراه با دیوار شرقی عقب‌تر رفت و لذا محلّ اوّلی آن، داخل مسـجد قرار گرفت. (۲) در توسعه عبدالمجید عثمانی(۱۲۶۵ ق.) برای سهولت ورود و خروج زائران یا برای

۱- ر. ك. به: نقشه توسعه مسجدالنبی ۹ در صفحات بعد.

۲- سمهودی، همان، ج ۱، ص ۶۸۹

ص: ۲۲۷

امکان اقامه نماز در بیرون مسجد، این در بسته شد و درِ دیگری به موازات آن، حدود سه تا چهار متر پایین‌تر، به طرف شمال، در همان دیوار باز شد که امروزه این در پابرجا و به «باب جبرئیل» مشهور است.

در مکان پیشین این در، که در دوره عثمانی تغییر یافت، پنجره‌ای گذاشته و بالای آن به خط زیبایی این آیه را نوشتند:

(إِنَّ اللهَ وَ مَلائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيماً). (۱)

این کار به این دلیل انجام شد که مکان اصلی باب جبرئیل(ع) در دوره عثمان مشخص باشد. از آن‌جا که اکنون اتاقکی بزرگ برای قرار دادن ابزار و ادوات نظافت مسجد و خادمان ساخته‌اند، آن پنجره در دید قرار ندارد.

۲/ ۱۲. دوران عمربن خطاب

عمربن خطاب در سمت شرق و غرب، دو در به درهای مسجدالنبی(ص) افزود. «باب‌النّساء» را بعد از باب جبرئیل(ع) و «باب السّلام» را بعد از باب الرّحمه قرار داد.

۳/ ۱۲. دوران عمربن عبدالعزیز

دکتر اصغر قائدان، درسنامه آشنایی با تاریخ و اماکن مقدس مکه مکرمه و مدینه منوره، ۱جلد، نشر مشعر - تهران، چاپ: ۱، تابستان ۱۳۸۹.

درسنامه آشنایی با تاریخ مکه مکرمه و مدینه منوره ؛ ؛ ص۲۲۷

ربن عبدالعزیز، حاکم مدینه، در دوران ولیدبن عبدالملک از ۸۶ تا ۹۶ ق. اقدام به توسعه و ترمیم مسجدالنّبی(ص) کرد. در این زمان تعداد درهای مسجد به ۲۰ رسید، که در سمت شرق ۹ در و در غرب ۷ در و

۱- احزاب: ۵۶

ص: ۲۲۸

در سمت شمال ۴ در بود. (۱) ۴/ ۱۲. دوران عثمانی

در دوران عثمانی، غیر از پنج درِ اصلی، دیگر درها بسته شد. آن‌ها عبارت بودند از: در غرب؛ باب السّلام و باب الرَّحمه. در شرق؛ باب النّساء و باب جبرئیل(ع). در شمال؛ باب التوسّل یا باب المجیدی. (۲) ۵/ ۱۲. دوران سعودی

در سال‌های آغازین حکومت سعودی، تعداد درهای مسجد به ۱۱ رسید، یعنی به ۵ درِ پیشین ۶ در افزوده شد؛ در شرق، باب البقیع، که مقابل پای مبارک پیامبر(ص) و کنار مناره گنبد سبز است. در غرب ابواب صدیق(سه ورودی) در شمال، باب عثمان، باب عمربن خطاب، باب عبدالعزیز و باب ملک سعود. در توسعه دوم؛ یعنی دوران فهدبن عبدالعزیز، ۴۲ در به درهای مسجد و ورودی افزوده شد.

۱۳ مأذنه‌ها

در دوران پیامبر(ص)، بلال حبشی بر ستونی که داخل خانه عبدالله بن عمر بود، اذان می‌گفت. این امر پیش از تغییر قبله بود. بعدها غلام عباس بن عبدالمطّلب، که وی را «کلاب» می‌گفتند، نخستین مأذنه را برای مسجد ساخت. عمربن عبدالعزیز نیز چهار مأذنه در چهار گوشه مسجد بنا کرد. این مأذنه‌ها در چند دوره تعمیر و بازسازی شده‌اند. در دوران عثمانی تعداد آن‌ها به

۱- سمهودی، همان، ج ۱، صص ۶۸۶ تا ۶۹۸، نجفی، مدینه‌شناسی، صص ۱۱۰ و ۱۱۱

۲- سمهودی، همان، ج ۱، صص ۶۹۸- ۶۸۶

ص: ۲۲۹

پنج رسید که مأذنه باب‌البقیع و باب السلام از آن دوران به همراه ۷ مأذنه دیگر که در عصر سعودی ساخته شد زینت‌بخش مسجدالنبی(ص) است.

۱۴. قبه الخضراء

پایه‌گذار این گنبد، ممالیک مصر بودند که آن را بر ستون‌های اطراف مرقد، به صورت هشت ضلعی استوار ساختند. در دوران سلطان عبدالحمید عثمانی گنبد مقبره پیامبر خدا(ص) ترمیم و به نحو اساسی‌تری بنا نهاده شد؛ چون جدار خارجی آن، با پوشش سبز مزیّن گردید، این گنبد به «قبه‌الخضراء» معروف شد. تمامی سطوح داخلی گنبد به‌طور بسیار زیبایی تزیین و کاشی‌کاری و خطاطی شده است. قبه‌الخضراء از دوران عثمانی هم‌چنان باقی مانده است. از آن‌جا که ساخت چنین بناهایی بر روی قبور، به اعتقاد وهابیت حرام است، لذا در بازسازی، نصب چراغ و روشنایی و حتی نظافت ظاهری، اعتنایی به آن نمی‌شود. البته روشن است که این باور نزد شیعه و سنّی، پذیرفته نیست.

۱۵. قبه الزرقاء

قبه الزرقاء (۱)
قبّه یا گنبد زرقاء را روی محراب عثمان، در دیوار جنوبی ساخته و در سال ۸۹۲ ق. نیز بازسازی شد. (۲) اکنون این گنبد در مجاورت گنبد خضرا قرار دارد.(تصویر شماره ۹۱)

ج) آتش‌سوزی‌های مسجدالنّبی (ص)

۱- زرقاء مؤنث ازرق به معنای رنگ کبود یا رنگ آبی آسمانی است.

۲- سمهودی، وفاء الوفا، ج ۱، صص ۶۱۱- ۶۰۸

ص: ۲۳۰

مسجد رسول خدا(ص) در دو نوبت، یکی در ۶۵۴ ق. و دیگری در ۸۸۶ ق. دچار آتش‌سوزی شد و بسیاری از لوازم و تزئینات آن در آتش سوخت. سلطان اشرف قایتبای و دیگر ممالیک با تلاش فراوان مسجد را کاملًا بازسازی و ترمیم کردند.

د) سیر تاریخی توسعه مسجدالنّبی (ص) از آغاز تاکنون

۱. دوران پیامبر خدا (ص) (۷ ق.)

همان‌گونه که در مبحث ساخت مسجدالنّبی(ص) گفتیم، طول مسجد هفتاد و عرض آن شصت ذرع؛ یعنی برابر با ۳۵* ۳۰ متر (۱) بود که مساحت آن به ۱۰۲۰ مترمربع می‌رسید. پیامبر(ص) در سال هفتم هجرت؛ یعنی پس از بازگشت از غزوه خیبر، به توسعه مسجد پرداختند و سه ستون از سمت غرب و شمال به مسجد اضافه کردند و آن را به صورت مربع درآوردند؛ یعنی هر ضلع آن به ۱۰۰ ذرع (۲) برابر با ۴۹ متر می‌رسید که مساحت آن ۲۴۵۰ مترمربع گردید. افزوده‌های پیامبر(ص) در این دوران، ۱۴۱۰ مترمربع بوده است.

در دوران‌های پس از رسول خدا(ص) خلفا، هر یک به بازسازی مسجدالنبی(ص) پرداخته و آن را توسعه دادند. خلیفه دوم نخستین کسی بود که به این کار اقدام کرد، سپس خلیفه سوم، عمر بن عبدالعزیز، مهدی عباسی و ملك اشرف قایتبای هر یک مسجد را توسعه دادند. در عصر

۱- هر ذرع هاشمی برابر با ۳۳/ ۴۹ سانتی‌متر است که این محاسبات بر این اساس انجام شده است. شایان یادآوری است میزان مطابقت ذرع با سانتی‌متر در میان اقوام و ملل تا حدودی متفاوت است و ذرع هم انواعی دارد که ما در این جا فقط بر اساس ذرع هاشمی یعنی ۳۳/ ۴۹ سانتی‌متر محاسبه کرده‌ایم.

۲- ابن رسته، اعلاق النفیسه ص ۶۴

ص: ۲۳۱

عثمانی ۱۳۰۰ متر مربع به مساحت مسجد افزوده شد و مساحت آن به حدود ۱۰۰ /۱۰ متر مربع رسید.

۲. مسجدالنبی (ص) در عصر حاضر

عمـده‌ترین توسـعه مسـجدالنبی(ص) در دوران حکمرانی خانـدان آل سـعود بود که مسـاحت آن به ده‌ها برابر رسـید. در جریان این توسـعه‌ها، که عمـدتاً از زمان ملک عبـدالعزیز(۱۳۴۸ ق.) آغـاز و در ۱۳۷۹ ق. بـا دو مرحله توسـعه پایـان یافت، بسیاری از اماکن تاریخی، خانه‌های صحابه و ائمه‌اطهار: تخریب و در طرح توسعه قرارگرفت.

توسعه‌های سعودی بیشتر از سمت شمال، غرب و شرق بود. نخستین توسعه از ۱۳۷۰ ق. آغاز شد و مساحتی بالغ بر ۱۶ هزار مترمربع تخریب شد که ۲۵۰ /۶ متر آن از دوران عثمانی‌هـا بود. در مجموع ۳۵۰ /۱۶ متر مربع توسـعه یافت که مساحت مسجد به ۵۷۰ /۲۳ متر مربع رسید.

دومین توسعه در دوران ملک سعود انجام گرفت که ۰۰۰ /۳۵ متر مربع به عنوان نمازگاه به مسجد اضافه شد و در مرحله بعد ۵۵۵۰ مترمربع دیگر مسقّف گردید.

در توسـعه سوم سعودی، که در دوران ملک خالد بن عبدالعزیز انجام شد، حدود ۰۰۰ /۴۳ مترمربع از فضای اطراف تخریب گردید. بزرگ‌تریـن توسـعه در دوران فهـد بـن عبـدالعزیز در دو مرحله انجـام شـد. در این توسـعه که از ۱۴۰۶ ق. آغـاز شـد، کلیه بازارها، مغازه‌هـا و خانه‌های تاریخی اطراف مسـجد تا شـعاع یک کیلومتری، به مساحت ۱۰۰ هزار مـترمربع تخریب و بر مسـجدالنّبی(ص) و اطراف آن افزوده شـد. مجموع آثـار تخریب شـده در اطراف مسـجدالنبی(ص) تـا این زمـان، که نگارنـده آن‌ها را شـناسایی کرده، نزدیک به چهل اثر تاریخی

ص: ۲۳۲

است. اگرچه جمعیت روزافزون زائران این مسجد، حکام عربستان را از توسعه ناچار ساخته است، اما آنان می‌توانستند برای حفظ آن آثار مهم، که هویّت تاریخی مسلمانان جهان است، لااقل نام آن‌ها را با نشان یا اسم مکان بر روی سنگفرش‌ها ثبت کنند. این در حالی است که هیأت‌های مختلف باستانشناسی عربستان، به طور مستمر در مناطق شمالی و جنوبی این کشور درصدد کشف آثار تاریخی دوران قبل از اسلام یعنی دوران شرک و جاهلیت هستند، اما آثار عصر اسلامی با بی‌مهری و بی‌اعتنایی رو به تخریب می‌رود.

در یک جمع‌بندی، مساحت‌های توسعه در دوران اخیر را، که در دو مرحله انجام شده، می‌توان این‌گونه بیان کرد: مساحت افزوده شده به مسجد ۰۰۰/ ۱۰۰ مترمربع، پشت بام ۰۰۰/ ۶۷ متر مربع، پیرامون مسجد ۰۰۰/ ۲۳۵ متر مربع که مجموع آن به بیش از ۰۰۰/ ۴۰۰ مترمربع می‌رسد و یک میلیون نمازگزار را در خود جای می‌دهد.

این در این توسعه‌ها تعداد مأذنه‌ها به ۱۰ مأذنه با ارتفاع ۶۰ متر و تعداد درهای ورودی به ۴۲ باب افزایش یافت. بر سقف‌های افزوده شده در این توسعه ۲۷ گنبد متحرک که به وسیله ریل در روز و شب جابه‌جا می‌شوند با ارتفاع ۵/ ۱۶ متر و وزن ۸۰ تن قرار یافت که حکایت از استفاده از فن‌آوری پیشرفته‌ای دارد. مسجد با تونلی از ایستگاه تهویه هوا که در ۷ کیلومتری مسجدالنبی(ص) قرار دارد، از هوای خنک برخوردار می‌گردد و سطح زمین فضاهای بیرونی(صحن‌ها) در محدوده اقامه نماز نیز به واسطه

ص: ۲۳۳

حرکت جریان هوای سرد در زیرزمین، خنک و سرد می گردد. (۱) هزینه‌های مصرف‌شده در این توسعه، ۳۰ میلیارد ریال سعودی بوده است. (۲)(تصاویر شماره ۹۲ تا ۹۷)

دوره طول و عرض بر حسب ذراع طول و عرض بر اساس متر مربع مساحت(متر مربع) افزوده‌ها

۱ ابتدای احداث ۷۰* ۵۹ ۴۲۰۰ /۶۰ /۲۹* ۵۳/ ۷۴ ۳۴/ ۱۰۲۱

۲ توسعه پیامبر ۱۰۰* ۳۳ ۱۰۰۰۰/ ۱۰۰/ ۴۹* ۳۳/ ۴۴ ۴۹/ ۱۷ ۲۴۳۳/ ۱۴۱۱

۳ خلیفه دوم ۱۴۰* ۱۹ ۱۶۸۰۰/ ۱۲۰/ ۵۹* ۰۶/ ۷۷ ۶۹/ ۳۳ ۴۰۸۷/ ۱۶۵۴

۴ خلیفه سوم ۱۷۰* ۱۲ ۲۲۱۰۰/ ۱۳۰/ ۶۴* ۸۶/ ۴۹۶ ۴۵۸۳ ۸۳

۵ ولید بن عبدالملک(عمر بن عبدالعزیز) ۲۰۰* ۱۳۵

۲۰۰* ۵/ ۵۹ ۲۷۰۰۰/ ۱۶۷/ ۶۶* ۶۶/ ۲۳۶۹ ۶۹۵۳ ۹۸

۶ مهدی عباسی ۲۵۳* ۵۹ ۳۴۱۵۵/ ۱۳۵/ ۶۶* ۸۰/ ۲۴۵۰ ۹۴۰۳ ۱۲۴

۷ ملک اشرف قایتبای- ۱۲۰ ۹۵۲۳

۸ عبدالمجید عثمانی ۱۲۹۳ ۱۰۹۳۹

۹ ملک عبدالعزیز و سعود ۶۰۲۴ ۱۶۹۶۳

۱۰ ملک فهد بن عبدالعزیز ۱۰۰۰۰۰ ۱۱۷۰۰۰

۱۱ توسعه اطراف مسجد(۱۴۱۶ ق.) و سطح اختصاصی برای نماز+ ۲۳۵۰۰۰(اطراف مسجد)

۶۸۰۰۰(سطح طبقه اول)

۴۰۵۰۰۰ متر مربع/ ۲۹۰۰۰۰

۱. مکان الجنائز ۲۶. ستون وفود

۱- عبیدالله امین کردی، مکه و مدینه تصویری از توسعه و نوسازی، ترجمه حسین صابری، ص ۲۸۵

۲- عبداللطیف بن عبدالله بن دهیش، عماره المسجد الحرام والمسجد النبوی فی العهد السعودی، صص ۳۹۳- ۳۸۰

ص: ۲۳۴

۲. مهبط جبرئیل ۲۷. ستون توبه

۳. مکان اصلی باب جبرئیل(در دوران پیامبر(ص)) ۲۸. ستون عایشه

۴. مکان باب جبرئیل در توسعه پس از غزوه خیبر ۲۹. ستون مخلقه

۵. مکان باب جبرئیل در عصر عثمانی و سعودی ۳۰. ستون مقام جبرئیل(ع)

۶. مکان اصلی باب الرحمه در عصر پیامبر(ص) ۳۱. ستون تهجد

۷. مکان کنونی باب الرحمه ۳۲. قبر رسول خدا(ص)

۷. باب الشمالی در عصر پیامبر(ص) ۳۳. قبر خلیفه اول، ابوبکر بن ابی قحافه

۹. باب عاتکه در دوران پیامبر(ص) ۳۴. قبر خلیفه دوم، عمر بن خطاب

۱۰. مکان اصلی باب النساء در دوران خلیفه دوم

۱۱. مکان کنونی باب النساء

۱۲. مکان اصلی باب السلام در عصر خلیفه دوم

۱۳. مکان کنونی باب السلام

۱۴. باب البقیع

۱۵. ابواب صدیق در دوران سعودی

۱۶. مئذنه بلال حبشی پس از تغییر قبله

۱۷. منبر پیامبر(ص)

۱۸. محراب النبی(ص)

۱۹. محراب عثمان بن عفان

۲۰. محراب سلیمانی یا حنفی

۲۱. مناره اصلی(دوران عثمانی)

۲۲. مناره باب السلام(دوران عثمانی

۲۳. مناره باب الرحمه

۲۴. ستون سریر

۲۵. ستون حرس(امام علی(ع))

ص: ۲۳۵

خلاصه درس

ص: ۲۳۶

پیامبر(ص) به هنگام ورود به مدینه با تقاضاهای زیاد قبایل مختلف برای سکونت در منازل آنان روبه‌رو گردید و در پاسخ به این همه شور و اشتیاق، انتخاب را ناگزیر به تقدیر الهی سپرد و با اشاره به شتر خویش(القصوه) فرمود: «راه شتر را باز بگذارید که او مأمور است».

سرانجام شتر پس از عبور از میان قبایل مختلف، کنار خانه «ابوایوب انصاری» زانو زد. پیامبر(ص) زمینی را کنار خانه وی خریداری و نخستین مسجد را در مدینه که به دست ایشان ساخته می‌شد را بنا کردند.

اصحاب پس از بالا بردن دیوارها، سقف مسجد را با شاخه‌های نخل پوشانیدند.

مسجد پیامبر(ص)، از آغاز احداث، شاهد ماجراهای مهمّی در تاریخ صدر اسلام بود. در این مسجد اساسی‌ترین موضوعات مربوط به اداره حکومت اسلامی با حضور پیامبر(ص) بحث و بررسی می‌شد. دوّمین حادثه مهم در تاریخ این مسجد، انعقاد پیمان‌نامه عمومی مدینه و نیز برقراری پیمان مؤاخاهیا برادری میان مهاجر و انصار از سوی منادی وحدت بود.

آثار تاریخی و مقدس مسجدالنّبی(ص) عبارتند از:

۱. ستون‌های مسجدالنّبی(ص)؛ ۲. ایوان صُفّه یا منزلگاه فقرا؛ ۳. منبر؛ ۴. محراب‌ها؛ ۵. روضه النّبی(ص)؛ ۶. بیت شریف پیامبر گرامی(ص)؛ ۷. خانه فاطمه ۳؛ ۸. مرقد مطهّر و منوّر پیامبرخدا(ص)؛ ۹. قبر فاطمه ۳؛ ۱۰. مقام و مهبط جبرئیل امین(ع)؛ ۱۱. محل اذان بلال؛ ۱۲. درهای مسجد.

در دوران‌های پس از رسول خدا(ص) خلفا، هر یک به بازسازی مسجدالنبی پرداخته و آن را توسعه دادند. عمده‌ترین توسعه مسجدالنبی(ص) در دوران حکمرانی خاندان آل سعود بود که مساحت آن به صدها برابر

ص: ۲۳۷

رسید.

در یک جمع‌بندی، مساحت‌های توسعه در دوران اخیر را، که در دو مرحله انجام شده، می‌توان این گونه بیان کرد: مساحت افزوده شده به مسجد ۰۰۰/ ۱۰۰ مترمربع. پشت بام ۰۰۰/ ۶۷ متر مربع. پیرامون مسجد ۰۰۰/ ۲۳۵ متر مربع که مجموع آن به بیش از ۰۰۰/ ۴۰۰ مترمربع می‌رسد و یک میلیون نمازگزار را در خود جای می‌دهد.

خودآزمایی

۱. حوادث و رویدادهای مهمی که در تاریخ مسجدالنبی(ص) وجود دارد را بیان کنید.

۲. آثار تاریخی مسجدالنبی(ص) را نام ببرید.

۳. دلیل شکل گیری ایوان صفه چیست؟

۴. روایاتی که در ارتباط با محل دفن حضرت فاطمه ۳ وجود دارد را ذکر کنید.

۵. سیر تاریخی توسعه مسجدالنبی را توضیح دهید.

۶. روضه النبی را با ذکر روایات شرح دهید.

۷. نام‌های دیگر باب جبرئیل و وجه نامگذاری آن‌ها چیست؟

ص: ۲۳۸

ص: ۲۳۹

منابع و مآخذ

الف) عربی

۱. آلبانی، محمد ناصرالدین، صحیح سنن نسائی، ریاض، زهیرالشادیش، المکتب التربیه العربی لدول الخلیج: چاپ اول ۱۴۰۹.

۲. ابن ابی شیبه، حافظ عبدالله بن محمد(م ۲۳۵)، المُصنّف فی الاحادیث والآثار، تحقیق سعید محمداللحام، بیروت: دارالفکر، چاپ اول ۱۴۰۹ ق.

۳. ابن ابی الحدید، عزّالدین ابو حامد(۶۵۵- ۵۸۶ ه-.) شرح نهج‌البلاغه، تحقیق: ابوالفضل ابراهیم، قاهره: دار احیاء الکتب العربی، ۱۳۷۸ ق.

۴. ابن اثیر جزری الشیبانی، عزالدین ابی الحسن(م ۶۳۰ ه.)، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر، دار بیروت ۱۹۵۶ ق.

۵. ابن اثیر جزری، مجدالدّین ابی السعادات(۵۵۴ ۶۰۶)، النهایه فی غریب الحدیث و الأثر، تحقیق طاهر احمد الرادی، محمود محمد الطناحی، بیروت: مکتبه العلمیه [بی‌تا].

۶. ابن بابویه قمی، ابی جعفر محمد، من لا یحضره الفقیه، تحقیق: موسوی الخراسانی، نجف: چاپ چهارم ۱۳۷۷ ق.

۷. ابن بطوطه، ابو عبدالله محمد بن ابراهیم(۷۵۶- ۶۸۳ ق.)، رحله ابن بطوطه، بیروت: دار بیروت- دار صادر ۱۳۷۹ ق.

ص: ۲۴۰

۸. ابن جبیر، ابی الحسن محمـد، رسـاله اعتبـار الناسک فی ذکر الآثار الکریمه و المناسک، معروف به «الرحله ابن جبیر»، بیروت: دار مکتبه الهلال، چاپ دوم ۱۹۸۶ م.

۹. ابن جـوزی، یوسـف بن حسـام الـدّین قز اوغلی سـبط(۶۵۴- ۵۸۲ ه.)، تـذکره خواص الامه فی معرفه الائمه، فی هـامشه مطـالب السئول، محمد بن طلحه نصیبی شافعی، چاپ سنگی ۱۲۸۵ ش.

۱۰. ابن حجر عسقلانی، الاصابه فی تمییز الصحابه، مصر: مصطفی محمد، ۱۳۵۸ ق.

۱۱. همو، تهذیب التّهذیب، هند: مجلس دائره المعارف النظامیه، حیدرآباد دکن ۱۳۲۵ ق.

۱۲. همو، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، التزام، عبدالرحمان محمد، بیروت: دار احیاء، چاپ دوم ۱۴۰۸ ق.

۱۳. همو، المطالب العالیّه بزوائد المسانید الثمانیّه، مکّه المکرمه، دار ابن باز [بی تا].

۱۴. ابن حجر هیثمی، شـهاب الدین(۹۷۴- ۹۰۹ ه.)، الصّواعق المحرقه فی الرّد علی اهل البـدع و الزندقه، مصـر: مطبعه الیمینیه، احمد البابی الحلبی، چاپ سنگی ۱۳۱۲ ق.

۱۵. همو، تحفه الزّوار الی قبر النّبی المختار، تحقیق: سید ابو عمه، مصر: دارالصحاب للتراث بطنطا، چاپ اول ۱۴۱۲ ق.

۱۶. ابن حجر هیثمی، نورالـدین علی بن ابی‌بکر(۸۷۵ ه.)، موارد الظمان الی زوائـد ابن حَبّان، حققه و نشـره محمد عبدالرزاق حمزه، بیروت: دارالکتب العلمیه [بی تا].

ص: ۲۴۱

۱۷. ابن حزم اندلسی، ابو محمد علی بن احمد بن یعید، المُحلَّی بالآثار، تحقیق عبدالغفار سلیمان البغدادی بیروت: دار الکتب ۱۴۰۸ ق.

۱۸. ابن حنبل، احمد بن محمد(۱۶۴- ۲۴۱ ه.)، المسند، شرح و وضع فهارسه احمد محمد شاکر، مصر: دارالمعارف للطباعه و النشر، چاپ دوم ۱۳۶۸ ق.

۱۹. ابن حیان، حافظ ابی محمد جعفر(م ۳۶۹ ه.)، اخلاق النبی(ص)، دراسه و تحقیق، سید الکمیلی، بیروت: دار الکتاب العربی، چاپ سوم ۱۴۰۹ ق.

۲۰. ابن خردادبه، ابی القاسم عبیدالله بن عبدالله، المسالک و الممالک، وضع مقدمته و هوامشه محمد مخزوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی ۱۴۰۸ ق.

۲۱. ابن خلدون، ابو زید عبدالرحمن بن محمد(۷۳۴- ۸۰۸ ه.)، العبر و دیوان المبتدا و الخبر فی ایام العرب و العجم و البربر ومن عاصرهم من ذوی السلطان الاکبر، بیروت: دار الکتب ۱۹۵۶ م.

۲۲. ابن رسته، احمد بن‌عمر، الاعلاق النفیسه، تصحیح و ستنفلد، لیدن: ای جی بریل ۱۸۹۱ م.

۲۳. ابن رشید فهری البستی، ابی عبدالله محمد بن عمر، ملء العَیْبه بما جُمع بطول الغَیبه فی الوجهه الوجیهه الی الحرمین مکه و طیّبه، تحقیق: محمد الحبیب بن الخوجه، بیروت: دارالمغرب الاسلامی، چاپ اول ۱۴۰۸ ق.

۲۴. ابن سلیمان، محمد بن محمد، جمع الفوائد من جامع الاصول و مجمع الزوائد، قبرس: بنک فیصل الاسلامی ۱۴۰۵ ق.

۲۵. ابن شبه النمیری البصری، ابوزید عمر(۱۷۳- ۲۶۲ ه.)، تاریخ المدینه المنوره، حققه فهیم محمد شلتوت، بیروت: دار التراث، چاپ اول ۱۴۱۰ ق.

ص: ۲۴۲

۲۶. ابن شهرآشوب، ابی جعفر رشیدالدین(م ۵۸۸ ه.)، المناقب الائمه/ المناقب آل ابی طالب، قم: مطبعه العلمیه [بی‌تا].

۲۷. ابن صباغ مالکی، علی بن محمد بن احمد المغربی المالکی(م ۸۵۵ ه.)، الفصول المهمه فی معرفه احوال الائمه، نجف: مکتبه الحیدریه، چاپ سوم ۱۳۸۱ ق.

۲۸. ابن ظهیره المخزومی القرشی، جمال الدین محمد جارالله بن محمد، الجامع اللطیف فی فضل مکه و اهلها وبناء البیت الشریف، بیروت: المکتبه الشعبیه، چاپ پنجم ۱۳۹۹ ق.

۲۹. ابن عبدالبر، ابو عمر یوسف بن عبدالله نمری قرطبی اشعری(۳۶۸ ه. ۴۶۰)، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، مصر: مطبعه مصطفی ۱۳۵۸ ق.

۳۰. ابن عبدربه الاندلسی، احمد بن محمد(م ۳۲۸ ه.)، العقد الفرید، تحقیق عبدالمجید استرحیتی، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ سوم ۱۴۰۷ ق.

۳۱. ابن علان شافعی الاشعری الملکی، محمد بن علان(م ۱۰۵۷ ه.)، دلیل الفالحین لطرق ریاض الصالحین، تصحیح وتعلیق محمود حسن ربیع، مصر: مصطفی البابی الحلبی [بی‌تا].

۳۲. ابن قتیبه دینوری، ابی محمد عبدالله بن مسلم(۲۷۶- ۳۱۳ ه.)، المعارف، حققه و قدم له ثروت عکاشه، مصر: دارالمعارف، چاپ دوم ۱۹۶۹ م.

۳۳. همو، الامامه والسیاسه،(منسوب به ابن قتیبه)، قم: منشورات الشریف الرضی و مصر: مصطفی البابی الحلبی، چاپ دوم ۱۳۷۷ ق.

۳۴. همو، تأویل مختلف الحدیث، تحقیق عبدالقادر احمد عطا، بیروت: مؤسسه الکتب الثقافیّه ۱۴۰۸ ق.

۳۵. ابن قیم جوزی، زادالمعاد فی هدی خیر العباد، فهرسه محمد ادیب الجاور،

ص: ۲۴۳

بیروت: مؤسسه الرساله ۱۴۱۲ ق. و تحقیق محمد حامد الفقی، قاهره: مطبعه السنه المحمدیه ۱۳۷۳ ق.

۳۶. ابن کثیرالقرشی الدمشقی الشافعی، عماد الدین ابوالفداء اسماعیل بن عمر(۷۰۰- ۷۷۴ ه.)، البدایه و النهایه فی التاریخ، مصر: مطبعه السعاده ۱۳۵۱ ق. و بیروت ۱۴۰۹ ق.

۳۷. ابن ماجه، ابی عبدالله محمد بن یزید، السنن، به اهتمام محمد فؤاد عبدالباقی و محمد الاعظمی، ریاض ۱۳۰۴ ق.

۳۸. ابن منظور، امام علّامه، لسان العرب، تحقیق علی سیری، بیروت: دار احیاءالتراث العربی، چاپ اول ۱۴۰۸ ق.

۳۹. ابن موسی، علی، رساله فی وصف المدینه المنوره، فی ذیل رسائل فی تاریخ المدینه، جمعها و قدم لها حمد الجاسر، ریاض: منشورات دارالیمامه ۱۳۹۳ ق.

۴۰. ابن نجّار، امام حافظ بن محمود، اخبار مدینه الرسول، المعروف بالدُّرّه الثمینه- تحقیق صالح محمد جمال، مکه المکرمه: مکتبه الثقافه، چاپ سوم ۱۴۰۱ ق.

۴۱. ابن وردی، زین‌الدّین عمربن مظفر(م ۷۴۹)، تاریخ ابن وردی، نجف: المطبعه‌الحیدریه، چاپ دوم ۱۳۸۹ ق.

۴۲. ابن هشام، ابو محمد عبدالملک بن ایوب حمیری(۲۱۸ ه.)، السّیره النبویّه، تحقیق محی الدین عبدالمجید، قاهره ۱۳۵۶ ق. و تحقیق مصطفی السقاء و دیگران، بیروت: دار الوفاق ۱۳۵۵ ق.

۴۳. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیّین، شرح و تحقیق سید احمد صفر، بیروت: مؤسسه الاعلمی، چاپ دوم ۱۴۰۸ ق.

ص: ۲۴۴

۴۴. همو، الاغانی، تحقیق سید جابر، مکّه مکرمه: دار ابن باز [بی تا].

۴۵. ابو نعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله(م ۴۳۰ ه.)، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیاء، مصر: مکتبه‌الخانجی و مطبعه السعاده ۱۳۵۱ ق. دار الکتاب العربیه، بیروت: چاپ دوم ۱۳۸۷ ق.

۴۶. امینی، عبدالحسین(۱۳۴۹ ۱۲۸۱)، الغدیر فی کتاب والسنه و الادب، بیروت: دارالکتاب العربی، چاپ سوم ۱۳۴۶ ق.

۴۷. باسلامَه، حسین بن عبدالله، تاریخ عماره المسجدالحرام بما احتوی من مقام ابراهیم و بئر زمزم والمنبر و غیر ذلک، جده: تهامه، چاپ دوم ۱۴۰۰ ق.

۴۸. بحرانی، هاشم بن سعید بن سلیمان(۶۹۵ ه.)، غایه المرام و حجه الخصام فی تعیین الامام من طریق الخاص و العام، تهران: معارف اسلامی [بی تا].

۴۹. بخاری، محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن بردزبه الجعفی، صحیح البخاری، مصر: نشر احیاء کتب السنه، چاپ دوم ۱۴۱۰ ق.

۵۰. بکداش، سائد، فضل ماء زمزم و ذکر تاریخه و اسمائه، مکه: المکتبه المکیه ۱۴۱۳ ق.

۵۱. البکری الشافعی الاشعری المصری، محمد بن عبدالرحمن، الدُرَّهُ المکَلِّلَه فی فتح مکه المشرفه المُبَجَّله، مقدمه و تصحیح محمد حجازی، مصر: مکتبه الثقافیه الدینیه، چاپ اول ۱۴۰۷ ق.

۵۲. بکری، احمد موسی و دیگران، جغرافیه المملکه العربیه السعودیه، ریاض: وزارت المعارف ۱۳۹۴ ق.

۵۳. بلاذری، ابی الحسن احمد بن یحیی بن جابر(ف ۲۷۹)، انساب الاشراف، حققه محمد باقر المحمودی، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم ۱۹۷۴ م.

ص: ۲۴۵

۵۴. بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد(م ۴۴۰)، الآثار الباقیه عن القرون الخالیه، بغداد: مکتبه المثنی [بی تا].

۵۵. بیضون، ابراهیم، زکار، سهیل، تاریخ العرب السیاسی من فجر الاسلام حتی سقوط البغداد، بیروت: دارالفکر چاپ اول ۱۳۹۴ ق.

۵۶. بن سلام، احمدسعید، المدینه‌المنوره فی‌القرن‌الرابع عشرالهجری، مدینه: ۱۴۱۴ ق.

۵۷. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین(۴۵۸ ۳۸۴)، دلائل‌النبوّه، بیروت ۱۴۰۹ و ترجمه مهدوی دامغانی، تهران: علمی فرهنگی ۱۳۶۱ ش.

۵۸. جاحظ، ابوعثمان عمرو بن بحر(۱۶۰- ۲۵۵)، العثمانیّه، تحقیق عبدالسلام هارون، بیروت: دارالجیل، چاپ اول ۱۴۰۱ ق.

۵۹. جندی المکی، ابی سعید المفضل بن محمد(م ۳۰۷)، فضائل المدینه، تصحیح محمد مطیع الحافظ، غزوه بدیر، دمشق: دار الفکر، چاپ اول ۱۴۰۵ ق.

۶۰. جواد علی، المفصّل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت: دارالعلم للملائین ۱۹۶۸ م.

۶۱. حاکم حسکانی نیشابوری، عبیدالله(سده پنج)، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، حققه شیخ محمد باقر المحمودی، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات ۱۳۹۳ ق.

۶۲. حرّ عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تهران: مکتبه الاسلامیه، چاپ پنجم ۱۴۰ ق.

۶۳. خطیب بغدادی، حافظ ابی‌بکر احمد بن علی(۳۹۲- ۴۶۳ ه.)، تاریخ البغداد او المدینه السلام، مصر: مطبعه السعاده ۱۳۴۹ ق.

ص: ۲۴۶

۶۴. خفاجی، محمدعبدالمنعم، سیره خاتم‌المرسلین، بیروت: دار الجیل، چاپ اول ۱۴۱۱ ق.

۶۵. الخیاری، احمد یاسین احمد، تاریخ معالم المدینه المنوره قدیماً و حدیثاً، تحقیق: عبیدالله محمد امین کردی، مدینه: دارالعلم چاپ اول ۱۴۱۰ ق.

۶۶. دائره المعارف الاسلامیّه، احمد الشنتاوی، ابراهیم زکی خورشید، عبدالحمید یونس، تهران: جهان، بوذر جمهری [بی‌تا].

۶۷. دائره المعارف الشیعیّه، حسن الامین، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، چاپ دوم ۱۳۹۳ ق.

۶۸. دیار بکری حسن بن محمد بن الحسن(ف ۹۶۶)، تاریخ الخمیس فی احوال انفس النَّفیس، بیروت: مؤسسه شعبان للنشر و التوزیع [بی‌تا].

۶۹. دیلمی، ابن محمد الحسن بن الحسن محمد، ارشاد القلوب فی فضائل علی(ع)، نجف: مکتبه العلمیه ۱۳۷۰ ق.

۷۰. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان(م ۷۴۸)، تاریخ الاسلام و طبقات المشاهیر و الاعلام، عن نسخه دارالکتب المصریه، کویت: ۱۹۶۱ م.

۷۱. رازی، ابی محمد عبدالرحمن بن حاتم بن ادریس(۲۴۰- ۳۲۷ م)، علل الحدیث، مقدمه محب الدین الخطیب، بیروت: دارالمعرفه ۱۴۰۵ ق.

۷۲. رفعت پاشا، ابراهیم(۱۳۲۴ ق.)، مرآه الحرمین او الرحلات الحجازیّه و الحج و مشاعره الدینیه، مصر: دارالکتب المصریه ۱۳۴۴ ق.

۷۳. زبیدی، محمد مرتضی الحسینی، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق مصطفی حجازی، بیروت: دارالهدایه ۱۳۹۳ ق.

۷۴. زیعلی الحنفی، جمال الدین ابی محمد عبدالله بن یوسف(م ۷۶۲)، نصب

ص: ۲۴۷

الرایه لاحادیث الهدایه، بیروت: دار احیاء التراث، چاپ سوم ۱۴۰۷ ق.

۷۵. سعدی المقدسی، ضیاء الدین محمد بن عبدالواحد بن احمد(۵۶۹ ه.)، فضائل الاعمال، قاهره: دار الفداء العربی [بی تا].

۷۶. سهیلی، عبدالرحمان(۵۰۱ – ۵۸۱ ق.)، الروض الانف فی شرح السیره النبویه، تحقیق، عبدالرحمان الوکیل، قاهره: دارالکتب الحدیثه ۱۳۸۷ ق.

۷۷. سمهودی، ابوالحسن علی بن احمد(م ۹۱۱)، وفاء الوفا باخبار دار المصطفی، حققه و فصَّله محمد محیی الدین عبدالحمید، چاپ اول، قاهره: مطبعه السعاده ۱۳۷۴ ق.

۷۸. همو، الوفاء بما یجب بحضره المصطفی، فی رسائل تاریخ المدینه، حمد الجاسر، ریاض: دار الیمامه ۱۳۹۳ ق.

۷۹. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی‌بکر(م ۹۱۱)، لباب النقول فی اسباب النزول، تصحیح احمد عبدالشافی، بیروت: دارالکتب العلمیه [بی تا].

۸۰. الشامی، صالح‌الاحمد، اهل‌الصفه بعیداً عن‌الوهم و الخیال، بیروت: دار اعتصام. ۱۴۰۷ ق.

۸۱. شریف مرتضی، علی بن حسین بن موسی(۳۵۵- ۴۳۶)، الامالی/ غرر الفوائد و درر القلائد، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، مصر: داراحیاء الکتب العربی، عیسی البابی ۱۳۷۳ ق.

۸۲. الصاعدی، سعود بن عبدالمحیی و مطرالمحمدی، احد- الآثار، المعرکه، التحقیقات، مدینه: دارالمجتمع ۱۴۱۳ ق.

۸۳. طباطبائی حکیم، سید محسن، مستمسک العروه الوثقی، بیروت: دار احیاء التراث چاپ دوم ۱۳۹۱ ق.

۸۴. طبرسی، ابو منصور احمد بن علی(سده ۶)، الاحتجاج علی اهل اللجاج،

ص: ۲۴۸

محمد حسین خلف، رمضانعلی کاشانی، ایران: چاپ سنگی، دارالطباعه ۱۳۰۲ ش.

۸۵. طبری، محمد بن جریر بن یزید(۲۲۴– ۳۱۰ ه–)، الرسل و الملوک/ تاریخ الطبری، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ دوم ۱۴۰۸ ق. و مصر: مطبعه الاستقامه ۱۳۵۷ ق.

۸۶. همو، تهذیب الآثار، مسند عمر بن خطاب، السفر الثانی، اخرج احادیثه محمد محمود شاکر، قاهره: المؤسسه السعودیه [بی تا].

۸۷. طبری، حافظ ابی العباس احمد بن عبدالله محب‌الدین(۶۱۵ ق.)، القری لقاصد ام القر ی، تحقیق مصطفی السقاء، بیروت: دارالفکر چاپ دوم ۱۴۰۳ ق.

۸۸. طریحی نجفی، فخرالدین بن محمد بن علی بن احمد(۱۰۸۵ ه.)، مجمع البحرین و مطلع النیرین، تحقیق: احمد الحسینی، تهران: مرتضوی ۱۳۶۲ ش.

۸۹. طوسی، ابی‌جعفر محمد بن الحسن، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه شیخ مفید، تحقیق موسوی الخراسانی، تهران: دارالکتب الاسلامیه ۱۳۶۵ ش.

۹۰. عبدالغنی، محمد الیاس، بیوت الصحابه حول المسجد النبوی الشریف، المدینه المنوره، مطابع الرشید، ۱۴۱۲ ق.

۹۱. همو، تاریخ مکه المکرّمه قدیماً وحدیثاً، المدینه المنوره، مطابع الرشید، ۱۴۲۲ ق.

۹۲. همو، تاریخ المسجد النبوی الشریف، المدینه المنوره، مطابع الرشید، ۱۴۲۴ ق.

۹۳. العاملی، جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، قم: ۱۴۰۳ ق.

۹۴. عسّاف، احمد محمد، خلاصه الاثر فی سیره سید البشر، بیروت: دار احیاء العلوم، چاپ اول ۱۴۰۸ ق.

ص: ۲۴۹

۹۵. غزّالی، ابوحامد محمد بن محمد، احیاء العلوم، بیروت: دارالفکر، چاپ دوم ۱۴۰۹ ق.

۹۶. فاسی المکی المالکی، ابی‌الطیب تقی الدین محمد بن احمد بن علی(۷۷۵- ۸۲۳ ه.)، شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، حققه عمر عبدالسلام تدمری- بیروت: دارالکتاب العربی، چاپ اول ۱۴۰۵ ق.

۹۷. فاکهی، ابی عبدالله، محمد بن اسحاق، اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، تحقیق عبدالملک بن عبدالله بن دهیش، مکه: مکتبه النهضه الحدیثه، چاپ اول ۱۴۰۷ ق.

۹۸. فروخ، عمر، تاریخ صدر الاسلام و الدوله الامویه، بیروت، دارالعلم للملائین، چاپ اول ۱۹۷۰ م.

۹۹. فیروزآبادی، مجدالدین ابوطاهر محمد بن یعقوب(۷۲۹- ۸۱۷ ه.)، المغانم المطابه فی معالم طابه، تحقیق حمد الجاسر، ریاض: دارالیمامه ۱۳۸۹ ق.

۱۰۰. کاندهلوی، محمد یوسف، حیاه الصحابه، بیروت: دارالمعرفه [بی تا].

۱۰۱. کلبی، هشام بن سائب، الاصنام، تحقیق احمد زکی پاشا، قاهره: ۱۹۲۵ م.

۱۰۲. کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب(م ۳۲۸)، الفروع من الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم ۱۳۶۳ ش.

۱۰۳. گنجی شافعی، ابوعبدالله محمد بن یوسف(ف ۶۵۸)، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی‌طالب ۷، تحشیه طباطبائی [بیم. بین. بیت].

۱۰۴. لبیب البتنونی، محمد، الرحله الحجازیه، عباس حلمی پاشا الثانی خدیو مصر، قاهره: مکتبه الثقافیه الدینیه [بی تا].

۱۰۵. العاملی، محسن الامین، مفتاح الجنّات فی الادعیه والاعمال و الصّلوات و

ص: ۲۵۰

الزّیارات، بیروت: مؤسسه الاعلمی، چاپ اول [بی تا].

۱۰۶. متقی الهندی، علاءالدین متقی بن حسام الدین، کنزالعُمال فی سنن و الاقوال والافعال، بیروت: مؤسسه الرساله ۱۴۰۹ ق.

۱۰۷. مجلسی، محمد باقر(۱۱۱۱ ه.)، بحارالانوار، نهض مشروحه سید جواد العلوی و محمد الاخوندی، تهران: ۱۳۸۸ ق.

۱۰۸. مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین شافعی(ف ۳۴۵ ه.)، مروج الذهب و معادن الجوهر، مصر: مطبعه البهیه المصریه، اداره الملتزم ۱۳۴۶ ق؛ لبنان، دارالقلم ۱۴۰۸ ق.

۱۰۹. همو، التّنبیه و الاشراف، بیروت: مکتبه خیاط ۱۹۶۵ م.

۱۱۰. مسلم، امام محمد، الصحیح، بشرح الامام النووی، بیروت: دارالفکر [بی تا].

۱۱۱. مصعب زبیری، ابی‌عبدالله مصعب، کتاب نسب قریش، تحقیق لیوی بردفینسال، مصر، دار المعارف، [بی تا].

۱۱۲. مفید، محمد بن نعمان(۳۳۶- ۴۱۳ ه.)، الارشاد، صححه و اخرجه سید کاظم الموسوی المیاموی، شیخ محمد الآخوندی، بیروت: دارالکتب اسلامیه ۱۳۷۷ ق.

۱۱۳. مقدسی، طاهر بن مطهر(م ۱۰۱۰ ه.)، البدء و التّاریخ، پاریس: تحت اشراف کلمان هوار فرانسوی ۱۹۰۷ م؛ ایران: مکتبه الاسلامیه ۱۹۶۲ م.

۱۱۴. ملا خاطر، ابراهیم، فضائل المدینه المنوره، دمشق- مدینه: مؤسسه علوم القرآن ۱۴۰۴ ق.

۱۱۵. نسائی، سنن، به شرح جلال الدین سیوطی، بیروت: دارالکتب العلمیه [بی تا].

ص: ۲۵۱

۱۱۶. نهروانی المکی الحنفی، قطب الدین، الاعلام باعلام بیت‌اللّه الحرام، بیروت: دارالرائق التراث العربی [بی‌تا].

۱۱۷. واقدی، محمد بن عمر بن سعد بن کاتب(م ۲۰۷ ه.)، المغازی، تحقیق مارس جونس، بیروت: [بی‌تا].

۱۱۸. وزاره الاعلام الشؤون الاعلامیه الاعلام الداخلی، فی خدمه ضیوف الرحمن، ریاض: دارالموسوعه العربیه ۱۴۱۱ ق.

۱۱۹. ولی، طه، المسجد فی الاسلام، بیروت: دارالعلم للملائین ۱۴۰۹ ق.

۱۲۰. همدانی، احمد الرحمانی، فاطمه الزهراء بهجه قلب المصطفی من المهد الی اللحد، بیروت: النعمان ۱۴۱۱ ق.

۱۲۱. یاسین، محمود، الرحله الحج و العمره، بیروت: دارالهجره، چاپ اول ۱۴۰۸ ق.

۱۲۲. یاقوت حموی، شهاب الدین ابو عبدالله(۶۲۶ ۵۷۴ ه.)، معجم البلدان، تهران: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران [بی‌تا]؛ مصر: تصحیح محمد الخانجی، احمد ناجی الجمالی ۱۳۲۳ ق، بیروت: دارالفکر [بی‌تا].

۱۲۳. یعقوبی، احمد بن یعقوب بن جعفر، الشهیر بابن واضح الاخباری(ف ۲۸۴ ه.)، تاریخ الیعقوبی، نجف: مکتبه المرتضویه ۱۳۵۸ ق؛ بیروت: دار صادر، دار بیروت ۱۳۷۹ ق.

۱۲۴. همو، کتاب البلدان، بیروت: دار احیاء التراث العربی ۱۴۰۸ ق.

۱۲۵. یلماز طرجان، ا لکعبه المشرفه، دراسه اثریهٌ لمجموعهِ اقفالِها و مفاتیحها المحفوظه فی متحف طوب قابی باستانبول، استانبول: ۱۴۱۴ ق.

ب) فارسی

ص: ۲۵۲

۱۲۶. ابو یوسف قاضی انصاری، یعقوب بن ابراهیم(۱۸۲ ۱۱۲ ه)، الخراج، ترجمه میر علی اصغر شعاع، افغانستان: مدیریت جریده وزارت مالیه ۱۳۳۵ ق.

۱۲۷. ازرقی، ابوالولید محمد بن عبدالله بن احمد، اخبار مکه و ماجاء فیها من الآثار، تحقیق رشد الصالح ملخس، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: بنیاد ۱۳۶۸ ش.

۱۲۸. شوقی ضیف، العصرالجاهلی، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران: امیرکبیر ۱۳۶۴ ش.

۱۲۹. فراهانی، میرزا عبدالحسین(۱۳۰۳)، سفرنامه فراهانی به قفقازیه مکه، به اهتمام حافظ فرمانفرماییان، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات ۱۳۴۲ ش.

۱۳۰. کَمّونه حسینی، سید عبدالرزاق، آرامگاه‌های خاندان پاک پیامبر(ص) و بزرگان صحابه و تابعین، ترجمه عبدالعلی صاحبی، مشهد: آستان قدس رضوی ۱۳۷۱ ش.

۱۳۱. مصاحب، غلامحسین(۱۲۸۹ ه.)، دائره المعارف فارسی، تهران: فرانکلین ۱۳۴۵ ش.

۱۳۲. نجفی، محمد باقر، مدینه شناسی، بی‌نا، ۱۳۶۳ ش.

ص: ۲۵۳

ج) خارجی

۱۳۳- Encyclopedia of Islam. Ej. Brill. Leiden. New York. Robenhurn ۱۹۸۷

۱۳۴- Carl Brokelmann- History of the Islamic peopels. London and Bradford, ۱۹۶۴

۱۳۵- Glubb, John Bagot- the life and times of Mohammad.

۱۹۷۰ hodder and stoughton first printed.

۱۳۶- Wellhosen, Julius- the Arab kingdom and its fall. london curzen pres, ۱۹۷۳

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَیْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».